

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی زبان قرآن (۱)

رشته‌های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی – ادبیات و علوم انسانی – فنی و حرفه‌ای و کاردانش

کتاب معلم
(راهنمای تدریس)

پایه دهم
دوره دوم متوسطه

۱۳۹۵



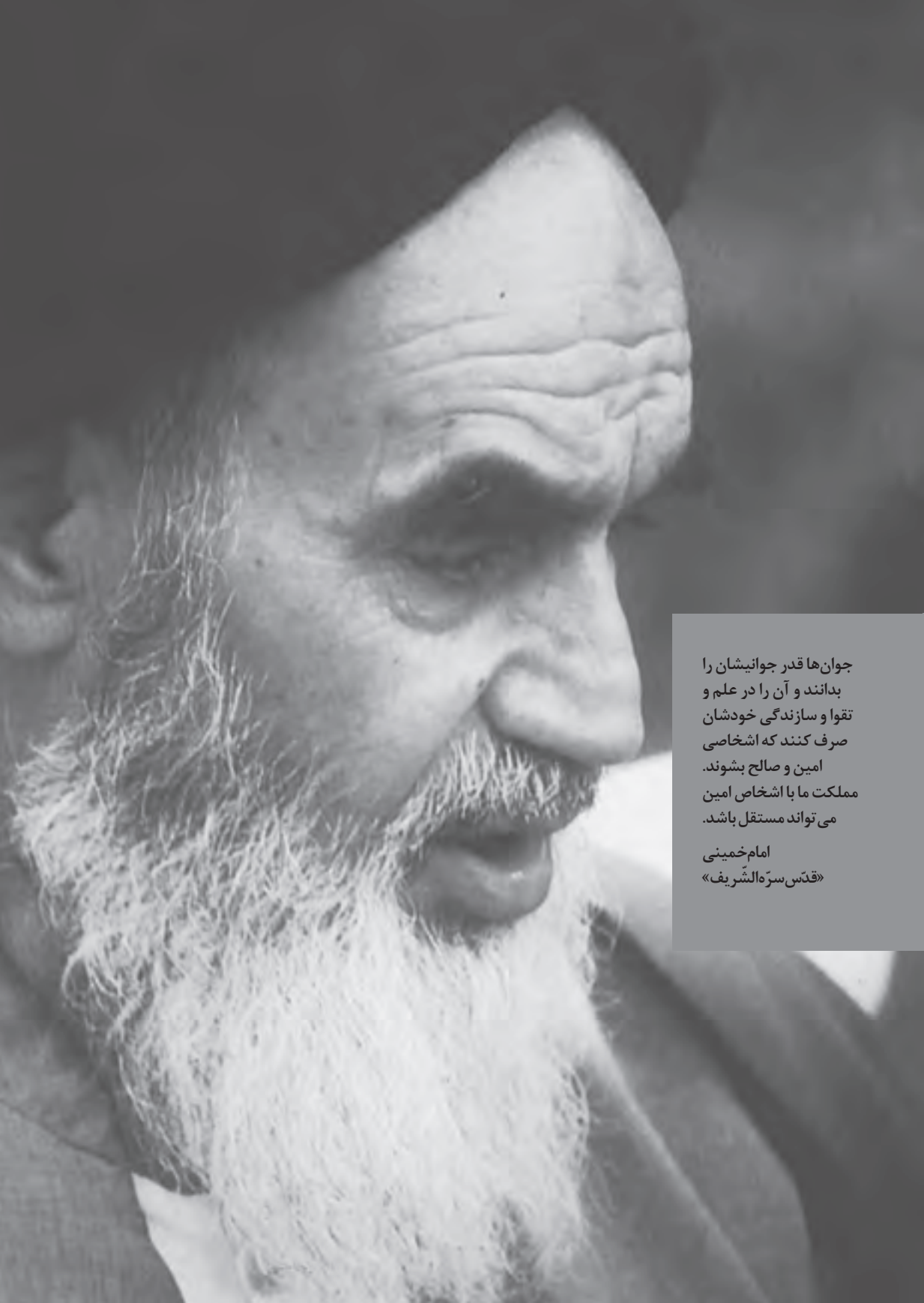
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: کتاب معلم عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۳۶۹
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، علی چراغی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری، سیدمهدی سیف (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: عادل اشکیوس، ابادر عیاجی، فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای گروه تألیف)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: لیدا نیکروش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - شهرزاد قنبری (صفحه‌آرا) - سیده‌فاطمه طباطبائی، مهلا مرتضوی، وجیهه برادران‌سادات، سیمالطفی، سیده ملک‌ایزدی، مریم دهقان‌زاده، راحله‌زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۹۲۶۶-۸۸۳۰، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارویش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵
- سال انتشار و نوبت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهمی خاص»
چاپ اول ۱۳۹۵

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۶۲۳-۱

ISBN: 978-964-05-2623-1



جوان‌ها قدر جوانیشان را
بدانند و آن را در علم و
تقوا و سازندگی خودشان
صرف کنند که اشخاصی
امین و صالح بشوند.
مملکت ما با اشخاص امین
می‌تواند مستقل باشد.

امام خمینی
«قدس سره الشریف»

الفهرس

مقدمه

۱	بخش اول: اهداف کلی برنامه درسی عربی و شبکه مفهومی
۵	بخش دوم: روش‌ها و منابع یاددهی - یادگیری
۱۳	بخش سوم: طرح درس
۲۱	بخش چهارم: بارم‌بندی و نمونه سؤال امتحانی
۳۹	بخش پنجم: نمونه سؤال امتحان نوبت اول و دوم عربی زبان قرآن (۱)
۴۸	بخش ششم: نمونه سؤال امتحان نوبت اول و دوم عربی (۱) رشته ادبیات و علوم انسانی
۵۷	بخش هفتم: توضیحات مشترک در تدریس عربی زبان قرآن پایه دهم همه درس‌های کتاب
۱۱۹	بخش هشتم: محتوای کتاب‌های عربی زبان قرآن درسی پایه دهم و چگونگی آموزش درس‌ها
۱۲۰	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
۱۳۴	الدَّرْسُ الثَّانِي
۱۴۷	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ
۱۶۷	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
۱۷۵	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
۱۸۴	الدَّرْسُ السَّادِسُ (عربی زبان قرآن)
۱۹۶	الدَّرْسُ السَّادِسُ (علوم انسانی)
۲۰۴	الدَّرْسُ السَّابِعُ (عربی زبان قرآن) الدَّرْسُ الثَّامِنُ (عربی علوم انسانی)
۲۱۳	الدَّرْسُ السَّابِعُ (عربی علوم انسانی)
۲۲۲	الدَّرْسُ الثَّامِنُ (عربی زبان قرآن)
۲۲۸	پاسخ پرسش‌های دیران
۲۳۰	چهل حدیث با ترجمه شعری از حضرت علی <small>عَلِيٌّ</small>
۲۳۸	معرفی منابع
۲۴۵	طرح پشت جلد

مقدمه

برنامه‌ریزان درسی به هنگام تدوین برنامه‌هایشان تلاش می‌کنند تا رویکرد تألیف کتاب جدید و نیز روش‌های تدریس مورد انتظار خود را تبیین کنند؛ اما گاهی نتایج ارزشیابی از برنامه‌های درسی مختلف، نشان‌دهنده فاصله میان برنامه قصدشده و برنامه اجرا شده است. یکی از اسنادی که در این باره می‌تواند تا حدودی فاصله میان نظر و عمل تربیتی را در نظام آموزشی بکاهد کتاب «راهنمای معلم» است.

در نظام آموزشی ایران، معلمان برای تدریس عموماً به کتاب درسی متکی هستند و به پیروی از محتوای عرضه شده قناعت می‌کنند و کمتر درباره شیوه‌های تدریس و یادگیری و امکان تعدیل محتوای کتاب درسی و مطابقت آن با نیازهای دانش‌آموزان می‌اندیشند. گاهی حتی برخی به کتابی که خودشان در دوره دانش‌آموزی خوانده‌اند یا کتابی که قبلاً تدریس داشته‌اند وفادار می‌مانند. برای برخی معلمان بسیار سخت است که شیوه تدریس خود را تغییر دهند. این گروه اندک، هرچه را قبلاً آموخته‌اند درست می‌دانند و حاضر به دست برداشتن از شیوه‌های منسوخ نیستند. هنوز دیرانی هستند که درس عربی را فقط صرف فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و صرف ضمایر و اسماء اشاره و ... می‌دانند. برای این گروه، مهارت‌های شنیدن، خواندن و سخن گفتن بی‌معناست؛ زیرا در گذشته، خودشان نیز اینگونه آموزش دیده‌اند. با تغییر رویکرد کتاب‌های درسی عربی به صورت «پرورش مهارت‌های چهارگانه زبانی به منظور فهم بهتر قرآن و متون دینی و زبان و ادبیات فارسی» بسیاری از دبیران تاکنون در دوره اول متوسطه در پی دانش‌افزایی خویش برآمده‌اند.

برخی دبیران فرصت انتخاب و تنظیم فعالانه محتوا را ندارند و به شکل طبیعی به افزایش ظرفیت‌های حرفه‌ای خود برای مداخله به‌هنگام و تأثیرگذار نیازی حس نمی‌کنند. آگاهی از رویکرد و شیوه‌های تدریس کتاب نونگاشت، لازم است. تدریس بدون اطلاع داشتن از اهداف کتاب درسی، موفق نیست.

فلسفه آموزش عربی در ایران چیست؟

در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اینگونه آمده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاسها و در همه رشته‌ها تدریس شود».

در «برنامه درسی ملی» در مورد قلمرو حوزه درس عربی چنین آمده است:

«... آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی، یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد».

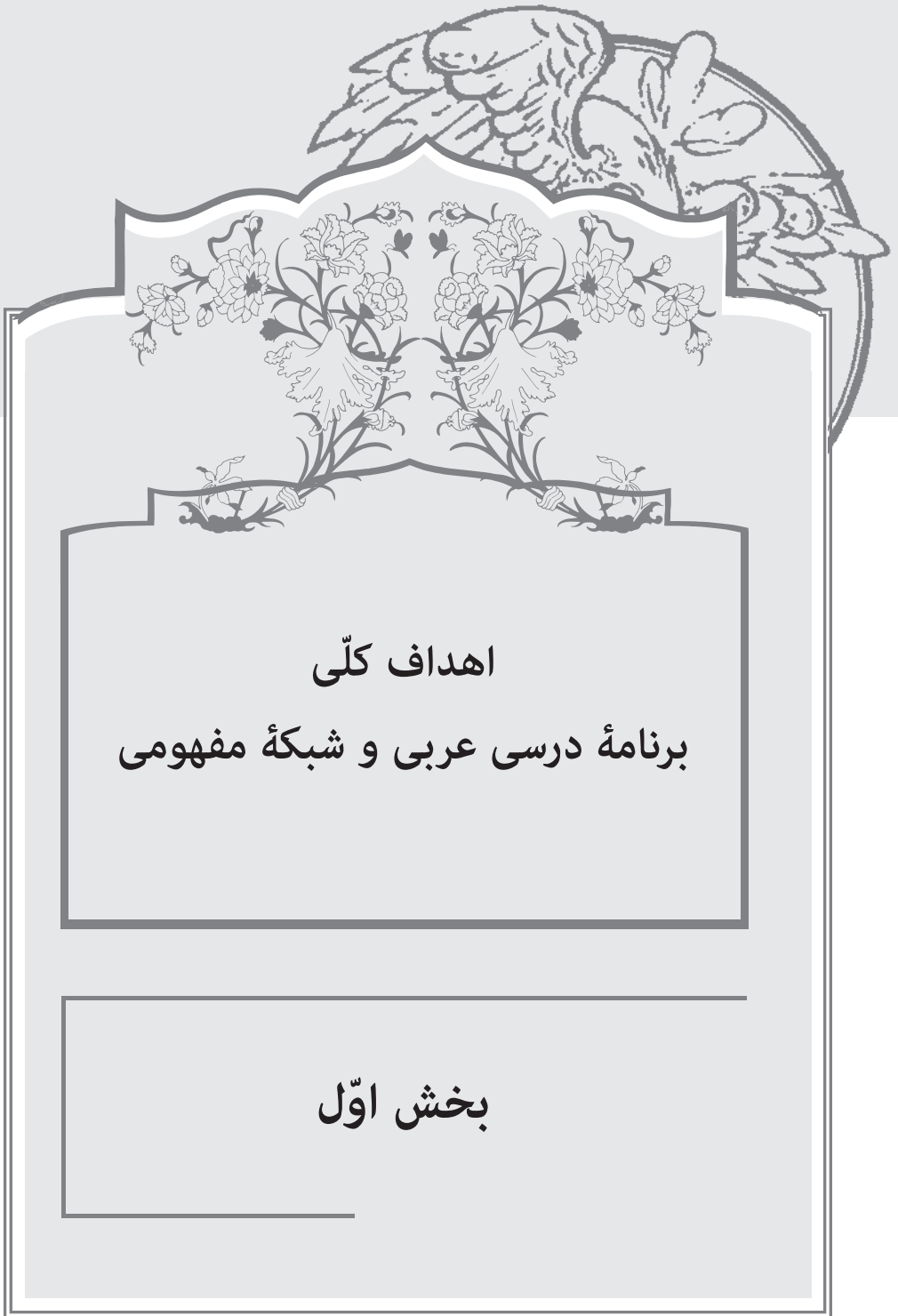
در «برنامه درسی عربی» نیز درباره رویکرد و شیوه نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی چنین آمده است:

۱. رویکرد «پرورش مهارت‌های زبانی برای فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی» و حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان و متن محوری به جای قاعده محوری.

۲. کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده گرفتن آنها در این فرایند آسیمی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد؛ در عوض توجه بیشتر به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی.

شایستگی مورد نظر برنامه درسی عربی از دانش‌آموزان:

برنامه درسی زبان عربی انتظار دارد دانش‌آموزان بتوانند در پایان دوره اول متوسطه به فهم عبارات کوتاه و ساده به کار رفته در متون دینی و ادبی و در پایان دوره دوم متوسطه به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر نسبت به دوره اول متوسطه دست یابند. دانش‌آموز در دوره اول متوسطه حدود ۸۲۰ واژه پرکاربرد زبان عربی را یاد می‌گیرد. با احتساب جمع‌های مکسر، تعداد واژگان حدود ۸۵۰ واژه است. این واژه‌ها علاوه بر اینکه در زبان عربی پربسامد هستند در متون دینی و ادبی ما نیز کاربرد فراوان دارند. کلمات به کار رفته در کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند. در کتاب عربی زبان قرآن (۱) حدود ۳۵۰ کلمه پرکاربرد به کار رفته است و افزون بر آن، نزدیک به ۸۵۰ واژه کتاب‌های عربی پیشین نیز در کتاب دهم تکرار شده‌اند؛ پس در واقع هدف این کتاب، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۵۰ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی دارند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.



اهداف کلی
برنامهٔ درسی عربی و شبکهٔ مفهومی

بخش اوّل



شبکه مفهومی کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه

عبارات اهداف در این جدول به صورت مفاهیم و مهارت‌هاست و با عنایت به ساختار شبکه‌ای نوشته شده است.

دهم	نهم	هشتم	هفتم	پایه	۳ ۲ ۱
آموزش حدود ۳۵۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و تکرار واژگان عربی دوره اول متوسطه (در مجموع حدود ۱۲۰۰ کلمه پرکاربرد)	آموزش حدود ۲۲۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده ^۱ و تکرار واژگان پایه هفتم و هشتم (با جمع‌های مکسر در مجموع ۸۵۰ کلمه)	آموزش حدود ۲۰۰ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده ^۲ و تکرار واژگان پایه هفتم (در مجموع حدود ۶۰۰ کلمه)	آموزش حدود ۴۰۰ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و ساده	واژگان ^۱	

- ۱- کلماتی مانند کاتب، مکتوب، مکتبه، مکتب و مکاتبه که یک مدخل واژگانی مشترک دارند؛ در شمارش واژگان چند واژه محسوب می‌شوند، مگر اینکه دانش‌آموز قواعد آنها را فرا گرفته باشد. همچنین کلماتی مانند (وَ، فِ لِ يَ فِي، مِنْ، لَ و ...) که بسیار ساده‌اند؛ نیز محسوب می‌شوند. در گزینش واژگان، کلمات پربسامد مد نظر است. از به کارگیری واژگان کم کاربرد پرهیز می‌گردد. واژه‌های استفاده شده در درس مختلف یک پایه و نیز در پایه‌های بعد تکرار می‌گردند تا به تدریج ملکه ذهن دانش‌آموز شود.
- ۲- واژگان مشترک در هر دو زبان به عنوان واژگان جدید محسوب نمی‌شوند؛ مانند: کتاب، دفتر، قلم، مدرسه، معلم.
- اما واژگانی مانند «عامِل» که در هر دو زبان به کار می‌رود؛ ولی معنای متفاوت از هم دارند و در کتاب درسی به معنای «کارگر» می‌آید به عنوان واژگان جدید است.
- ۳- در گزینش واژگان به پربسامد بودن آن در قرآن، متون معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی توجه لازم می‌گردد.

<p>- نام عربی صیغه برای رشته‌های علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی ذکر می‌شود. (در سایر رشته‌ها نام صیغه ذکر نمی‌شود).</p> <p>- تکمیل مبحث اعداد که قبلاً یک تا ۱۲ خوانده شده و اعداد اصلی تا صد و ترتیبی تا بیستم ادامه می‌یابد.</p> <p>- فعل‌هایی که معادل ماضی اول شخص مفرد آنها بیش از سه حرف است به همراه مصدرهایشان. (ثلاثی مزید)</p> <p>در رشته‌های علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نام ثلاثی مزید و مجرد ذکر می‌شود، ولی در سایر رشته‌ها خیر.</p> <p>- جمله اسمیه (تشخیص مبتدا و خبر) و جمله فعلیه (تشخیص فعل، فاعل و مفعول)</p> <p>- معانی حروف جر و تشخیص جار و مجرور</p> <p>در رشته انسانی و معارف ذکر مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم در اعراب کلمات از اهداف است ولی در سایر رشته‌ها نیست.</p> <p>- نون وقایه</p> <p>- مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه)</p>	<p>- فعل امر</p> <p>- فعل نهی^۹</p> <p>- معادل ماضی استمراری</p> <p>- ترکیب اضافی و وصفی^{۱۰}</p> <p>- ساعت خوانی</p> <p>- وزن و حروف اصلی</p>	<p>-فعل مضارع^۶</p> <p>-بقیة ادوات استفهام (لماذا، متى، کیف)^۷</p> <p>-اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم^۸</p> <p>-فعل مستقبل</p> <p>- ترجمه داشتن (عندي...).</p>	<p>- اسم اشاره^۱</p> <p>- فعل ماضی^۲</p> <p>- ادوات استفهام^۳</p> <p>- اسم از نظر عدد و جنس^۴</p> <p>- اعداد اصلی یک تا دوازده^۵</p>	<p>ساختار زبان</p>
---	--	---	--	---------------------------

۱- اسم اشاره به نزدیک و دور همراه مشاّر الیه آن. اسم اشاره مثنای دور تدریس نمی‌شود.

۲- هدف تنها شناخت فعل ماضی است و ساخت آن مدّ نظر نیست.

۳- هَلْ ، أَيْنَ ، مَنْ ، مَا ، كَيْفَ (بقیة کلمات پرسشی در پایه هشتم تدریس می‌گردد).

۴- مفرد، مثنی و جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم، جمع مکسر. در بحث جنس تنها به تاء تأنیث اشاره می‌شود.

۵- بدون توجه به قواعد عدد و محدود و در حدّ واژگان جدید. آموزش اعداد اصلی و ترتیبی تنها در قالب واژه‌های جدید است. در شیوه تألیف، تدریس و ارزشیابی اعداد اصلی و ترتیبی از پاره‌ای قواعد که تجربه نشان داده است یادگیری را دچار اشکال جدی می‌نماید صرف نظر می‌شود؛ مانند ذکر ویژگی‌های محدود ۳ تا ۱۰ یا ۱۳ تا ۱۹ و عددهای اصلی صرفاً به صورت معروف (مذکر) در تمرین و به دنبال آن در ارزشیابی می‌آید.

۶- هدف شناخت فعل مضارع است و ساخت آن مدّ نظر نیست.

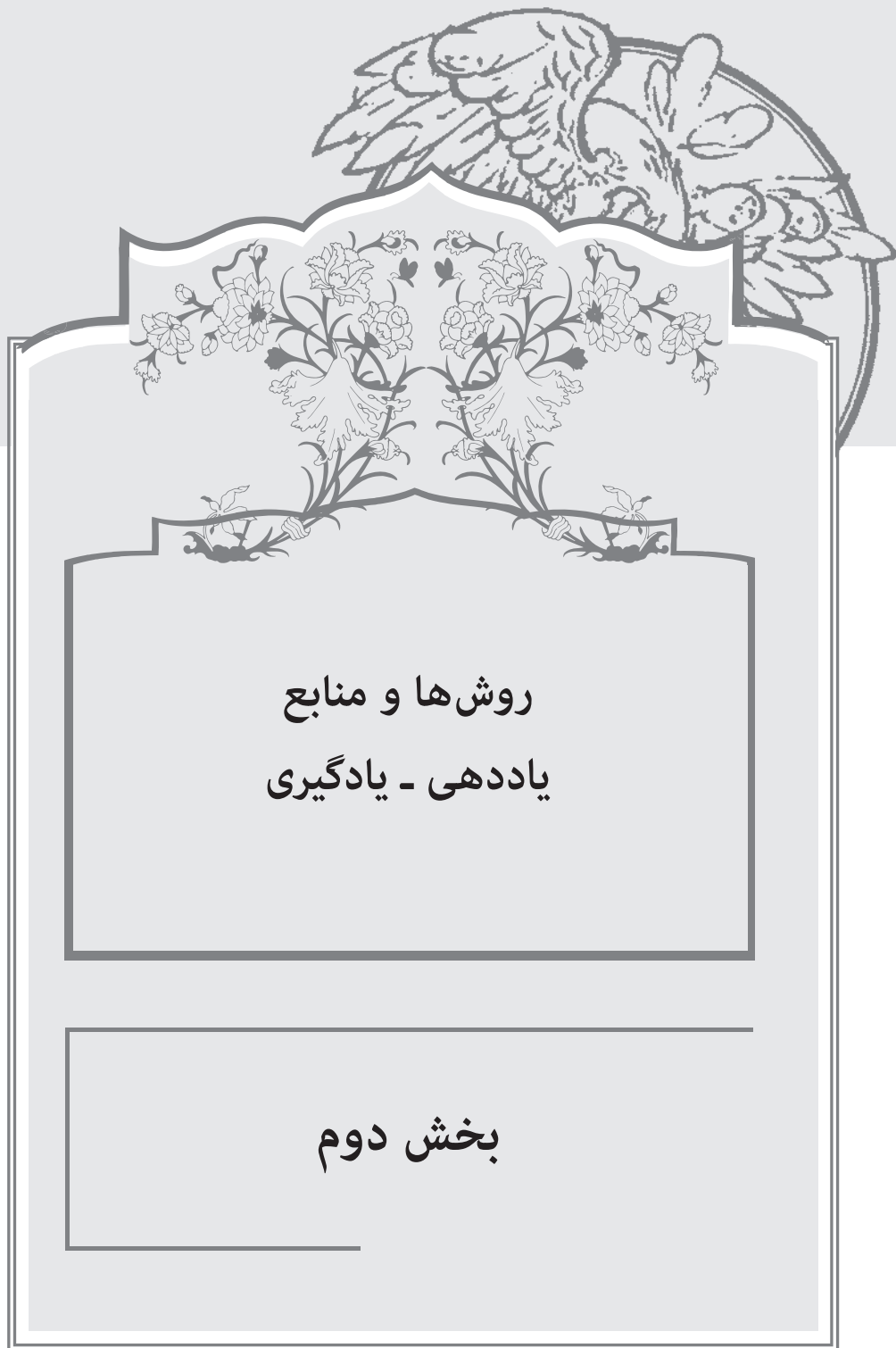
۷- کلمه پرسشی کم در پایه هفتم در کنار بحث اعداد یک تا دوازده تدریس شده است.

۸- بدون توجه به قواعد عدد و محدود و در حدّ واژگان جدید

۹- در امر و نهی فقط صیغه‌های مخاطب تدریس می‌گردد.

۱۰- در حدّ فهم معنا و بدون رویکرد قاعده‌ای. برای فهم ترکیبات مخلوط مانند «أخي العزيز»؛ ساخت ترکیب‌ها مدّ نظر نیست.

<p>ساخت ترکیب‌ها مد نظر نیست در رشته‌های علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نام اعراب کلمات یعنی مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم ذکر می‌شود ولی در سایر رشته‌ها خیر.</p> <p>- آیات کلام الله مجید؛ - احادیث معصومین؛ - یک شعر عربی؛ - داستان کوتاه؛ - ضرب المثل؛ - آداب و مهارت‌های زندگی؛ - در مراکز زیارتی و دیدنی؛ - متن علمی.</p>	<p>- آیات کلام الله مجید؛ - احادیث معصومین؛ - یک شعر عربی؛ - داستان کوتاه؛ - ضرب المثل؛ - آداب و مهارت‌های زندگی؛ - در مراکز زیارتی و دیدنی؛ - متن علمی.</p>	<p>- آیات کلام الله مجید؛ - احادیث معصومین؛ - داستان کوتاه؛ - دوستیابی؛ - ارزش‌ها و فرهنگ جامعه.</p>	<p>- آیات کلام الله مجید؛ - احادیث معصومین؛ - داستان کوتاه؛ - رنگ‌های اصلی؛ - روزهای هفته؛ - فصل‌ها.</p>	<p>متون و عبارات</p>
<p>- آشنایی با همدیگر؛ - در فرودگاه؛ - گفت‌وگو با راننده در شهر زیارتی؛ - در هتل.</p>	<p>- نحوه درخواست؛ - بازداشتن کسی از کاری؛ - احترام به قوانین جامعه مانند راهنمایی و رانندگی؛ - در سفر زیارتی.</p>	<p>- معرفی افراد به همدیگر؛ - وعده‌های غذایی؛ - پرسش از زمان و پاسخ بدان (اوقات شبانه روز، ماه و...) - پرسش از علت چیزی و پاسخ بدان؛ - پرسش از چگونگی کاری یا چیزی؛ - مشاغل و پرسش از شغل.</p>	<p>- سلام و احوال‌پرسی؛ - آشنایی با همدیگر؛ - خداحافظی؛ - تعارفات؛ - در شهرهای زیارتی؛ - در بازار؛ - پرسش از جای چیزی یا کسی. آدرس پرسیدن؛ - پرسش از ماهیت چیزی و نحوه پاسخ دادن؛ - پرسش از کیستی و پاسخ به آن و معرفی خود؛ - پرسش از رنگ.</p>	<p>مهارت سخن گفتن</p>



روش‌ها و منابع
یاددهی - یادگیری

بخش دوم

اصول یاددهی - یادگیری

راهبردهای یاددهی - یادگیری باید بتواند بستر شایسته را برای برآوردن اهداف برنامه درسی و تربیتی در راستای شکوفایی فطرت توحیدی و دستیابی به مراتبی از «حیات طیبه» فراهم کند. برای اجرای این مهم افزون بر اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی، اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری به شرح زیر خواهد بود:

۱ امکان درک و تفسیر پدیده‌ها؛ وقایع و روابط را در موقعیت‌های واقعی زندگی تدارک ببیند، (بند ۹ برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران) طوری که شرایط را برای درک و تصمیم‌گیری در مورد مسائلی که دانش‌آموزان در موقعیت‌های مختلف با آن مواجه می‌شوند با رعایت نظام معیار اسلامی فراهم کند.

۲ انگیزه دانش‌آموزان را از طریق کاوشگری در تلاش مداوم برای یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره پدیده‌ها، وقایع و روابط آنها شکوفا و تقویت کند.

۳ امکان درک و تفسیر قوانین کلی حاکم بر هستی و رابطه‌های علت و معلولی یا وابستگی پدیده‌ها را همراه با افزایش بصیرت در دانش‌آموزان فراهم کند.

۴ فرصت‌هایی را تدارک ببیند که شایستگی‌های کسب شده در فواصل زمانی توسط دانش‌آموز مرور و تصمیماتی برای تعدیل، بازنگری یا ادامه مسیر یادگیری توسط او اخذ شود.

۵ فرصت لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیری‌های جدید را به صورت یک پارچه و معنادار به منظور تحقق ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و توسعه شایستگی‌ها فراهم کند.

۶ با بهره‌مندی فزون‌تر از روش‌های فعال، خلاق و تعالی‌بخش و با سازماندهی نوآورانه و خلاق فرایند جمع‌آوری و انباشت حقایق، زمینه ساختن علم و معرفت را فراهم نماید.

۷ صرفاً به انتقال دانش محدود نشده است، بلکه زمینه تولید علم از سوی دانش‌آموزان را با تأکید بر مشارکت آنان در مفهوم، تدارک ببیند.

۸ زمینه تعامل مؤثر دانش‌آموزان را با معلم، همسالان و انواع محیط‌های یادگیری فراهم کند.

۹ زمینه بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین آموزشی را فراهم نماید و استفاده از آنها را با نگاه تقویتی و تکمیلی یا توانمندسازی نه نگاه جایگزینی و واگذاری دنبال کند.

اصول یاددهی-یادگیری در درس عربی پایه دهم به گونه‌ای سامان داده می‌شود که:

۱ آموزش به صورت فعال و با مشارکت گروهی دانش‌آموزان اجرا شود.

۲ چگونه آموختن و چگونه اندیشیدن و چگونه به حل مسئله پرداختن به دانش‌آموز، آموزش داده شود.

۳ معلم برای اطمینان یافتن نسبت به اعتبار فرایند یاددهی - یادگیری افزون بر ارزشیابی دانش‌آموزان نسبت به ارزشیابی از فعالیت‌های خود مبادرت ورزد.

۴ آموزش زبان عربی با هدف پرورش مهارت‌های زبانی صورت می‌گیرد. در این میان، نقش ترجمه و فهم عبارات و متون برجسته می‌گردد. در کتاب عربی دهم هدف این است که دانش‌آموز درست بخواند و معنای فارسی عبارات عربی را بفهمد.

تذکر مهم: در جدول وسعت و توالی، هر جا سخن از قواعد آمده است؛ قاعده محض مورد نظر نیست، بلکه هدف این است که با مطالعه آن نکته فهم زبان حاصل گردد.

۵ در شیوه‌های نوین آموزش عربی به مهارت خواندن، شنیدن و فهمیدن توجه بیشتر می‌شود.

۶ سنجش مهارت‌های زبانی بر این مبنا صورت می‌گیرد:

روان خوانی، ترجمه عبارات از عربی به فارسی، یادگیری عبارات و مصطلحات پربسامد و مهم زبان عربی برای تقویت مهارت سخن‌گفتن (به صورت پرسش و پاسخ میان دبیر و دانش‌آموز یا در میان دانش‌آموزان) در مورد مهارت نوشتن از آنجا که الفبای فارسی و عربی تقریباً یکی است، ارجاع به وجوه تمایز و اختلافات املائی کفایت می‌کند.^۱

۱- مثلاً کلمه آیه در فارسی آیه یا آیت نوشته می‌شود، و مُناجاة: مناجات؛ تریبة: تربیت؛ عَلِيّ: علی؛ اِسْتَوَاء: استوا و ...

شیوه‌ها و فعالیت‌های مناسب یاددهی - یادگیری

شیوه‌های مناسب یاددهی - یادگیری با توجه به اهداف و رویکردهای برنامه انتخاب و به کار گرفته می‌شود. در این راهنما تنها به اصول کلی شیوه‌های یاددهی - یادگیری اشاره می‌شود.

اصول کلی شیوه‌های یاددهی - یادگیری عبارت است از:

■ **قرائت:** در درس عربی روخوانی جایگاه خاصی دارد؛ از این رو، معلم باید از توانایی درست‌خوانی و روان‌خوانی برخوردار باشد تا بتواند متناسب با رویکرد اهداف و اصول برنامه آموزش دهد. تلفظ صحیح حروف «ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و» آموزش داده می‌شود. حرف «ک» در عربی و فارسی نیز تا حدودی فرق دارد. با توجه به اینکه در نماز خواندن تلفظ درست مخارج حروف اهمیت دارد، لذا دبیر عربی به این بخش توجه دارد.^۱

■ **ترجمه:** نظر به جایگاه ارزشمند ترجمه در آموزش زبان عربی شایسته است از الگوها و شیوه‌هایی کارساز برای آموزش ترجمه بهره گرفته شود. گاهی استفاده از زبان فارسی در تفهیم فنون ترجمه کارآمد است؛ مانند تطبیق انواع فعل در دو زبان، به همین منظور بخش فن ترجمه به منظور آموزش مفاهیم بنیادین فنون ترجمه در کتب درسی آمده است. در همین کتاب منابع تخصصی زبان و ادبیات عربی معرفی شده‌اند.

■ **قواعد:** قواعد کاربردی به عنوان اصلی اساسی مورد توجه برنامه‌ریزان، مؤلفان و معلمان قرار می‌گیرد. در یادگیری هر زبانی آموزش قواعد لازم است. در کتاب‌های درسی ایران به این نکته کمتر توجه شده است که آنچه یک دانش‌آموز عرب در زمینه قواعد نیاز دارد با نیاز یک دانش‌آموز ایرانی فرق دارد. توجه به قواعد کاربردی و یافتن شاهد از متن مورد تأکید است. در این باره شایسته و بایسته است که:

■ از تأکید بر حفظ قواعد پرهیز گردد؛ در آموزش عربی طرح چنین سؤالی در

۱- در کتاب معلم متون و عبارات با تلفظ صحیح قرائت می‌شوند.

امتحان نادرست است: (ماضی استمراری را تعریف کنید.) سؤال درست این است که ترجمه این عبارت خواسته شود: (كَانَ أَخِي يُسَاعِدُ زُمَلَاءَهُ أَيَّامَ الْمَدْرَسَةِ.) وقتی که دانش‌آموز بتواند این جمله را ترجمه کند معنایش این است که معادل ماضی استمراری را در عربی شناخته است.

۲ الگوی دانش‌آموز محور انتخاب گردد؛ تدریس متکلم وحده در آموزش زبان نادرست است.

۳ بر روش‌های اکتشافی و پرسش و پاسخ در این بخش در یادگیری تأکید شود؛ آنچه را دانش‌آموز با راهنمایی معلم دریابد و خودش پی‌برد سپس تمرین کند، برایش ملکه ذهن می‌شود.

۴ به آموخته‌های پیشین دانش‌آموزان توجه گردد. دبیری که از ۸۵۰ کلمه دوره اول متوسطه بی‌اطلاع است و نمی‌داند که فراگیر قبلاً چه قواعدی را خوانده است در تدریس با دشواری رو به رو می‌شود.

۵ قواعد عربی به دستور زبان فارسی پیوند بخورد و آموزش قواعد برای فهم بهتر بومی‌سازی شود؛ برای نمونه، وقتی می‌خواهیم فعل مجهول (كُتِبَ و يُكْتَبُ) را آموزش دهیم، بدیهی است که نخست باید فعل مجهول فارسی (نوشته شد و نوشته می‌شود) را تفهیم کرد.

۶ به امثال و حکم در این حیطة استشهاد شود؛ زیرا از زیباترین سخنان در هر ادبیاتی هستند و در زبان عربی زیباترین شاهد از قرآن و حدیث است.

۷ پاره‌ای از مباحث دستوری در دریافت معنا تأثیر چندانی ندارند؛ لذا برخی قواعد حذف می‌شود. مانند بحث غیر منصرف که برای دانش‌آموز ایرانی به ویژه در رشته ریاضی و تجربی و فنی سودی ندارد و تنها موجب طراحی سؤالات معماگونه و پیچیده می‌شود.

۸ قواعد باید خدمتگزار فهم عبارات و متون باشند؛ زیرا رویکرد کتاب‌های جدید عربی بر پایه مهارت‌های چهارگانه زبانی و متن محور است؛ قاعده باید به این مهم کمک کند.

تمرین‌ها: در هر درس، تمرینات مناسبی طراحی شده است. در طرح تمرین به اصل مهم تثبیت آموخته‌ها توجه شده است. پاسخ به تمرینات هر درس نشانگر میزان موفقیت معلّم و دانش‌آموز در فرایند یاددهی-یادگیری است؛ لذا انتخاب روش‌های فعّال و مشارکتی در تمرینات، گریزناپذیر است. معلّم در این بخش نقش راهنما را ایفا می‌نماید.

ارتباط افقی برنامه با سایر حوزه‌های یادگیری

در میان دروس دوره دوم متوسطه درس عربی زبان قرآن با دروس زیر پیوند یا همانندی بیشتری دارد:

۱ دین و زندگی

۲ زبان و ادبیات فارسی

۳ زبان انگلیسی

ارتباط این دروس با درس زبان عربی از نوع نظری یا عملی است که به آنها اشاره می‌شود.

۱ دین و زندگی: از برنامه درسی دین و زندگی و قرآن دوره دبستان و دوره اول متوسطه انتظار می‌رود:

توانایی لازم را برای درست‌خوانی و روان‌خوانی طی آموزش قرآن در دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه ایجاد کند.

در زمینه ترجمه و درک و فهم آیات قرآن کریم دقت شود آنجا که دریافت معنا وابسته به یادگیری ساختارهای زبانی جمله و نیز ذخیره واژگانی است، بستر این موضوع پیش از درس دین و زندگی و قرآن در درس زبان عربی فراهم شده باشد؛ به عنوان نمونه می‌توان به انواع فعل اشاره کرد.

به هنگام استشهاد به آیات، احادیث و روایات به آموخته‌های درس عربی دانش‌آموزان توجه شود.

در محدوده قواعد صرفی و نحوی و فنون ترجمه که مربوط به درس عربی است،

دخالت نشود و درس آموزش قرآن وظیفه اصلی و مقدّس قرائت صحیح را بر عهده گیرد. وظیفه تدبّر در قرآن برعهده درس دین و زندگی و آموزش زبان بر عهده درس عربی است. ■ در نگارش کتاب‌های نونگاشت به متون موجود در کتب عربی توجه شود که هم‌زمان در کتاب عربی و دین و زندگی، قرآن یا ادبیات تکرار نشود. متن تکراری نشان‌دهنده ناهماهنگی برنامه‌ریزان است.

۲ زبان و ادبیات فارسی: از برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی انتظار می‌رود:

■ برجایگاه مهم یادگیری زبان عربی به عنوان زبان دین و فرهنگ اسلامی طی متونی در کتاب درسی تأکید کند و لزوم یادگیری زبان عربی را در جهت فهم عمیق‌تر و مؤثرتر زبان و ادب فارسی یادآور شود.

■ در بیان پیوند میان دو زبان و اهتمام ایرانیان به زبان و ادبیات عربی نمونه‌هایی از اشعار مملّح شاعران و شاهکارهای ادبی نثرنویسان ایرانی به زبان عربی را در محتوای آموزشی بگنجانند.

■ از آنجا که عربی، انگلیسی و فارسی سه زبان هستند؛ همکاری میان این سه گروه لازم است. شباهت گروه درسی عربی به دو گروه زبان و ادبیات فارسی و گروه انگلیسی از این نظر که آموزش زبان است بیشتر از دیگر گروه‌های درسی است.

۲ زبان انگلیسی: از برنامه درسی زبان انگلیسی انتظار می‌رود در بخش گرامر به کتب دستور زبان فارسی و بخش قواعد عربی مراجعه کند تا در صورت امکان در تقدّم و تأخّر برخی نکات اقدام کند؛ مثلاً بحث معلوم و مجهول یا جمله شرطی، ترکیب اضافی و وصفی، ضمائر مفعولی و بسیاری از بحث‌های دیگر در هر سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی مشترک است. همچنین توجه به متونی که در هر سه کتاب آمده است. شایسته است متون این کتاب‌ها تکراری نباشد. همچنین از آنجا که عربی، انگلیسی و فارسی سه زبان هستند؛ همکاری و تبادل تجربیات به لحاظ همانندی گروهی میان این سه گروه لازم است. این سه گروه می‌توانند تجربه‌های سودمند خود را در زمینه شیوه‌های نوین و کارآمد در اختیار همدیگر بگذارند.

توصیه‌های اجرایی برنامه

شیوه‌های گسترش و تقویت برنامه درسی

۱ استفاده از بسته آموزشی: بسته آموزشی متون و برنامه‌های آموزشی ای است که برای برآوردن اهداف برنامه درسی یک درس تولید و در قالب‌های گوناگونی عرضه می‌شود؛ شامل کتاب درسی، راهنمای تدریس معلم، نرم‌افزار بر فراز آسمان، کتاب‌کار، کتاب‌گویا، اعلان، فلش‌کارت، پاورپوینت، فیلم، اینفوگراف، وسایل کمک آموزشی، وبلاگ و وبگاه.

۲ آگاه‌سازی اولیای دانش‌آموزان: انجمن اولیا و مربیان در این زمینه می‌تواند نقش مهمی داشته باشد.

۳ انجمن‌های علمی معلمان: تشکیل انجمن‌های علمی نقشی مهم در تحقق اهداف برنامه ایفا می‌کند. دبیران به عنوان افراد آشنا با مسائل آموزشی می‌توانند با تشکیل انجمن‌های علمی به عنوان بازوی اجرایی برنامه در سطح کشور ایفای نقش نمایند.

۴ دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی و پایگاه کیفیت‌بخشی فرایند آموزش عربی: دبیرخانه و پایگاه به دلیل ارتباط با گروه‌های آموزشی می‌توانند به عنوان دو بازوی اجرایی برنامه درسی عمل نمایند.

۵ وبگاه گروه درسی عربی: گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی با به‌روزرسانی و توانمندسازی وبگاه خود می‌تواند با کلیه دست‌اندرکاران آموزش، دانش‌آموزان و اولیای آنان در ارتباط باشد. وبگاه عربی دفتر همه وبلاگ‌های موفق دبیران عربی و نیز گروه‌های آموزشی و نیز وبگاه‌های تخصصی حوزه زبان و ادبیات عربی را لینک می‌کند. با مراجعه به وبگاه گروه می‌توان از وبلاگ‌های موفق معلمان مطلع شد. نشانی وبگاه گروه عربی:

<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

۶ جشنواره کتاب رشد: این جشنواره می‌تواند کتاب‌هایی را به معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آنان معرفی کند که برای تحقق اهداف برنامه، مؤثر باشد.

۷ نقد و بررسی کتاب‌های درسی: نقد و بررسی کتب درسی در قالب نشست تخصصی با حضور استادان، مؤلفان، معلمان، کارشناسان و دیگر صاحب‌نظران برای شناخت بهتر محتوا و مسائل آموزشی توصیه می‌شود.



طرح درس

بخش سوم

به نام خدا

طرح درس روزانه پیشنهادی - کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم

نام دبیر:		تاریخ:		نام مدرسه:	
درس	موضوع درس:	صفحه:	مدت:	تهیه کننده:	
دوم	المواعظ العددیة	... تا ...	۷۵ دقیقه		
الف - بخش نظری: اهداف					
۱	رئوس مطالب	۱- صفحه ورود به درس ۲- متن درس ۳- واژه‌های جدید ۴- درک مطلب ۵- اعداد			
۲	اهداف کلی	۱- آشنایی با کلمات جدید و یادآوری کلمات پایه هفتم، هشتم، نهم و نیز درس اول کتاب دهم؛ ۲- اعداد اصلی و ترتیبی؛ از یک تا ده و ترتیبی از یکم تا بیستم بدون توجه به قواعد معدود ۳- آشنایی با احادیث عددی.			
۳	هدف‌های رفتاری	دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند: ۱- واژه‌های جدید درس را از عربی به فارسی ترجمه کند؛ ۲- متن درس را درست بخواند و بفهمد و ترجمه کند؛ ۳- عددهای یک تا صد را بشناسد و درست ترجمه کند.			



۴	رفتار ورودی	۱- با مفهوم عدد اصلی و عدد ترتیبی در فارسی و عربی آشنا باشد؛ ۲- توانایی قرائت عبارات ساده عربی را داشته باشد.
۵	ارزشیابی تشخیصی	<p>نتایج ارزشیابی زیر نقطه شروع آموزش را مشخص می‌کند.</p> <p>۱- عددهای یک تا دوازده را که در دوره متوسطه اول آموخته است از حفظ بگوید.</p> <p>۲- عددهای یکم تا دوازدهم را که در دوره متوسطه اول یاد گرفته است از حفظ بگوید.</p>
نتیجه	در صورت پاسخ به این سؤالات، فراگیران آماده یادگیری مطالب جدید خواهند بود.	

■ نوشتن طرح درس به منظور ساماندهی به روش تدریس و استفاده از تجربیات دیگران است.

■ شایان ذکر است بیشتر دبیران توانا پس از چند سال تدریس عملاً طرح درس را در ذهن خود دارند.

■ در طرح درس باید به ارزشیابی مستمر و دریافت بازخورد از یادگیری دانش‌آموز که در چنین آموزشی روی می‌دهد توجه شود.



ب - فرایند آموزش:			
مراحل تدریس و تنظیم محتوا (۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه)			
زمان	شرح	مراحل تدریس	
۳	<p>۱- سلام و احوال‌پرسی</p> <p>۲- حضور و غیاب</p> <p>۳- قبل از شروع تدریس معلّم باید روش‌های مربوط به یاددهی و یادگیری مورد نظر خودش را مشخص کند.</p>	معارفه	۱
۵	<p>اهمیت آموختن عدد را در هر زبانی برای دانش‌آموز شرح می‌دهیم.</p> <p>۱- اشاره به کتاب گران سنگ و پر حجم «الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ» نوشته علامه عاملی^۱ که احادیث دارای عدد را آورده است.</p> <p>۲- اشاره به نقش عدد در سفرها موقع خرید، در هتل هنگام تحویل گرفتن کلید اتاق که باید شماره را گفت، و اینکه هرکس می‌خواهد زبانی را بیاموزد عددها را حتماً یاد می‌گیرد؛ چون از مهم‌ترین مباحث هر زبانی است.</p>	ایجاد انگیزه	۲
۲	<p>در ادامه پرسش و پاسخ‌های بالا می‌گوییم:</p> <p>دانش‌آموزان گرامی، در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم.</p> <p>سخنان پیامبر اسلام ﷺ که در برگزیده عدد است برای نشان دادن پربسامدی مبحث عدد.</p> <p>مبحث عدد در زبان عربی.</p>	معرفی درس و بیان اهداف	۳

۱- سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۴، قم، ۵۰۰ صفحه

۴	شروع تدریس و ارائه درس	درس در سه جلسه تدریس می‌شود: جلسه نخست: ترجمه متن درس توسط دانش‌آموز با توجه به الْمُعْجَم و نیز در صورت نیاز المعجم پایان کتاب و حل درک مطلب؛ از کتاب گویا برای روان‌خوانی کلمات معجم و متن درس کمک می‌گیریم. دانش‌آموزان متن درس را قرائت و به کمک واژه‌نامه و زیر نظر ما ترجمه می‌کنند. جلسه دوم: قرائت و توضیح بخش «اعلموا» و «فَنُ التَّرْجَمَةِ» و تمرین بخش «حوار» بخش «اعلموا» را دانش‌آموزی خوش‌صدا و دارای صدای رسا می‌خواند و درباره آن سؤال می‌کنیم؛ دانش‌آموزان مناسب را شناسایی می‌کنیم تا هر جلسه یکی از آنها قرائت کند. ^۱ جلسه سوم: حل تمرینات و ارائه گزارش دانش‌آموزانی که بخش «پژوهش» را انجام داده‌اند.
۵	خلاصه درس و نتیجه‌گیری	با استفاده از قلم رنگی از دانش‌آموزان می‌خواهیم خلاصه قواعد درس را رنگی کنند. از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهیم که درس را در چند جمله کوتاه خلاصه کند. در صورتی که درست خلاصه نکرد ما درس را خلاصه می‌کنیم.
۶	ارزشیابی بعد از تدریس	این موارد را از دانش‌آموز می‌خواهیم: ۱- عددهای اصلی از یک تا بیست و پنج را بشمارد. ۲- عددهای ترتیبی یکم تا بیستم را بشمارد.
۷	تکلیف	حل داوطلبانه تمرینات درس به منظور آمادگی بهتر در جلسه آینده.
۸	معرفی فعالیت‌های خلاقانه	تهیه روزنامه دیواری یا وبلاگ و نوشتن چند حدیث عددی بنا به تشخیص دبیر و در صورت داشتن فرصت؛ یافتن «داستان»، «آیا می‌دانید که» و «ابتسامات» به زبان عربی؛ یافتن وبلاگ، وبگاه، نرم‌افزار آموزشی، پاورپوینت و تصاویر آموزشی مناسب.
۷۵	زمان تقریبی	

۱- برای قرائت متن درس و بخش مکالمه باید همه دانش‌آموزان فعال باشند؛ حتی اگر خوش‌صدا نباشند.

جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی کتاب عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم

ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فعالیت
مهر	اول	۱		۱	معارفه و تدریس احتمالی درس اول، دیدن کلیپ سرود «أَنْظُرُ لِنَلِّكَ الشَّجَرَةَ» و قرائت و ترجمه آن
	دوم	۲		۱	حل تمرینات دوره‌ای درس اول (در عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی نام صیغه عربی)
	سوم	۳		۱	ادامه حل تمرینات دوره‌ای
	چهارم	۴		۱	آزمون کتبی کوتاه یا ادامه تدریس درس اول؛ گزارش نتیجه بخش «تحقیق» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
آبان	اول	۵		۲	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب
	دوم	۶		۲	قرائت بخش «اعلموا» و «فَنُ الثَّرَجَمَةَ» توسط دانش‌آموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «جوار»؛
	سوم	۷		۲	حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقیق» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	چهارم	۸		۳	قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب و دیدن کلیپ باران ماهی، مَطَرُ السَّمَكِ یا fishraining
آذر	اول	۹		۳	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «جوار»؛
	دوم	۱۰		۳	حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقیق» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	سوم	۱۱		۴	قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب و دعوت به لزوم همدلی و همبستگی میان ادیان، مذاهب و قومیت‌ها با توجه به رهنمودهای دین و آموزه‌های تاریخ
	چهارم	۱۲		۴	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «جوار»؛
دی	اول	۱۳		۴	حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقیق» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	دوم	۱۴			امتحانات برگزاری امتحانات نوبت اول
	سوم	۱۵			امتحانات ادامه برگزاری امتحانات نوبت اول
	چهارم	۱۶		۵	قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب

بهمن	اول	۱۷	۵	قرائت بخش «اعلموا» و «فَنُ الثَّرَجَمَةِ» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «حوار»؛
	دوم	۱۸	۵	حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقیق» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	سوم	۱۹	۶	قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب
	چهارم	۲۰	۶	قرائت بخش «اعلموا» و «فَنُ الثَّرَجَمَةِ» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «حوار»؛
اسفند	اول	۲۱	۶	حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقیق» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	دوم	۲۲	۷	قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب
	سوم	۲۳	۷	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «حوار»؛
	چهارم	۲۴	۷	حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقیق» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
فروردین	اول	۲۵	---	تعطیلات نوروز
	دوم	۲۶	---	تعطیلات نوروز
	سوم	۲۷	۸	قرائت و ترجمه متن و حل درک مطلب
	چهارم	۲۸	۸	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه توضیح و پرسش معلم؛ تمرین بخش «حوار»؛
اردیبهشت	اول	۲۹	۸	حل تمرینات درس؛ گزارش نتیجه بخش «تحقیق» دانش‌آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب
	دوم	۳۰	دوره	رفع اشکال از نیمه اول کتاب تا پایان درس چهارم
	سوم	۳۱	شفاهی	رفع اشکال از نیمه دوم کتاب درس پنجم تا آخر کتاب
	چهارم	۳۲	امتحان	حل نمونه سؤال امتحان پایان سال

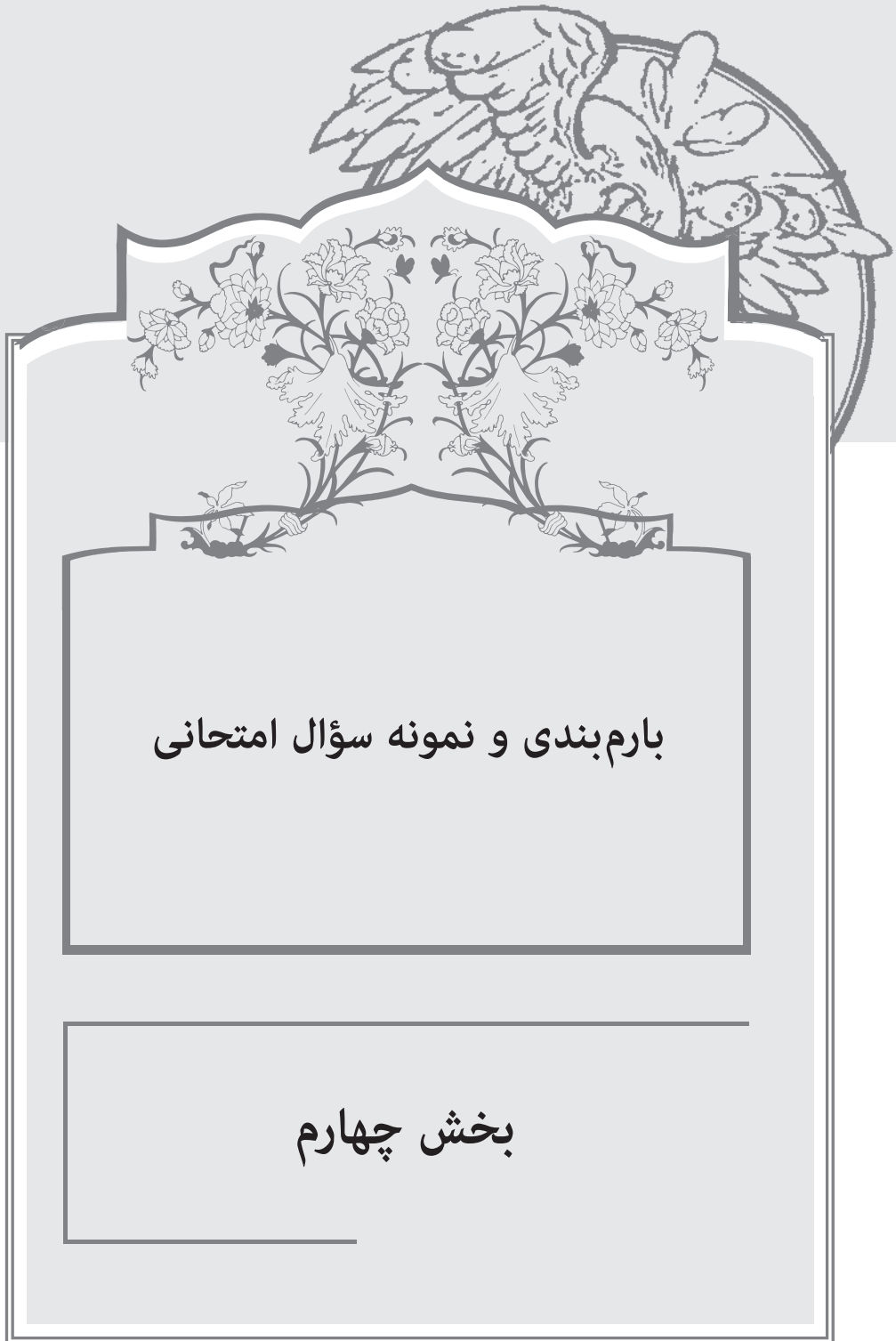
کتاب درسی مشترک عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم را در ۲۴ جلسه آموزشی متعارف به راحتی می‌توان تدریس کرد. بدون احتساب دو هفته امتحان نوبت اول و دو هفته تعطیل نوروزی ظاهراً ۲۸ جلسه وجود دارد. اما برخلاف تصور این گونه نیست؛ زیرا ماه‌های مهر تا بهمن ۳۰ روزه و فروردین و اردیبهشت ۳۱ روزه‌اند و این ۱۶ روز نیز دو هفته آموزشی هستند. پس ۳۰ هفته آموزشی داریم که ۶ جلسه را برای تعطیلات رسمی و ناگهانی به شمار می‌آوریم. دبیر می‌تواند حل برخی از تمرینات را نیز در شرایط استثنایی بر عهده دانش‌آموز بگذارد.

کتاب عربی زبان قرآن پایه دهم رشته‌های ریاضی، تجربی، فنی و کاردانش ظاهراً ۱۲۰ صفحه است. اما در اصل ۹۰ صفحه است. حل تمرینات ۱۴ صفحه انوارالقرآن اختیاری و در صورت داشتن زمان است. هشت صفحه ورودی^۱ هشت درس کتاب نیز در اصل برای ایجاد انگیزه است و وقت‌گیر نیست. هشت صفحه پژوهش نیز در صورت برخوردار از زمان کافی است زیرا هدف خواندن و ترجمه درست است.

کتاب عربی زبان قرآن (۱) رشته ادبیات و علوم انسانی نیز ظاهراً ۱۰۹ صفحه است. در این کتاب نیز هشت صفحه ورودی و شش صفحه پژوهش وجود دارد؛ لذا کتاب در اصل ۹۵ صفحه است. در این کتاب نیز حل بسیاری از تمرینات کتاب سریع انجام می‌شود.

بسیاری از آیات و احادیث هر دو کتاب قبلاً در سه کتاب عربی دوره اول متوسطه آمده‌اند.

۱- تأثیر تصویرخوانی (تصاویر پیش‌درآمد دروس) در شروع هر درس در کتاب‌های نونگاشت چیست؟ تصاویر پیش‌درآمد دروس هشتگانه کتاب از لحاظ روانی دانش‌آموز را آماده ورود به درس می‌کند. تصویر و آیه یا حدیث آغازین دروس ذهنیت دانش‌آموز را ساماندهی می‌کند و موجب می‌شود که فراگیر احساس خوشایندی نسبت به درس جدید داشته باشد.



بارمبندی و نمونه سؤال امتحانی

بخش چهارم

بارمبندی امتحان کتبی عربی زبان قرآن (۱) کتاب مشترک پایه دهم نوبت اول^۱

رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی (از درس اول تا پایان درس چهارم)

فنی و حرفه‌ای و کاردانش (درس اول و دوم)^۲

جمع	نمره	موضوع	نمره	مهارت‌های زبانی
۲ نمره	۰/۵	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله، (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۱	الف: مهارت واژه‌شناسی
	۰/۵	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	۲	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۳	
۰/۵	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حد اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	۴		
۷ نمره	۵	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی از متن، تمرین، اِعلَمُوا، فَنِّ التَّرجِمَةُ و ...	۵	ب: مهارت ترجمه به فارسی
	۰/۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۶	
	۱/۵	تکمیل ترجمه ناقص	۷	

۱- توضیحات پاورقی بarmبندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند؛ لذا پیش از طرح سؤال به پاورقی بarmبندی نوبت دوم مراجعه کنید.

۲- در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش که هفته‌ای یک ساعت برنامه درسی عربی دارند، امتحان از دو درس است. این بarmبندی مربوط به امتحان عربی ۱/۱ خرداد این رشته‌ها نیز است.



۷/۵ نمره	۳	ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی، مستقبل یا مصدر در جمله‌ای کوتاه	۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۲	«تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل یا مصدر مناسب برای جای خالی در جمله» یا «تشخیص نوع فعل» یا «تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر نوع میان چند کلمه»	۹	
	۱	کاربرد عددهای اصلی و ترتیبی	۱۰	
	۰/۵	ساعت‌خوانی	۱۱	
	۱	تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن و در قالب سؤال چند گزینه‌ای یا شناخت آنها مانند تمرین هفتم درس اول	۱۲	
۲ نمره	۱	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (چهار مورد) یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۱۳	د: مهارت درک و فهم
	۱	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۱۴	
۱/۵ نمره	۰/۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی	۱۵	ه: مهارت مکالمه
	۱	طرح سؤال از الحواریات مانند جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارات‌های کتاب، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...	۱۶	

بارمبندی امتحان کتبی عربی زبان قرآن (۱) کتاب مشترک پایه دهم نوبت دوم^۱

رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای و کاردانش^۲

جمع	نمره	موضوع	نمره	مهارت‌های زبانی
۲	۰/۵	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی به جمله، (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۱	الف: مهارت واژه شناسی
	۰/۵	تعیین کلمات مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	۲	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه ^۳ (دو مورد)	۳	
	۰/۵	نوشتن مفرد یا جمع اسم ^۴ (در حد اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	۴	
۷ نمره ^۵	۵	ترجمه جملات کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین، اِعلَمُوا، فَنَ التَّرْجَمَةُ و ...	۵	ب: مهارت ترجمه به فارسی
	۰/۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۶	
	۱/۵	تکمیل ترجمه ناقص	۷	

۱- توضیحات پاورقی بایرمبندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند.

۲- این بایرمبندی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش که هفته‌ای یک ساعت عربی دارند، مربوط به عربی ۱/۲ در خرداد پایه یازدهم است.

۳- باید مراقب بود؛ زیرا طرح سؤال در این مورد دشوار است. نباید انتخاب گزینه درس‌آفرین باشد و دانش‌آموز در انتخاب دو گزینه آشفته و سرگردان شود؛ مثال: نافذة، چدار، باب، صدر.
پاسخ: ← نافذة مؤنث است بقیه مذکر؛

پاسخ: ← «پنجره و در و دیوار» در یک گروه‌اند و «سینه» از اعضای بدن است و با سه کلمه دیگر فرق دارد.
دَهَبٌ، إِسْتَرْجَعَا، يَعْمَلُونَ، فَتَحَ. پاسخ: ← ذهب مؤنث و بقیه مذکرند. يَعْمَلُونَ مضارع و بقیه ماضی‌اند. سوم شخص مفرد ماضی استرجع
بیش از سه حرف است و بقیه فقط سه حرف است؛ از سوی دیگر اصلاً این سؤال از قواعد است نه از معنا.

۴- هرچند در بایرمبندی این سؤال نیم نمره‌ای در بخش ترجمه آمده است؛ اما در اصل مربوط به قواعد است.

۵- در هر امتحانی یک نمره از بخش أنوار القرآن طرح شود.

تذکرات: (برای طراحى سؤال در نوبت اول و دوم و میان نوبت)

- ۱ سؤالات امتحان، آزمون سراسرى و مسابقات باید کاملاً حرکت گذارى شوند.
- ۲ در طراحى سؤال امتحان نوبت اول طراح مجاز است تا یک نمره در بارمبندى تغييراتى اجرا نمايد؛ ولى در نوبت دوم بارمبندى باید دقیقاً رعایت شود.
- ۳ بار اصلى سؤالات امتحانى ترجمه از عربى به فارسى و کاربرد واژگان است که باید تنوع داشته باشد.

۴ در بسيارى از موارد سؤالاتِ بخش‌هاى مختلف با هم تلفيق مى‌شوند و تفكيك مهارت‌هاى زبانى امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارتِ ترجمه، امکان دارد در یک جمله چند مفهوم مختلف هم‌زمان بيايد.

۵ فونت‌هاى زير برای تايپ سؤالات امتحان عربى مناسب‌اند:

Traditional Arabic, B Badr ، (عثمان طه) KGQPC Uthman Taha NaskhT،
Adobe Arabic Simplified Arabic

- ۶ طرح سؤال امتحان نوبت اول (دى ماه) و دوم (خرداد ماه) از ۲۰ نمره است.
- ۷ معمولاً برای امتحان میان نوبت بارمبندى تعيين نمى‌شود. مى‌توان ده نمره امتحان را از مهارت‌هاى شفاهى زبان در نظر گرفت. در مکالمه مشابه اين سؤالات مطرح مى‌شود.

من أين أنت؟ كم عمرک؟ كيف حالک؟ أين بيتک؟ أي فاکهة تحب؟ متى ترجع إلى بيتک؟
كم الساعة؟ ما هو لون الباب؟ لماذا تدرُس؟ ماذا تأکل للغداء؟ هل أنت نشيط؟ أذفتر على
المنضدة أم کتاب؟ لمن تلك الحقیية؟

- ۸ در بخش قواعد شیوه طراح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی و نیز ترجمه از عربی به فارسى است؛ مثال:

أکتب في الفَراغِ فعلاً مناسباً. یا أخي ... إلى بَیتک. (ارجع □) ارجعوا □
ترجم الکلّمة التي تحتها خطّ. یا إخوتی، ارجعوا إلى بیوتکم.

- ۹ سؤالات چند گزینه‌ای باید فقط دو گزینه داشته باشد. (جز بخش کلمات

ناهماهنگ که چهار کلمه داده می‌شود).

۱۰ ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی در هیچ آزمون یا مسابقه‌ای طرّاحی نشود.

۱۱ طرح سؤال از فعل‌هایی مانند «تَعَلَّمُوا» که می‌توانند ماضی یا امر باشند باید در جمله و همراه قرائن مناسب باشد.

۱۲ در تشخیص و ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله باید فقط موارد صحیح و سالم طرّاحی شود و اگر از غیر صحیح و سالم سؤالی طرح شد نباید تغییراتی مانند اعلال به حذف داشته باشد.

۱۳ آموزش و ارزشیابی مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود و مطابقت موصوف و صفت مطلقاً از اهداف کتاب درسی نیست. حفظ عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم از اهداف کتاب است.

۱۴ در تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن باید توجه داشت که چنین مواردی از اهداف کتاب درسی نیست: ضمیر منفصل منصوب، مانند إِيَّاكَ؛ تشخیص کاربرد اسم اشاره مثنی‌مانند هَذَانِ و هَذَيْنِ، کاربرد هَذِهِ و تِلْكَ برای اشاره به اسم غیر عاقل.

۱۵ در طرح سؤال مکالمه به چند صورت می‌توان عمل کرد: ارائه تصویر و طرح سؤال از تصویر، پر کردن جای خالی در مکالمه و ارائه کلمات با دادن دو کلمه اضافه و ...

۱۶ پر کردن جای خالی در حواریات درس اول تا پایان درس چهارم در امتحان باید منطقی باشد. طبیعی است که حفظ متن دشوار است؛ به عنوان مثال پیشنهاد می‌شود متن «حوار» داده شود و چهار جای خالی داشته باشد و هشت کلمه ارائه شود تا دانش‌آموز از آنها در جای خالی استفاده کند. در ترجمه عربی به فارسی نیز نیم نمره از این بخش طرّاحی می‌گردد.

۱۷ در تشخیص فاعل، مفعول، مبتدا و خبر در جمله، نهادن اعراب رفع و نصب از اهداف کتاب نیست.

بارمبندی امتحان شفاهی عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم، میان نوبت اول و دوم
رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای و کاردانش

نمره	موضوع	شماره	مهارت‌ها
۷	روان خوانی (بدون درنگ و خطا، و با تلفظ نسبتاً درست مخارج حروف) و فعالیت‌هایی مانند حفظ سرود درس اول و اجرای گروهی آن، اجرای نمایشی متن برخی درس‌ها	۱	مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن گفتن
۳	مهارت شنیدن و سخن گفتن مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، ما هو، ماهی، یم، من، لمن، این، من این، مین، کم، هل، ا، متی، کیف، لماذا، لم، عم، ای) یا حفظ مشابه مکالمات کتاب درسی و اجرای آن در گروه دو یا چند نفره یا اجرای گروهی مکالماتی متفاوت با مکالمات کتاب درسی در کلاس	۲	
۱۰	جمع نمره		

تذکرات

- ۱ امتحان مستمر اول و دوم شامل دو بخش کتبی (از ۱۰ نمره) و شفاهی (از ۱۰ نمره) است؛ ولی امتحان نوبت اول و دوم فقط کتبی و از بیست نمره است.
- ۲ تلفظ درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) دشوار است و از عهده بسیاری از دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ اما باید از دانش‌آموزان خواسته شود حتی الامکان مخارج حروف خاص عربی را درست بر زبان آورند و تمرین کنند، زیرا هدف اصلی آموزش عربی مسائل دینی است و قرائت نماز باید با تلفظ درست باشد.
- ۳ در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر در پاسخ سؤال «إلى أين تذهب؟» پاسخ دهد: «إلى الفندق»، کاملاً درست است و

نیازی نیست پاسخ دهد: «أنا أذهبُ إلى الفُنْدُقِ.» در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد؛ مثلاً اگر از دانش‌آموزی سؤال شد: «أينَ أنتَ؟» و پاسخ داد: «أنا في ...» و درنگ کرد و نتوانست بگوید: «أنا في الصَّفِّ.» در واقع نیمی از نمره را گرفته است. چون سؤال را فهمیده است.

۴ یکی از موارد امتحانی این است که از دانش‌آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند یا اگر فعالیت در زمینه نمایش و مکالمه در کلاس داشت می‌توان به عنوان نمره امتحان شفاهی از آن استفاده کرد.

۵ طبیعی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش‌آموزان آزمون روخوانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین آنچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه وی نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد، مبنای نمره‌دهی آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

۶ رعایت ظرافت‌های صرفی و نحوی در مکالمه در حد دانش‌آموز نیست مخصوصاً اینکه او باید در پاسخ‌گویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از طرفی آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ لذا از دبیر ارجمند درخواست می‌گردد این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند تا دانش‌آموز خاطره‌ای خوش از مکالمه داشته، و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده وجود داشته باشد.

۷ حفظ عین مکالمات کاری بسیار دشوار است؛ لذا از دانش‌آموزان نمی‌خواهیم عین عبارت‌ها را حفظ کنند. دانش‌آموز می‌تواند با ذوق و سلیقه خود و موقعیت موجود تغییراتی در متن ایجاد کند.

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم نوبت اول رشته ادبیات و علوم انسانی
(از درس اول تا پایان درس چهارم)

جمع	نمره	موضوع	نمره	مهارت‌های زبانی
۲ نمره	۰/۵	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۱	الف: مهارت واژه‌شناسی
	۰/۵	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	۲	
	۰/۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۳	
	۰/۵	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حد اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	۴	
۷ نمره	۵	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۵	ب: مهارت ترجمه به فارسی
	۰/۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۶	
	۱/۵	تکمیل ترجمه ناقص	۷	



۷/۵ نمره	۳	ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی، امر، نهی، و مستقبل و نیز مصدر در جمله	۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۲	«تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی، نفی، مستقبل و مصدر مناسب برای جای خالی در جمله»، یا «تشخیص نوع فعل»، یا «تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر نوع در میان چند کلمه» و «ذکر صیغه فعل در حدّ ۰/۲۵ نمره»	۹	
	۱	کاربرد عددهای اصلی و ترتیبی	۱۰	
	۰/۵	ساعت خوانی	۱۱	
	۱	تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن و در قالب سؤال چند گزینه‌ای یا شناخت آنها	۱۲	
۲ نمره	۱	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (چهار مورد) یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۱۳	د: مهارت درک و فهم
	۱	درک مطلب (ارائه متن و طراحی سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده) یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۱۴	
۱/۵ نمره	۰/۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی	۱۵	ه: مهارت مکالمه
	۱	طرح سؤال از الحواریات (مانند جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)	۱۶	

بارمبندی امتحان کتبی عربی پایه دهم نوبت دوم رشته علوم انسانی

جمع	شماره	موضوع	مهارت‌های زبانی
۲ نمره	۰/۷۵	نوشتن معنای کلمه در جمله از عربی به فارسی (زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	الف: مهارت واژه‌شناسی
	۰/۵	مترادف و متضاد (همانند تمرینات کتاب)	
	۰/۲۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه	
	۰/۵	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حد اسم‌های موجود در کتاب‌های هفتم تا دهم)	
۷ نمره	۵	ترجمه جمله‌های کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین، اعلموا، فنّ الترجمة و ...	ب: مهارت ترجمه به فارسی
	۰/۵	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	
	۱/۵	تکمیل ترجمه ناقص (دارای شش جای خالی)	



۷/۵ نمره	۱/۵	ترجمه فعل‌هایی مانند ماضی ساده، معادل ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله. (یکی از فعل‌ها دارای نون وقایه باشد).	۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۱	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر، نهی و مصدر مناسب برای جای خالی در جمله، یا تشخیص نوع فعل یا تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چند کلمه	۹	
	۰/۵	ذکر صیغه دو فعل در جمله	۱۰	
	۰/۵	کاربرد عددهای اصلی و ترتیبی، یا ساعت خوانی		
	۳	تشخیص فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، نایب فاعل، مضاف‌الیه، صفت، جار و مجرور در جمله و ذکر نام اعراب آنها	۱۱	
	۰/۵	ترجمه فعل ماضی و مضارع مجهول و تشخیص آنها از فعل معلوم، یا کاربرد فعل مجهول در قالب پرسش چندگزینه‌ای	۱۲	
۰/۵	کاربرد درست حروف جر؛ تشخیص گزینه صحیح در اسم مجرور به حرف جر ^۱	۱۳		
۲ نمره	۱	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (چهار مورد)، یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید جای خالی با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال دو گزینه‌ای)	۱۴	د: مهارت درک و فهم
	۱	درک مطلب (ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی خوانده شده)، یا (ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی)	۱۵	
۱/۵ نمره	۰/۵	پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله‌های پرسشی	۱۶	ه: مهارت مکالمه
	۱	طرح سؤال از الحواریات (مانند جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)	۱۷	

۱- مثال: ضَعُ في الفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. أَلْعَالِمِ بِلا عَمَلٍ كَ بِلا تَمَرٍ. الشَّجَرِ □ الشَّجَرِ □

تذکرات: (برای طراحى سؤال در امتحان میان نوبت دوم و پایانی)

۱ در طراحى سؤال امتحان نوبت اول طراح مجاز است تا یک نمره در بارمبندی

تغییراتی اجرا نماید، ولی در نوبت دوم باید بارمبندی دقیقاً رعایت گردد.

۲ بار اصلی سؤالات امتحانی ترجمه از عربی به فارسی و کاربرد واژگان است که

باید تنوع داشته باشد.

۳ در بسیاری از موارد سؤالات بخش‌های مختلف با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک

مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، امکان دارد در یک جمله

چند مفهوم مختلف هم‌زمان بیاید.

۴ فونت‌های زیر برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب هستند:

Simplified Arabic, Traditional Arabic, B Badr, KFGQPC Uthman Taha NaskhT, Adibe Arabic

۵ نمره امتحان مستمر دوم شامل دو بخش کتبی و شفاهی است. ده نمره پرسش‌ها

و فعالیت‌های کلاسی، امتحانات کتبی، هفت نمره روخوانی درست و سه نمره مکالمه

است.

۶ در بخش قواعد شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر

و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی و نیز ترجمه از عربی به فارسی

است:

مثال: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً. یا اُخِي ... إِلَى بَيْتِكَ. (ارْجِعْ □ □) (ارْجِعُوا □)

تَرْجِمِ الْكَلِمَةَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. یا إِخْوَتِي، ارْجِعُوا إِلَيَّ يُبَوِّئُكُمْ.

۷ سؤالات چندگزینه‌ای باید فقط دو گزینه داشته باشد. (جز بخش کلمات ناهماهنگ

که چهار کلمه داده می‌شود.)

۸ طرح سؤال از معنای کلمات باید در جمله باشد، (زیر دو کلمه خط کشیده

می‌شود.)

۹ ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی در هیچ آزمون، یا مسابقه‌ای طراحى نشود.

۱۰ طرح سؤال از فعل‌هایی مانند «تَعَلَّمُوا» که می‌توانند ماضی، یا امر باشند باید در جمله و همراه با قرائن مناسب باشد.

۱۱ در تشخیص و ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله باید فقط موارد صحیح و سالم طرّاحی شود و اگر از غیر صحیح و سالم سؤالی طرح شد، نباید تغییراتی مانند اعلال حذف داشته باشد.

۱۲ مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود، مطلقاً از اهداف کتاب درسی نیست؛ اما حفظ اعداد از اهداف است.

۱۳ در تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن باید توجه داشت که چنین مواردی از اهداف کتاب درسی نیست؛ ضمیر منفصل منصوب مانند إِيَّاكَ؛ تشخیص کاربرد اسم اشاره مثنی مانند هَذَا و هَذَيْنِ، کاربرد هَذِهِ و تِلْكَ برای اشاره به اسم غیر عاقل.

۱۴ در تشخیص فاعل، مفعول، مبتدا و خبر در جمله، ذکر نام اِعراب آنها کافی است و نهادن اِعراب رفع و نصب از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در جَاءَ سَعِيدٌ. سَعِيدٌ فاعل و مرفوع است؛ اما اینکه جمله «جاء سعيد» داده شود و اعراب سعيد خواسته شود از اهداف نیست.

۱۵ در طرح سؤال مکالمه به چند صورت می‌توان عمل کرد:

طرح سؤال از تصویر ارائه شده

پر کردن جای خالی در مکالمه و ارائه کلمات با دادن دو کلمه اضافه

ساختن جمله از کلمات پراکنده از جملات حواری کتاب

بارمبندی امتحان شفاهی عربی زبان قرآن (۱) پایه دهم، میان نوبت اول و دوم رشته ادبیات و علوم انسانی

نمره	موضوع	شماره	مهارت‌ها
۷	روان خوانی (بدون درنگ و خطا، و با تلفظ نسبتاً درست مخارج حروف) و فعالیت‌هایی مانند حفظ سرود درس اول و اجرای گروهی آن، اجرای نمایشی متن برخی درس‌ها	۱	مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن گفتن
۳	مهارت شنیدن و سخن گفتن مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، ما هو، ماهی، بَم، مَنْ، لِمَنْ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، مِمَّنْ، کَم، هَلْ، أ، مَتی، کیف، لماذا، لِم، عَمَّ، أی) یا حفظ مشابه مکالمات کتاب درسی و اجرای آن در گروه دو یا چند نفره یا اجرای گروهی مکالماتی متفاوت با مکالمات کتاب درسی در کلاس	۲	
۱۰	جمع نمره		

تذکرات

- ۱ امتحان مستمر اول و دوم شامل دو بخش کتبی (از ۱۰ نمره) و شفاهی (از ۱۰ نمره) است؛ ولی امتحان نوبت اول و دوم فقط کتبی و از بیست نمره است.
- ۲ هر چند تلفظ درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) دشوار است و از عهده بسیاری از دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ اما باید از دانش‌آموزان خواسته شود حتی‌الامکان مخارج حروف خاص عربی را درست بر زبان آورند و تمرین کنند، زیرا هدف اصلی آموزش عربی مسائل دینی است و قرائت نماز باید با تلفظ درست باشد.

۳ در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر در پاسخ سؤال «إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ؟» پاسخ دهد: «إِلَى الْفُنْدُقِ»، کاملاً درست است و نیازی نیست پاسخ دهد: «أنا أذهبُ إلى الْفُنْدُقِ». در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد؛ مثلاً اگر از دانش‌آموزی سؤال شد: «أَيْنَ أَنْتَ؟» و پاسخ داد: «أنا في ...». و درنگ کرد و نتوانست بگوید: «أنا في الصَّفِّ». در واقع نیمی از نمره را گرفته است. چون سؤال را فهمیده است.

۴ یکی از موارد امتحانی این است که از دانش‌آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند یا اگر فعالیت در زمینه نمایش و مکالمه در کلاس داشت می‌توان به عنوان نمره امتحان شفاهی از آن استفاده کرد.

۵ طبیعی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش‌آموزان آزمون روخوانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین آنچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه وی نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد، مبنای نمره‌دهی آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

۶ رعایت ظرافت‌های صرفی و نحوی در مکالمه در حد دانش‌آموز نیست مخصوصاً اینکه او باید در پاسخ‌گویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از طرفی آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ لذا از دبیر ارجمند درخواست می‌گردد این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند تا دانش‌آموز خاطره‌ای خوش از مکالمه داشته، و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده وجود داشته باشد.

۷ حفظ عین مکالمات کاری بسیار دشوار است؛ لذا از دانش‌آموزان نمی‌خواهیم عین عبارت‌ها را حفظ کنند. دانش‌آموز می‌تواند با ذوق و سلیقه خود و موقعیت موجود تغییراتی در متن ایجاد کند.



نمونه سؤال امتحان

نوبت اول و دوم عربی زبان قرآن (۱)

کتاب مشترک همه رشته‌ها جز ادبیات و علوم انسانی

استفاده از نمونه سؤالات کتاب معلم در کتاب‌های غیر آموزش و پرورش منع قانونی دارد.

بخش پنجم

بِسْمِهِ تَعَالَى، اِمْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْعَاشِرِ، الْفَصْلُ (الرُّم) الْأَوَّلُ، مِنْ أَرْبَعَةِ دُرُوسٍ، الْوَقْتُ: ٧٠ دَقِيقَةً، التاريخ: / ١٠ / الْمِنْطَقَة: الْمَدْرَسُ: الْأِسْمُ الْأَوَّلُ وَالْإِسْمُ الْعَائِلِيُّ:		
بارم	پرستش	ردیف
الف. مهارت واژه شناسی (دو نمره)		
٠/٥	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةِ كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً	١
٠/٥	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَالْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. رَخِيصَةٌ / رَاسِبٌ / نُوْرٌ / غَالِيَةٌ / يَسَارٌ / ضِيَاءٌ الف..... = ب ≠	٢
٠/٥	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى. الف. نَعَجَةٌ □ بَقْرَةٌ □ كَلْبٌ □ حَبَلٌ □ ب. نِيَامٌ □ مُحِيطٌ □ بَحْرٌ □ نَهْرٌ □	٣
٠/٥	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. رِيحٌ: يَنَابِيعٌ:	٤
ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
٠/٢٥	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَةَ. ١. ﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾ ٢. ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾	٥
٠/٧٥	٣. ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾	
٠/٥	٤. ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾	
٠/٥	٥. إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ.	
٠/٥	٦. طَوَّلَ قَامَةَ الزَّرَاقَةِ سِتَّةَ أَمْتَارٍ.	
٠/٧٥	٧. أَيْمَكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ!؟	
٠/٧٥	٨. مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَةِ فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.	

۰/۵	<p>إِنْتَخِبِ الرَّجْمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱. ﴿وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ الف. و بندگان [خدای] بخشاینده کسانی‌اند که روی زمین با آرامش گام برمی‌دارند و هرگاه نادان‌ها ایشان را خطاب کنند، سخن آرام (سلام) گویند. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. و بنده‌های [خدای] بخشنده بر زمین با آرامش گام برمی‌دارند و هرگاه دشنام‌دهندگان ایشان را خطاب کنند، سخن نیک (سلام) گویند. <input type="checkbox"/></p> <p>۲. ﴿وَ لَا تَبْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ الف. و از مهر خدا ناامید نشدند؛ زیرا جز مردم کافر کسی از مهر خدا ناامید نشد. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. و از مهر خدا ناامید نشوید؛ زیرا جز گروه کافران کسی از مهر خدا ناامید نمی‌شود. <input type="checkbox"/></p>	۶
۱/۵	<p>كَمُلِ الْفَرَغَاتِ فِي الرَّجْمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.</p> <p>۱. لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ. رسالت اسلام در بر اساس منطق و دوری کردن از بوده است.</p> <p>۲. الصَّيْفَةُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ فَهُوَ صَدَقَةٌ، وَ عَلَى الصَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. سه روز است و هرچه فزوده گردد صدقه است و بر لازم است که پس از سه روز تغییر کند.</p> <p>۳. ﴿رَبَّنَا وَ لَا تُحْمَلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ پروردگارا، و آنچه طاقتش را بر ما تحمیل مکن.</p> <p>۴. ﴿وَ اعْفُ عَنَّا وَ اغْفِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا﴾ و از ما درگذر، و ما را و به ما رحم کن.</p>	۷
ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)		
۳	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:</p> <p>۱. كَتَبْتُ دَرَسِي. ۲. مَا رَجَعْنَا إِلَى بَيْتِنَا. ۳. لَا يَمْلِكُ شَيْئًا. ۴. سَأَعْسِلُ مَلَابِسِي. ۵. اِلْعَاصَامُ بِحَبْلِ اللَّهِ. ۶. اِفْتَرَبْتُمْ مِنَ الْبَيْتِ. ۷. اَخْرَجَ قَلَمَكَ. ۸. لَا تَلْعَبُوا فِي الشَّارِعِ. ۹. سَوْفَ نَنْجِحُ فِي امْتِحَانَاتِنَا. ۱۰. يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ. ۱۱. كَانُوا يَطْلُمُونَ. ۱۲. رَجَاءٌ، اِنْتَبِهُوا.</p>	۸
۱	<p>عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.</p> <p>۱. ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِذَنبِكَ﴾ إِغْفِرْ <input type="checkbox"/> اِسْتَغْفِرْ <input type="checkbox"/></p> <p>۲. إِلَهِي قَدْ رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ وَ أَنْتَ رَجَائِي. قَطَعَ <input type="checkbox"/> اِنْقَطَعَ <input type="checkbox"/></p> <p>۳. كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ. يَنْتَظِرُ <input type="checkbox"/> يَنْتَظِرُ <input type="checkbox"/></p> <p>۴. أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرَةِ الْإِنْتَرِنِتِ. اِسْتَلَمْنَا <input type="checkbox"/> سَلِمْنَا <input type="checkbox"/></p>	۹

٠/٥	<p>عَبَّرَ نَوْعَ الْفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ.</p> <p>١. ﴿وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ﴾</p> <p>٢. ﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾</p>	١٠
٠/٥	<p>عَبَّرَ الْكَلِمَةَ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.</p> <p>١. أَجْلِسْ <input type="checkbox"/> أَدْخُلْ <input type="checkbox"/> تَخْرُجْ <input type="checkbox"/> اسْمَعْ <input type="checkbox"/></p> <p>٢. اِكْتِسَابٌ <input type="checkbox"/> إِخْرَاجٌ <input type="checkbox"/> تَعَلَّمَ <input type="checkbox"/> جَالِسٌ <input type="checkbox"/></p>	١١
٠/٥	<p>صَّغَّ فِي الْفَرَاغِ الْأَوَّلِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا وَ فِي الْفَرَاغِ الثَّانِي عَدَدًا أَصْلِيًّا.</p> <p>١. الْفَصْلُ ال فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصَلُ الْخَرِيفِ.</p> <p>٢. مِئَةٌ تَقْسِمُ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي</p>	١٢
٠/٥	<p>أَكْتُبِ الْحُرُوفَ بِالْأَرْقَامِ كَالْمِثَالِ.</p> <p>الْمِثَال: عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.</p> <p>١. تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.</p> <p>٢. اِثْنَانٌ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِمُ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.</p>	١٣
٠/٥	<p>أَرْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَةِ.</p> <p>١. الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ</p> <p>٢. الثَّمَانِيَّةُ وَ النَّصْفُ</p>	١٤



١	<p>صَعِّ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكِيْبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (اِثْنَانِ زَائِدَتَانِ)</p> <p>هُنَّ فَايْزَاتٌ / هَذَا دَالِيَانِ / تَلِكُ الْبَطَارِيَّةُ / هُمُ صَالِحُونَ / هُوَ عَدُوٌّ / هَاتَانِ الزُّجَاغَتَانِ</p> <table border="1" data-bbox="293 354 943 439"> <tr> <td>مفرد مؤنث</td> <td>جمع مؤنث سالم</td> <td>مثنى مذکر</td> <td>جمع مذکر سالم</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </table>	مفرد مؤنث	جمع مؤنث سالم	مثنى مذکر	جمع مذکر سالم					١٥
مفرد مؤنث	جمع مؤنث سالم	مثنى مذکر	جمع مذکر سالم							
د. مهارت درک و فهم (دو نمره)										
١	<p>صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»</p> <p>١. الشَّرْرَةُ ○ مِّنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْعَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.</p> <p>٢. اللَّعِيمُ ○ جَذَوْتُهَا مَسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.</p> <p>٣. الشَّمْسُ ○ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِّنَ الشَّمْسِ.</p> <p>٤. الْقَمَرُ ○ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.</p> <p>٥. الدَّرُّ</p> <p>٦. الْأَنْعُمُ</p>	١٦								
١	<p>عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيْحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيْحَةَ حَسَبِ الْحَقِيْقَةِ وَ الْوَاقِعِ.</p> <p>١. الْمِهْرَجَانُ اخْتِفَالٌ عَامٌّ بِمُنَاسَبَةِ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلامِ.</p> <p>٢. التَّلْجُ نَوْعٌ مِّنْ أَنْوَاعِ نَزُولِ الْمَاءِ مِّنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.</p> <p>٣. يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِّنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.</p> <p>٤. تَعِيْشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.</p>	١٧								
هـ. مهارت مکالمه (١/٥ نمره)										
٠/٥	<p>أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ. (أَجِبْ: بِإِسْحَابِ بَدِهِ)</p> <p>١. مَا اسْمُكَ؟</p> <p>٢. أَيْنَ مَدْرَسَتُكَ؟</p>	١٨								
١	<p>رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سَوْألاً وَ جَوَاباً.</p> <p>١. عاملاً / كم / عمرك / عمري / ستة عشر / . / ؟</p> <p>٢. بطاقات الدُّخُولِ / بطاقته بيده / عندكم / نَعَمْ / هل / كلُّ واحدٍ منا / . / ؟</p>	١٩								

۰/۵	<p>إِنْتخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱. سَمِعُ الدُّلْفِينَ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَاتٍ وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيْبًا.</p> <p>الف. شنوایی دلفین ده برابر شنوایی انسان و وزنش تقریباً دو برابر وزن انسان است. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. دلفین ده برابر انسان می‌شنود و وزنش تقریباً برابر با یک انسان است. <input type="checkbox"/></p> <p>۲. حَاوَلُ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيْقًا لِيَزِيْرَةَ الْمَكَانِ وَ التَّعْرِيفِ عَلَي الْأَسْمَاكِ.</p> <p>الف. دانشمندان سعی می‌کنند راز آن را آشکار کنند؛ پس گروهی را برای بازدید آن مکان و پژوهش درباره ماهی‌ها ارسال می‌کنند. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده تلاش کردند و تیمی را برای دیدن مکان و شناختن ماهیان فرستادند. <input type="checkbox"/></p>	۶
۱/۵	<p>إِنْتخِبِ الصَّحِيْحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ.</p> <p>﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ﴾</p> <p>ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی مردمانی [دیگر] را ریشخند کنند، شاید آنها (خوب <input type="checkbox"/> بهتر از خودشان <input type="checkbox"/> باشند؛</p> <p>﴿وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ﴾</p> <p>و از خودتان <input type="checkbox"/> دیگران <input type="checkbox"/> عیب نگیرید، و به همدیگر (لقب <input type="checkbox"/> لقب‌های <input type="checkbox"/>) زشت ندهید.</p> <p>﴿فَاسْتَعْرِفُوا لِدُنُوْبِهِمْ﴾ پس برای گناهانشان (آمزش خواستند <input type="checkbox"/> آمزش می‌خواهند <input type="checkbox"/>).</p>	۷
ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)		
۱/۵	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ:</p> <p>۱. لَا تَقْرَبِي النَّارَ. ۲. أَنْزَلْنِي يَا سَائِقُ. ۳. مَا انْتَفَعْتُ بِهِ.</p> <p>۴. سَيِّئِكَيْسُ الرَّجُلِ. ۵. اسْتَرْجَاعُ الْبَضَائِعِ. ۶. كَانُوا يَدَّهَبُونَ.</p>	۸

٠/٥	<p>عَيْنِ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ.</p> <p>١. الْأَمَاضِي مِنْ «يُسَامِحُ» : <input type="checkbox"/> سَامَحَ <input type="checkbox"/> سَمَحَ <input type="checkbox"/> تَسَامَحَ <input type="checkbox"/></p> <p>٢. الْأَمْضَارُ مِنْ «بَدَلٌ» : <input type="checkbox"/> يُبَدِّلُ <input type="checkbox"/> يُبَدِّلُ <input type="checkbox"/> يُبَادِلُ <input type="checkbox"/></p>	٩
٠/٥	<p>عَيْنِ نَوْعِ الْفِعْلِ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ.</p> <p>١. ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾</p> <p>٢. ﴿يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾</p>	١٠
٠/٥	<p>عَيْنِ الْكَلِمَةِ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.</p> <p>١. مُجَاسَسَةٌ <input type="checkbox"/> اِنْتَبَهُوا <input type="checkbox"/> تَعَلَّمِي <input type="checkbox"/> شَاهَدَنَ <input type="checkbox"/></p> <p>٢. حَارَبَ <input type="checkbox"/> تُحْسِنُ <input type="checkbox"/> يَتَخَلَّصُ <input type="checkbox"/> أَجْهَزُ <input type="checkbox"/></p>	١١
٠/٥	<p>ضَعَّ فِي الْفَرَاغِ الْأَوَّلِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا وَ فِي الْفَرَاغِ الثَّانِي عَدَدًا أَصْلِيًّا.</p> <p>١. الْيَوْمَ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.</p> <p>٢. تَسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي</p>	١٢
١/٥	<p>عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.</p> <p>﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. الْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ.</p> <p>رِكَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. ﴿وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ.</p>	١٣
١	<p>عَيْنِ الْفِعْلِ الْمَجْهُولِ، ثُمَّ تَرْجِمُ ذَلِكَ الْفِعْلَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.</p> <p>١. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا﴾</p> <p>٢. ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾</p>	١٤
١/٥	<p>عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهَا.</p> <p>١. سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. ٢. يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ.</p> <p>٣. مَنْ جَرَّبَ الْمَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ.</p>	١٥

د. مهارت درک و فهم (دو نمره)	
١٦	<p>صَغُ فِي الدَّائِرَةِ العَدَدَ المُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»</p> <p>١. الرُّكْبُ ○ إِبْتِعَادُ الصَّدِيقِ عَنِ صَدِيقِهِ أَوْ الرُّوْحَ عَنِ زَوْجَتِهِ.</p> <p>٢. الكِرَامَةُ ○ هُوَ الَّذِي لَهُ حَرَكَاتٌ جَمِيلَةٌ وَ كَلَامٌ جَمِيلٌ.</p> <p>٣. الأوكُزُ ○ زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الفِصَّةِ فِي يَدِ المَرَأَةِ.</p> <p>٤. الأَهْجُرُ ○ شَرَفٌ وَ عَظَمَةٌ وَ عِزَّةٌ النَّفْسِ.</p> <p>٥. المَلِيحُ</p> <p>٦. الأَسْوَارُ</p>
١٧	<p>عَيَّنِ الجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الحَقِيقَةِ وَ الوَاقِعِ.</p> <p>١. عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.</p> <p>٢. الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ المَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.</p> <p>٣. المَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ العُلُومِ.</p> <p>٤. الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ البِحَارِ وَ المُحِيطَاتِ.</p>
هـ. مهارت مکالمه (١/٥ نمره)	
١٨	<p>أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِينِ التَّالِيَيْنِ. (أَجِبْ: بِاسْخِ بَدِهِ)</p> <p>١. مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟</p> <p>٢. كَيْفَ حَالُكَ؟</p>
١٩	<p>رَتِّبِ الكَلِمَاتِ وَ اكْتُبِ سؤَالَ وَ جَوَابًا.</p> <p>١. السَّادِسَةِ / سَاعَةً / مِنْ / دَوَامِكَ / مَا هِيَ / . / ؟</p> <p>.....</p> <p>٢. تَذَهَبُونَ / مَرَقَدِ سَلْمَانَ / إِلَى المَدَائِنِ / لِزِيَارَةِ / لِمَ / . / ؟</p> <p>.....</p>



نمونه سؤال امتحان
نوبت اول و دوم عربی (۱)
رشته ادبیات و علوم انسانی

استفاده از نمونه سؤالات کتاب معلم در کتاب‌های غیر آموزش و پرورش منع قانونی دارد.

بخش ششم

بِسْمِهِ تَعَالَى، اِمْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْعَاشِرِ، الْعُلُومُ الْإِنْسَانِيَّةِ، الْفَصْلُ (التَّرْم) الْأَوَّلُ، مِنْ أَرْبَعَةِ دُرُوسٍ، أَلْوَقْتُ: ٧٠ دَقِيقَةً، التَّارِيخُ: / ١٠ / الْمُنْطَقَةُ: الْمُدْرَسُ: الْإِسْمُ الْأَوَّلُ وَ الْإِسْمُ الْعَائِلِيُّ:		
بارم	پرسش	ردیف
الف . مهارت واژه شناسی (دو نمره)		
٠/٥	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ	١
٠/٥	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. مُجِدَّ / بَعِيدَ / بَيْعَ / مُجْتَهِدَ / يَمِينَ / شِرَاءَ = ≠	٢
٠/٥	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. هَاتِفٌ: نِعَاجٌ:	٣
٠/٥	عَبِّرِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى. الف. مُسْتَوْصَفٌ <input type="checkbox"/> مُتَخَفٌ <input type="checkbox"/> سَوْدَاءٌ <input type="checkbox"/> مَلْعَبٌ <input type="checkbox"/> ب. مُسَجَّلٌ <input type="checkbox"/> بَطَارِيَّةٌ <input type="checkbox"/> حَنْفِيَّةٌ <input type="checkbox"/> مُجَفَّفٌ <input type="checkbox"/>	٤
ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
٠/٧٥	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَةَ. ١. ﴿ قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ ﴾	٥
٠/٧٥	٢. أَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ ظَاهِرَةَ مَطَرِ السَّمَاءِ.	
٠/٥	٣. تَهَانُونَ فِي الْمَمْتَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَسْرَاتٌ.	
٠/٧٥	٤. لَدَيْ جَوَالٍ تَفْرَعُ بَطَارِيئُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.	
٠/٧٥	٥. مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ.	
٠/٧٥	٦. سَمِعْتُ سُمِّيَّهُ صَوْتٌ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ.	
٠/٧٥	٧. رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.	

<p>۰/۵</p>	<p>إِنْتخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱. ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَعْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾</p> <p>الف. پس برای گناهان آمرزش می‌خواهند و چه کسی به جز خدا می‌بخشاید؟ <input type="checkbox"/></p> <p>ب. پس برای گناهانشان آمرزش خواستند و چه کسی جز خداوند می‌آمرزد؟ <input type="checkbox"/></p> <p>۲. ﴿وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ﴾</p> <p>الف. و بر آنچه می‌گویند شکیبایی کن و از آنها دوری گزین. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. و بر هرچه می‌گویند صبر می‌کنم و از ایشان دوری می‌کنم. <input type="checkbox"/></p>	<p>۶</p>
<p>۱/۵</p>	<p>كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.</p> <p>يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ. ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾ لَا يَجُوزُ الْأِصْرُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاشَرُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مَنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ قَرِحُونَ﴾ الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.</p> <p>قرآن بر عقیده تأکید می‌کند. هیچ اجباری در دین نیست. پافشاری بر نقاط اختلاف و بر جایز نیست؛ زیرا کسی از آن و بر همه مردم لازم است که با حفظ عقیده خودشان با یکدیگر همزیستی داشته باشند؛ زیرا هر گروهی به آنچه دارد دلشاد است. سرزمین‌های اسلامی مجموعه‌ای از بسیاری هستند که در و رنگ‌هایشان فرق دارند.</p>	<p>۷</p>
<p>ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)</p>		
<p>۳</p>	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:</p> <p>۱. قَرَأَتْ قَصِيدَةً. ۲. مَا وَجَدْتُمْ شَيْئًا. ۳. لَا أَعْرِفُ الزَّائِرَ. ۴. سَيَشْرَبُ شَايًا.</p> <p>۵. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ. ۶. دَافَعْتُمْ عَنِّ وَطَنِنَا. ۷. أَخْرَجَ كِتَابَكَ. ۸. لَا تَنْزِلُوا هُنَاكَ.</p> <p>۹. سَوْفَ أَعْسِلُ مَلَابِسِي. ۱۰. التَّقَطُّنَا صُورًا. ۱۱. كَانُوا يَكْتُبُونَ. ۱۲. يُسَاعِدُنَ الْأَخْرَيْنَ.</p>	<p>۸</p>

١	<p>عَيْنُ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ.</p> <p>١. فَتَدَخَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحَنَا وَ نَدَمْنَا عَلَى عَمَلِنَا الْقَبِيحِ. تَضَارَبْنَا <input type="checkbox"/> ضَرَبْنَا <input type="checkbox"/></p> <p>٢. الرُّمْلَاءُ مَعَ بَعْضٍ فِي بِدَايَةِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ. يَتَعَارَفُونَ <input type="checkbox"/> يَعْرِفَانِ <input type="checkbox"/></p> <p>٣. نِدَمَ أَحْي الصَّغِيرُ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ وَ أَنَا هُ. عَدَرْتُ <input type="checkbox"/> اِعْتَدَرْتُ <input type="checkbox"/></p> <p>٤. تَعَاشَرُوا كَالْإِخْوَانِ وَ كَالْأَجَانِبِ مَعَ بَعْضٍ. اِعْمَلْ <input type="checkbox"/> تَعَامَلُوا <input type="checkbox"/></p>	٩
٠/٥	<p>عَيْنُ نَوْعِ الْفِعْلِ وَ صِيغَتُهُ فِي الْعِبَارَةِ.</p> <p>﴿وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا﴾</p>	١٠
٠/٥	<p>عَيْنُ الْكَلِمَةِ الَّتِي يَخْتَلِفُ نَوْعُهَا فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.</p> <p>١. حَرَّكَ <input type="checkbox"/> تَعَجَّبَ <input type="checkbox"/> تَضَارَبَ <input type="checkbox"/> يَجْتَمِعُ <input type="checkbox"/></p> <p>٢. تَعَايَشَ <input type="checkbox"/> تَفَرَّقَ <input type="checkbox"/> مُمَارَسَةٌ <input type="checkbox"/> اِسْتَعْلَى <input type="checkbox"/></p>	١١
٠/٥	<p>ضَعُ فِي الْفَرَاغِ الْأَوَّلِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا وَ فِي الْفَرَاغِ الثَّانِي عَدَدًا أَصْلِيًّا.</p> <p>١. قَامَتِ أُخْتِي مِنَ النَّوْمِ فِي السَّاعَةِ الْخَامِسَةِ وَ ذَهَبَتْ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَاعَتَيْنِ فِي ال.....</p> <p>٢. خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدُ خَمْسَةٍ وَ عَشْرِينَ يُسَاوِي</p>	١٢
٠/٥	<p>أَكْتُبِ الْحُرُوفَ بِالْأَرْقَامِ. ١. سِتَّةٌ وَ ثَلَاثُونَ: ٢. ثَمَانِيَةٌ وَ تِسْعُونَ:</p>	١٣
٠/٥	<p>أرْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَةِ.</p> <p>١. الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا رُبْعًا</p>  <p>٢. الرَّابِعَةَ وَ النِّصْفَ</p> 	١٤

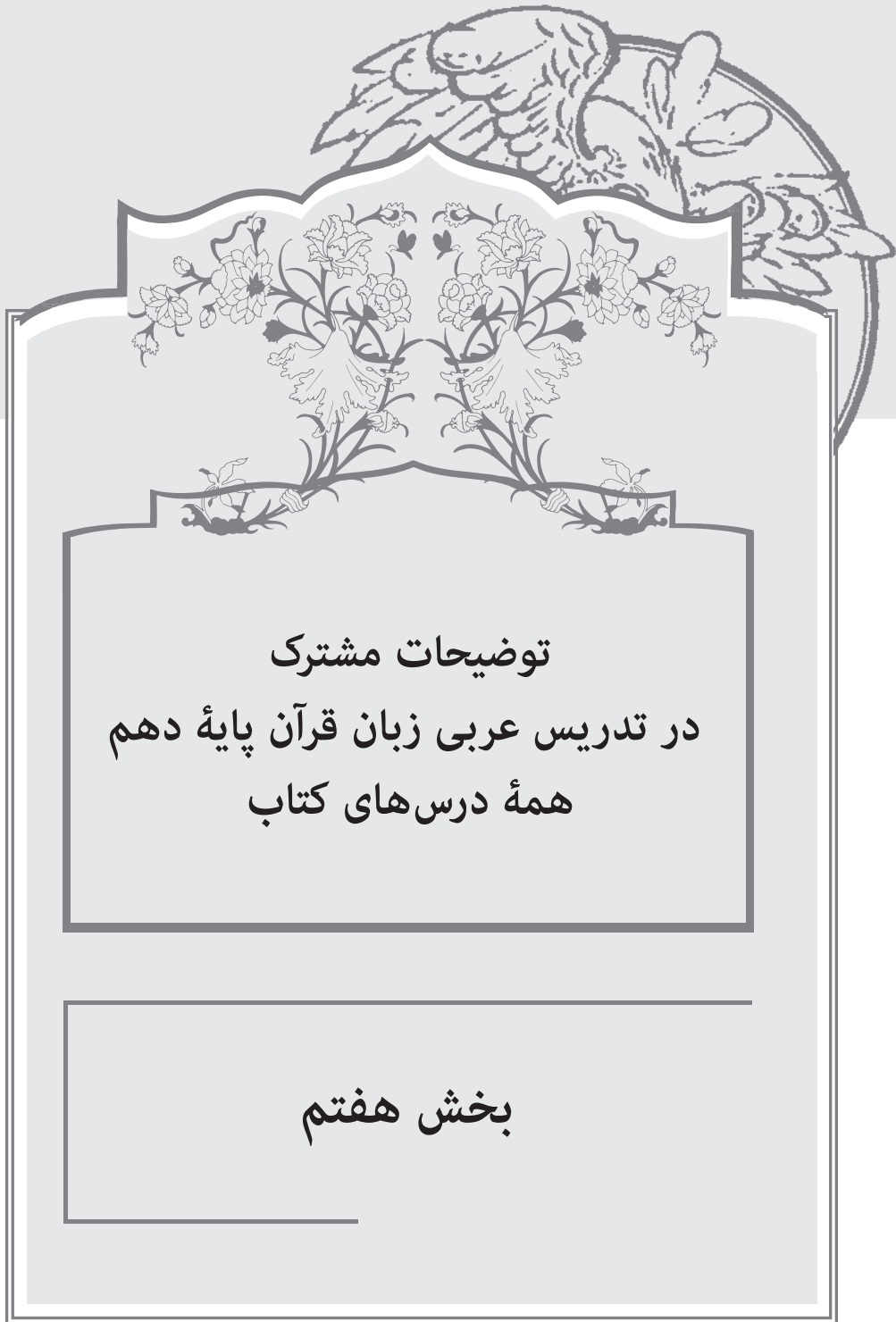
١	<p>صَعَّ هُذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكِيْبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (اِثْنَانِ زَائِدَتَانِ)</p> <p>أَنْتَ رُوحِي / أَنْتَ صَابِرَاتُ / هُذَانِ الْحَاسُوبَانِ / تَلَكِ الْبِطَاقَةُ / هُمُ فَائِزُونَ / هَاتَانِ الْمَرَاتَانِ</p> <table border="1" data-bbox="293 357 941 440"> <tr> <td>مثنى مذكر</td> <td>جمع مذكر سالم</td> <td>مفرد مؤنث</td> <td>جمع مؤنث سالم</td> </tr> <tr> <td></td> <td></td> <td></td> <td></td> </tr> </table>	مثنى مذكر	جمع مذكر سالم	مفرد مؤنث	جمع مؤنث سالم					١٥
مثنى مذكر	جمع مذكر سالم	مفرد مؤنث	جمع مؤنث سالم							
د. مهارت درک و فهم (دو نمره)										
١	<p>صَعَّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»</p> <p>١. ذَاكَ ○ اِسْمُ اِشَارَةِ لِغَيْرِ الْقَرِيبِ.</p> <p>٢. عِنْدَيْكَ ○ اَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا.</p> <p>٣. الْفَارِغُ ○ لَيْسَ فِي دَاخِلِهِ شَيْءٌ.</p> <p>٤. الدَّوَامُ ○ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.</p> <p>٥. الْبُقْعَةُ</p> <p>٦. الْمُحِيطُ</p>	١٦								
١	<p>عَيَّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيْحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيْحَةَ حَسَبِ الْحَقِيْقَةِ وَ الْوَاقِعِ.</p> <p>١. طَوَّلَ قَامَةَ الزَّرَافَةِ قَصِيْرًا جَدًّا.</p> <p>٢. لِلْفَائِزِ الْأَوَّلِ جَائِزَةٌ فَضِيْعَةٌ وَ لِلْفَائِزِ الثَّانِي جَائِزَةٌ حَسْبِيْعَةٌ.</p> <p>٣. الْأَصْطِفَافُ الصَّبَاحِيُّ قِيَامٌ فِي صُفُوفِ الْمَدْرَسَةِ فِي الصَّبَاحِ.</p> <p>٤. عَلَيْنَا بِالْعُبُورِ مِنْ رَصِيْفٍ إِلَى رَصِيْفٍ آخَرَ مِنْ مَمَرٍ الْمَشَاةِ.</p>	١٧								
هـ. مهارت مکالمه (١/٥ نمره)										
٠/٥	<p>أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ. (أَجِبْ: بِإِسْمِ بَدِهِ)</p> <p>١. مَا اِسْمُ مَدْرَسَتِكَ؟ ٢. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟</p>	١٨								
١	<p>رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اَكْتُبْ سَوْألاً وَ جَوَاباً.</p> <p>١. الْكَرِيْمُ / مَا / حُسَيْنُ / اِسْمُكَ / اِسْمِي / . / ؟</p> <p>٢. اِنَّهُ / شَعْبُ / مِضْيَافُ / وَجَدَتْ / الشَّعْبَ الْاِيْرَانِيَّ / كَيْفَ / . / ؟</p>	١٩								

بِاسْمِهِ تَعَالَى، اِمْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْعَاشِرِ، اَلْعُلُومُ الْاِنْسَانِيَّةُ، اَلْفَصْلُ (الرَّم) الثَّانِي، اَلْوَقْتُ: ٧٠ دَقِيقَةً، اَلتَّارِيخُ: / ٣ /		
اَلْمِنْطَقَةُ:	اَلْمُدْرَسُ:	اَلْاِسْمُ الْاَوَّلُ وَ اَلْاِسْمُ الْعَائِلِيُّ:
رديف	پرسش	بارم
الف . مهارت واژه شناسی (دو نمره)		
١	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. وَ انظُرْ اِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَهُ	٠/٧٥
٢	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. ضِيَاءٌ / سَتَوِيًّا / سَاحِلٌ / ظَلَامٌ / فَجَاءَهُ / شَاطِئٌ = ≠	٠/٥
٣	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى. أَحْمَرٌ □ أَحْسَنٌ □ أَرْزَقُ □ أَصْفَرٌ □	٠/٢٥
٤	اُكْتُبْ جَمْعَ كَلِمَةِ اُنْبُوبٍ: مفرداً كَلِمَةً عِبَادٍ:	٠/٥
ب . مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَةَ. ١. ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ ٢. حُسْنُ الْاَدَبِ يَسْتَرْقُبُ قُبْحَ النَّسَبِ. ٣. اَلْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. ٤. اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ. ٥. اَلصّٰدِقُ الْحَقِيقِيُّ يُعْرَفُ عِنْدَ الصّٰعَابِ. ٦. يُنْقَلُ الثَّقَلُ مِنَ الْبَيْتِ اِلَى مِبْنَاءِ التّصَدِيْرِ. ٧. سَوِيٌّ تَبْرِيزِ الْمُسَقَّفُ مَكَانٌ وَّاسِعٌ لِيَبَعَ السّجّاجِيْدِ. ٨. تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ اَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي كُلِّ اِتِّجَاهٍ دُونَ اَنْ تُحَرِّكَ رَاسَهَا.	
٠/٥	
٠/٥	
٠/٥	
٠/٥	
٠/٥	
٠/٧٥	
٠/٧٥	
١	

<p>۰/۵</p>	<p>إِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱. كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَقُومُ بِتَلْوِينِ رُسْمِهِ الْجَمِيلِ.</p> <p>الف. برادرم کوچک است و نقاشی زیبایی را رنگ آمیزی می کند. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. برادر کوچکم به رنگ آمیزی نقاشی زیبایی اقدام می کرد. <input type="checkbox"/></p> <p>۲. الْأَمْرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا.</p> <p>الف. تأسیسات همگانی مکان هایی هستند که ملک دولت هستند و سود آن به مردم می رسد. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. تأسیسات عمومی جاهایی اند که دولت مالک آن است و مردم همگی از آن سود می برند. <input type="checkbox"/></p>	<p>۶</p>
<p>۱/۵</p>	<p>كَمَلِ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.</p> <p>۱. ﴿وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾</p> <p>و هرگاه قرآن به آن گوش کنید و خاموش باشید؛ امید است</p> <p>۲. يُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَاطُ وَ مُبِيدَاتُ الْحَشْرَاتِ وَ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمَاوِيُّ وَ غَيْرُهَا. از آن پلاستیک، حشره کش، مواد آرایشی کود شیمیایی و غیره</p>	<p>۷</p>
<p>ج . مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)</p>		
<p>۱/۵</p>	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ:</p> <p>۱. ﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾ ۲. ﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾ ۳. لَا تَبْتَعِدِي مِنَّا.</p> <p>۴. لَا يَأْمُرُنِي أَبَدًا. ۵. إِحْتِرَاقُ الْغَابَةِ. ۶. كَانُوا يَغْسِلُونَ مَلَابِسَهُمْ.</p>	<p>۸</p>
<p>۰/۵</p>	<p>عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.</p> <p>۱. الْأَمَاضِي مِنَ «بَسْتَعْرِقُ»: <input type="checkbox"/> اسْتَعْرِقَ <input type="checkbox"/> عَرِقَ <input type="checkbox"/> أَعْرِقَ <input type="checkbox"/></p> <p>۲. الْأَمْصَدُّ مِنَ «أَغْلَقُ»: <input type="checkbox"/> تَغْلِقُ <input type="checkbox"/> إِغْلَقَ <input type="checkbox"/> اِنْغْلَاقَ <input type="checkbox"/></p>	<p>۹</p>

١	أَكْتُبْ نَوْعَ الْفِعْلِ وَ صَيِّغْتَهُ فِي كُلِّ عِبَارَةٍ. ١. شَرِبْنَا خَلِيبًا طَارِجًا فِي الْقَرْيَةِ. ٢. الْأَطْفَالُ لَا يُشْرِكُونَ وَحَدَهُمْ.	١٠
٠/٥	صَغَ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا. ١. فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي صُفُوفٍ. عَشْرَةٌ <input type="checkbox"/> الْعَاشِرِ <input type="checkbox"/> ٢. الْأَنَافِذُ مِنْ نَوَافِذِ الْمَدْرَسَةِ مَفْتُوحَةً. وَاحِدًا <input type="checkbox"/> الْأُولَى <input type="checkbox"/>	١١
١/٥	أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ. ﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ أَسْكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. الْكُتُبُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ. زَكَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ. ﴿وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ.	١٢
٠/٥	عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ وَ نَائِبَ الْفَاعِلِ. «فَعَلَ وَاحِدٌ» ﴿يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ﴾	١٣
٢	صَغِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. ١. ﴿يُعْرَفُ..... بِسِيْمَاهُمْ﴾ الْمُجْرِمُونَ <input type="checkbox"/> الْمُجْرِمِينَ <input type="checkbox"/> ٢. رُبِعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ الْمُسْلِمِينَ <input type="checkbox"/> الْمُسْلِمُونَ <input type="checkbox"/> ٣. آفَةٌ..... النَّسِيَانُ. الْعِلْمُ <input type="checkbox"/> الْعِلْمِ <input type="checkbox"/> ٤. الْمَرْءُ بِالْعِلْمِ وَ الْأَدَبِ. شَرَفٍ <input type="checkbox"/> شَرَفٍ <input type="checkbox"/> ٥. اللَّهُرُّ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. يَوْمَانِ <input type="checkbox"/> يَوْمَيْنِ <input type="checkbox"/> ٦. الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَ بِلا تَمَرٍ. الشَّجَرِ <input type="checkbox"/> الشَّجَرِ <input type="checkbox"/> ٧. الْمُعَلِّمُونَ فِي مَهْرَجَانِ الْمَدْرَسَةِ. حَاضِرُونَ <input type="checkbox"/> حَاضِرِينَ <input type="checkbox"/> ٨. نَزَلَ مِنْ طَائِرَاتِهِمُ الْحَرْبِيَّةِ. الطَّيَّارُونَ <input type="checkbox"/> الطَّيَّارِينَ <input type="checkbox"/>	١٤

د. مهارت درک و فهم (دو نمره)		
١	<p>صَعَّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»</p> <p>١. الشَّرْرَةُ ○ مِّنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْعَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.</p> <p>٢. الْقَمَرُ ○ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِبَاؤُهُ مِّنَ الشَّمْسِ.</p> <p>٣. الْأَنْعُمُ ○ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.</p> <p>٤. الْغَيْمُ ○ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.</p> <p>٥. الدُّرُّرُ</p> <p>٦. الْفُسْتَانُ</p>	١٥
١	<p>عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.</p> <p>١. عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرِبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.</p> <p>٢. الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.</p> <p>٣. الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.</p> <p>٤. الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبِحَارِ وَالْمُحِيطَاتِ.</p>	١٦
هـ . مهارت مکالمه (١/٥ نمره)		
٠/٥	<p>أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ. (أَجِبْ: بِاسْخِ بَدِهِ)</p> <p>١. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟</p> <p>٢. كَيْفَ حَالُكَ؟</p>	١٧
١	<p>رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سؤَالًا وَ جَوَابًا.</p> <p>١. السَّادِسَةِ / سَاعَةٌ / مِّنَ / دَوَامِكَ / مَا هِيَ / . / ؟</p> <p>.....</p> <p>٢. تَذَهَبُونَ / مَرَقِدِ سَلْمَانَ / إِلَى الْمَدَائِنِ / لِزِيَارَةِ / لِمَ / . / ؟</p> <p>.....</p>	١٨



توضیحات مشترک
در تدریس عربی زبان قرآن پایه دهم
همه درس‌های کتاب

بخش هفتم

در مقدمه کتاب عربی زبان قرآن پایه دهم، بخشی به نام «سخنی با معلّم» آمده است. تجربه نشان می‌دهد که با وجود اینکه کتاب معلّم به تعداد مورد نیاز چاپ می‌شود و پروّنجای (فایل) کتاب معلّم نیز در «سایت گروه عربی دفتر تألیف» بارگذاری می‌شود، هنوز بخشی از دبیران اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند؛ لذا در مقدمه، مهم‌ترین توصیه‌ها درج شده است.

مطالعه کتاب معلّم اطلاعات سودمندی را در اختیار دبیر می‌گذارد؛ شایسته است دبیر عربی پایه دهم این کتاب را با صبر و حوصله مطالعه کند. بسیاری از ابهامات با مطالعه کتاب برطرف می‌گردد.

بخشی تحت عنوان «دانش‌افزایی برای دبیر» پیش‌بینی شده است تا به پرسش‌های احتمالی معلّم و دانش‌آموزان پاسخ دهد. همچنین کتاب معلّم منبعی برای رفع اختلاف دبیران بر سر پاره‌ای مطالب صرفی، نحوی، واژگانی، بلاغی و غیره است.

کتاب عربی پایه دهم، چهارمین کتاب عربی متوسطه است. شورای تألیف، گروهی شامل استادان متخصص دانشگاه و معلّمان مجرب بوده است. این کتاب همچون سه کتاب دوره متوسطه اول پیش از چاپ، چندین بار به نقد و بررسی نهاده و تدریس آزمایشی شده است تا اشکالات برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت گردد؛ در بررسی کتاب درسی، افراد بسیاری سهیم هستند؛ نمایندگانی از معلّمان دوره اول و دوم متوسطه (به ویژه دوم متوسطه)، متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، پایگاه کیفیت‌بخشی به فرایند آموزش عربی و دبیرخانه کشوری راهبری درس عربی، گروه‌های آموزشی، کارشناسانی از حوزه و دانشگاه و ...

شیوه کتاب، متن محوری است. متن محوری به معنای نفی قواعد نیست. برخی به محض شنیدن اصطلاح متن محوری دچار تصویری نادرست می‌شوند. در کتاب‌های نونگاشت عربی قواعد در خدمت فهم متن هستند. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان دوره دوم متوسطه متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب حدود ۳۵۰ واژه جدید به کار رفته؛ اما حدود ۸۲۰ کلمه عربی هفتم و هشتم نیز تکرار

شده است؛ پس در واقع هدف این کتاب آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. این کار تا پایان پایه دوازدهم تکرار خواهد شد. دانش آموز هر سال که به پایه بالاتر می رود باید معنای کلمات قبلی را بداند. از امتیازات این کتاب همین است که واژگان سال‌های قبل و درس‌های قبل دوباره در کتاب تکرار می‌شوند.

در نگارش کتاب به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شده است و جا دارد از همه نویسندگان کتاب‌های درسی عربی پیشین تشکر گردد. در تألیف کتاب به تجارب موفق کتب قبلی توجه و تجربه‌های ناموفق کنار نهاده شده است.

بسیاری از عبارت‌های کتاب درسی دهم تکرار عبارات کتاب‌های عربی دوره اول متوسطه است. دبیری که تاکنون سابقه تدریس در دوره اول متوسطه را نداشته است احتمال دارد از دشواری کتاب نگران شود؛ اما دبیری که سابقه تدریس در دوره اول متوسطه را دارد با دیدن این عبارت‌ها به یاد سه کتاب قبلی می‌افتد. هدف از این کار، تکرار و تمرین است. البته جملات ارزشی مانند آیات و احادیث و امثال تکرار شده‌اند. در صورت لزوم می‌تواند این موضوع در کلاس درس نیز به دانش‌آموزان گوشزد شود.

کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث و روایات و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات و متون کتاب افزون بر هدف آموزشی و زیباسازی کتاب، ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند. در حوزه تصویر سلیقه‌ها گوناگون بود؛ اما همه بالاتفاق نظر دادند که نقاشی استفاده نشود. گاهی تصویری را که کارشناسی مجرب بسیار می‌پسندید و ما را تشویق می‌کرد که شبیه آن را در کتاب بیشتر بیاوریم، کارشناس دیگر کاملاً رد می‌کرد. در این راه نظر کارشناس حوزه هنری و رعایت ارزش‌های ایرانی - اسلامی برای ما اولویت داشت.

از آنجا که دانش‌آموز در دوره اول متوسطه کلمات بسیاری را آموخته و تاحدودی با ساختار زبان عربی آشنا شده؛ لذا در پایه دهم متن‌ها طولانی‌تر شده است. اکنون دانش‌آموز با ۸۵۰ واژه پرکاربرد و نیز بسیاری از ساختارهای زبان عربی آشنا شده است.

بنا به درخواست دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی، پایگاه کیفیت بخشی فرایند آموزش عربی دوره اول متوسطه، گروه‌های آموزشی، دبیران و دانش‌آموزان و به استناد برنامه درسی ملی دوباره مکالمه در کتاب گنجانده شده؛ زیرا مکالمه بستری است مناسب برای آموزش هر نوع زبان و در ضمن به درس عربی جذابیت و تحرک می‌بخشد و آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد؛ اما مکالمه همچنان هدف اصلی آموزش عربی نیست. بسیاری افراد و کارشناسان به آموزش عربی در سال‌های گذشته این انتقاد را وارد کرده‌اند که چرا دانش‌آموخته ایرانی قادر به بیان چند جمله ساده نیست و تنها مباحث صرفی و نحوی و تجزیه و ترکیب می‌داند. کتاب حاضر تاحدودی این ضعف را از بین برده است؛ بنابراین، شایسته است که معلم خود را در زمینه مکالمه تقویت کند. گروه عربی نیز در نظر دارد با تهیه و معرفی منابع مناسب، یاری‌رسان همکاران باشد. این کتاب مکمل سه کتاب پیشین است. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هر یک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود خواهند بود. از همکاران درخواست می‌گردد که با شیوه نوین نگاشت کتاب درسی هماهنگ شوند.

معلمان گرامی می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی و این وبگاه با گروه عربی دفتر تألیف در تماس باشند.

<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

مجله رشد قرآن و معارف اسلامی

شما می‌توانید مقالات علمی، پژوهشی و آموزشی خود را برای چاپ در مجله رشد معارف ارسال کنید.

برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه اول آخرین مجله رشد معارف مراجعه کنید. در حال حاضر، مقالات عربی به صورت ویژه‌نامه درون مجله معارف قرار دارد. همچنین اگر شما وبلاگی فعال دارید می‌توانید درخواست کنید تا در سایت گروه عربی لینک شود.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب: دبیر عربی برای تدریس این کتاب شایسته است:

۱ کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به دقت مطالعه و بررسی کرده باشد؛ دبیری که بدون اطلاع یافتن از محتوای کتاب‌های متوسطه اول تدریس کند، بی‌شک ناموفق است.

۲ دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد؛ این دوره برای همه دبیران کشور برگزار می‌گردد، علاوه بر آن کارشناسان گروه عربی دفتر تألیف در همایش‌های دبیران عربی سراسر کشور حضور خواهند یافت؛ تا از نزدیک پاسخگوی دبیران باشند. (امکان دارد این دوره غیر حضوری برگزار گردد).

۳ کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) را با دقت کافی مطالعه کرده باشد. شورای تألیف کتاب‌های درسی عربی، شامل گروهی از استادان دانشگاه و معلمان هستند؛ اعضای شورا در تألیف کتاب حاضر از تجربیات کتاب‌های عربی پیشین بهره گرفته‌اند و جادارد که از زحمات پیشینیان قدردانی گردد.

رویکرد برنامه درسی عربی براساس برنامه درسی ملی این است: «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» این کتاب با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است.

برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند برای تألیف کتاب‌های درسی است؛ راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه برای تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است. در نگارش کتاب به تجربیات و الگوهای موفق و مناسب کتاب‌های عربی و کتاب‌های آموزش زبان دیگر کشورها توجه شده است.

کلمات به کاررفته در کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

در این کتاب ۳۶۳ کلمهٔ پرکاربرد به کار رفته است و افزون بر آن نزدیک به ۸۵۰ واژهٔ کتاب‌های عربی هفتم، هشتم و نهم نیز در کتاب دهم تکرار شده‌اند؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژهٔ پربسامد زبان عربی است.

۵۵۲ واژه از ۸۵۰ واژهٔ سه کتاب دورهٔ اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در سه کتاب دورهٔ دوم متوسطه نیز چنین خواهد شد.

تصاویر، عبارات و متون کتاب به ابعاد تربیتی و فرهنگی توجه دارند. مکالمه هدف اصلی این کتاب نیست. هدف اصلی، فهم متن به ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

مهم‌ترین تأکیدات دربارهٔ شیوهٔ تدریس و ارزشیابی کتاب: رعایت این تأکیدات در آزمون سراسری و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته برای سازمان سنجش به منزلهٔ بخشنامهٔ رسمی است. شایسته است دبیرخانهٔ درس عربی و گروه‌های آموزشی سوالات آزمون سراسری را نقد و بررسی کنند و در صورت وجود اشکال، مراتب را به سازمان سنجش اطلاع دهند.

۱ کتاب عربی پایهٔ دهم در هشت درس تنظیم شده است؛ هر درس را می‌توان در سه جلسهٔ آموزشی تدریس کرد. سال تحصیلی حدود ۳۰ جلسهٔ آموزشی دارد. از مهر تا اسفند با حذف دو هفته امتحانات دی ماه **۲۲ جلسه** است. دو هفتهٔ دوم فروردین و نیز ماه اردیبهشت نیز **۶ جلسه** است. از طرفی ماه‌های مهر تا بهمن ۳۰ روزه و دو ماه فروردین و اردیبهشت نیز ۳۱ روزه‌اند؛ لذا ۱۲ روز، یعنی **۲ جلسه** دیگر افزوده می‌شود. به عبارت ساده‌تر وقتی که به تقویم نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که یکی از روزهای هفته، پنج بار تکرار شده است. خلاصهٔ کلام تعداد جلسات سال تحصیلی بر مبنای زنگ‌های متعارف ۹۰ دقیقه‌ای **۳۰ جلسه** است. کتاب بر مبنای ۲۴ جلسه است.

۲ دانش‌آموز پایهٔ دهم در کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی (امر و نهی تنها در صیغه‌های مخاطب)، نفی،

مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أخوَكُنَّ الصَّغِيرُ»، اسم اشاره، کلمات پرسشی (متی، کیف، این، لماذا، ما، ما هو، ما هی، ماذا، من، لِمَن، هل و أ)

هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بوده که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العَزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند. در کتاب دهم نیز ترکیبی مانند «سِيارَةُ أُخي الصَّغِيرَةُ» آموزش داده شده تا آموزش کامل شود. برای اینکه از معما سازی جلوگیری شود تأکید می‌گردد که معنای ترکیب در جمله خواسته شود؛ مثلاً ترجمه «سِيارَةُ أُختي الصَّغِيرَةُ» و «سِيارَةُ أُختي الصَّغِيرَةُ» برای دانش‌آموز ناممکن و خلاف اهداف کتاب است؛ زیرا هم خارج از اهداف است و هم اینکه بیرون از جمله داده شده است. متأسفانه کسانی که در پی دشوار سازی ارزشیابی‌اند، بی‌آنکه بدانند با طرح چنین سؤالاتی هدف اصلی آموزش زبان را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است.

در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده است؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است. (در پایه هفتم عددهای اصلی ۱ تا ۱۲ و

در پایه هشتم عددهای ترتیبی یکم تا دوازدهم و در پایه نهم نیز ساعت خوانی)

۳ هرچند درس اول دوره آموخته‌های پیشین است، اما به مصداق «الدرس حرف و التکرار أَلْف» در سایر درس‌ها نیز این مرور انجام شده است تا کم‌کم دانش‌آموز مطالب را بیاموزد. مطالب دو کتاب عربی مشترک و عربی علوم انسانی یکسان هستند. قسمت متفاوت این است که در کتاب انسانی نام صیغه‌ها طبق دستور زبان عربی ذکر شده است. در سه کتاب هفتم، هشتم و نهم و نیز در کتاب عربی مشترک نام صیغه‌ها آموزش داده نشده است؛ همین‌که آموزش فعل و ضمیر در کتاب بومی سازی شده است، یادگیری به بهترین شکل انجام شده و مطلوب نیز همین است. در رشته انسانی و معارف بنابر تخصصی بودن درس عربی نام صیغه افعال آموزش داده شده است.

۴ در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شوند. در دورهٔ اوّل متوسطه عددهای اصلی و ترتیبی تا ۱۲ آموزش داده شده‌اند. در این کتاب، عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست. در متون و عبارات کتاب این مطابقت‌ها وجود دارد و دانش‌آموز با دقت در آنها می‌تواند این ظرافت‌ها را کشف کند، اما ارزشیابی از آنها مدّ نظر نیست. شاید گفته شود یک تا صد زیاد است، اما این‌طور نیست. سیزده تا نوزده همان سه تا نه است که جزء عَشَرَ افزوده شده است. (خمسة و خمسة عشر) و عقود سی تا نود نیز با عددهای سه تا نه بسیار همانندی دارد. (خمسة و خمسون).

۵ دانش‌آموزان در دورهٔ اوّل متوسطه با هر دو فعل مجرد و مزید در کتاب درسی درون متن و عبارت آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند، فعل‌های مزید و حتّی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند آمَنَ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، اَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَدَّرَ، زَادَ و ... در درس سوم و چهارم بدون ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید این فعل‌ها بازآموزی شده‌اند. دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرد آشنا شده است. در واقع هدف آموزشی این دو درس این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اوّل با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. نیازی به ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید نیست و تشخیص ثلاثی مجرد و مزید و ذکر نوع باب آن از اهداف آموزشی نیست. فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هرگونه فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعل استفاد به کار رفته و فعل استفعل نیز آموزش داده شده است؛ اما نباید از فعل اِسْتَفِدَّ سؤال دهیم؛ ولی اگر معنای اِسْتَفَادَتْ را بخواهیم اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَفَادَ ندارد. منظور از تغییرات

پیچیده مواردی مانند حذف حرف عله، ادغام و فک ادغام، املاي همزه و هرگونه قاعده‌ای است که مربوط به فعل‌های غیر صحیح و سالم است. اینکه دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد که فعل تَخْرُجُ، ثلاثی مجرد و فعل تَخْرِجُ، ثلاثی مزید است، کمکی به او در فهم متن نمی‌کند و تنها راه برای معمّاسازی در ارزشیابی‌ها باز می‌شود. با توجه به زمان محدود به جای اینکه وقت معلّم صرف تشخیص مزید از مجرد شود، بهتر است صرف معنای افعال شود. در اینجا برتری آموزشی این است که دانش‌آموز معنا را یاد بگیرد و بهتر است دبیر گرامی وقتش را در این زمینه صرف کند.

فرق کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) و عربی زبان قرآن تخصصی رشته ادبیات و علوم انسانی در این است که در عربی تخصصی معانی باب‌ها نیز ذکر شده است. باید توجه داشت که این معانی واقعاً آن‌طور که گروهی تصوّر می‌کنند قطعی و غالب نیستند بلکه از معروف‌ترین و پرکاربردترین آنها هستند. به‌همین دلیل در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) ذکر نشده‌اند. معمولاً معنای تعدیه (تبدیل فعل لازم به متعدی) را برای باب افعال ذکر می‌کنند؛ ولی مثال‌های بسیاری هستند که این‌گونه نیستند. این درحالی است که معنای باب افعال قاعده‌مندتر از سایر ابواب است؛ مثلاً در باب استفعال اغلب معنای درخواست وجود ندارد.

أَفْلَحَ: رستگار شد، أَسْرَعَ: شتافت، أَسْلَمَ: مسلمان شد

أَصْبَحَ: شد، أَكْبَرَ: بزرگی یافت، أَبَاعَ: برای فروش نهاد

در بخش واژه‌نامه (جز درس اول و دوم) مضارع و مصدر فعل‌های ماضی ثلاثی مزید مدام تکرار شده است و این تکرار تا انتهای کتاب ادامه دارد تا دانش‌آموز کم‌کم این فعل‌ها را بشناسد؛ اما مصدر فعل‌هایی مانند دَلَّ، سَارَ، رَجَا، رَضِيَ و ... چون قیاسی نیستند، نیامده‌اند. در عربی پایه یازدهم و دوازدهم این تکرار در المعجم صورت نمی‌گیرد.

۶ در درس پنجم جمله اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اعراب کلمات هدف

نیست. هدف این است که دانش‌آموز با کمک شناخت اجزای جمله بتواند معنای عبارات را بهتر بفهمد. دانش‌آموز قرار نیست که به‌زبان عربی سخنرانی کند، مقاله بنویسد، یا شعر بگوید. دانستن این ظرافت‌های زبانی برای معلّم عربی، طلبه حوزة علمیّه، دانشجوی الهیات و افراد علاقه‌مند به زبان عربی لازم است، ولی در رشته‌های ریاضی، تجربی و فنی نیازی به این مهارت زبانی نیست؛ زیرا درس عربی در این رشته‌ها اختصاصی نیست. اگر دانش‌آموزی کنجکاوی کرد و علاقه‌مند به دانستن دلیل و اطلاعاتی در این زمینه بود، می‌توان برای همان دانش‌آموز توضیحات لازم را ارائه کرد. فرق کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) و عربی زبان قرآن (۱) تخصصی این است که در کتاب تخصصی فقط گفتن المحلّ الإعرابی کافی نیست. دانش‌آموز باید اعراب رفع، نصب، جر و جزم را هم ذکر کند؛ مثلاً در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) در جمله (سكوتُ اللسانِ سلامةُ الإنسانِ). کافی است دانش‌آموز بگوید سلامه خبر است، ولی در عربی زبان قرآن (۱) تخصصی باید بگوید سلامه خبر و مرفوع به ضمّه است.

۷ در درس ششم فعل مجهول (الفعلُ المجهولُ فاعلهُ) تدریس می‌شود؛ هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس نیز هدف نیست. مبحث نایب فاعل و اینکه مرفوع است و تطابق نایب فاعل و فعل مجهول جزء اهداف آموزشی عربی مشترک زبان قرآن (۱) نیست. دانش‌آموز باید با دیدن عبارتی مانند: تُعْرِفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا. آن را درست ترجمه کند و بداند که تُعْرِفُ مجهول است و تَعْرِفُ معلوم است.

فرق کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) و عربی زبان قرآن (۱) تخصصی این است که در کتاب تخصصی باید نایب فاعل و انواع آن را نیز تشخیص دهد.

۸ در درس هفتم معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید حروف جر و جار و مجرور را در جمله تشخیص دهد؛ امّا نیازی به دانستن علائم اعرابی جر نیست؛ ولی در عربی رشته‌های انسانی و معارف تشخیص این علائم لازم است.

۹ در درس هشتم مهم‌ترین وزن‌های اسم‌های مشتق تدریس می‌گردد. ساخت مشتقات مدّ نظر نیست. فقط شناخت نوع آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. تشخیص جامد از مشتق در کتاب آموزش داده نشده و در آزمون‌ها طرح نمی‌شود. تشخیص مواردی مانند اینکه استخدام جامد است و حَسَن مشتق، دانش‌آموزان را سردرگم می‌کند.

۱۰ در تدریس واژگان جدید می‌توان از کتاب گویا استفاده کرد.

۱۱ در طَرّاحی سؤال درک مطلب در آزمون سراسری و آزمون‌های مدرسه از متون کتاب استفاده می‌شود؛ در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد و یا اینکه ترجمه فارسی آنها ارائه شود. طرح سؤال درک مطلب کار بسیار سختی است. شاید در نگاه اول، کاری بسیار ساده باشد. طرح درک مطلب در واقع نوعی سهل و ممتنع است. طَرّاحی متنی که واژگان و ساختار آن بر اساس آموخته‌های دانش‌آموز باشد و قابلیت طرح سؤال با کلماتی مانند متی، کیف، هل، أ، این، لماذا، لِمَنْ، مَنْ، مِمَّن، بِمَ و ... داشته باشد کاری دشوار است. البته پاسخ دادن برای دانش‌آموز آسان است.

۱۲ صورت سؤال به زبان عربی است؛ اَمّا شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۱۳ مضارع و مصدر فعل‌های ثلاثی مزید چون قیاسی‌اند و برخی فعل‌های ثلاثی مجرد که مصدرشان در کتاب درسی و یا در زبان فارسی به کار رفته، در واژه‌نامه کتاب آورده شده است؛ اَمّا طرح سؤال امتحانی، یا آزمون سراسری از آنها هدف نیست.

۱۴ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است، یا در سال‌های بعد خواهد آمد. متأسفانه به محض اینکه در مدرسه‌ای یک ساعت اضافه بر سازمان به برخی دبیران داده می‌شود، سراغ قواعد می‌روند؛ آن هم قواعد سال‌های بعد، یا قواعدی که برای دانش‌آموز کاربردی ندارد. به جای این کار می‌توان سراغ هدف اصلی هر زبانی که همان مهارت شفاهی (شنیدن، خواندن و

سخن گفتن) است رفت. چیزی که در زندگی آینده می‌تواند برای فراگیر سودمند واقع شود. دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است. شایسته است معلم به مطالب کتاب بسنده کند و مطالب اضافه در قواعد آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را دانش‌آموز باید بیاموزد؛ به تدریج فرا خواهد گرفت.

۱۵ پژوهش‌های انتهای هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. مدرسه‌هایی که وقت اضافه دارند، یا دانش‌آموزان خاص ثبت نام کرده‌اند، می‌توانند به‌عنوان فوق برنامه در چنین زمینه‌هایی دانش‌آموز را فعال کنند. نمره این بخش را در نوبت اول یا مستمر می‌توان تأثیر داد.

۱۶ تحلیل صرفی و اعراب و قرار دادن اعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۷ در هر آزمونی مترادف و متضاد در محدوده تمرینات سه کتاب متوسطه اول و کتاب حاضر است.

۱۸ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس دستور زبان فارسی و به شکل (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین اینگونه بود: (هو، هُما، هُم، هی، هُما، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتِما، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتِما، أَنْتُنَّ، انا، نَحْنُ)

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند. در سه سال اول متوسطه این شیوه بهتر پاسخ داده است و در پژوهش‌هایی که انجام شده است تأثیرات مثبت این شیوه اثبات شد؛ لذا در سه سال دوم نیز همین روند ادامه یافته است. در اصل، مهم این است که دانش‌آموز خوب یاد بگیرد و هر شیوه‌ای که او را سریع‌تر و بهتر به مقصود می‌رساند پسندیده‌تر است. برخی همکاران صرفاً براساس تعلق خاطر که به شیوه سنتی دارند ترجیح می‌دهند خلاف جهت حرکت کنند و شیوه‌ای را که خود در زمان دانش‌آموزی و دانشجویی خوانده‌اند ادامه دهند. اینان بی‌آنکه بدانند دانش‌آموز را دچار دردسر می‌کنند. تا پایان دوره دوم دبیرستان شیوه

کتاب همین است و تغییری صورت نمی‌گیرد؛ لذا با این کار دانش‌آموز دچار دوگانگی می‌شود.

۱۹ هدف از دو بخش «بدانیم» و «فَنِّ ترجمه» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش‌آموز این دو بخش را می‌آموزد تا به کمکشان درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است.

۲۰ تبدیل «مذکّر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف این کتاب نیست و چنین سؤالاتی در آزمون‌ها نمی‌آید؛ مثال: این جمله را به مضارع تبدیل کنید:

نَادَيْتُكَ وَ لَكِنَّكَ مَا سَمِعْتَ صَوْتِي.

این جمله را با توجه به کلمات داده شده بازنویسی کنید:

یا زَمَلَائِي، اِذْهَبُوا اِلَى صُفُوفِكُمْ.

یا زَمِيلَاتِي،

۲۱ در امتحان معنای کلمات در جمله خواسته می‌شود. این شیوه مبنای منطقی دارد. معنای بسیاری از واژه‌ها در جمله بهتر آشکار می‌شود. افزون بر این، چنین کاری موجب تلطیف امتحان می‌گردد؛ همچنین این کار موجب می‌شود که امتحان به نوعی آموزش نیز تبدیل شود. اصولاً هدف از امتحان کمک به آموزش است و نوعی آموزش را نیز در بر دارد.

۲۲ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد که در امتحان نوبت اول و مستمر تأثیر داده می‌شود.

۲۳ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین در نظر گرفته شده تا به دفتر تمرین نیازی نباشد؛ اما متن دروس جای کافی ندارد، می‌توان برای متون کتاب یک ورق در کتاب نهاد. از آنجا که الفبای ما عربی است؛ لذا نباید عربی را مانند درس انگلیسی

دید. در انگلیسی نوشتن لازم است؛ زیرا الفبای آن فرق دارد و باید یادگیرنده آن را بیاموزد، ولی در عربی این‌گونه نیست.

۲۴ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از متوسطه اول به متوسطه دوم آمده‌اند و کتاب‌های عربی عمومی پایه‌های یازدهم و دوازدهم نیز ادامه و مکمل روش این کتاب خواهند بود. عدم هماهنگی با کتاب درسی فقط موجب آشفتگی ذهن دانش‌آموز است و هیچ سودی ندارد.

۲۵ از دانش‌آموز بخواهیم بخش «سخنی با دانش‌آموز» را بخواند.

۲۶ می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا داستان‌های کوتاه ترجمه کنند؛ سرود و نمایش اجرا کنند؛ عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت‌آمیز و ابتهامات و مطالب علمی کوتاه ترجمه کنند. فضا برای کارهای شاد مناسب است، ولی قاعده‌زدگی تدریس عربی همگان را جذب دستور زبان کرده است. واقعیت این است که آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است، ولی تدریس متن‌محور کاری دشوار است. ارزشیابی از مطالب صرفی و نحوی آسان است ولی ارزشیابی از قرائت و مکالمه بسیار سخت است.

۲۷ سیاست تألیف در تمامی بخش‌های کتاب مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز به درس عربی است؛ باید در امتحانات از طراحان سؤالات معماگونه خودداری کرد. آزمون‌های مدارس خاص و آزمون‌های طراحان شده توسط مؤسسات خصوصی زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می‌سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده باشد و پیچیدگی نداشته باشد؛ برخی سودجویان متضرر می‌گردند. آشفتگی وضعیت آموزش و سختی تمرینات و سؤالات امتحانی زمینه را برای بهره‌برداری برخی سودجویان فراهم و دانش‌آموزان را نیز از درس عربی گریزان می‌سازد.

۲۸ کار عملی در کتاب عربی، تهیه انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند پژوهش، مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی است؛ یعنی دانش‌آموز آموخته‌هایش را در قالب سخن‌گفتن یا نوشتن به‌نمایش بگذارد. این کار در مدارس قابل اجراست که درس عربی دارای ساعت اضافه باشد، یا ثبت نام دانش‌آموزان گزینش شده باشد.

۲۹ این کتاب افزون بر اینکه مکمل سه کتاب پیشین است؛ پشتیبان تثبیت واژگان و ساختار آموزش داده شده در پایه هفتم، هشتم و نهم نیز است. کتابهای سال‌های آینده نیز هریک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود هستند. به‌همین دلیل واژگان پایه‌های هفتم تا نهم دوباره در انتهای کتاب درسی به همراه واژگان پایه دهم آورده شده‌اند.

۳۰ از طرح سؤالاتی در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود؛ زیرا از اهداف آموزشی عربی پایه‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم نیست. دانش‌آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در این دو پایه از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود.

(در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست.)

۳۱ در پاسخگویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مدنظر نیست. هرچند اگر دانش‌آموز پاسخ بلند دهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لِمَاذَا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِللِّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِللِّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» از آنجا که در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن‌گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه یک آلبوم عکس در پوشن (کاور) تهیه کند و در آن تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد یا در صورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند، پوشن (کاور) تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه کند. همچنین می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد که دانش‌آموز بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند. همچنین نمره شفاهی دانش‌آموزانی که داوطلب اجرای سرود، یا نمایش، یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۳۲ هدف در آزمون شفاهی روخوانی، درست خواندن است. بدیهی است برگزاری آزمون شفاهی در یک روز امکان‌پذیر نیست. بنابراین، هرچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی او، نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. دانش‌آموز در آغاز در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تکرار و تمرین دارد و به تدریج این مهارت تقویت می‌گردد. لذا ملاک نمره‌دهی، بهترین و آخرین وضعیت دانش‌آموز است.

۳۳ تجربه نشان داده است بیشتر کتاب‌های کار زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش و دور افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش را فراهم می‌کنند. نداشتن کتاب کار از داشتن کتاب کاری نامناسب بهتر است. اگر معلمی کتاب کار تهیه کرد تأکید می‌کنیم که کلاس درس جای پرداختن به آن نیست و حل تمرینات آن در منزل باید صورت بگیرد. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حل تمرین‌های آن است؛ لذا اگر وقت اضافی داشت می‌تواند تمرینات کتاب کار را نیز حل کند در غیر این صورت، کتاب درسی نباید لطمه ببیند. گروه‌های آموزشی در این زمینه باید نقش فعال و ارشادی داشته باشند.

۳۴ ما ایمان داریم که کار اصلی را معلم انجام می‌دهد؛ لذا از همکاران ارجمند درخواست می‌کنیم تا با سیاست دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا به تدریج همه کتاب‌های سال‌های آینده نیز ادامه و مکمل این کتاب خواهند بود.

۳۵ روخوانی در کتاب‌های عربی اهمّیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند تا درست ترجمه کند. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت گردد. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجّبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان‌خوانی اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایهٔ تسلط نسبی او به زبان به دست می‌آید.

۳۶ شروع هر درس مانند کتاب عربی نهم مانند دو کتاب پیشین با واژگان جدید آن است. هدف از این کار ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طی خواندن متون و عبارات اتفاق بیفتد.

۳۷ مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به کار رفته در کتاب چند مورد بوده است: سادگی الفاظ، سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی، کاربری بر اساس نیازهای روز، تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز نوجوان. دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً دربارهٔ «پرحرفی» به این حدیث شریف از پیامبر اسلام ﷺ استشهاد کند: *السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ*. این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی کتاب است؛ اما نباید با اکراه و اجبار دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود؛ بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلّمی دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود تا این عبارات را حفظ کنند و در هنگام لزوم از آنها استفاده نمایند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به گونه‌ای هستند که سرشت پاک مایل است آنها را بیاموزد و به آنها استشهاد کند.

۳۸ در گزینش تصاویر این اصول رعایت شده است: برنامهٔ درسی ملی، مسائل فرهنگی و تربیتی، دوری از تنش‌آفرینی، توجّه به امور مهمّی مانند ارزش‌های دینی، احترام به محیط زیست، میهن‌دوستی، به‌روز بودن تصاویر، ایجاد جدّابیت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر با توجّه به سنّ جوانی دانش‌آموزان و ...

۳۹ بخش أنوار القرآن برای کار در منزل است و اگر دبیر وقت کافی داشته باشد می‌تواند در کلاس نیز کار کند. در هر دو حالت از این بخش سؤال امتحان طرح خواهد شد. در بخش أنوار القرآن که فقط در کتاب عربی زبان قرآن آمده است تنها معنای کلماتی مدنظر است که زیرخط‌دار، یا دو گزینه‌ای هستند. به عبارت دیگر فقط معنای کلماتی مطلوب است که در انتهای کتاب در بخش المعجم آمده‌اند.

۴۰ دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از دانش‌آموختگی از یاد خواهند برد، ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگارند. آنچه در تدریس بسیار مهم است برخوردهای درست، دلسوزانه و عالمانه است.

اگر تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

نشانی وبگاه گروه عربی: www.arabic-dept.sch.ir

الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های نه‌گانه هر درس

کتاب عربی دهم هشت درس دارد و هر درس از نه بخش تشکیل شده که برای هر یک روشی متناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده تا دبیر بهتر بتواند به اهداف آموزشی برسد. بی‌گمان دبیران محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت روش برخوردار باشند. هدف کتاب معلّم که پل ارتباط بین مؤلّف و معلّم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملی محوریت داشته باشد و هم معلّم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

ساختار درس‌ها در کل کتاب درسی عربی زبان قرآن پایه دهم

قسمت‌های نه‌گانه هر درس در عربی زبان قرآن و هشت‌گانه در عربی رشته علوم انسانی

- ۲ متن درس
- ۳ واژگان
- ۴ درک مطلب
- ۵ قواعد درس تحت عنوان «اعلموا» (در برخی درس‌ها نیز بخش فنّ ترجمه وجود دارد).
- ۶ مکالمه
- ۷ تمرین
- ۸ أنوار القرآن؛ فقط در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱)
- ۹ پژوهش (البحث العلمي) در برخی درس‌ها

تحلیل قسمت‌های نه‌گانه هر درس

هدف کتاب از قسمت‌های نامبرده، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلّم به یاری آن بتواند با تسلّط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلّم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های مورد نظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس تمام دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد؛ تا آموزش را برای وی تسهیل نماید.

۱ صفحه آغازین: یک صفحه مستقل مزین به آیه‌ای از کلام‌الله مجید یا حدیثی از بزرگان دین همراه با تصویری زیبا برای ورود به درس به لحاظ روانی دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌سازد.

۲ متون: در بخش قرائت و ترجمه متن نیز باید سهم مشارکت معلّم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلّم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند.

■ مرحله اول (شنیدن): اولین وظیفه برعهده معلّم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند.

در این بخش استفاده از کتاب گویا دوباره تأکید می‌گردد. اگر وقت معلّم کم است از دانش‌آموزان بخواهد در منزل کتاب گویا را گوش دهند.

■ **مرحله دوم (خواندن):** دانش‌آموزان براساس روشی که معلّم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا مهارت گفتاری تقویت گردد. هر بار که یک دانش‌آموز قرائت می‌کند معلّم به او نمره روخوانی می‌دهد.

■ **مرحله سوم (ترجمه مقدماتی):** دانش‌آموزان با کمک گرفتن از ترجمه واژگان ابتدای درس و در صورت لزوم واژگان انتهای کتاب، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند؛ تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد.

چند روش در اینجا وجود دارد:

از دانش‌آموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند؛ سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یک دانش‌آموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی در ترجمه هم‌کلاسی‌اش وجود داشت آن را اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانش‌آموزان هنگام ترجمه دانش‌آموز اوّل باید آماده باشند و معلّم تصادفاً از یکی از دانش‌آموزان اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هر یک از این شیوه‌ها در جای خود مفید هستند.

گاهی در صورت کمبود وقت معلّم می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست به نظر می‌آید نامناسب است و دانش‌آموز فعال نیست، ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری، یا هر علت دیگری پیش آمده است. در این روش، معلّم باید هر چند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانش‌آموز بپرسد. در این شیوه تدریس سریع‌تر انجام می‌شود.

در مدرسی که امکانات خوبی دارند، می‌شود ترجمه متن درس را در برگه‌ای نوشت و از دانش‌آموزان بخواهیم در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را کامل کنند. این روش فوق‌العاده سریع انجام می‌شود، ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرگ است.

■ **مرحله چهارم (ترجمه نهایی):** معلّم در ادامه روش مقدّماتی به عنوان راهنما، خطاهای ترجمه را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. در واقع مرحله مقدّماتی و نهایی بدون فاصله هستند.

■ **مرحله پنجم (پیام درس):** در این مرحله معلّم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند، یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند، ذکر کنند.

خلاصه مراحل ترجمه

مرحله ترجمه	هدف	نقش دانش‌آموز	نقش معلّم
مرحله اول	تقویت مهارت شنیدن	شنیدن	روان خوانی
مرحله دوم	تقویت مهارت خواندن	خواندن	نظارت و راهنمایی
مرحله سوم	تقویت مهارت ترجمه	ترجمه عبارات (مقدّماتی)	نظارت و راهنمایی
مرحله چهارم	تقویت مهارت درک و فهم	ترجمه عبارات (نهایی)	تصحیح و تکمیل
مرحله پنجم	تقویت مهارت کاربرد (بیان مصداقی از کاربرد عبارت یا پیام درس)	مصداقیابی	تصحیح و تکمیل

۲ **واژگان:** دلیل آوردن واژگان به همراه معنا، پس از متن درس این است که دانش‌آموز با راحتی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه فعال باشد؛ معلّم دانش‌آموز را در ترجمه مشارکت می‌دهد تا توانایی ترجمه را در او پروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری قرار دارد. این بخش تقریباً در پنج دقیقه تدریس می‌شود. هدف این نیست که در همان ابتدا دانش‌آموز همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود. برخی همکاران در دوره اول متوسطه چنین

پنداشته‌اند که هدف این است که همان اول کار از دانش‌آموز بخواهیم تا در عرض چند دقیقه معنای لغت‌ها را حفظ کند؛ این کار بی‌گمان نادرست و غیرمنطقی است و بیم آن می‌رود که این تصوّر نادرست در دورهٔ دوم متوسطه نیز راه یابد. تعداد کلمات هر درس از دروس عربی دهم از عربی نهم بیشتر است. روش نادرست، دانش‌آموز را خسته می‌کند. بیشتر بودنِ تعداد کلمات طبیعی است. از طرفی مهارت دانش‌آموز نیز بیشتر شده است. می‌توان در صورت داشتن زمان مناسب واژه‌پژوهی کرد؛ مثلاً ارتباط کلمات را از نظر مراعات نظیر، متضاد، یا مترادف و هم‌خانواده برخی کلمات دید. از دانش‌آموز می‌پرسیم متضاد یا مترادف فلان کلمه چیست؟ کدام کلمات در المعجم با هم ارتباط معنایی دارند؟

در طرّاحی سؤال امتحان از بخش واژه‌شناسی می‌توان از تشخیص کلمهٔ ناهماهنگ، مترادف و متضاد^۱ و کاربرد واژگان استفاده کرد.

۱- دربارهٔ مترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند.

«سببویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف برای یک معنا می‌آورند که برای مورد اخیر فعل «ذَهَبَ» و «انطَلَقَ» را مثال می‌زند.

از دیدگاه «سیوطی» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار برده‌اند، سپس آنگاه که طایفه‌ها یکی شده‌اند، این دو کلمه مترادف گشته‌اند.

اما گاهی اوقات این سکیت معتقد است که برخی واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند؛ اما حالت‌های دقیق خاص خودشان را بیان می‌کنند؛ مثلاً در مورد فعل «گزیدن»:

العَضُّ: بالأسنان لا بالشفطين/ الثَّهْسُ: الأخذُ بالفم/ الثَّهْشُ: العَضُّ السريع/ العَجْمُ: العَضُّ بالأسنان لِيَتَنظَّرَ أ صُلْبٌ هو أم خَوَارٍ؛ مثال: عَجَمْتُ العُودَ. یا در مورد لانه:

العُشُّ: الَّذِي يَجْمَعُهُ الطائرُ مِنَ العِيدَانِ وَ غيرها فَيَبْيُضُ فيه./ الوَكْرُ: فِي الجبلِ/ الوُكْنَةُ: مَوَاقِعُ الطَّيْرِ حَيْثَمَا وَقَعَ.

و دربارهٔ جدا کردن واژه‌ها از هم و ارائه شیوهٔ درست به کارگیری آن دربارهٔ فرق «راکب» و «فارس» می‌گوید:

«يُقَالُ: مَرَّ بِنا رَاكِبٌ، إِذا كان على بَعِيرٍ، وَ الرّكَبُ أَصْحَابُ الإِبِلِ. أَمَّا إِذا كان على حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ قَرَسٍ يُقَالُ: مَرَّ بِنا فَارِسٌ على حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ...»

اما ابومنصور ثعالبی در کتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به‌کار بردن هر کلام به‌جای دیگری برحذر می‌دارد؛ مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

أول النوم: النُّعاسُ / الكَرَى: هو أن يَكُونَ الإنسانُ بين النَّائمِ وَ اليَقْظانِ / الرُّقاد: هو النَّوْمُ الطويل.

و گاهی اوصاف یک اسم به عنوان مترادف به کار می‌رود که در اصل حالت‌های گوناگون آن اسم است.

۱ دیر می‌تواند در آغاز از کتاب گویا استفاده کند. دانش‌آموزان تلفظ درست درس را گوش می‌کنند.

۲ سپس معلّم می‌خواند و دانش‌آموزان تکرار می‌کنند. این قرائت می‌تواند به تشخیص معلّم به همراه او و شامل گروهی از دانش‌آموزان باشد یا به صورت انفرادی.

۴ قسمت سوم: قواعد

■ تصاویر: تصاویر زیبای کتاب دربرگیرنده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی- اسلامی و با دقت فراوان گزینش شده‌اند.

■ رسالت مهمّ تصاویر

- پیام‌های ارزشی این تصاویر موجب تقویت هویت اسلامی- ایرانی می‌شود.

- به روز و واقعی بودن تصاویر، کتاب را جذاب‌تر می‌کند.

- جذابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسریع و تسهیل می‌کند.

شاعر گران‌مایه ایرانی مولوی در این باره می‌فرماید:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

تذکر بسیار مهم: در کتاب‌های عربی هفتم تا دهم برای آموزش فعل‌های ماضی و

مضارع بومی‌سازی انجام شده است. دانش‌آموز ایرانی با شش صیغه فارسی آشناست.

او می‌داند اوّل شخص مفرد، دوم شخص مفرد و ... یعنی چه؛ حتّی در درس انگلیسی

نیز همین‌طور می‌خواند. در برخی کشورها مانند مغرب (مراکش) و لبنان نیز در آموزش

فعل‌ها تغییراتی را انجام داده‌اند. در آموزش فعل نیز در ایران بومی‌سازی صورت گرفته است.

این شیوه در مدارس توسط دبیران در تدریس آزمایشی موفق بوده است و بسیاری از دبیران از

آن استقبال کرده‌اند و یادگیری عربی را برای دانش‌آموزان تسهیل کرده است. او می‌خواند که:

«أنا أذهب»؛ یعنی «من می‌روم»؛

«أنت تذهب و أنت تذهبین»؛ یعنی «تو می‌روی»؛

«هو يذهب و هي تذهب»؛ یعنی «او می‌رود»؛

«نحن نذهب»؛ یعنی «ما می‌رویم»؛

«أنتم تذهبون، أنتن تذهبن و أنتما تذهبان»؛ یعنی «شما می‌روید»؛

و «هم یذهبون، هن یذهبن، هما یذهبان و هما تذهبان»؛ یعنی «آنها می‌روند».

با این شیوه، بسیار منطقی‌تر و بهتر درس را می‌آموزد. شاید دبیری که سال‌ها به شیوه‌ای دیگر تدریس کرده و خودش نیز به همین‌گونه آموزش دیده است، شیوه جدید برایش سخت باشد. از دیرباز گفته‌اند: «العادة كالطبيعة الثانوية»؛ اما از آنجا که کتاب‌های جدید با این شیوه پیش می‌رود، شایسته است دیران نیز با آن هماهنگ باشند. روش جدید در یادگیری آسان‌تر است. هدف از بین بردن شیوه صرف فعل به سبک فعل، فعلا، فعلا، فعلت، فعلتا، فعلتا، فعلت و ... نیست. هدف این است که دانش‌آموز یاد بگیرد و هر شیوه‌ای تأثیرگذارتر است همان برتری دارد.

اجرا: نخست روخوانی توسط دانش‌آموزان به منظور تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آنگاه ترجمه هر جمله بیان می‌شود که بهتر است معلم در این مرحله، نقش ارشادی داشته باشد تا بتواند با ظرافت، پیوندی قوی بین سه قسمت واژگان، متن و قواعد ایجاد کند.

«اعلموا» و «فن الترجمة»

در این قسمت، ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این دو بخش تا پایان کتاب برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره‌بردار؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی نیز به گسترش آن نیست.

حفظ مطالب بخش «اعلموا» و «فن الترجمة» الزامی نیست؛

همچنین نیازی به گسترش مطالب و ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: معلّم در این قسمت دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. نویسندگان تأکید دارند که معلّم باید قواعد را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم در نظر بگیرد، نه هدف و علت. نامگذاری این بخش به «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» در واقع کمرنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلّم محترم نیز باید در بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوه دادن، خودداری کند.

در این قسمت دانش‌آموزان مشارکت بیشتری دارند خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سؤالات آن پاسخ می‌دهند و معلّم می‌تواند نقش راهنما و مصحّح را داشته باشد.

تمارین

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تلطیف آموزش عربی، سعی شده است دانش‌آموز از حلّ آنها لذّت ببرد.

حلّ تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و معلّم نظارت می‌کند.

جای کافی برای حلّ تمارین، پیش‌بینی شده است؛ تا نوشتن دوباره تمارین وقت زیادی را از دانش‌آموز نگیرد. با توجه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و شاید اشتباهات اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است حلّ تمرینات در کتاب صورت بگیرد تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید.

همانند کتاب راهنمای معلّم عربی هفتم، هشتم و نهم در کتاب راهنمای معلّم عربی دهم نیز نمونه سؤال استاندارد و بارم‌بندی قرار داده شده است تا در زمینه ارزشیابی ارائه طریق نماید.

قالب کلی تمارین

ردیف	تمرین	قالب و الگوها
۱	واژه	۱- معنای واژه
		۲- واژگان مترادف و متضاد و ناهم‌هنگ
		۳- شناخت و کاربرد واژگان در جمله
		۴- وصل کردن واژه‌های مرتبط در دو ستون
		۵- جدول کلمات متقاطع رمزدار
۲	ترجمه	ترجمه جملات عربی به فارسی شامل: آیه، حدیث، جمله‌های معمولی
۳	قواعد	شناخت و کاربرد قواعد، شامل: شناخت فعل امر، فعل نهی، معادل فعل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی، ساعت خوانی، اسم اشاره به نزدیک و دور، کلمات پرسشی، نفی ماضی و مضارع، مستقبل اعداد، فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار و مجرور
۴	درک مطلب	۱- پاسخ به سؤالات عربی
		۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب
۵	پژوهش	ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان

این بخش در ارزشیابی‌ها، معیاری برای طراحی سؤالات امتحانی است و شایسته است معلم از الگوها و قالب‌های موجود بهره‌برد و از طرح سؤالاتی مانند ترجمه فارسی به عربی و ساختن صیغه‌های مختلف فعل خودداری کند.

ساختار آموزشی کتاب عربی دهم عبارت است از: اعداد یک تا صد، ترجمه فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار و مجرور.

در جمله اسمیه و فعلیه اعراب کلمات داده شده است تا دانش آموز با دقت در آنها بتواند اعراب رفع و نصب و جر را کشف کند. اما نهادن اعراب کلمات و یا تصحیح غلطها هدف کتاب نیست. دانش آموز علاقه مند، این نکات را کشف خواهند کرد.

أنوار القرآن در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱): بخش أنوار القرآن بر عهده دانش آموز و تکلیف منزل است. او در خانه این تمرین را باید بخواند و پاسخ دهد. برای پاسخ آن می تواند به کتاب قرآن مجید مراجعه کند. این بخش ساده و بر اساس واژگان خواننده شده است؛ بنابراین پاسخ آن دشوار نیست. در صورتی که دبیر تشخیص دهد می تواند آن را در کلاس پاسخ دهد.

پژوهش: پژوهش های کتاب در حدّ توان دانش آموز انتخاب شده است. پژوهش در درس عربی و انگلیسی بسیار سخت است؛ چون زبان آن فارسی نیست؛ لذا برخورد معلّم در اینجا باید مطابق واقعیت باشد. نمی توان از دانش آموز توقع داشت مانند دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب باشد.



برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

اطلاعات ارائه شده در این قسمت در انتهای هر درس از کتاب معلّم نیز بیان شده است. این بخش برای طرح در کلاس درس نیست. صرفاً اطلاعاتی برای دبیر است که البته اگر دانش‌آموزی سؤال بپرسد می‌تواند پاسخ آن را برای آن دانش‌آموز مطرح کند. هدف سهولت دسترسی معلّم به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان است. کلمات این بخش مربوط به سه کتاب پیشین است که در کتاب دهم نیز تکرار شده‌اند.

۱ همزه «اسم» در ﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ﴾ و «بِاسْمِهِ تَعَالَى» همزه وصل است که نوشته می‌شود، ولی خوانده نمی‌شود. در ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ به دلیل رسم الخطّ قرآن نوشته نمی‌شود.

۲ جمع این به دو صورت اَبْنَاءَ و بَنُونَ (بَنِينَ) درست است. همزه کلمه این همزه وصل است و اصل آن «بنو» است. کلمه بنین که در درس آمده است ملحق به جمع مذکر سالم است. ملحق به جمع مذکر سالم کلماتی هستند که اعراب جمع مذکر را می‌گیرند؛ اما شرایط آن را ندارند و معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از کلماتی که معنای جمع دارند؛ مانند «أولو» و «عالمون» و «اعداد عقود» مانند «عشرون» تا «تسعون» و کلماتی نظیر «بنون» و «أرضون» و «سنون» که ملحق به جمع محسوب می‌شوند.

۳ تلمیذ: به معنای دانش‌آموز دبستان است. واژه سُرّیانی معرّب به معنای شاگردی است که پیشه‌ای می‌آموزد. تلمیذ احتمالاً از تلمود گرفته شده است. (خود کلمه شاگرد نیز در فارسی شاهگرد بوده است؛ یعنی خدمتگزاری که گرد شاه است.) جمع آن افزون بر تلامیذ، تلامدّه نیز هست. در فارسی مصدر «تَلَمُّذ» را از آن ساخته‌ایم که در عربی به کار نمی‌رود. تلمیذ تقریباً هم‌معنای طالب است. اما طالب دانش‌آموز دبیرستانی و یا دانشجو است؛

مثال:

طالِبِ ثَانَوِيٍّ: دانش‌آموز دبیرستانی و طَالِبِ جَامِعِيٍّ: دانشجو.^۱

تَتَلَمَّذَ لِغُلَّانٍ أَوْ عِنْدَهُ صَارَ تَلْمِيذًا لَهُ.

۴ مصدر دَرَسَ يَدْرُسُ می‌شود: دِرَاسَةٌ و دَرَسٌ. دَرَسَ الثَّوْبَ: جامه را کهنه کرد. وجه تسمیه دَرَسٌ همین است که آن قدر باید خواند که گویی مانند جامه‌ای کهنه شود.

۵ فرق عام و سَنَةٌ: معمولاً این دو مترادف گرفته می‌شوند. در قرآن کلمات «عام» و «سنة» به دفعات به چشم می‌خورد. در حالی که در فرهنگ‌های لغت عربی و فارسی هر دو را مترادف و یا با تعاریفی نزدیک به هم ذکر کرده‌اند؛ از جمله المنجد عام (عَوَمَ) را این‌گونه تعریف کرده است: أربعة فصول، سنة كاملة متوالية و در تعریف سنة (سنا- سنو) آورده‌اند: «اثنا عشر شهراً» و «۳۶۵ يوماً»؛ یعنی «سَنَةٌ» همان سال خورشیدی است.

گفته می‌شود: (عام الفيل)، (عام الحزن)، (عام الوفود)، (عام فتح مكة)، ولی گفته نمی‌شود: (سنة الفيل)، (سنة الحزن) و (سنة فتح مكة). امروزه (عام ۲۰۱۴) و (سنة ۲۰۱۴) هر دو گفته می‌شود؛ اما در متون کهن (سنة) گفته می‌شد و (عام) برای حوادث بوده است.

امروزه اصطلاح العام الدَّرَاسِيُّ کاربرد بیشتری از السَّنَةُ الدَّرَاسِيَّةُ دارد.^۲

۱- تَلْمِيذٌ: دانش‌آموز دبستانی، شاگرد / الجمع: تَلْمِيذَةٌ و تَلْمِيذٌ

التَّلْمِيذُ: خادم الأستاذ من أهل العلم أو الفن أو الحرفة، طالب العلم، و خَصَّهُ أَهْلُ الْعَصْرِ بِالطَّالِبِ الصَّغِيرِ فِي الْمَرَاهِلِ الدَّرَاسِيَّةِ الْأُولَى، تَلْمِيذٌ فِي مَدْرَسَةٍ ابْتِدَائِيَّةٍ، صَبِيٌّ يَتَعَلَّمُ صَنْعَةً أَوْ حِرْفَةً

۲- عام: (اسم) الجمع: أَعْوَامٌ / العامُّ: السَّنَةُ / رأس العام: أَوَّلُهُ

عام الحُرْنِ: العام العاشر من بعثة النبي (ص) و هو العام الذي تُوفِّي فيه أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى الرَّسُولِ وَ أَثْرَهُمْ عِنْدَهُ؛ زوجته خديجة، و عمّه أبوبطال

عام الفيل: العام الذي هجم فيه الأحمش بأفياهم على الكعبة، و فيه كانت ولادة النبي صلى الله عليه و آله و سلم

سَنَةٌ: (اسم) الجمع: سنوات، و سِنُونَ

السَّنَةُ: فترة من الزَّمن مُدَّتْهَا اثنا عشر شَهْرًا

السَّنَةُ: الأَرْضُ الْمُجَدَّبَةُ

السَّنَةُ البسيطة: عدد أيامها ۳۶۵ يومًا، / السَّنَةُ الدَّرَاسِيَّةُ أَوْ السَّنَةُ الْمَدْرَسِيَّةُ: مُدَّةُ الدَّرَاسَةِ وَ تَمْتَدُّ عَادَةً مِنْ أَوَّلِ الْخَرِيفِ حَتَّى أَوَّلِ الصَّيْفِ

مِنْ الْعَامِ الثَّالِي / السَّنَةُ الْمِيلَادِيَّةُ: السَّنَةُ الَّتِي يَبْدَأُ عَدُّهَا عَامٌ وَلِدَ الْمَسِيحُ / رأس السنة: أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْهَا

۶ جمع «بِنْت» می‌شود «بَنَات» که «جمع مؤنث سالم» است؛ در مبادی العربیة «ملحق به جمع مؤنث سالم» گرفته شده، البتّه در این مورد اختلاف هست. «بَنَات» ملحق به جمع مؤنث سالم است. ۱ (مبادی العربیة، جلد ۴، صفحه ۸۸، فائده ۱۵۱) جمع «شَجَر» ، «أَشْجار» و جمع «شَجَرَة» ، «شَجَرَات» است.

۸ «طالِب» چند معنا دارد: خواستار، جوینده، دانش آموز دبیرستانی، دانشجو.

کلمه تلمیذ نیز به معنای دانش آموز است.

۹ همزه آغاز «امْرَأَة» همزه وصل است و زمانی که «ال» می‌گیرد واجب است حذف شود. «الْمَرْأَة» به صورتِ «الامْرَأَة» غلط است. این نکته درباره کلمه «امْرَأَة» نیز صدق می‌کند. معادل «امْرَأَة» در گویش حجازی «حُرْمَة» و جمع آن «حَریم» است.

۱۰ در عربی فصیح چهار حرف «گ چ پ ژ» وجود ندارد؛ اما در عربی عامیانه سه حرف «گ چ ژ» وجود دارد. ۲

۱۱ حرف «ك» در کلماتی مانند «ذَلِك» و «تِلْكَ» بدون سرکش است؛ اما در زبان فارسی معمولاً چنین نیست.

۱۲ کلمه «امْرِئ» به معنای مرد، یا انسان است و سه حالتِ اِعرابی دارد:

اِمْرُؤ (مرفوع)، اِمْرَأ (منصوب)، اِمْرِئ (مجرور). همزه آن وجوباً هنگام معرفه شدن حذف می‌شود و «الْمَرْء» می‌شود. از جنس خودش جمع ندارد. رجال به معنای مردان از جنس خودش نیست.

۱- دیده شده که برخی همکاران به تقلید از کتاب های غیراستاندارد نوع جمع کلماتی مانند اخوات، بنات، سماوات، تبین، ظلّمات و ... را از دانش آموز می‌خواهند که مطلقاً کار درستی نیست.

۲- در گویش عامیانه اطراف خلیج فارس و جنوب عربستان سعودی حرف قاف را گاف تلفظ می‌کنند؛ مثال: فُم: برخیز (گوْم) اَقُولُ لَك: به تو می‌گویم (اَكُلُ لَك، اَكُلُ لَكَ) لا اَقْدِرُ: نمی‌توانم (ما اَكْدِرُ) قَدِر: دیگ (كِدِر). همین قاف را در شام (سوریه، لبنان، اردن و فلسطین) و مصر همزه تلفظ می‌کنند؛ مثال: عِنْدَكَ وَرَثَةٌ وَ اَلْم؟ یعنی: «صحبت کن» که در اصل «اِحْك» و معادل فصیح آن «تَكَلَّم» یا «كَلَّم» میباشد. «وَيْنُ چِنْت؟» یعنی «کجا بودی؟» که در اصل «اَيْنُ كُنْت؟» است.

در مصر حرف «ج» را «گ» تلفظ می‌کنند. جمله «قَلْبِي مَجْرُوحٌ». در گویش مصری «اَلْبِي مَكْرُوحٌ» گفته می‌شود. در گویش شامی (سوری-لبنانی) حرف «ج» را «ژ» تلفظ می‌کنند؛ مثال: جمله‌ای را که در گویش حجازی و عراقی «جِبْ جَوَارِكُ» تلفظ می‌کنند و به معنای «گذرنامه‌ها را بیاور.» می‌باشد؛ در گویش شامی «زَيْبُ رَوَاكُ». تلفظ می‌کنند. معادل فصیح این جمله «أَحْضُرْ جَوَارِكُ» است.

۱۳ حرف «لِ» کاربردهای بسیاری دارد. آنچه دانش‌آموز باید بداند دو مورد است: یکی اینکه «لِ» به معنای «برای» است و دیگری اینکه «لِ» برای بیان مالکیت است.

در زبان عربی در ترجمه کلمه فارسی «دارم» گفته می‌شود: «عِنْدِي، لِي، لَدَيَّ» و هر سه با «لَيْسَ» و «مَا» منفی می‌شوند؛ یعنی «ندارم» می‌شود: «لَيْسَ عِنْدِي، لَيْسَ لِي، لَيْسَ لَدَيَّ». «مَا عِنْدِي» نیز درست است. «كَانَ لِي، كَانَ عِنْدِي، كَانَ لَدَيَّ» نیز معادل «داشتم» در فارسی می‌شود.

۱۴ فرق «وَرْد» با «وَرْدَة» این است که «وَرْدَة» دارای تاء وحدت است. «وَرْد» اسم جنس و واحد آن «وَرْدَة» است و تاء آخر آن تاء وحدت است. «وَرْدَة»، یعنی «یک گل». کلمه «وَرْد» می‌تواند به معنای «گل‌ها» نیز باشد. «شَجَر» نیز اسم جنس به معنای درخت و واحد آن «شَجَرَة» به معنای «یک درخت» است. کلماتی مانند نَجْمَة، زَيْتُونَة، بُرْتُقَالَة، رُمَانَة و وَرَقَة نیز تاء وحدت دارند.

۱۵ «نَافِذَة» و «شُبَّاك» هر دو به معنای «پنجره» و جمعشان «نَوَافِذ» و «شَبَابِيك» است.

۱۶ کلمه «خَيْر» در «خَيْرٌ مِنْ» اسم تفضیل و در اصل «أَخْيَر» بوده و همزه آن افتاده است؛ مانند «شَر» که مخفف «أَشْر» است. جمع خَيْر، خِيَار و أَخْيَار است.

۱۷ «گَنز» برگرفته از واژه فارسی «گنج» است که از آن فعل «گَنَزَ - يَكْنِزُ» و مشتقاتی بسیار ساخته شده است.

۱۸ «مَعَ» به معنای «با» است و «بِ» نیز به همین معناست؛ برای اینکه اشتباه نشود، بهتر است بگوییم: «مَعَ»، یعنی «همراه با» و «بِ»، یعنی «به وسیله»؛ مثال: أَنَا أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقِي. أَنَا أَذْهَبُ بِسَيَّارَتِي.

۱۹ جمع «مَكْتَبَة»، «مَكْتَبَات» و «مَكَاتِب» است. «مَكْتَب» به معنای «دفتر کار» است که جمع آن نیز «مَكَاتِب» می‌شود.

۲۰ «واقف: ایستاده» با «قائم: ایستاده» فرق دارد. واقف به معنای توقف کننده و قائم برپاخیزنده است.

۲۱ «بُستان» مُعَرَّب کلمه فارسی «بوستان» است. از آنجا که در کلمه «بوستان» التقای ساکنین شده؛ لذا واو حذف شده؛ بُستان جای پر درخت است و ترکیب «بو+ستان» به معنای جای پر از بوی خوش و مترادف با باغ است.

۲۲ «مُدَرِّس» و «مُعَلِّم» مترادف هستند؛ امّا امروزه واژه مُعَلِّم برای مدیر کاروان زیارتی نیز کاربرد دارد و گاهی احتراماً نیز به افراد اطلاق می‌شود.

۲۳ جالِس و قاعِد به یک معنا هستند. در زبان گفتاری از قاعِد استفاده می‌شود. (قاعِد هم فصیح است و هم عامیانه؛ امّا جالِس فقط فصیح است.)
۲۴ فرق «هَلْ» و «أَ» در کتاب تدریس نشده است؛ زیرا دانستن آن ضرورت ندارد.

فرق هَلْ با أَ :

الف- هَلْ در جمله دارای فعل منفی نمی‌آید.

مثلاً سؤال نمی‌شود: هَلْ لَا تَسْمَعُ؟ یا هَلْ مَا سَمِعْتَ؟ بلکه سؤال می‌شود:

أَلَا تَسْمَعُ؟ یا أَمَا سَمِعْتَ؟

امّا حرف استفهام أَ بر سر فعل مثبت و منفی هر دو می‌آید. أَ جَاءَ الْمُعَلِّمُ؟

أَمَا جَاءَ الْمُعَلِّمُ؟

۲۵ «جاء» و «أتى» هر دو مترادف‌اند. (جاء- يَجِيءُ- مَجِيئاً)؛ (أتى- يَأْتِي-

إِتياناً)

فعل امر از «جاءَ يَجِيءُ» به صورت «جِيءُ» کاربرد محاوره ندارد؛ بلکه «تَعَالَى» به معنای «بیا» می‌باشد.

ضمناً «جاءَ بِ» و «أتى بِ» به معنای «آورد» است؛ مثال: جِيءُ بِالْكِتَابِ. کتاب

را بیاور.

۲۶ «جَزَاء» از اضداد است دو معنای کيفر و پاداش هر دو را دارد.

۲۷ «جُنْدِي» برگرفته از واژه فارسی «گندی» است.

۲۸ «رُمان» اسم جنس به معنای انار است و واحد آن رُمانه و جمع آن رُمانات. (ضمناً رُمانه به معنای نارنجک نیز هست).

۲۹ «سائق» راننده است که در عربستان سعودی سَوَاق نیز گفته می‌شود.

۳۰ «حَقِيبَة» سه معنا دارد: کیف، ساک و چمدان. در گویش عامیانه عربی «شَنْطَة، شَنْتَة، جَنْطَة» گفته می‌شود که همان «چَنته» در فارسی است. در کتاب‌های درسی پیشین کلمه «مَحْفَظَة» می‌آمد؛ امروزه در عربی کاربرد حَقِيبَة بیشتر است؛ مثلاً حَقِيبَة الظَّهْر: کوله پشتی، حَقِيبَة مَدْرَسِيَّة: کیف مدرسه، حَقَائِبُ الرُّؤَا: چمدان‌های زائران؛ اَمَّا «مَحْفَظَة» کیف پول است که «جُزْدَان» نیز گفته می‌شود.

۳۱ «رُبَّ» به معنای «چه بسا» حرف جرّ است و فقط بر سر نکره می‌آید؛ اَمَّا اگر

با «ما» بیاید و «رُبَّما» شود؛ بر سر معرفه نیز می‌آید؛ مانند: «رُبَّما میثم واقف». و در آیه ﴿رُبَّما يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ «سوره الحجر آیه ۲» به تخفیف بآ آمده است.

۳۲ «لِسَان» دو معنا دارد: یکی «زبان» مانند «زبان عربی» و یکی «زبان»، یعنی همان «عضو گوشتی درون دهان».^۱

۳۳ أَنْتِ: تَلَفُظ آن شبیه «أنتي» است. در مکاتبات عربی گاهی آن را اشتباهاً أَنْتِي می‌نویسند.

۳۴ جَوَّال: به معنای تلفن همراه است. مَحْمُول و خَلِيوِيّ نیز گفته می‌شود. جمع آن جَوَّالات است.

۳۵ سَمَاء: به معنای آسمان، مؤنث و جمع آن سَمَوات است؛ اَمَّا اگر به معنای «سقف» باشد؛ مذکر می‌شود. در قرآن به دو صورت مذکر و مؤنث

۱- امروزه به جای «اللِسَانُ الفَارِسِيّ» گفته می‌شود «اللُّغَةُ الفَارِسِيَّة». کلمه «لُغَة» از ریشه یونانی logo گرفته شده است که در کلماتی مانند مونولوگ و دیالوگ نیز به کار می‌رود. (مونو، یعنی یک و دیا یعنی دو) کلمات فیلسوف، جُغرافی، موسیقی نیز ریشه در زبان لاتین دارند. (فیلوسوفیا، ژئوگرافی، موزیکا).

آمده است. ﴿السَّمَاءُ مُنْقَطِرَةٌ بِهِ﴾ مَزْمَل / ۱۸؛ ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾ انفطار / ۱ کلمه سَمِيَّة که اسم دختر است؛ مصعَّر سَمَاء و به معنای آسمان کوچک است.

۳۶ سَيِّد: جمع آن «سَادَة» و «أَسْيَاد» و جمع الجمع آن «سَادَات» است؛ اَمَّا جمع «سَيِّدَة» به معنای خانم «سَيِّدَات» است.

۳۷ لَمَنْ: معادل واژه whose در انگلیسی و برای پرسش از مالکیت است. در محاوره عربستان سعودی امروزه به جای آن «حَق مِیْن» و در عراق «مَال مَن» گفته می‌شود.

۳۸ مَن: اسم استفهام به معنای «چه کسی»، یا «چه کسانی» است که گاهی اسم موصول و به معنای «کسی که» می‌آید، یا از ادوات شرط و به معنای «هر کس» می‌شود. بعد از آن مفرد مذکر می‌آید؛ مثلاً هنگامی که کسی در می‌زند و نمی‌دانیم مذکر است یا مؤنث؛ سؤال می‌شود: «مَن هُو؟»، یا «مَن یَطْرُقُ الْبَاب؟»^۱

سیف، صَارِم، صَمِصَم نیز معنای شمشیر دارند. سَیْف معروف‌تر از بقیه است. ۳۹ أَسَاتِذُ مُعَرَّب استاد است. استاد از ریشه استاد است؛ زیرا در کلاس در برابر شاگردان می‌ایستد.

همان طور که استواء را اُسْتُوَا تلفظ کرده‌اند؛ استاد را اُسْتَاد خوانده‌اند. جمع استاد در فارسی اساتید و در عربی اَسَاتِذَة است.

۴۰ اُمُّ: به معنای مادر و جمع آن اُمّهات و اُمّات است. ﴿وَاِذْ اَنْتُمْ اَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ﴾ (نجم / ۳۲) و آنگاه که شما جنین‌هایی در شکم‌های مادرانتان بودید.

«اُمّات» برای حیوانات و اشیاء نیز به کار می‌رود؛ مانند اُمّاتُ الْحَيَوَانَاتِ و اُمّاتُ الْكُتُبِ.

۱- در گویش حجازی «مَن» را «مِیْن» تلفظ می‌کنند؛ مثلاً در مکالمه تلفنی آن کس که گوشی تلفن را برمی‌دارد خطاب به فرد پشت خط می‌گوید: «مِیْن مَعَاي؟»؛ یعنی «چه کسی با من است؟» (مَن یَتَكَلَّمُ مَعِی؟)

۴۱ مُدَارَاة: در فارسی حرفه از انتهای آن حذف شده است؛ مانند «مُدَاوَاة» که آن نیز مداوا شده است.

(دَارَى ، يُدَارِي ، مُدَارَاةً)

۴۲ مَنَصَّدَة: امروزه واژه «طَاوِلَة» نیز به جای آن به کار می‌رود که معرّب ایتالیایی است. جمع آن «مَنَاضِد» است.

۴۳ یَسَار: با کلمه «شِمَال» مترادف است. در قرآن کریم «أَصْحَابِ يَمِينٍ» در برابر «أَصْحَابِ شِمَالٍ» آمده است. گاهی «أَيْسَر» و «يُسْرَى» نیز به کار می‌رود.

۴۴ یَمِين: به معنای «راست» و به صورت‌های «أَيْمَن» و «يُمْنَى» نیز به کار رفته است.

جالب است بدانید «بِنِيَامِين» یک اسمِ عِبْرِي است مرگب از «بِن: پسر + یامین: راست»؛ یعنی پسری که همچون دست راست پدر و مادرش است.

۴۵ «نِسَاء» جمع است که مفرد از جنس خودش ندارد. «إِمْرَأَة» نیز مفردی است که جمع از جنس خودش ندارد. دو کلمه نِسْوَة و نِسْوَان نیز به معنای «زنان» هستند.

۴۶ «أَفْضَلُ» در صورتی که با «مِنْ» بیاید به معنای «بهتر» است. أَنْتَ أَفْضَلُ مِنْهُ. تو از او بهتر هستی.

اگر دو طرف مقایسه مؤنث باشند باز هم وزن أَفْعَلُ به کار می‌رود نه فُعَلَى؛ مثال:

فَاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنْ زَهْرَاءَ.

۴۷ بَقْرَة: معمولاً بقرة را گاو ماده معنا می‌کنند؛ اما در اصل «بَقْر» اسم جنس به معنای «گاو» است و واحدش «بَقْرَة» است که بیشتر به معنای «گاو ماده» کاربرد دارد. جمع «بَقَر»، أَبْقَار یا أَبْقَر است. «بَقَرَات» جمع بَقْرَة است. «ثَوْر» گاو نر است.

۴۸ سَفِينَةٌ: به معنای «کشتی» جمع آن «سُفُن و سَفَائِن» است. امروزه به آن «باخِرة» نیز گفته می‌شود. «مَرگَب، جَارِيَة و فُلْک» نیز به معنای «کشتی» به کار رفته است.^۱

۴۹ فَوْق: ظرف مکان و دائم الاضافه به معنای «بالای» است. با «عَلَى» فرق دارد.

«عَلَى» آن است که مثلاً کتابی روی میزی و با آن مُماس باشد؛ ولی در «فَوْق» هم می‌تواند مُماس باشد و هم می‌تواند بر فراز آن شیء باشد.

۵۰ يَد: دست یا کف دست، مؤنث است.

لام الفعل آن محذوف و در اصل «يَدَو» بوده است.

مثنای آن «يَدَان» است.

جمع آن «أيدي» و جمع الجمع آن «أیادی» است. «الأیادی» بیشتر به معنای «نعمت‌ها» است.

۵۱ تَحْتَ: ظرف دائم الاضافه است و گاهی مضافُ الیه آن حذف می‌شود.

(جاءَ مِنْ تَحْتُ).

۵۲ أب: پدر. جمع آن آباء است. گاهی به جای «یا ابي» به صورت «یا اَبَتِ»

می‌شود.

«أب» از اسماء خمسسه است که در حالتِ رفعِ أبو در حالت نصبِ أب و در

حالت جرّ ابي می‌گردد.

اصل این کلمه «أَبُو» است که واو آن بنا بر تخفیف حذف شده است.

۵۳ كَيْف: چطور، چگونه.

برای استفهام حقیقی به کار می‌رود. كَيْفَ ناصِرٌ؟

و برای استفهام غیر حقیقی به کار می‌رود؟ ﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ﴾

۱- أُسْطُول (یونانی معرّب) نیز به معنای ناوگان است. أُسْطُول حَرَبِيّ: ناوگان جنگی

هرگاه بعد از آن اسم باشد، آن اسم مبتدا و مرفوع است؛ مثال: كَيْفَ إِسْمَاعِيلُ؟

و اگر بعد از آن فعل باشد؛ حال است؛ مثال: كَيْفَ جَاءَ نَاصِرٌ؟

۵۴ جمع جِدَار، جُدْر و جُدْران است. حائِط نیز به معنای جِدَار است.

در فارسی کلمه حِیَاط جمع حائِط است که به معنای جدیدی به کار می‌رود.

البته تلفظ درست حِیَاط، حِیَاط بر وزن جِبَال است.

۵۵ در گویش‌های محلی عربی تعداد ضمیرها کمتر است. مثنی در عامیانه وجود ندارد

و در بسیاری از گویش‌ها به جای ضمیر جمع مؤنث، ضمیر جمع مذکر به کار می‌رود.^۱

۵۶ «تَعَالَى» در «اللَّهُ تَعَالَى» فعل ماضی در معنای تنزیه است؛ مثلاً «بِاسْمِهِ

تَعَالَى» یعنی: «به نام او که نامش بلند مرتبه باد».

۵۷ «سَأَلَ» فقط به معنای «سؤال کرد» نیست؛ بلکه به معنای «درخواست

کرد» نیز هست.

گاهی به نادرست در ترجمه فارسی به عربی حرف جرّ مِنْ می‌آورند؛ مثلاً «از تو

می‌پرسم» را «أَسْأَلُ مِنْكَ» ترجمه می‌کنند؛ در حالی که «أَسْأَلُكَ» درست است و حرف

جرّ مِنْ زائد است.

در انگلیسی نیز چنین است؛ مثلاً: I ask you. یعنی: از تو می‌پرسم. یا از تو درخواست

می‌کنم.

۵۸ فعل «سَمَحَ» کلمه‌ای پر کاربرد است.

إِسْمَحْ لِي: به من اجازه بده. مَسْمُوح: مُجَاز. لَوْ سَمَحْتَ: اگر اجازه می‌دادید.

۵۹ «أَخَذَ» سه معنا دارد: گرفت، برداشت و بُرد؛

مثال:

خُذْنِي مَعَكَ: مرا با خودت ببر. خُذْ بِيَدِي: دستم را بگیر.

خُذْ حَقِيَّتَكَ: کیفیت را بردار.

۱- در گویش شامی برعکس است و اصلاً ضمیر جمع مذکر وجود ندارد و هُنْ و كُنْ به جای هُمْ و كُمْ به کار می‌رود. مثال: أَيْنَ بَيْتِكُمْ؟
وَيْنَ بَيْتِكُمْ؟

۶۰ «سِرِوال» معرّب کلمهٔ فارسی «شَلوار» است.

«بَنْطَلون» نیز به معنای «شَلوار» است که معرّب ایتالیایی است؛ اما از آنجا که «سِرِوال» ریشهٔ قرآنی دارد؛ در کتاب عربی ترجیح داده شد واژهٔ «سِرِوال» بیاید. البته در قرآن سَرابیل آمده که جمع سِربال است.

سورهٔ ابراهیم آیهٔ ۵۰: ﴿سَرَابِیلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ﴾ جامه‌هایشان از قطران (روغن تند بدبوی قابل اشتعال) است و آتش چهره‌هایشان را فرو پوشانده است. ۶۱ جمع «سوق»، «أسواق» است؛ اما «سوق» به معنای «راندن» و «رانندگی کردن» است.

کلمهٔ سُوq سوق به معنای بازار را برخی به نادرست سَوq sawq تلفظ می‌کنند. همین خطا در مورد حینَ hina و عید id نیز صورت می‌گیرد. درحالی‌که اگر با فتحه خوانده شود (حین) معنای مرگ، بلا، آزمایش و اندوه می‌دهد.

۶۲ «إِذا: هرگاه، اگر» در قرآن إِذا به معنای هرگاه است؛ ولی در گفت‌وگوهای روزمرهٔ عربی إِذا به معنای اگر است.

۶۳ حرف «ط» ویژهٔ کلمات دارای ریشهٔ عربی است^۱؛ به همین دلیل نام تهران، توس، استهبان، تالش و ... را به جای ط با ت نوشتند.

۱- نوشتن کلماتی مانند تهران، توس، استهبان، تپش، اتاق، بلیت، تپانچه، تاپر، تهماسب، تهمورث و ... با «ط» درست نیست. تاپر انگلیسی و بلیت فرانسه و اتاق ترکی است و سایر کلمات فارسی است و هیچ یک ریشهٔ عربی ندارند؛ لذا نباید با «ط» نوشته شوند. همهٔ زبان‌های جهان با هم داد و ستد واژگانی داشته‌اند و دارند و خواهند داشت؛ حتی زبان‌های مرده نیز داد و ستد واژگانی داشته‌اند. تشخیص ریشهٔ عربی یا فارسی کلمات هرچند برای کسی که به دو زبان چیره نیست کار دشواری است؛ ولی راه‌های ساده‌ای هم وجود دارد که دانستن آنها جالب است.

از میان سی و دو حرف الفبای فارسی برخی حروف تنها ویژهٔ واژه‌های عربی هستند.

حرف (ث)

هر واژه‌ای که دارای «ث» است بی‌گمان عربی است و ریشهٔ فارسی ندارد؛ جز «گیومرث»: مرد دانا یا گاو مرد، «تَهمورث»: دارندهٔ سنگ نر قوی و واژگان لاتین مانند بلوتوت یا نام‌هایی مانند ادوارد ثورندایک و ... که بسی آشکار است نام‌های لاتین هستند نه عربی یا فارسی.

حرف (ح)

هر واژه‌ای که دارای حرف «ح» است، بی‌گمان عربی است و ریشهٔ فارسی ندارد؛ غیر از کلمهٔ حوله که درست آن هوله است و به گمان نزدیک به یقین ریشهٔ فارسی ترکی دارد و به معنای «پُرزدار» است. (خاوی یا هو: پُرز؛ له یا لی یا لو: پسوند اِتصاف) عرب به هوله «حوله» می‌گوید؛ منشأ در سعودی، خاوی یا خاویله و بَشکیر در عراق؛ بَشکیر یا فوطه در سوریه. شاید هوله تلفظ ترکی استانبولی خُوله باشد؛ یعنی پارچهٔ دارای خواب. در این صورت «خُوه» khow «فارسی است.

حرف (ذ)



۶۴ آلهة: جمع إله است. در رسم الخطّ اُولیة قرآن حروف کشیده واو و الف و یاء نمایش داده نمی‌شد. بعدها این سه حرف افزوده شد. برخی کلمات بنابر شهرت با همان رسم الخطّ قدیمی نوشته می‌شوند و حرف الف در آنها نوشته نمی‌شود؛ مانند: هذا، رحمن، إله، ذلك

۶۵ بَقِي: ماند. به معنای «جاماند» نیز هست.

أحد الحجاج بقِي في أحد. یکی از حاجی‌ها در احد جا مانده است.

هرچند در فارسی کهن تلفظ این حرف مانند تلفظ عربی آن وجود داشته، امروزه ایرانیان این حرف را ذال تلفظ نمی‌کنند بلکه زاء تلفظ می‌نمایند. بیش از ۹۵% واژه‌های دارای ذال ریشه عربی دارند؛ مگر واژه‌هایی مانند گذر، گذراندن، گذشتن، پذیرش، پذیرفتن، آذین، گنبد (امروزه گنبد خوانده می‌شود). دانستن (که امروزه دانستن تلفظ می‌شود؛ اما کردها، لک‌ها، تالشی‌ها و برخی دیگر از اقوام ایرانی دانستن را زانستن تلفظ می‌کنند.

ترجمه فعل «می‌دائم» به چند زبان ایرانی:

تالش: (زَنَم zonom) کردی: (زَانِم ، زَانِم یا دَرَانِم) لکی: (مَرَانِم)

حرف (ص)

هر کلمه‌ای که صاد دارد بی‌شک عربی است؛ مگر عدد شصت و عدد صد که شاید غلط نوشته شده است؛ تا با انگشت شست و سد روی رودخانه اشتباه نشود.

صندلی نیز عربی شده چنَدَل است؛ اما عرب به صندلی می‌گوید کُرسي، مَقْعَد و در گویش محلی عراق و سوریه اِسْگَمَلِي.

صابون هم در اصل واژه‌ای فارسی و درست آن سایون است و این واژه از فارسی به بیشتر زبان‌های جهان رفته مثلاً soap در انگلیسی همان صابون است. ما صابون را به صورت معرّب صابون با صاد می‌نویسیم. اصفهان نیز معرّب اَسْپَدَانَه، اِسْپَهَان یا سپاهان است.

حروف (ض، ظ، ع)

بدون استثنا تنها ویژه واژه‌های دارای ریشه عربی است و در فارسی چنین مخارجی از حروف وجود ندارد. به ویژه صاد تا جایی که عرب‌ها به الناطقین بالصاد معروف‌اند؛ زیرا این مخرج ویژه عرب است نه همه مردمان نژاد سامی.

حرف (ط)

جنگالی‌ترین حرف در املاي کلمات است. مخرج طاء تنها ویژه واژه‌های عربی است و در فارسی ط نداریم و واژه‌هایی که با ط نوشته می‌شوند یا عربی‌اند، یا اگر عربی نیستند غلط املايي هستند.

حرف (ق)

در مرتبه دوم حروف جنگالی است. قاف اغلب ویژه واژه‌های عربی است. واژه‌های عربی، دارای ریشه اغلب سه حرفی و دارای وزن و هم‌خانواده‌اند؛ مانند: قاسم، تقسیم، مقسّم، انقسام، قَسَم، قَسَمَت، قسمت، اقسام، مقسوم، قَسَام، منقسم و تشخیص واژه عربی الاصل دارای قاف کار ساده‌ای است؛ اما دیگر کلمات قاف‌دار یا ترکی هستند و یا مغولی؛ مثال: قره قروت: کشک سیاه، قره قویونلو: صاحبان گوسفند سیاه، قره گوزلو: دارنده چشم سیاه یا درشت، قزل آلا: ماهی طلايي

کلماتی مانند قَلْبُر نیز به احتمال قوی مغولی‌اند. کلمه قوری نیز روسی است. قوری، کتری، سماور، استکان همه واژه‌های روسی‌اند و در زمان قاجاریه وارد ایران شدند. کلماتی مانند «قند، قهرمان و قباد» معرّب «کند، کهرمان و گواذ» هستند. کلمه کندو با کند (قند) هم‌ریشه است. عرب شهر کرمانشان یا کرمانشاه را در گذشته قِرماسان یا قِرمَسین تلفظ می‌کرده است. ما امروزه کرمانشاه (کرماشان) را قِرماسان یا قِرمَسین تلفظ نمی‌کنیم؛ اما کواد را قباد می‌گوییم و این تأثیر زبان عربی بر فارسی است.

حروف چهارگانه (گ، پ، ب، ز) نیز در عربی فصیح، یعنی نوشتاری وجود ندارد و هر کلمه‌ای که دارای یکی از این چهار حرف است؛ حتماً عربی نیست و به احتمال بیشتر ریشه فارسی دارد؛ مانند منیژه، مژگان، ژاله، پروین، پرند، گیو، گودرز، منوچهر، پریچهر و ...

گاهی نیز امکان دارد از دیگر زبان‌ها باشد؛ مانند: پینگ پونگ که چینی است. چپاول، چکمه و چاخان ترکی است.

پارتي party کلمه‌ای انگلیسی است و آپارتمان واژه‌ای فرانسوی است.

شاید این سؤال به ذهن متبادر شود که سایر حروف مانند الف ب ت ج د ر ز س ش ف ک ل م ن و ه ی چگونه است؟

پاسخ این است که اینها حروف مشترک در سراسر زبان‌های جهان هستند. هرچند برخی اقوام بعضی حروف را ندارند و به گونه دیگر ادا می‌کنند؛ مانند حرف «ر» که در فرانسه «غ» گفته می‌شود.

۶۶ حُدود جمع حَدَّ است. هرچند جمع است ولی می‌شود آن را «مرز» ترجمه کرد.
 ۶۷ لَبَسَ، يَلْبَسُ، لُبْسًا الثَّوْبُ: جامه را پوشید. (امکان دارد با این فعل اشتباه شود:
 لَبَسَ، يَلْبَسُ، لُبْسًا عَلَيْهِ الْأَمْرُ: کار را بر او درهم و برهم و با مشتبه کردنش به چیز
 دیگری پوشانیده ساخت.) ﴿لَاتَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ﴾ حق را با باطل درهم می‌آمیزید.
 بقره/ ۴۲

۶۸ حرف نفی «ما» فقط بر سر ماضی نمی‌آید؛ بر سر مضارع نیز می‌آید؛ مثال:
 ﴿مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ نجم/ ۳ ﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَ
 مَا يَنْبَغِي لَهُ﴾ یاسین/ ۶۹ ﴿وَمَا نُزِّلَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾ انعام/ ۴۸
 ولی غالباً نفی بعد از آن تکرار می‌شود، یا بعدش استدراک، یا استثنا می‌آید.
 ۶۹ از آنجا که زیر حرف سین در «نَسِيَّ» کسره وجود دارد، برخی آن را نادرست
 تلفظ می‌کنند. در «هِيَّ» و کلمات مشابه نیز گاهی چنین چیزی رخ می‌دهد. علت
 این خطا این است که در زبان فارسی اگر زیر حرفی کسره باشد و بعد از آن یاء
 کشیده بیاید، آن کسره، تلفظ می‌گردد؛ ولی در عربی چنین نیست. ضمناً کلمه
 «نَسِيَّ» علاوه بر معنای «فراموش کرد» به معنای «جا گذاشت» نیز می‌باشد؛ مثال:
 نَسَيْتُ حَقِيْبَتِي فِي الطَّائِرَةِ. کیفم را در هواپیما جا گذاشتم.

۷۰ با نام رنگ‌ها در زبان عربی آشنا شوید: بَنْفَسَجِيٌّ: بنفش، كُحْلِيٌّ: سرمه‌ای،
 بُنِّيٌّ: قهوه‌ای، وَرْدِيٌّ: صورتی، رَمَادِيٌّ: خاکستری، رَصَاصِيٌّ: نوک مدادی، أَحْمَرُ غَامِقِيٌّ:
 زرشکی، لَازَوْرَدِيٌّ: لاجوردی، أَرْجَوَانِيٌّ: ارغوانی، لَوْنُ قَاتِمٍ یا لَوْنُ غَامِقِيٍّ: رنگ تیره، لَوْنُ
 فَاتِحٍ: رنگ روشن، حُمْصِيٌّ: کرم (نخودی)

۷۱ أَحَدٌ: چند معنا دارد. یک، یکتا، یکی از، بی مانند.
 جمع آن آحاد است. اصل آن وَحْدٌ بوده است که واو به همزه بَدَل شده است.
 گاهی بر مؤنث نیز دلالت دارد. ﴿لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ﴾ خطاب به

زنان پیامبر اسلام J مانند کسی از زنان نیستید. مؤنث آن إِحْدَى است. إِحْدَى وَ عِشْرُونَ. إِحْدَى عَشْرَةَ

۷۲ سَمَك: اسم جنس، به معنای ماهی و واحد آن سَمَكَة است. جمع سَمَكِ أَسْمَاكُ است و جمع سَمَكَة سَمَكَات. جمع سَمَكِ به صورت سِمَاك و سُمُوك نیز درست است. امّا أَسْمَاك معروف تر و رایج است.

۷۳ حرف «فَ» چند معنا دارد:

حرف عطف است برای ترتیب متصل: ﴿خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾ تو را آفرید و راست و بی‌عیب کرد.

ترتیب ذکری است. ﴿وَ نَادَى نُوْحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي﴾ و نوح پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا، پسر من از خانواده من است.

۷۴ أَعْطَى (داد، بخشید) يُعْطِي، إِعْطَاء، فعل امر آن أَعْطِ است.

إِعْطَاء، إِيْتَاء، مَنَحٌ و هِبَةٌ مترادف هستند.

أَعْطَى در عامیانه و گاهی در فصیح به صورت أَنْطَى به کار می‌رود. (أَنْطَيْنَاكَ = أَعْطَيْنَاكَ)

۷۵ أَيْضاً به معنای همچنین مصدر از فعل «أَضَّ، يَأْيِضُ» و مفعول مطلق است.

أَضَّ: صار (از افعال ناقصه) مثال: أَضَّ سَوَادُ شَعْرِهِ بِيَاضاً؛ یعنی سیاهی مویش سفید شد.^۱

۷۶ «نَجَحَ»، یعنی «موفق شد، قبول شد، پیروز شد». «نَاجِحٌ»، یعنی «قبول، موفق، پیروز»؛ امّا «فَائِزٌ» که از «فَازَ» گرفته شده به معنای «برنده» یا «رستگار» است؛ گاهی برخی دانش‌آموزان معنای نَجَحَ را با قَبِلَ اشتباه می‌گیرند. قَبِلَ، یعنی قبول کرد، پذیرفت.

۱- در گویش عامیانه حجازی «گمان» مخفّف «گمان» و در گویش عراقی واژه فارسی «هم» به کار می‌رود.

۷۷ «فُرَان» مصدر از «قَرَأَ، يَقْرَأُ» است. «فُرَان»، «قِرَاءَة» و «قَرَأَ» هر سه مصدرهای «قَرَأَ» هستند. «فُرَان» به معنای «خواندن» است که به تدریج اسم خاص برای کتاب دینی مسلمانان شده است. قرآن عَلَم بالغلبه است؛ با وجود این در قواعد عربی معمولاً آن را معرفه به ال می‌دانند.

۷۸ «قاموس» که نام کتاب «فیروزآبادی» است در اصل به معنای «دریای ژرف و بزرگ» است؛ امّا امروزه به معنای «المُعْجَم» و مترادف با آن می‌آید.

۷۹ جمع «اسم» در عربی «أَسْمَاء» است، ولی در فارسی «اسامی» به کار می‌رود.

۸۰ «گُرسی» یعنی «صندلی» و تقریباً با «مَقْعَد» مترادف است. گُرسی صندلی متحرک و مقعد ثابت است؛ مانند صندلی هواپیما؛ امّا این نکته بسیاری اوقات رعایت نمی‌شود. جمع گُرسی، گُراسی بر وزن مَفَاعِل و غیر منصرف است؛ لذا تنوین نمی‌گیرد.

۸۱ طَرَقَ البَابَ، دَقَّ البَابَ و قَرَعَ البَابَ هر سه به معنای «در زد» است.

۸۲ «تُفَاح» به معنای «سیب» است و «تُفَاحَة» واحد آن به معنای «یک سیب» است. مثنای آن «تُفَاحَاتِن» و جمع «تُفَاحَات» است؛ هر چند طبق قاعده باید «تُفَافِح» به کار رود؛ امّا آنچه به کار می‌رود «تُفَاحَات» است. ۸۳ «جَنَّة» به معنای «باغ، باغ بهشت» است که با «جَنین» و «جِنَّ» هم‌خانواده است. سه حرف اصلی «ج، ن، ن» بر پوشیدگی دلالت دارد. وجه تسمیه «جِنَّ» در فرهنگ عرب این است که موجودی ناپیدا و نادیدنی و پوشیده از چشمان است. جمع «جَنَّة»، «جِنَان» و «جَنَات» است. جَنَّة باغی است که از سایه درختان بسیار، زمین را پوشانده شده است.

۸۴ «نَجَحَ» به معنای «موفق شد، پیروز شد، قبول شد» است. «النَّاجِح فی الامتحان»، یعنی «قبول در امتحان» و در مقابل آن «الرَّاسِب فی الامتحان»، یعنی «مردود در امتحان»

۸۵ چهار کلمه «مِهْنَة»، «عَمَل»، «حِرْفَة» و «شُغْل» تقریباً هم معنا هستند؛ مثال:

ما هوَ عَمَلُكَ؟ ، ما هيَ مِهْنَتُكَ؟ ، ما هيَ حِرْفَتُكَ؟ ، ما هوَ شُغْلُكَ؟

۸۶ «حَلَوَانِيَّ» به معنای «شیرینی فروش» است که در فارسی «قناد»

می‌گوییم.^۱

۸۷ «حُبْز» نان و واحد آن «حُبْزَة» است. «رَغِيف» نیز نان است.^۲

۸۸ «س» و «سَوَف» دو حرف استقبال هستند که بر سر فعل مضارع

می‌آیند. مشهور است که «س» برای آینده نزدیک و «سَوَف» برای آینده دور است؛ اما این نکته قطعی نیست. ترجمه آیه ﴿كَلَّا سَوَف تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوَف تَعْلَمُونَ﴾ این است: نه چنین است، به زودی آگاه می‌شوید.^۳ سپس نه چنین است. به زودی آگاه می‌شوید. در قرآن ﴿ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ نیز آمده است. سوف تعلمون را می‌توان به دو صورت معنا کرد: به زودی می‌دانید، خواهید دانست.

۸۹ وجه تسمیه «شُرْطَة» چیست؟ اولین کسی که نام شُرْطَة را بر دستگاه

امنیتی نهاد خلیفه اموی عبدالملک بن مروان بود. در روزگار وی برای نخستین بار در نظام حکومتی دستگاه امنیتی شُرْطَة بنیان نهاده شد و مأموران امنیتی را با گذاشتن نواری پارچه‌ای که در عربی به آن «شَرِيط» می‌گویند از عامه مردم متمایز می‌کردند و به دلیل همین نوار پارچه‌ای به آنها شُرْطَة گفتند. ضمناً

۱. هرچند قناد بر وزن فَعَال است؛ اما عربی نیست. در زبان عربی واژه «قند» نیز وجود ندارد و کسانی که سفر عتیات و سوریه و عربستان رفته‌اند می‌دانند عرب‌ها چای را با قند نمی‌نوشند. اصولاً حتی واژه «قند» نیز بی دلیل معرّب شده است. اصل کلمه «قند»، «گند» است. مانند: کندو در کندوی عسل و احتمال دارد نام شهر اورامی زبان کندوله در نزدیکی میان‌راهان در استان کرمانشاه و نیز واژه candy در انگلیسی به معنای آب نبات از کند گرفته شده باشد. احتمالاً واژه Candida در انگلیسی نیز از همین ریشه باشد. بدین جهت که جامه‌ای به سفیدی قند می‌پوشیده‌اند. «حَلَوَاء» یا «حَلَوَى» هر خوردنی‌ای است که با شکر یا عسل ساخته شود. «حَلَوَانِيَّ» از این ریشه است.

۲. در عامیانه «حُبْز» و گاهی «حُبْز» و در گویش مصری «عَبْش» گفته می‌شود. گونه ای نان که شبیه نان ساندویچی است در عراق و سوریه «صَمُون» و در عربستان «صامولي» گفته می‌شود.

۳. ترجمه فولادوند: باز هم نه چنین است، زودا که بدانید.

ترجمه مجتبی: باز چنین نیست [که می‌پندارید]. به زودی خواهید دانست.

ترجمه مشکینی: آری چنین نیست، به زودی (در روز جزا) خواهید دانست.

ترجمه بهرام پور: باز چنین نیست، [که می‌پندارید] به زودی خواهید دانست.

شُرطیّی به معنای یک پلیس و شُرطه به معنای مرکز پلیس است.^۱

۹۰ واژه «عین» معانی بسیار دارد؛ مانند چشم، چشمه، خورشید، پرتو خورشید، ساکنان شهر، اهل خانه، ارزنده، نفیس، عزّت، پرچم، دیده بان، جاسوس، رئیس لشکر، پیشرو سپاه، بزرگ قوم، سرور، آقا، برگزیده چیزی، گروه، ثروت، چشم زخم، انسان، مانند، ذات هر چیزی، نگهبان و ... اما امروزه دو معنای چشم و چشمه غلبه دارد.

۹۱ فرهنگستان زبان عربی برای ورزش‌های مختلف معادل‌های عربی برگزیده است؛

مثال:

كُرَّةُ الْقَدَمِ: فوتبال / كُرَّةُ السَّلَّةِ: بسکتبال / الكُرَّةُ الطَّائِرَةُ (كرة الطائرة): والیبال / كُرَّةُ الْمَاءِ: واترپلو / كُرَّةُ الْيَدِ: هندبال و ...

۹۲ کلمه «مَمْرَضٌ» اسم فاعل از فعل «مَرَّضَ» است. «مَرَّضَ» دو معنای متضاد با هم دارد. «مَرَّضَهُ»، یعنی «او را بیمار کرد»، «از او پرستاری کرد». گاهی فعل تفعیل معنای عکس می‌دهد؛ مانند دو کلمه افراط و تفریط که تفریط عکس معنای افراط است.

۹۳ کلمه «مَوْظَفٌ» از ریشه «وَضِيفَةٌ» است. وَضِيفَةٌ، یعنی استخدام. مَوْظَفٌ، یعنی استخدام شده (مستخدَم) در زبان فارسی کلمه مستخدَم را مستخدِم به کسر دال تلفظ می‌کنیم.

۹۴ «مُهَنْدِسٌ» از ریشه «هَنْدَسَةٌ» است. هَنْدَسَةٌ از کلمه فارسی «آندازه» گرفته و معرَّب شده است. (المنجد ذیل کلمه هندسه)

۹۵ کلمه «عَقْلٌ» در لغت به معنای «بستن» و هم‌خانواده با «عِقال» است. عَقَلَ الْبَعِيرَ؛ یعنی زانوی شتر را بست. عَقَلَ عَقْلًا. گویی که عقل آدمی را مقید می‌کند که برخی کارها را انجام ندهد.^۲

۹۶ «ابْنُ آدَمَ» در فارسی به صورت جمع «بنی آدم» به کار می‌رود. «آدم» نیز کلمه‌ای عبری و غیر منصرف است.

۱- إِنَّ أَوَّلَ مَنْ أَطْلَقَ اسْمَ الشَّرْطَةِ عَلَى الْجِهَازِ الْأَمْنِيِّ هُوَ الْخَلِيفَةُ الْأُمَوِيُّ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ حَيْثُ تَمَّ فِي عَهْدِهِ إِتْشَاءُ الْجِهَازِ الْأَمْنِيِّ (الشَّرْطَةُ لِأَوَّلَ مَرَّةٍ فِي نِظَامِ الدَّوْلَةِ وَقَدْ تَقَرَّرَ تَمْيِيزُ رِجَالِ الْأَمْنِ عَنِ عَامَةِ النَّاسِ بِوَضْعِ عِلَامَةٍ خَاصَّةٍ مِنْ شَرِيطٍ مِنَ الْقِمَاشِ فَوْقَ ثَوْبِ رِجَالِ الْأَمْنِ (و مِنْ تَمَّ تَمَيَّزَتْ تَسْمِيَتُهُمْ بِرِجَالِ الشَّرْطَةِ لَوْجُودِ هَذَا الشَّرِيطِ مِنَ الْقِمَاشِ).

۲- عِقال ريسمانی است که با آن ساق شتر را می‌بندند. (زانوبند شتر) و همچنین رشته‌ای پشمی، یا ابریشمی است که روی کوفیه (چپیه) بر سر می‌بندند و در عامیانه عقال می‌گویند.

۹۷ «أُسرة» و «عائلة» مترادف و جمع آنها «أُسَر» و «عَوائل» است.

۹۸ در گویش عامیانه به جای «حَمَل - یَحْمِل» از «شال - یشیل» استفاده می‌شود. هرچند «شال - یشیل» عامیانه است، ولی در فرهنگ لغت جزء کلمات فصیح آمده است؛ مثال: به جای «إِحْمِلِ الحَقِیْبَةَ». در گویش حجازی گفته می‌شود: «شیلِ الشَّنْطَةَ». ۹۹ در زبان فارسی «خطایا» به معنای «اشتباهات» است، ولی در فرهنگ لغت عربی «گناهان» معنا شده است.

۱۰۰ در گویش عامیانه به جای «شاهد - یشاهد» از «شاف - یشوف» استفاده می‌شود. هرچند «شاف - یشوف» عامیانه است، ولی در فرهنگ لغت آمده است؛ مثال: به جای «أَنْظُرْ ماذا یفَعَل» در گویش حجازی گفته می‌شود: «شوفْ إیش یَسوِی». ۱۰۱ طَعَام و غِذاء هر دو به معنای خوراک هستند، ولی در زبان فارسی کلمه غِذاء بیشتر به کار می‌رود که به صورت عَدَا خوانده و نوشته می‌شود.

۱۰۲ «فرس» به معنای اسب نر و ماده و جمع آن أفراس و فُرُوس است.

۱۰۳ «قَادِم»، «مُقِیل»، «مُسْتَقْبِل» و «آتی (آت)» مترادف و به معنای آینده هستند؛ مثال: الشهر القادم یعنی ماه آینده.^۱

۱۰۴ «كذَّب» مفتوح العین است. اما در برخی از فرهنگ‌های لغت به صورت «كذَّب» به کار رفته است و اغلب نیز كذَّب به کار می‌رود. در کتاب درسی شکل درست آن به کار رفته است.

۱۰۵ جمع «نَفْس»، «أَنْفُس» و «نُفوس» و جمع «نَفَس»، «أَنْفاس» است.

۱۰۶ جمع «دَوَاء» می‌شود «أَدویة». اما «أدویه» در فارسی به معنای «ادویه‌جات» است و با کاربرد عربی آن فرق دارد. در زبان عربی معادل ادویه‌جات «بَهارات» است. در واقع کلمات عربی بسیاری در زبان فارسی به کار می‌رود که در خود زبان عربی معنای دیگری دارند؛

۱- در گویش عامیانه عربی «جای» به کار می‌رود؛ مثلاً در گویش حجازی «الشَّهْرِ الجای»، یعنی «الشَّهْرُ القَادِمُ». جای از جاء گرفته شده است.

مثال:

أخت: خواهر (در فارسی صمیمی)، عُنُق: گردن (در فارسی اخمو)، مَلَّت: آیین (در فارسی معادل شَعْب)، نَبات: گیاه (در فارسی گونه‌ای شیرینی)
 کلمات بسیاری نیز در فارسی دارای ریشه‌های عربی هستند بدون اینکه در عربی کاربردی داشته باشند؛ مثال:

بین المللی: الدُّوَلِيّ	اطّلاع ثانوی: إشعار آخر	روابط عمومی: العِلاقاتُ العامّة
حیات: ساحة	حیات خلوت: الفِناء الخَلْفِي	عکاس: مُصَوِّر
عکس العمل: رَدُّ الفعل	علاقه: هِوَايَة	نظامی: عَسْكَرِيّ
ظرف: وعاء، إناء	شرایط: ظُرُوف	استخدام: تَوْظِيف
غیرقابل جبران: لا يُعَوِّضُ	مصرف: اسْتِهْلَاك	عوارض واردات: رُسُومُ الاسْتِيراد
مستقیماً: مُباشَرَةً	مستقیم: عَلى طُول	

۱۰۷ «جیران» جمع «جار» و واژه‌ای عربی است و با نام دخترانه «جیران» فرق دارد. جیران ترکی و به معنای آهو است.

۱۰۸ حبیب، خَلِيل و صَدِيق به معنای دوست هستند. امروزه واژه صَدِيق به معنای دوست (رفیق) به کار می‌رود. واژه حبیب نیز جنبه عاطفی دارد. خلیل لقب حضرت ابراهیم علیه السلام است.

۱۰۹ «دَمَع» به معنای «اشک» و جمع آن «دُمُوع» و «أدْمُع» است. هرچند «دَمَع» و «عَبْرَة» مترادف اند؛ اَمَّا «عَبْرَة» اشکی است که در چشم مانده و نریخته است. جمع «عَبْرَة» نیز «عَبْرَات» است.

۱۱۰ «رَمِيل» به این معانی به کار می‌رود: هم شاگردی، همکار، هم دوره‌ای
 ۱۱۱ نام «صَفُورا» هم‌ریشه با «عُصْفُور» و به معنای «گنجشک» است. عصفور عربی و صفورا عبری است.

۱۱۲ «زَرَّافَة» در عربی بدون تشدید راء است، ولی در فارسی «زَرَّافَه» گفته می‌شود. زَرَّافَة به صورت زُرَّافَة نیز صحیح است. نام پارسی آن شتر گاوپلنگ بوده است.

۱۱۳ یَمین، مَیْمَنَة و یُمَنی به معنای «راست» هستند.^۱

۱۱۴ «موسی» یا «موشی» ترکیب (مو: آب+ شا: درخت) است. آسیه همسر فرعون زمانی که چشمش به سبد زیبای روی رود نیل می افتد فریاد می زند «مو شا مو شا»، یعنی «آب درخت آب درخت» و سربازان متوجه می شوند و سبد زیبای شناور روی آب را که ظاهراً به شاخه آویزان درختی گیر کرده بود از آب در می آورند. نام موسی برگرفته از فریاد آسیه (موشا) است.

۱۱۵ «حافِلَة» در گویش عامیانه حجازی «باص» و در گویش عراقی «مُنشَاة» و در گویش مصری «أتویس» گفته می شود.

۱۱۶ «صُداع» سردرد است. «سرم درد می کند». می شود: «رَأْسِي يُؤَلْمُنِي». یا «أشعُرُ بِالصُدَاعِ». در عربی عامیانه «راسی یوجعنی»^۲. گفته می شود که در عربی فصیح نیز فعل وَجَعَ یوجَعُ کاربرد دارد.

۱۱۷ «عِنْدَكَ»، «لَكَ» و «لَدَيْكَ» هر سه به معنای «داری» هستند.

در زبان عربی با وجود این همه وسعت مصادر، مصدری معادل «داشتن» وجود ندارد.

«ما عِنْدَكَ»، «لَيْسَ لَدَيْكَ»، به معنای «نداری» است. «كَانَ عِنْدَكَ»، یعنی «داشتی».

در گویش حجازی و چند کشور دیگر «فی» یا «فیه» تقریباً به همین معنا به کار می رود.

مثلاً «فی فُلوس؟»، یعنی «هَلْ عِنْدَكَ نُقُودٌ؟»

۱۱۸ «سُكَّر» در عربی به معنای «قند» و «شکر» است.^۳

۱- نام بنیامین (بن+یامین) به معنای «پسر دست راست» ریشه عبری دارد. یامین در بنیامین همان یَمین در عربی است.

۲- در گویش جنوب عراق و در گویش هم میهنان عرب خوزستان و نیز کویت یوجعنی را یویعنی تلفظ می کنند. در بسیاری از کلمات حرف جیم تبدیل به «ی» می شود. شبیه این دگرگونی حتی در زبان های اروپایی نیز مشاهده شده است. مانند:

یوسف و جوزف و یوزیپ و جوزف/ بنیامین و بنجامین/ جان و یان و یوهان/ جاکوب و یاکوب (یعقوب)

۳- پزشک درباره بیمار به عامیانه سؤال می کند: «فیه سُكَّر؟»، یعنی «بیماری قند دارد؟»

سُكَّر در عربی و sugar در انگلیسی، şeker در ترکی استانبولی، zucchero (زُکُرو) در ایتالیایی، caxap (ساخِر) در روسی، シュガー (شو گا) در ژاپنی، socker (سُ کِر) در سوئدی، sucre (سُویگُخ) در فرانسه، sokeri (سُ کِری) در فنلاندی، cukier (سُ کِرا) در لهستانی، sucker (سُکُگر) در نروژی، suiker (سا کِیخ) در هلندی، Zucker (سُ کَ) در آلمانی، ζάχαρη (زاخاری) در یونانی، sheqer (شِ کِی یر) در آلبانیایی و ... همگی برگرفته از واژه فارسی شکر است.

۱۱۹ «مَسَاء» زمان میان ظهر تا مغرب (بعد از ظهر)؛ غروب؛ شبانگاه.

أَتَيْتُهُ مَسَاءً أَمْسٍ: دیروز غروب نزد او آمدم.

۱۲۰ «وَصَفَّ» افزون بر معنای «وصف کرد» به معنای «تجویز کرد، نسخه نوشت» نیز

هست و واژه‌های «وَصَفَّة» و «مُسْتَوْصَف» از همین ریشه‌اند.

۱۲۱ «قَافِلَة» در زبان عامیانه «حَمَلَة» گفته می‌شود. همچنین «مَدِيرُ الْقَافِلَة» را

«حَمَلْدَار» می‌گویند که اصطلاحی عربی-فارسی است. (حملة: دارای ریشه عربی +

دار: بن مضارع داشتن، دارای ریشه فارسی)

۱۲۲ «جَلَبَ» یعنی «آورد» و با «أَحْضَرَ» و «جَاءَ بِ» مترادف است.^۱

۱۲۳ «حَمَامَة» واحد «حَمَام» برای مذکر و مؤنث و جمع آن حَمَائِم است.

۱۲۴ «ضَحِكَ»، یعنی «خندید» و «ضَحِكَ بِه و مِنْه و عَلَيْهِ»؛ یعنی او را ریشخند کرد.

۱۲۵ «كُرَّةُ الْمِنْصَدَة» به صورت «كُرَّةُ الطَّوَالَة» نیز گفته می‌شود.

۱۲۶ جمع «مجنون»، «مجانین» است. عرب تصوّر می‌کرده کسی که دیوانه است جن

در بدن او رفته است، لذا او را «مجنون»، یعنی «جن‌زده» نامیده است. ایرانیان نیز

فرد روانی را به گمان اینکه «دیو» در پیکر او جای گرفته است «دیوانه» نام نهاده‌اند.

۱۲۷ مضارع «يَيْسَس» می‌شود «يَيْسِسُ» و «يَيْسَسُ»

۱۲۸ «ما هو الحَلُّ؟» یا «مَا الحَلُّ؟» به یک معناست؛ ولی اَوَّلَى تأکید دارد.

۱۲۹ جمع «عَشَّ» می‌شود: أَعشاش؛ اَمَّا وزن‌های غیر معروف عَشُوش، عِشاش و عِشَشَة

نیز به کار رفته است. اگر لانه پرنده‌گان در کوه، شکاف دیوار و مانند آن باشد؛ وُكْر و وُكُن

و اگر در میان زمین باشد اُفحوص و اُدحیی نامیده می‌شود.

۱۳۰ «فَرَّخَ» و «صوص» جمع آن «صیصان» مترادف‌اند. جمع فَرَّخ غیر از فِرَاح

به صورت اَفْرَاح، اَفْرُخ و فُرُوخ نیز به کار رفته است.

۱ - در گویش عامیانه عربی «جاب» به کار می‌رود. (جاب: آورد - یجیب یا ایجیب: می‌آورد) مثال از گویش حجازی: جیب لی مویه، یعنی برایم آب بیاور.

۱۳۱ «قَمَح»، «حِنطَة» و «بُر» مترادف‌اند.

۱۳۲ «نَهَار» به معنای «روز هنگام» است اما «یوم» مطلق روز است؛ مانند:

يَوْمُ السَّبْتِ.

کلمه «ناهار» ربطی به «نَهَار» ندارد و فارسی است و نباید بدون الف

نوشته شود.

۱۳۳ جمع «مَائِدَة» می‌شود «مَوَائِد». مائده به معنای سفره‌ای است که غذا

رویش وجود دارد؛ اما «سُفْرَة» شاید غذا رویش نباشد.

۱۳۴ «بِمَ» کوتاه شده «بِما» است. کلماتی مانند عَمَّ، لِمَ، مِمَّ در اصل عَن

ما، لِمَا، مِمَّنْ ما بوده اند که حرف الف در «ما» حذف شده است. هرگاه حرف

جر بر سر مای استفهامیه وارد شود؛ الفِ آن وجوباً حذف می‌شود؛ مثال:

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾

۱۳۵ «زَهْر» به معنای «شکوفه» و «كُلُّ»؛ اما «وَرْد» به معنای «كُلُّ» است.

۱۳۶ «وَلِيٌّ» معانی مختلفی دارد: دوست، یار، هم پیمان، مرشد، سرپرست یتیم،

باران پس از باران

۱۳۷ «شای» در عربی بر گرفته از واژه فارسی «چای» است.^۱

۱۳۸ «عِشَاء» شام و «عِشَاء» شب است. از این واژه «تَعَشَّى: شام خورد -

يَتَعَشَّى - تَعَشَّى» ساخته شده است.

۱۳۹ از کلمه «عَدَاء» مانند «عِشَاء» فعل ساخته شده است: «تَعَدَّى: ناهار

خورد - يَتَعَدَّى - تَعَدَّى» در مثل عربی «تَعَدَّى تَمَدَّى؛ تَعَشَّى تَمَشَّى»؛ یعنی «ناهار

بخور لم بده؛ شام بخور قدم بزن» این کلمات به کار رفته است.

۱۴۰ «فُرْشَاء» علاوه بر «مسواک» به معنای «فرچه» نیز هست. در تداول

فِرْشَاء تلفظ می‌شود.

۱- «چای» نیز از لفظ چینی 茶 (چا) گرفته شده است. واژه tea (تی) نیز در آغاز (تای) بوده که به (تی) تبدیل شده است.

۴۱ «فَطور» و «إفطار» به معنای «صبحانه» اند. در عامیانه عراق «رُیوق» با تبدیل قاف به گاف و در لبنان «تَرَوِیْقَة» با تبدیل قاف به همزه به جای «فَطور» گفته می‌شود. معمولاً در محاورات روزمره صبحانه را فَطور به ضمّ فاء تلفّظ می‌کنند؛ امّا فُطور به معنای صبحانه خوردن است.

۴۲ «مِنْشَفَة» و «فوطَة» به معنای حوله (هوله) است.

۴۳ «نَعَم» در عربی عامیانه حجازی «أیوه» گفته می‌شود که برخی مخفّف «أی واللّه» و برخی از ترکی استانبولی «اوت» می‌دانند. در عراق نیز «إی» یا «أی» به همین معناست. نَعَم، أَجَل و بَلَى مترادف‌اند.

۴۴ «جَمیل» در محاورات «حِلو» گفته می‌شود که تلفّظ فصیح آن «حُلُو» است.

۴۵ «کِیْف» برای پرسش از حالت و چگونگی به کار می‌رود. کاربردهای کیف عبارت

است از:

کیف برای شرط به کار می‌رود؛ مثال: کیف تفعلل أفعّل. هرچه انجام دهی انجام می‌دهم.

کیف برای استفهام حقیقی است؛ مثال: کیف مصطفی؟ یعنی مصطفی چطور است؟
کیف برای استفهام غیر حقیقی و برای تعجب به کار می‌رود؛ مثال: ﴿کیف تکفرون بالله﴾؛ چگونه به خدا کافر می‌شوید؟

﴿کیف فعل ربُّک﴾؛ کیف جاء أخوک؟ کیف حال است که برخی مفعول مطلق هم

گفته‌اند.^۱

۴۶ «دَهَب» در محاورات «راح» گفته می‌شود که در لغت‌نامه جزء کلمات فصیح

به شمار آمده است.

۱- در لهجه عراقی «إشلون، شُلون» و در حجازی «کِیْف» (kif) گفته می‌شود؛ مثال:

کِیْف حَالُک؟ در عراق: إشلوْنُک؟ (مذکر) و إشلوْنِج؟ (مؤنث)

در عربستان: کِیْفُک؟ (مذکر) و کِیْفُک؟ (مؤنث)

در مصر: إزِیْک؟ (مذکر) و إزِیْک؟ (مؤنث)

۱۴۷ «سَمَاء» مذکر و مؤنث است. هرچند طبق قاعده ظاهراً مذکر باید باشد؛ چون همزه ریشه کلمه است. (سَمَاو = سَمَاء)

سَمَاء به معنای سقف، مذکر است؛ مانند: ﴿السَّمَاءُ مُنْقَطِرٌ بِهِ﴾
 سَمَاء به معنای آسمان، مؤنث است؛ مانند: ﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾ (معجم المذکر و
 المؤنث، دکتر محمد أحمد قاسم، دار العلم للملایین)

۱۴۸ «إِلَه» بدون الف نوشته می‌شود. در ابتدای نزول قرآن رسم الخطّ عربی دارای حروف کشیده (ا، و، ی) نبود؛ لذا کلماتی مانند رحمن، إسمعیل بی الف کشیده بودند. بعدها که برای آسان‌سازی خواندن، الف کشیده اضافه شد؛ بسیاری از کلمات اصلاح شد اما کلمات معروفی مانند هَذَا، ذَلِكَ، إِلَه و رَحْمَن در ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ همچنان با رسم الخطّ قدیم نوشته شد.
 ۱۴۹ ساعت خوانی در عربی فصیح با عددهای ترتیبی است؛ ولی در عربی عامیانه چنین نیست؛

مثال: «الْخَامِسَةُ وَ النَّصْفُ» در زبان عامیانه می‌شود «خَمْسَةٌ وَ نَصْفٌ»

۱۵۰ برخی اسم‌ها در عربی ریشه عبری دارند. در چنین اسم‌هایی به دنبال حروف اصلی و وزن نباشیم؛ زیرا وزن و حروف اصلی ویژگی منحصر به فرد زبان عربی است. به چند اسم غیرعربی (عبری) دقت کنید: إسماعیل (سَمِعَ اللَّهُ): آن‌که خدا صدای او را شنید؛ إبراهیم (أَب رَحِيم): پدر مهربان؛ زَكَرِيَّا (ذَكَرَهُ اللَّهُ): خدا او را یاد کرد؛ حَوَاء (حَيَاة): زندگی، آدَم: خاکی؛ بِنِيَامِينَ (بَيْنَ يَمِينِ): فرزند دست راست؛ سَارَا: شاهزاده من؛ سَالُومَة: آشتی؛ يُونُس: کبوتر؛ إِسْحَاق (يَضْحَكُ): می‌خندد؛ إِسْرَافِيل (إِسْرَاف + ئِيل): درخشیدن چو آتش؛ أَيُّوب: مراجعه کننده به خدا؛ جِبْرَائِيل (جَبْر + ئِيل): مرد خدا؛ دَانِيَال (دَانِي + ئِيل): خدا داور من است؛ دَاوُود: محبوب؛ سَلِيمَان: آشتی؛ مِيكَائِيل (مِي + كَا + ئِيل = مَن كَالِه) کسی که شبیه خداست، چه کسی مثل خداست؛ يَعْقُوب: گیرنده پاشنه (چون هنگام تولد پاشنه پای برادر دوقلویش در دست او بود)؛ يُونُس (يُضِيْفُ):

می‌افزاید؛ عزرائیل: یاور خدا؛ یوحنا (یحیی): زنده می‌ماند؛ صفورا (عُصفور): گنجشک^۱

۱۵۱ تکلم یعنی صحبت کرد. در محاورات عربستان سعودی معمولاً کَلَمَ به کار می‌رود.^۲

۱۵۲ ترجمه چند شغل

آبدارچی: نادل / آتش‌نشان: إطفائی / آرایشگر زنان: مَشاطة صالَة التَّجْمیل / آشپز: طَبَّاح / آهنگر: حَدَّاد / اتوشوی: كَوَّاء / استاد دانشگاه: أستاذ الجامعة / افسر: ضابط / انباردار: أمين مُستودع، مَسوُول مَخْرَن / بازرگان: تاجر / بازنشسته: مُتقاعد / بازیکن: لاعِب / بازیگر سینما: مُمثِّل / باغبان: بُسْتانی / برقکش: كَهْرَبائی / بقال: بقال / پارچه فروش: بَرَّاز / پاسدار انقلاب اسلامی: حارسُ الثَّورة الإسلاميَّة / پرستار: مَمْرُض / پزشک پوست: طَبیبُ الأمراضِ الجِلديَّة / پزشک داخلی: طَبیب باطنی / پزشک زنان: طَبیب نِسائی، طَبیبَة نِسائیَّة / پزشک کودکان: طَبیبُ الأطفال / پزشک گوش و حلق و بینی: طَبیب الأذنِّ و الأذنِّ و الحَنجَرَة / پزشک: طَبیب / پستیچی: ساعي التَّبريد / پیرایشگر (سلمان): خَلَّاق / تاییبست: طَبَّاع / تعمیرکار: مُصَلِّح / چشم پزشک: طَبیبُ العُيون / حسابدار: مُحاسب / خبرنگار: مُراسِل / خلبان: طيار / خیاط: خياط / داروخانه دار: صيدلي / دانشجو: طالب جامعي / دربان: بَوَّاب / دفتردار: كاتِب / دندانپزشک: طَبیب أسنان / راننده: سائق (در سعودی: سَوَّاق) / راهنمای سفر: دليلُ السَّفَر / رفتگر: كَناس / روزنامه‌نگار: صَحْفِي / روانشناس: عالِم نَفْسِي، عالِم نَفْسَانِي / روان‌كاو: طَبیب نَفْسَانِي، مُحلِّل نَفْسِي / سبزی فروش: بائِعُ الخُضْرَوَات / سپاهی (پاسدار): حارسُ الثَّورة / سرایدار: أمينُ العِمارة / شغل آزاد: مِهْنَة حُرَّة، شيريني فروش: حَلْواني / طلافروش: بائِعُ الذهب، ذَهَبِيَّاتِي / عكاس: مُصَوِّر / فرش فروش: بائِعُ السَّجَاد / فروشنده: بائِع / قصاب: جَزَّار، لَحَّام، قِصاب / کارگردان: مَخْرَج / کارمند: مَوْظَف / کفّاش: حَذَّاء / لوله‌کش: سَبَّاك / مانکن: عارِضَة أزياء / مجسمه‌ساز: نَحَّات / ملوان: بَحَّار / مهندس: مِهْنِدِس / مهندس برق: مِهْنِدِس كَهْرَبائي / مهندس ساختمان: مِهْنِدِس مِعمار / مهندس کشاورزی: مِهْنِدِس زِرَاعِي / میوه‌فروش: فاكهائي، بائِعُ الفَوَاكِه / نانوا: خَبَّاز، قَرَّان / نَجَّار: نَجَّار / نظافتچی: عامِلُ التَّنظيف / نظامی: عَسْكَرِي / نقاش (هنرمند): رَسَّام / نقاش (رنگ‌کار): صَبَّاح / نگهبان: حارس (جمع: حُرَّاس) / نوشت‌افزار فروش: قِرطاسي، بائِعُ الأقلام و أدواتِ الكِتابة / ورزشکار: رياضي / هنرپیشه: مُمثِّل، قَنان

۱- کتاب در دست چاپ انتشارات مدرسه به نام «دانشنامه نام‌ها و واژه‌ها» اطلاعات مناسبی در این باره به شما ارائه می‌دهد.

۲- مثلاً تَكَلَّمَ در سعودی کَلَّمَ و در عراق إِحْجِي (اِحک) گفته می‌شود.

۱۵۳ قُبْح، زشتی در گفتار، کردار، پندار و چهره است. قَبِيح نیز زشت است که در برابر جَمِيل قرار دارد. متضاد قُبْح حُسْن یا جَمَال است.^۱

۱۵۴ فَجَاءَهُ و فُجَاءَهُ هم معنا هستند. فَجَاءَهُ را می‌توان حال دانست. فاجأه، یعنی غافلگیرش کرد.^۲

۱۵۵ لِمَ ترکیب (ل+ما) است که حرف الف کوتاه شده است. هنگامی که حرف جر بر سرِ مای استفهامیه در آید، الفِ آن حذف می‌شود. مثال‌های دیگر: عَمَّ (عَنْ+ما)، مِمَّ (مِنْ+ما)، بِمَ (بِ+ما)، فِيمَ (فِي+ما)، إِلَى (إِلَى+ما)، عَلَامَ (عَلَى+ما)

۱۵۶ «ما» معانی و کاربردهای زیادی دارد؛ مثال:

﴿مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ﴾: به او شعر نیاموختیم

﴿مَا يَنْبَغِي لَهُ﴾: شایسته او نیست.

﴿مَا هَذَا بَشَرًا﴾: این آدمیزاد نیست.

﴿وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾: مریم/۳۱ در اینجا ما دُمْتُ، یعنی

مدّت زندگی‌ام.

ما هذا؟ این چیست؟

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ و ما عنداللهِ باقٍ﴾ آنچه نزد شماست تمام می‌شود و آنچه

نزد خداست ماندگار است.

﴿إِنْ تَبَدَّوْا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمَا هِيَ﴾: یعنی فَنِعْمَ الشَّيْءُ هِيَ.

عَسَلْتُهُ عُسْلًا نِعْمًا و دَقَقْتُهُ دَقًّا نِعْمًا؛ یعنی نِعْمَ الغُسلُ و نِعْمَ الدَّقُّ.

مَرَرْتُ بِمَا مُعْجِبٌ لَكَ؛ یعنی بَشِيءٌ مُعْجِبٌ لَكَ.

۱- قُبْح: (اسم) الجمع: مَقَابِحُ، مصدر قَبَحَ، القُبْحُ: ضد الحُسْن و يكون في القول و الفعل و الصورة

قُبْحًا لَهُ: دُعَاءٌ عَلَيْهِ بِالْإِبْعَادِ مِنْ كُلِّ حَزْبٍ

۲- فَجَاءَهُ: [ف ج آ]. (مصدر فَجَأَ). -: أَتَاهُ فُجَاءَةً -: بَغْتَةً، أَي مَا يُفَاجِئُ الْإِنْسَانَ. -: سَقَى السُّكُونَ فُجَاءَةً عَوَاءُ ذُنُوبٍ.

مَوْتُ الفُجَاءَةِ: ما يأخذ الإنسان بغتةً؛ و هو موت السُّكْتَةِ.

ما أَجَمَلَ الرَّبِيعَ! : بهار چه زیباست!

إِنَّمَا أَخَوَكُ ذُو هِمَّةٍ. در اینجا حرف كَافُّهٗ ما اجازه نداده است که إِنَّ بتواند کلمهٔ أَخ را منصوب کند. إِنَّ أَخَاكَ ذُو هِمَّةٍ.

مادامت السماوات و الأرض؛ یعنی چندان که آسمان‌ها و زمین بپایند. (از اقسام مای زائده مای تأکید به معنای «چندان که» است.) ﴿الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ﴾؛ یعنی قیامت و چه قیامتی! در اینجا ما برای تفخیم به کار رفته است.

۱۵۷ لَقَدْ تَرَكِبَ لَ+قَدْ است و بر سر فعل ماضی برای تأکید در معنا به کار می‌رود.

۱۵۸ مَشَاةٌ جمع ماشی به معنای پیاده است؛ مانند قُضَاةٌ که جمع قاضی است.

الْمَشْيُ به معنای پیاده‌روی و راه‌رفتن است. (مَشَى، يَمْشِي، مَشِيًّا و تِمَشَاءُ)^۱

۱۵۹ نَادَى یعنی صدا زد. (نَادَى، يُنَادِي، مُنَادَاةٌ و نِدَاءٌ) نَادَاهُ: او را صدا زد. فعل امر=

نَادِ مانند نَادِ عَلِيًّا مظهر العجائب. در گویش محلی عراقی «صِيحْ» معادل «نَادِ» است.

۱۶۰ هَادِيٌّ یعنی آرام. مانند الْمُحِيْطُ الْهَادِيُّ: اقیانوس آرام. حروف اصلی هَادِيٌّ،

(هدء) است و حروف اصلی هادی: راهنما (هدی) است. هُدوء: آرامش و بِهْدوءٍ:

به آرامی از همین ریشه است.

۱۶۱ مضارع فَقَدَ به دو صورت يَفْقِدُ و يَفْقُدُ آمده، ولی در المنجد فقط يَفْقِدُ

ذکر شده است. در فارسی مصدر فِقْدَانِ بیشتر به کار رفته است. در عربی فِقْدَانِ نیز

گاهی به کار رفته است.^۲

۱۶۲ فَمَّ یعنی دهان و جمع آن أَفْوَاهٌ است به اعتبار اینکه اصل فَمَّ فَوَه

۱- در سفرهای زیارتی فعل امر «إِمْشِ» توسط مأموران بسیار به کار می‌رود که موجب ناراحتی برخی زائران می‌گردد و تصوّر می‌کنند معنای بدی دارد؛ زیرا در گذشته حشره‌کشی به نام «إمشی» وجود داشت.

۲- فَقَدَ: (فعل) فَقَدَ يَفْقِدُ، فَقْدًا و فُقْدَانًا و فُقْدَانًا، و اسم فاعله فَاقِدٌ و اسم مفعوله مَفْقُودٌ فَقَدَ الشَّيْءَ: ضاع منه و غاب عنه، فَقَدَ كُلَّ مَالِهِ: خَسِرَهُ، فَقَدَ حَيَاتَهُ: قُتِلَ، قَضَى نَحْبَهُ

فَقَدَ مَا كَانَ يَتَمَتَّعُ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَ حُطَّوَةٌ عِنْدَ النَّاسِ: صَغُرَ فِي عُيُونِهِمْ، صَبَّحَ، فَقَدَ صَوَابَهُ: جُنَّ فَقَدَ عَقْلَهُ، فَقَدَ صَبْرَهُ: عَيِلَ صَبْرُهُ وَ لَمْ يُعِدْ قَادِرًا عَلَى التَّحْمُلِ، فَقَدَ صَدِيقَهُ: ضَيَّعَهُ، أَوْ مَاتَ، فَقَدَ أَعْصَابَهُ: ثَارَ وَ غَضِبَ، لَمْ يَتَحَكَّمْ فِي نَفْسِهِ، فَقَدَ الْأَمَلَ:

قَنَطَ، يَنْسُ

فَقَدَ بَصْرَهُ: أَصِيبَ بِالْعَمَى، فَقَدَ ذَاكَرَتَهُ: نَسِيَ مَا يَعْرِفُهُ عَنِ نَفْسِهِ وَ غَيْرِهِ، فَقَدَ رُشْدَهُ / فَقَدَ صَوَابَهُ / فَقَدَ عَقْلَهُ: جُنَّ، تَصَرَّفَ بِطَيْشٍ وَ تَسْرُعٍ، فَقَدَ شَعُورَهُ: غَشِيَ عَلَيْهِ

است. مثلاً آن فَمَانٍ، فَمَوَانٍ و فَمَيَانٍ به سه شکل به کار رفته است. اما شکل فَمَانٍ بهتر است. اسم منسوب آن فَمِيٌّ است که فَمَوِيٌّ نیز کاربرد دارد. در ترکیب با کلمات معانی دیگری دارد. مثال: فَمٌ الْمَعِدَّةُ = باب المعده / فَمٌ الزُّجَاجَةُ = سر شیشه / فَمٌ الْقِنِيَّةُ = سر بطری / فَمٌ السَّيْفِ = لبه شمشیر^۱

۱۶۳ اِجْلِسْ و اُقْعِدْ هر دو به معنای بنشین هستند. جَلَسَ و قَعَدَ هم معنا هستند. اما برخی میان آنها فرق قائل‌اند.^۲

۱۶۴ «أَخٌ»، یعنی «برادر، دوست» مثال: «رُبُّ أَخٍ لَكَ لَمْ تَلِدْهُ أُمُّكَ»؛ چه بسا برادری که او را مادرت نزاییده است. «إِنَّ أَخَاكَ مَنْ آسَاكَ»؛ برادرت کسی است که با تو همدردی کند. أَخٌ به معنای مانند نیز به کار رفته است. هذا أَخُو ذلك؛ یعنی این مثل آن است. بَصْرِيٌّ می‌گویند اُخُوَّةُ برادران خونی و نسبی و إِخْوَانٌ دوستان است.

۱۶۵ «أُخْرَجٌ» در گویش عامیانه «إِطْلَعُ بَرَّهُ» گفته می‌شود.

۱۶۶ «إِذٌ»، یعنی «آنگاه» و ظرف است برای ماضی. ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ التَّوْبَةُ / ۴۰

اگر او [پیامبر] را یاری نکنید قطعاً خدا او را یاری کرد: آنگاه که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مگه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که

۱- قَمٌ: (اسم) الجمع: أفهام و أفواه، مثنى قَمَانٍ و قَمَوَانٍ، قَمٌ، قَمٌ فَمُ الشَّخْصِ أَوْ الْحَيَوَانِ: قَوْمُهُ، فتحة ظاهرة في وجهه تحتوي على جِهَاتِي المَضْغِ وَ النَطْقِ ألقى بنفسه في فَمِ الدُّبِّ: عَرَضَ نَفْسَهُ لِلْخَطَرِ دُونَ تَرَوُّ وَ لَا بَصِيرَةٍ

فَمِ الشَّيْءِ: فَتَحَتْهُ، أَوَّلُهُ، فَمِ الْوَادِي / الْقَرْبَةِ / التَّرْعَةِ، الْفَمَانِ: الْفَمُ وَ الْأَنْفُ، قَمٌ الْقَارُورَةُ: رَأْسُهَا

۲- برخی اصرار دارند بین جلوس و قعود فرق بگذارند و می‌گویند: جلوس نشستن از پایین به طرف بالاست. اما قعود از بالا به پایین است. به شخص خوابیده می‌گویند اِجْلِسْ و به شخص ایستاده می‌گویند اُقْعِدْ. زمان اِجْلِسْ کوتاه و اُقْعِدْ طولانی است. قَعَدَ الشَّخْصُ: جَلَسَ بَعْدَ إِذْ كَانَ وَاقْفًا.

امروزه در گویش عامیانه اُقْعِدْ و در فصیح اِجْلِسْ گفته می‌شود. اُقْعِدْ را در گویش محلی عراق اُكْعِدْ، در کویت اِجْعِدْ و در سوریه عُدْ می‌گویند.

در غار [نُور] بودند، وقتی به همراه خود می‌گفت: «اندوه مدار که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاه‌یانی که آنها را نمی‌دیدند تأیید کرد و کلمهٔ کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمهٔ خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر و حکیم است.

۱۶۷ «جِسْر» در گویش حجازی «کوبری» گفته می‌شود که برگرفته از تُرکی است. افزون بر جِسور به صورت اَجْسِر نیز جمع بسته شده است.

۱۶۸ «رَجَاءً» به صورت «الرَّجَاء» نیز صحیح است و برای خواهش به کار می‌رود. «مِنْ فَضْلِكَ» نیز همین کاربرد را دارد.

۱۶۹ «قَبَلٌ، يُقَبَّلُ» و «بَاسٌ، يَبُوسُ» مترادف‌اند. باس ریشهٔ فارسی دارد.

۱۷۰ جمع «جامِعة» می‌شود «جامِعات».^۱

۱۷۱ «دَعَا، يَدْعُو، دُعَاءٌ و دَعْوَةٌ و دَعْوَى و دَعْوًا». دَعَا چندین معنا دارد؛ مثال:

دَعَاهُ: او را فراخواند. از او یاری خواست. او را به مهمانی دعوت کرد.

دَعَا لَهُ: برایش دعای خیر کرد.

دَعَا عَلَيْهِ: او را نفرین کرد.

دَعَاهُ بِسَعِيدٍ: او را سعید نامید.

دَعَاهُ أَنْ يَأْتِيَ: او را به آمدن فراخواند.

۱۷۲ «شیطان» معادل «اهریمن» در فارسی است. در انگلیسی Satan با تلفظ سِیتِن

گفته می‌شود که به نظر می‌رسد از عربی یا عبری یا سریانی یا... وارد انگلیسی شده باشد.^۲

۱- الجامِعةُ : مجموعةٌ معاهدٍ علميَّةٍ ، تُسمَّى كَلِمَاتٍ ، تُدرَّس فيها الآدابُ و الفنونُ و العلومُ.

جامعة شعبیة : مجموعةٌ معاهدٍ تُدرَّس موادَّ حرَّةَ الجامِعةِ العَرَبِيَّةِ : رابطَةٌ تُصَمِّ كَلَّ البُلْدَانِ العَرَبِيَّةِ لِدراسةِ قضاياها و مشاكلها ، و بَحْثها ، العَضْبَةُ.

۲- شَيْطَانٌ: جمع: شياطينُ [ش ي ط].

- اخذَر الشَّيْطَانُ: وَ هُوَ الرُّوحُ الشَّرِيْرُ الَّذِي يَرْمِي بِكَ لِلتَّهْلُكَةِ لِئَعْدِيهِ عَنِ الحَرِيِّ وَ طَرِيْقِ الحَقِّ.

- يا لَهُ مِنْ وَلَدِ شَيْطَانٍ: عِبارةٌ تُقالُ لِكُلِّ وَلَدٍ مُشاكِسٍ أَوْ مُتَمَرِّدٍ.

- شَيْطَانُ الشَّعْرِ: مَنْ يُلْهِمُ الشَّاعِرَ الشَّعْرَ ، حَسَبَ ما كانَ يُعْتَقَدُ في العُصورِ الأوَّلِ.

- رَاكِبُهُ الشَّيْطَانُ: مَنْ غَضِبَ وَ سارَعَ إِلى القِيامِ بِعَمَلٍ لَمْ يَراعِ نَتائِجَهُ.

۱۷۳ «عَرَبَة» به معنای «گاری، چرخ، چهارچرخه» است که از واژه فارسی «ارابه» گرفته شده است؛ به صورت «عَرَبِيَّة» در سوریه و عربستان سعودی و «عَرَبَانَة» در عراق به معنای گاری به کار می‌رود.^۱

۱۷۴ «كَهْرَبَاء» در اصل واژه‌ای فارسی و از ریشه «کاهربا» است. کاهربا همان الکتریسیته است که به عنوان مثال، هنگام شانه کردن موی سر با شانه چوبی ایجاد می‌شده است و کاه را به خود جذب می‌کرده است و آن را کاهربا نامیده‌اند؛ زیرا کاه را می‌ربوده است. همچون آهنربا که آهن را می‌رباید. سپس کاهربا تبدیل به کهربا و سپس کهرباء شده است.

۱۷۵ «کیمیاء» به معنای «شیمی» برگرفته از «کیمیا» در فارسی است. دانشمند ایرانی محمد بن زکریای رازی در جست‌وجوی ماده‌ای بود که به پندار پیشینیان می‌توانست مس را به طلا تبدیل کند. او آزمایش‌های بسیاری انجام داد و چنین چیزی نیافت، اما مجموعه کارهای او باعث شد که دانش شیمی از نام کیمیای او ریشه بگیرد.^۲

۱۷۶ «نَفَقَة» به معنای «هزینه» است. «نَفَقَة» از «نَفَق» به معنای «تونل» است و کلمات منافق و نفاق نیز از آن مشتق شده‌اند. نفاق مصدر است به معنای منافق بودن، منافق کسی است که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان است.

﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ (آل عمران / ۱۶۷).

طبرسی در وجه تسمیه منافق می‌گوید:

منافق به سوی مؤمن با ایمان خارج می‌شود و به سوی کافر با کفر. و ادامه می‌دهد که علت این تسمیه آن است که منافق از ایمان به طرف کفر خارج شده است.

۱- العَرَبَة: واحدة العَرَبَات ، و هي سُنُّ زَوَاكِدْ كَانَتْ فِي دِجْلَةَ العَرَبَة: مَرْكَبَةٌ دَانَتْ عَجَلَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ يَجْرُهَا حَيَوَانٌ أَوْ إِنْسَانٌ ، تُنْقَلُ عَلَيْهَا الْأَشْيَاءُ، جَمْعُ عَرَبَات. وَضَع العَرَبَة أَمَامَ الحِصَانِ : وَضَعَ الْأَمْرَ فِي غَيْرِ مَحَلِّهِ ، خَالَفَ نِظَامَ الْأُمُورِ ، عَكَسَ التَّرْتِيبَ العَرَبِيَّ القَائِلَةَ : عَرَبِيَّةٌ لَهَا جِسْمٌ قَابِلٌ لِلقَلْبِ بِحَيْثُ تَعْمَلُ عَلَى تَفْرِيفِ مَحْتَوِيَّاتِهَا.

عَرَبِيَّةٌ نَوْمٌ : مَقْطُورَةٌ سَكَّةُ الحَدِيدِ مَزُودَةٌ بِوَسَائِلِ الرَّاحَةِ وَ النَّوْمِ

۲- Chemistry در انگلیسی، chimie در فرانسه، química در اسپانیایی، chimica در ایتالیایی، chemia در لهستانی، χημεία در یونانی که همان کیمیا تلفظ می‌شود و در همه زبان‌های جهان همگی برگرفته از نام کیمیا است.

نَفَقَ نَقْبِي است در زیر زمین که درب دیگری برای خروج دارد و در این آیه:

﴿فَإِنْ اسْتِطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ...﴾ انعام/ ۳۵

مراد همان نقب است؛ یعنی اگر بتوانی نقبی در زمین یا نردبانی بر آسمان بجویی... ضمناً «یَرْبُوع» موش صحرائی است که دو لانه می‌سازد یکی به نام نَافِقَاء که آن را پنهان می‌دارد دیگری به نام قاصِعاء که آشکار است؛ چون دشمن در قاصِعاء به آن حمله کند وارد نَافِقَاء شده و از آن خارج می‌شود؛ این مطلب در صحاح و قاموس و اقرب الموارد نقل شده است، طبرسی در علّت تسمیه نَافِقَاء فرموده که: یَرْبُوع از آن خارج می‌شود.

نَفَقَه آذوقه‌ای بوده است که در نقبی در جایی مانند کوه می‌گذاشتند تا دست دیگری بدان نرسد و هزینه را در عربی نَفَقَه نامیده‌اند که از این ریشه است. ﴿وَصَعَّحَ﴾ به معنای «گذاشت، قرار داد» است. در گویش عامیانه به جای آن گفته می‌شود:

«خَلِّي» یا «حَطَّ»؛ مثل: «صَعَّه هُنَا.»

در عربستان سعودی: «خَلِّي هینا.»

در مصر: «حَطَّه هینا.»

در عراق: «خَلِّي اِهنا.»

﴿۱۷۸﴾ حرف چ در عربی به شکل‌های مختلف معرَّب می‌شود؛ مثال:

چاد ← تشاد ← چین ← الصَّين چنگ ← صنج چکش ← شاکوش گچ ← جَص ← جِص چای ← شای

﴿۱۷۹﴾ «مُضْطَرَّ» در اصل بر وزن «مُفْتَعِل» (مُضْطَرِر) است. ریشه سه حرفِ آن «ضرر»

است که بر وزن «افتعال» می‌شود ← اضْطِرَّار، سپس حرف ت به ط تبدیل شده است.

کلماتی که فاء‌الفعل آنها ص یا ض است چنین ابدالی در آنها صورت می‌گیرد؛

مثال بیشتر:

صكك ← اصْطِكاك / ضرب ← اضْطِراب / ضرر ← اضْطِرار / صيد ← اصْطِيار

صفو ← اصْطِفاء ضهد ← اضْطِهاد (اضْطَهْدَه؛ او را به سبب مذهب آزار داد).

ضلع ← اضْطِلاع (نیرومند شدن) صبر ← اصْطِبار (شکیبایی) ﴿وَ أَمُرُّ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ

اضْطَبِرْ عَلَیْهَا﴾ صيف ← اصْطِيف (گذراندن تابستان)

۱۸۰ می‌گویند «شیر» در عربی نام‌های بسیاری دارد و بیش از صد نام ذکر کرده‌اند؛ اما در واقع این اسم‌ها صفت‌های شیر است. بسیاری از این اسم‌ها نیز کاربرد ندارند؛ مثال‌های معروف عبارت‌اند از: حَيْدَر، غَضَنْفَر، ضِرْغَام، صَيْغَم، فِرْناس، قَسْوَرَة، هَيْثَم، لَيْث، عَبَّاس، لَبُوَّة (شیر ماده)^۱

۱۸۱ «ریال» کلمه‌ای به زبان اسپانیایی و پرتغالی (real) است که وارد فارسی و عربی شده است. ریال به معنای «شاهی» است، نام سکه نقره رایج در آن دو کشور و سرزمین‌های وابسته به آنها بود. ریال از زمان حضور اسپانیاییان و پرتغالیان در خلیج فارس وارد دو زبان فارسی و عربی شده است. ریال از واژه لاتینی «رِگالیس» (regalis) به معنای «شاهنشاهی» می‌آید که صفتی از اسم «رکس» (rex) به معنای «شاه» است. واژه انگلیسی «رویال» (royal) هم‌ریشه با «real» اسپانیایی و پرتغالی است.

سکه نقره با نام ریال در اسپانیا از سال ۱۴۹۷ تا ۱۸۷۰ میلادی ضرب می‌شد. ریال همچنین واحد پول بسیاری از مستعمره‌های اسپانیا بود؛ به‌عنوان مثال واحد پول برزیل، «رئال» نام دارد.

۱۸۲ «لَا بَأْسَ» اصطلاحی معادل «اشکالی ندارد.» است. در گویش سعودی «مافی مُشْکَلَة» گفته می‌شود که در اصل «مافیهِ مُشْکَلَة» بوده است و در گویش عراقی «مَیْخَالِفُ» (ما یُخَالِفُ) گفته می‌شود. خود کلمه «بَأْس» به معنای «نیرو، شجاعت، شکنجه و...» است.^۲

۱- أَسَدٌ: (اسم) الجمع: آساد و أُسُد و أُسُد و أُسُود، حیوان مفترس يشمل الذکر و الأنثی و يطلق على الأنثی أسدة و لَبُوَّة و له في العربیة أسماء كثيرة أشهرها الليث و الضیغم و الغضنفر و الضرغام.

هذا الشبل من ذاك الأسد: يُشبه الابن أباه في صفاته.

الأسدُ أحد بروج السماء، بين السرطان و العذراء

أسد الله: حمزة بن عبد المطلب ﷺ

بين فكي الأسد: في خطر، في مأزق، حصّة الأسد: الجزء الأكبر

۲- لَا بَأْسَ عَلَیْكَ: لَا خَوْفَ عَلَیْكَ (باکی بر تو نیست.) / لَا بَأْسَ فِیْهِ: سختی و دشواری در آن نیست. / لَا بَأْسَ مِنْهُ: مانعی از آن نیست.

نیست. / لَا بَأْسَ بِهِ: خواری و نقصانی در آن نیست؛ عیبی ندارد.

مصدرٌ مِنْ بَؤْسٍ و بَيْسٍ، رَجُلٌ ذُو بَأْسٍ: قوی شدید، شدید البأس: شجاع

۱۸۳ «مُتَّحَف» که در تداول گاهی «مَتَّحَف» گفته می‌شود، نیز به معنای موزه است.^۱

۱۸۴ «نُقُود» جمع «نَقْد» و به معنای «پول» یا «پول‌ها» است. در گویش عراقی و سعودی به جای آن «فُلُوس» و در گویش شامی «مَصَارِي» گفته می‌شود.^۲

۱۸۵ «أَحْسَنُ» بر وزن «أَفْعَلُ» اسم تفضیل و غیر منصرف است. گاهی أَحْسَن به معنای زیباتر صفت مشبَّه می‌شود، در این صورت مؤنث آن حَسَناء است که البته باز هم غیر منصرف است.

الجمع : أَحْسِنُ / الْمُؤنث : حُسْنَى و حُسْنِيَّاتٌ.

مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ : مِنْ خَيْرِهِمْ

۱۸۶ «بَنْفَسَجِي» یعنی «بنفش» و فارسی معرَّب است. نام بسیاری از گل‌ها در عربی ریشه فارسی دارد؛ مثال بیشتر: نَرَجِس، سَوْسَن، مَرزَنْجوش، يَاسْمَن، وَرْد، بابوَنَج

...

۱۸۷ «جَزَر» ریشه فارسی دارد. اصل آن «گَزَر» است؛ مانند «گوز» که «جوز» شده «گَزَر» نیز «جَزَر» شده است.

۱۸۸ «حَلِيب» به معنای «شیر» است که در گذشته به جای آن «لَبَن» گفته می‌شد. امروزه «لَبَن» به معنای «ماست» یا «دوغ» شده است، ولی در متون قدیم «لَبَن» به معنای «شیر» بوده است.

در عربستان سعودی «زُبَادِي» و در عراق «رَوْبَة» به معنای «ماست» است.

واژه «اللبان» در عربی معادل «لبنیات» جمع «لَبَن» است.

مولوی شاعر گرانقدر ایرانی می‌فرماید:

تا نگرید ابر، کی خندد چمن
تا نگرید طفل، کی نوشد لبن

۱- مَتَّحَف: (اسم) الجمع: مَتَّحِف (مَتَّحَف أو مُتَّحَف)

الْمُتَّحَف: موضع التَّحْفِ الْفَنِيَّةِ أو الأَثَرِيَّةِ و الجمع: مَتَّحِف

مَتَّحَف السَّمْع: موضع يَضُمُّ تَمَائِلَ من شمع لشخصيات ذات شهرة عالميَّة

۲- الْفُلُوسُ عَمَلَةٌ نَقْدِيَّةٌ عَرَبِيَّةٌ مُسْتَعْمَلَةٌ فِي الْأُرْدُنِ و الإمارات و البحرين و العراق و الكويت و اليمن و يختلف سعرها بحسب البلد.

۱۸۹ «سَمَاوِيّ» به معنای آسمانی از «سَمَاء» گرفته شده است. اَزْرَقُ سَمَاوِيّ، یعنی آبی آسمانی.

۱۹۰ «طازَج» یا «طازج» از واژه فارسی «تازگ» گرفته شده است. واژه «تازگ» امروزه در فارسی «تازه» گفته می‌شود.

«بَرَنامَگ» که در عربی نیز که به «بَرَنامَج» تبدیل شده و در فارسی امروز «برنامه» تلفظ می‌شود مانند همین واژه است. طازَج صفت برای شیر و نان و مانند آنهاست؛ مانند: حَلِيب طازَج، حُبْرُ طازَج

۱۹۱ حرف «ف» در کلمه فیتامین گاهی به صورت سه نقطه نوشته می‌شود. (فیتامین) این حرف ویژه واژگان غربی است؛ مثال بیشتر: کریم دوف، کریم نیفآ، (دو نوع کرم) فیدو

۱۹۲ پوست میوه و درخت «قِشْر» و پوست انسان و حیوان «جِلْد» و پوست دست و صورت «بَشْرَة» گفته می‌شود.

۱۹۳ «يُوجَد»، یعنی «هست، وجود دارد». «مَوْجُودٌ» نیز به همین معناست. در گویش عامیانه عراقی «أَكُو» و «ماکو» معادل «يُوجَدُ» و «لا يوجَدُ» است. در عربستان سعودی نیز «فی» و «مافی» به همین معناست که در اصل «فیه» و «مافیه» است.

۱۹۴ در جمله «يُمْكِنُ مُعَالَجَتَهُ» فاعل فعل مصدر صریح است که مؤول آن این است «يُمْكِنُ أَنْ يُعَالَجَ» و فاعل فعل یمکن گرچه مؤنث مجازی است؛ ولی کاربرد فعل برای آن در زبان عربی فصیح به صورت مذکر است. مثال‌های مشابه دیگر عبارت‌اند از:

لأن الله سبحانه وتعالى أمرهم أن يرجعوا في موارد النزاع إلى الله وإلى الرسول ﷺ، ولا (يُمكن إحالتهم) على شيء غير محفوظ.

ولو قدر أنه لا يستحق العقوبة أو (لا يمكن عقوبته)، فلا بد من بيان بدعته والتحذير منه.

وَإِنَّمَا هَذِهِ الرُّؤْيَا كَأَنَّكَ فِي الْمَنَامِ، وَفِي الْمَنَامِ (يُمْكِنُ رُؤْيَا اللَّهِ تَعَالَى) عَلَى كُلِّ حَالٍ وَفِي كُلِّ صُورَةٍ.

والآیات الدالة على ذلك كثيرة معروفة (يمكن مراجعتها) في الشرح وغيره ..
 وَلَيْسَ (يُمْكِنُ إِضَافَةُ) مَعْصِيَةِ إِلَى الصَّحَابَةِ مِثْلَ هَذَا الطَّرِيقِ
 ومكاشفات الأَسْرَارِ (لَا يُمْكِنُ العِبَارَةُ) عَنْهَا عَلَى التَّحْقِيقِ
 إِذَا صَحَّ عِنْدَكَ أَنَّ الصَّانِعَ لَا (يُمْكِنُ مَعْرِفَتَهُ) بِالتَّصْوِيرِ وَالتَّرْكِيبِ وَالْقِيَاسِ عَلَى
 الخَلْقِ صَحَّ عِنْدَكَ أَنَّهُ خِلَافَ المَخْلُوقَاتِ
 الكَوْنِ وَتَسْفَلُهُ إِذْ (لَا يُمْكِنُ الإِشَارَةُ) إِلَيْهِ
 هَذَا مَبْدَأُ العَدَدِ الَّذِي لَا عَدَدَ قَبْلَهُ ثُمَّ الأَعْدَادُ (يُمْكِنُ فِيهَا الزِّيَادَةُ)
 كل نفس وجوهرها الَّذِي (لَا يُمْكِنُ اسْتِحَالَتُهُ) عَنْهُ
 فَاعْلَمْ أَنَّ الموجوداتِ (لَا يُمْكِنُ قِسْمَتُهَا) إِلَى دَرَجَاتٍ مُتَفَاوِتَةٍ فِي العَقْلِ
 ۱۹۵ «هذا» در «لا تَنْتَسِ قَوْلَكَ هَذَا» عطف بيان است یا تأویل به مشتق
 می کنیم (المشار اليه) وَأَنَّ رَا صفت به شمار می آوریم.

۱۹۶ چرا در آیه ۲۲ سورة اعراف برای الشجرة اسم اشاره تلکما به کار رفته
 است؟

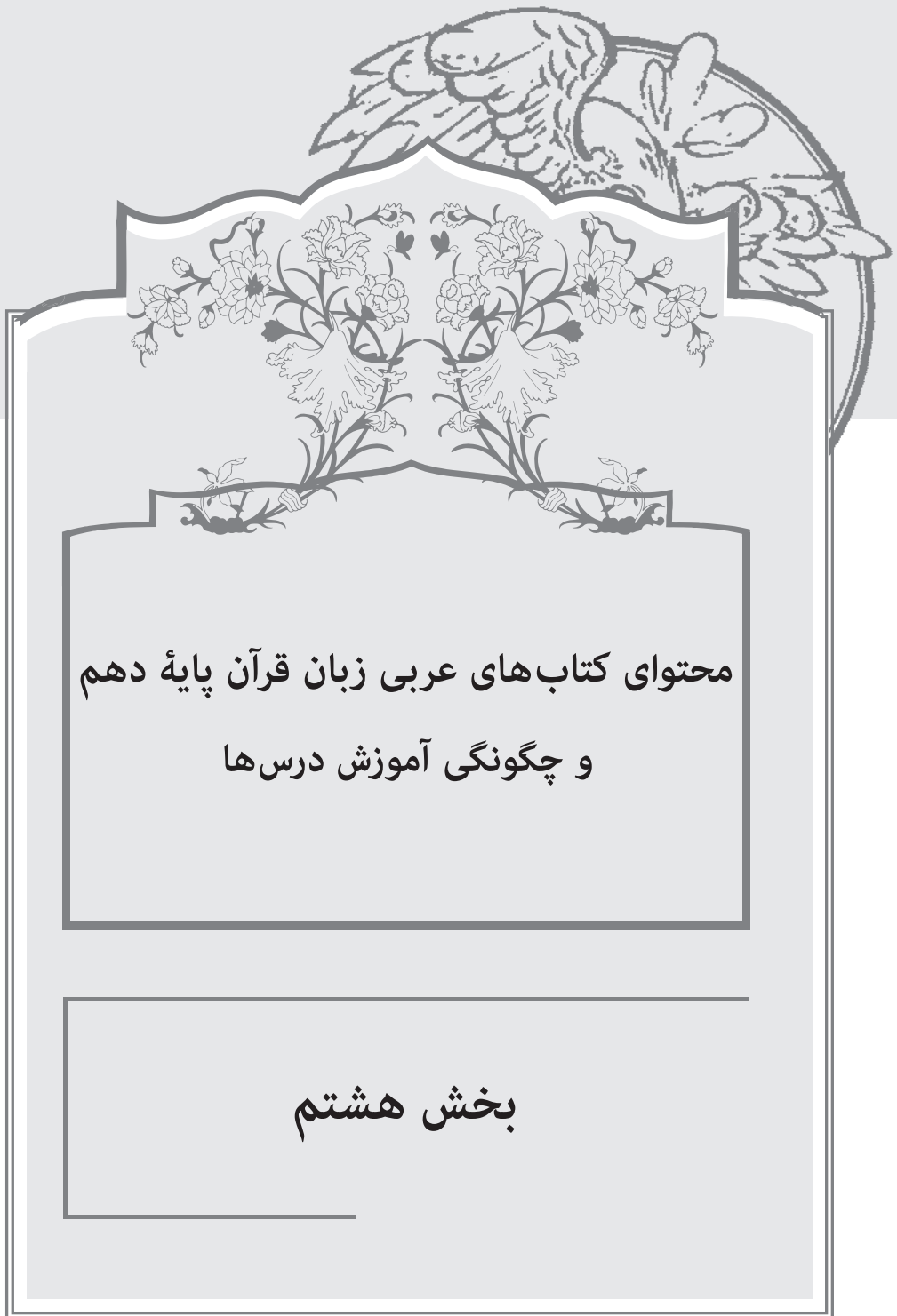
پاسخ: کاف در اسم اشاره تلک حرف خطاب است؛ یعنی برای مشار له
 به کار برده می شود و چون در این آیه مشار له دو نفرند (آدم و حوا) تلکما
 برای درخت اشاره شده است و مشکلی ندارد؛ مثال بیشتر: ﴿قَالَتْ فَذَلِكُنَّ
 الَّذِي لُمْتُنِّي فِيهِ﴾ (یوسف / ۳۲) کُنَّ اشاره برای زنان است. (ذَلِكُ، تَلِكُ، ذَلِكُمَا،
 تَلِكُمَا، تَلِكُمْ، تَلِكُنَّ)

۱۹۷ اگر خبر افعال ناقصه با بای زائده همراه باشد؛ مانند ﴿أَلَيْسَ اللّٰهُ
 بِأَحْكَمِ الحَاكِمِينَ﴾ نوع خبر چیست؟

الف: شبه جمله ب: مفرد

پاسخ مفرد است.

۱۹۸ اگر بخواهیم جمله ﴿كَانَ اللّٰهُ عَلِيْمًا﴾ را از نظر نوع جمله حساب کنیم،
 چه نوع جمله ای است؟ الف: اسمیه ب: فعلیه پاسخ: اختلاف وجود دارد.
 برخی اسمیه می گویند؛ زیرا افعال ناقصه ادوات ربط هستند و دلالت بر حدث
 ندارند و برخی فعلیه می دانند؛ چون با فعل شروع شده است.



محتوای کتاب‌های عربی زبان قرآن پایه دهم
و چگونگی آموزش درس‌ها

بخش هشتم

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ گلچینی از آیات قرآن و سخنان حکیمانه سه سال نخست متوسّطه را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ متن شعر عربی معروف الرّصافی را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۴ شبیه متن مکالمه درس (أَلْتَعَارُفُ فِي مَطَارِ النَّجْفِ الْأَشْرَفِ) را در کلاس به همراه هم‌کلاسی‌هایش اجرا کند.
- ۵ معنای ضمایر را بداند و کاربرد آنها را در جمله تشخیص دهد.
- ۶ اسم‌های مفرد، مثنی و جمع را در جمله تشخیص دهد.
- ۷ ساختار جمله‌های دارای اسم اشاره به دور و نزدیک را درست تشخیص دهد.
- ۸ با کلمات پرسشی «هل، أ، أَيْنَ، مَنْ، مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ»، ما (ما هُوَ، ما هِيَ، ماذا)، کم، لِماذا، متی و کیف پرسش و پاسخ انجام دهد (تمرین سادس).
- ۹ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل را در جمله تشخیص دهد و ترجمه کند.
- ۱۰ نام رنگ‌های اصلی را در حالت عمومی (مذکر) بیان کند.
- ۱۱ نام روزهای هفته و فصل‌ها را از حفظ بگوید.
- ۱۲ کلمات مترادف و متضاد را تشخیص دهد.
- ۱۳ کلمات پرکاربرد عربی پایه هفتم، هشتم و نهم را درست ترجمه کند.
- ۱۴ در مهارت ساعت‌خوانی ساعت کامل، ربع و نصف را بیان کند.
- ۱۵ عددهای اصلی را از یک تا دوازده و ترتیبی را از یکم تا دوازدهم از حفظ بگوید.

متن درس شعری شاد و دارای پیام والا است. شایسته است متن شعر با استفاده از کتاب گویا برای دانش‌آموزان اجرا گردد. وزن شعر از بحر رَجَز است؛ (مُسْتَفْعَلُنْ مُسْتَفْعَلُنْ) دانش‌آموزان می‌توانند آن را در کلاس نیز اجرا کنند. نمابندی (کلیپی) از این شعر در لوح فشرده‌ای که به معلم‌مان داده می‌شود وجود دارد. اگر به هر دلیل دسترسی به لوح امکان نداشت به راحتی می‌توان این کلیپ را در سامانه رشد یا شبکه‌های اجتماعی، یا با جست‌وجو در اینترنت یافت.

همابندی در ترجمه متن درس

أَنْظُرُ لِنَيْلِكَ الشَّجَرَةَ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ:

به آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه بنگر.

كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ / وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً:

چگونه از دانه‌ای روییده و درختی شده است؟

فَأَبْحَثُ وَ قُلُّ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ:

جست‌وجو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می‌آورد؟

وَ أَنْظُرُ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي / جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةَ:

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است بنگر.

فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا / حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ:

در آن نور هست و به کمک آن گرمای پراکنده هست.

مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا / فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ:

چه کسی آن را در فضا همچو پاره آتش پدید آورد؟

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي / أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَهَةً: آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ / وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ: دارای دانش (حکمت) کامل و نیروی توانایی است.

أَنْظُرُ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ:

به شب بنگر؛ چه کسی ماهش را در آن پدید آورده است؟
و زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ: و با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست؟
(زینت داد)

وَ أَنْظُرُ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ: و به ابر بنگر؛ چه کسی بارانش را از آن فرو
فرستاد؟ (نازل کرد)
فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْتِرَابِ خَصْرِهِ: و زمین را پس از تیره رنگی (غبارآلودگی) سرسبز
ساخت؟

وَ أَنْظُرُ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلِّ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ: و به انسان بنگر و بگو چه کسی بینایی را
در او پدید آورده است؟ (شکافت)

مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةٍ: چه کسی او را به نیرویی اندیشمند مجهز کرد؟
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ: آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

مَعْرُوفُ الرَّصَافِيِّ كَهَ الرَّصَافِيِّ وَ حَتَّى الرَّصَافِيِّ هَمَّ كَقْتِهِ شَدِيدٌ اسْت.

مَعْرُوفُ الرَّصَافِيِّ (۱۲۹۲ - ۱۳۶۵ هـ / ۱۸۷۵ - ۱۹۴۵ م) آکادیمی و شاعر عراقی؛ عَمِلَ
فِي حَقْلِ التَّعْلِيمِ وَ لَهُ عِدَّةُ إِصْدَارَاتٍ شَعْرِيَّةٍ، بُنِيَ لَهُ فِي بَغْدَادِ تِمْتَالٌ لِمَجِيدِهِ. وُلِدَ فِي
بَغْدَادِ عَامَ ۱۸۷۵ م، مِنْ أَبِ كَرْدِي النِّسْبِ وَ أُمِّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، وَ نَشَأَ فِيهَا، دَرَسَ عَلَى عُلَمَاءِ
بَغْدَادِ الْأَعْلَامِ، ثُمَّ اتَّصَلَ بِالشَّيْخِ الْعَلَمَةِ مُحَمَّدِ شُكْرِيِّ الْأُوسِيِّ وَ لَازَمَهُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً،
وَ تَخَرَّجَ عَلَيْهِ وَ كَانَ يَرْتَدِي الْعِمَامَةَ وَ زِيَّ الْعُلَمَاءِ وَ سَمَّاهُ شَيْخَهُ الْأُوسِي (مَعْرُوفُ الرَّصَافِيِّ)
لِيَكُونَ فِي الصَّلَاحِ وَ الشُّهُرَةِ وَ السُّمْعَةِ الْحَسَنَةِ، مَقَابِلًا لِمَعْرُوفِ الْكَرْخِيِّ. اِمْتَاذَ أُسْلُوبِ
الرَّصَافِيِّ بِمِثَالَةِ لُغَتِهِ وَ رِصَانَةِ أُسْلُوبِهِ، وَ لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ وَ اللُّغَةِ وَ الْأَدَابِ
أَشْهَرُهَا دِيْوَانُهُ "دِيْوَانُ الرَّصَافِيِّ" حَيْثُ رَتَّبَ إِلَى أَحَدِ عَشْرِ أَبَا فِي الْكُونِ وَ الْوَالِدِيْنَ وَ الْاجْتِمَاعِ
وَ الْفَلْسَفَةِ وَ الْوَصْفِ وَ الْحَرْبِ وَ الرِّثَاءِ وَ التَّارِيخِ وَ السِّيَاسَةِ وَ عَالَمِ الْمَرْأَةِ وَ الْمَقْطَعَاتِ الشَّعْرِيَّةِ
الْجَمِيلَةِ.

هماهنگی در ترجمه چند جای حوار درس اوّل و چند توضیح

﴿ أَسْلَامٌ عَلَيْكُمْ. وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. ﴾ نیازی به ترجمه ندارد. (درود بر شما. درود و مهر و برکت‌های خدا بر شما باد).

﴿ أَنَا بِخَيْرٍ. خَوبِم. ﴾

﴿ تَرْكِيبُ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ بِه صُورَتِ جُمْهُورِيَّةِ إِيرَانَ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي إِيرَانَ نِيْزِ دَرَسْتِ اسْت. ﴾

﴿ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ مَعَادِلِ فَارْسِي أَنْ «اسْمِ شَرِيفِ شَمَا چِيسْت؟» اسْت. ﴾

واژگان

یادگیری کلمات جدید درس در دل متن و عبارت صورت می‌گیرد. از پرسیدن معنای کلمه در آغاز درس و نیز خارج از جمله خودداری کنید. اگر برای یادگیری بهتر و سرعت در کار تصمیم دارید که معنای کلمه بپرسید، از نمره دادن خودداری کنید؛ زیرا معنای کلمه باید در جمله خواسته شود.

سخنان حکیمانه

جملات حکیمانه درس اوّل از احادیث پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی عَلِيٌّ است. سعی شده است تا فرایند ترجمه این عبارات تنوع داشته باشد. سخنان حکمت‌آمیز را دانش‌آموزان می‌خوانند و ترجمه می‌کنند. معلّم در اینجا نقش راهنما و مصحّح دارد.

اعلموا

در کتاب عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی نام صیغه‌های فعل‌ها مطابق دستور زبان عربی آمده‌اند. این کار در کتاب عربی مشترک زبان قرآن انجام نشده است. در کتاب مشترک عربی زبان قرآن صرف فعل بر مبنای بومی‌سازی است. در کتاب عربی زبان

قرآن مشترک نیازی نیست که در ارزشیابی، صیغۀ افعال سؤال شود. حتی شکل فارسی نیز مورد نظر نیست؛ مثلاً در مورد فعل ذَهَبَ نیازی نیست؛ دانش آموز پاسخ دهد مفرد مذکر غایب است، یا سوم شخص مفرد.

خلاصه هرچه دانش آموز در عربی هفتم تا نهم خوانده، در تمریناتی متنوع طراحی شده است. هدف از قواعد کمک به ترجمه است.

همانند کتاب درسی عربی هفتم، هشتم و نهم در کتاب دهم نیز هدف تا پایان کتاب این است که دانش آموز بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند و جمله‌ای را که معلّم بر زبان می‌آورد درست بشنود، و از آنجا که یکی از دو هدف آموزش درس عربی کمک به زبان و ادبیات فارسی است باید بتواند در درس فارسی به او کمک کند.

تمرین‌ها

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا:

تمارین درس ساده باشد تا دانش‌آموز از حل آن لذت ببرد.

شایسته است دبیر ارجمند برگ‌های مخصوص قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار که کسی عبارتی، یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود.

برای حل تمرینات نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است.^۱

این کار موجب می‌شود دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حل تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و نقش معلّم، نظارت و تصحیح است. به منظور صرفه‌جویی در وقت کلاس تمرینات به گونه‌ای طراحی شده است که معلّم بتواند در سه جلسه درس اول را به پایان برساند.

۱- در امتحان شفاهی به راحتی می‌توان از کتابی دست نخورده استفاده کرد. برخی می‌گویند اگر دانش‌آموز پاسخ را در کتاب بنویسد روز امتحان نمی‌تواند خودآزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت.

تمرین اول، دوم و سوم (در هر دو کتاب): در این سه تمرین چند آیه شریفه و نیز مهم‌ترین سخنان حکمت‌آمیز عربی پایه‌های هفتم، هشتم و نهم برای تقویت مهارت ترجمه‌گزینش شده است. جملات این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به‌عنوان شاهد مثال برای بسیاری از موقعیت‌ها به‌کار برد. برای اینکه تمرین وقت کلاس را زیاد نگیرد به صورت پر کردن جای خالی و دو گزینه‌ای مطرح شده است. در تمرین سوم تشخیص نوع فعل نیز خواسته شده است تا گریزی به قواعد سال‌های گذشته نیز باشد.

﴿ تَرْجَمُهُ تَحْتَ اللَّفْظِ لِسَانَ صَدَقَ، زَبَانَ رَاسِطِ كَوَيْبِي أَسْتِ؛ أَمَّا مَنْظُورُ يَادِ نِيكُوسْتِ. ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ (الشُّعْرَاءُ / ۸۴) و برای من یاد نیکو در آیندگان قرار بده. یعنی کاری کن که نسل آینده پشت سر من خوب بگوید. احتمال دارد اطرافیان ما به خاطر پاره‌ای ملاحظات پرده‌پوشی کنند؛ آنچه مایه سربلندی است این است که آیندگان که فارغ از تعلقات و ملاحظات هستند پشت سر ما به نیکی یاد کنند.

﴿ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾ (الْمُؤْمِنُونَ / ۵۱)

و کار نیکو (درست) انجام دهید؛ زیرا من به آنچه انجام می‌دهید دانا (آگاه) هستم.

﴿ اِرْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مِنَ السَّمَاءِ. ۱۰۰ رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ ۱۰۰﴾

به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند. در این جمله احتمال دارد دبیر با دیدن فعل مضارع مجزوم يَرْحَمُ بپرسد که دلیل جزم چیست، دلیلش جواب طلب واقع شدن است. این عبارت در متوسطه اول آمده بود و دانش‌آموز به سادگی معنا می‌کرد. نیازی به توضیح دلیل جزم فعل نیست و اصلاً نباید وارد این بحث در کلاس شد.

﴿ مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. ۱۰۰ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۱۰۰﴾

دو ترجمه برایش درست است.

هر کس دشمنی کاشت، زیان درو کرد. و هر کس دشمنی بکارد، زیان درو می‌کند. در چنین حالتی می‌توان از دانش‌آموز پرسید کدام ترجمه بهتر است؟ اما تأکید بر اینکه ترجمه ماضی حتماً باید مضارع التزامی باشد ضرورت ندارد. همان‌طور که می‌شود

معنای فعل ماضی را در جملهٔ عربی «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» به صورت زمان حال در نظر گرفت، در جملهٔ فارسی «هرکس دشمنی کاشت؛ زیان درو کرد.» نیز همین کار را می‌توان انجام داد.

حتی گاهی فعل ماضی محقق الوقوع است؛ مثلاً به کسی می‌گوییم: «زودتر بیا» و او در حالی که هنوز نیامده است می‌گوید: «آمدم.»

﴿در آیهٔ شریفهٔ ﴿... لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...﴾ (یوسف/ ۶۷) اشاره به جملهٔ حضرت یعقوب پیامبر عَلَيْهِ السَّلَام است که به پسرانش می‌گوید از یک در وارد نشوید و از درهای پراکنده وارد شوید. منظورش این بوده که نگهبانان پی نبرند که آنها با هم هستند و امنیت آنان برقرار شود.

﴿اُطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَافِعٌ عَنِ الْفِتَنِ وَ دَائِمٌ فِيهَا بِحُجَّتِهِ وَ حُجَّتُهُ فِيهَا بِحُجَّتِهِ وَ حُجَّتُهُ فِيهَا بِحُجَّتِهِ وَ حُجَّتُهُ فِيهَا بِحُجَّتِهِ﴾ (بخوبید، اگرچه در چین باشد؛ زیرا جستن دانش واجب است. دلیل ذکر نام چین این است که چین در آن زمان نماد دوری بوده است. در زبان عربی در گذشته حرف چ را به ص تبدیل می‌کردند. امروزه نام‌هایی مانند چاد و چارلی چاپلین را به صورت تشاد و شارلی شابلین می‌نویسند.

﴿إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هَرَّكَاهُ بِرِشْمِ عَدُوِّهِ؛ بَخْشِيدِنِ اَوْ رَا شُكْرَانَهُ قَدْرَتِ يَافْتَنِ بَرِ اَوْ قَرَارِ بَدَه. قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَام: كَفْتَنِ «نَمِي دَانِم» نِيمي از دانش است.

تمرین چهارم (در هر دو کتاب): در این تمرین، دانش‌آموز فعل را بیرون از جمله ترجمه می‌کند. این تمرین سخت است؛ اما دانش‌آموزی که سه سال فعل آموخته است باید بتواند در سال چهارم انواع فعل را تشخیص دهد. او باید افعال ماضی، مضارع، امر و نهی و ... را از هم تشخیص دهد؛ مثلاً باید بتواند اذْهَبَ را از اِذْهَبْ تشخیص دهد. تمرین پنجم (در هر دو کتاب): هدف از این تمرین یادآوری اعداد اصلی و ترتیبی ۱ تا ۱۲، رنگ‌ها، روزهای هفته و نام فصل‌هاست.

تمرین ششم (در هر دو کتاب): هدف تقویت دو مهارت واژه‌شناسی و ترجمه است. طراح این سؤال در امتحان برای معلّم دشوار ولی برای دانش‌آموز پاسخ دادن به آن آسان است. این تمرین به لحاظ فنی بسیار سودمند است. شاید به نظر، طرح آن آسان باشد؛ ولی باید توجه داشت که طراح در گزینش کلمات و ساختار محدودیت دارد.

تمرین هفتم (در هر دو کتاب): هدف تشخیص اسم‌های مفرد مؤنث، مثنی مذکر، مثنی مؤنث، جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم و جمع مکسر است. این تمرین ناظر به قواعد است. این قاعده در درس اول عربی هفتم آموزش داده شده است و در دو کتاب هشتم و نهم نیز تکرار شد. مجدداً این تمرین در کتاب عربی پایه دهم تکرار شده است تا کم کم ملکه ذهن دانش‌آموز گردد.

تمرین هشتم (در هر دو کتاب): هدف تشخیص وزن و حروف اصلی است که در درس دوم عربی پایه نهم آموزش داده شده است. داشتن وزن و حروف اصلی از ویژگی‌های بارز زبان عربی است. از آنجا که در عربی دهم آموزش مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه) وجود دارد، این یادآوری به فهم بهتر آن قواعد کمک می‌کند.

تمرین نهم (در هر دو کتاب): هدف این تمرین، تقویت مهارت واژه‌شناسی است. در همه زبان‌ها یادگیری متضاد و مترادف روشی تأثیرگذار در یادگیری زبان است. خوب است بدانید باهظ نیز به معنای گران است و کلمه شمال نیز علاوه بر یَسار به معنای چپ است.

از طراح این چنین سؤالاتی در امتحان خودداری شود:

مترادف کلمات داده شده را بنویسید: حَزین، مَسرور، رَقَدَ

متضاد کلمات داده شده را بنویسید: قَبیح، بدایة، راسِب

طرح سؤال لازم است بدین گونه باشد:

کلمات متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید. (راسِب/ مسموح/ یَمین/ یَسار/ ناچِج/

ممنوع)

کلمات مترادف را دو به دو کنار هم بنویسید. (وَرَد/ رجل/ امرأ/ زهر)

بین کلمات مترادف و متضاد علامت مناسب بگذارید: شِراء ... بَیْع والدة ... أُمُّ

تمرین دهم (در هر دو کتاب): هدف این تمرین، تقویت مهارت ساعت خوانی است. توجه داشته باشیم که ساعتی مانند ۱۰:۲۵ از اهداف آموزشی کتاب‌های متوسطه اول نبوده است.

ارزشیابی

در ارزشیابی از درس اول باید توجه داشت که همان‌گونه که از نام درس پیداست کلّ این درس ارزشیابی است و به ارزشیابی دوباره آن نیازی نیست. پس می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا در گروه‌های چندنفره آن را حل کنند، سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود، یا اینکه در منزل پاسخ دهند و در کلاس رفع اشکال گردد. انتظار نمی‌رود در عرض سه جلسه آموزشی در آغاز مهرماه کلّ مطالب عربی پایه هفتم، هشتم و نهم به اندازه کافی تکرار و تمرین گردد. در این درس فقط مهم‌ترین مطالب تکرار شده است و به تدریج در درس‌های دوم تا هشتم این تکرار درون متون، عبارات و تمرینات و در سال‌های آینده نیز انجام خواهد شد.

وسایل کمک آموزشی

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند: کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پاورپوینت، نمابندگ آموزشی، اسلاید، اعلان، فلش کارت

۱- آموزگاران، خبرنگاران و ... اینفوگرافیک را به‌عنوان یک توانایی یافته‌اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را یاری می‌رساند. اینفوگراف یک جهش دیداری در آموزش است. با تصویرسازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند.

اینفوگراف چیست؟ واژه اینفوگراف Infograph کوتاه‌شده Information Graphic است. امروزه اینفوگراف‌ها را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کنیم، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اینفوگراف به‌عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. اینفوگرافیک نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌ها است.

مردم توجه کمتری به نوشته‌ها و متون دارند و تمایل برای صرف زمان بیشتر بر جنبه‌های بصری وجود دارد. استفاده از گرافیک‌های اطلاع‌رسان باعث می‌شود بیننده با نگاهی کوتاه حجم قابل توجهی از اطلاعات را که شکل نوشتاری آن ممکن است مقاله بلند بالایی را تشکیل دهد، به سادگی از طریق دیدن دریافت کند و حتی آن را به خاطر بسپارد.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان (مولوی)

جدول صرف فعل مضارع در حالی که در آن به حروف مضارعه (بَدَتْ، نَبَتْ) و ضمایر متصل فاعلی و اعراب اصلی و فرعی رفع اشاره شده است زبان عربی را زبانی دشوار جلوه‌گر می‌سازد.

دانش‌آموز با دیدن جزوه‌ای که قواعد فعل مضارع را مفضلاً آموزش می‌دهد یادگیری زبان عربی را بسیار سخت می‌بیند؛ اما یک اینفوگراف او را کنجکاو و علاقه‌مند می‌سازد.

در یک اینفوگراف جملاتی مانند «الْأَعْبُ الْفَائِزُ يَرْفَعُ الْكَأْسَ.» دیده می‌شود که در کنار آن تصویر بازیکنی که جام پیروزی را بالا برده است. دانش‌آموز با دیدن جمله‌ها و تصاویر با ساختار فعل مضارع آشنا می‌شود.



ابْحَثْ فِي الْإِنْتِرِنْتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيِّ.

هدف از این تمرین، تشویق دانش آموز به فعالیت و تحقیق است. نمره این بخش را می توان در امتحان مستمر اول و دوم حساب کرد. اجرای این بخش به داشتن وقت بستگی دارد. اگر دبیری زمان کافی در اختیار نداشت، در انجام دادن و ندادن این قسمت از کتاب درسی مختار است.

تصویر منظره ای زیبا و بکر از پشته آرشت نزدیک شهرک ولی عصر از توابع شهرستان بدره از استان ایلام است. بسیاری از مردم ایران از زیبایی های سایر استان ها بی خبرند.

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

۱ اغْبَرَّارُ بر وزن اِفْعِلال است. اغْبَرَّارُ الْأَثَاثِ: اِنْتِشَارُ الْغُبَارِ عَلَيْهِ. اغْبَرَّ، يَغْبَرُّ، اغْبَرَّارًا: به رنگ تیره در آمد.

اغْبَرَّ الْيَوْمُ: گرد و غبار روز بسیار شد.

۲ واژه «تَرْجَمَة» از ریشه فارسی «تَر زَبان» یا «تَر زَبان» است. تَرزبان مانند تردست است، تَرزبان که در عربی تَرْجُمان شده و سپس بر وزن فَعَلَّلَة شده است، به کسی گفته شده که چند زبان را به آسانی بر زبان براند. زبان [ز / زُ] (اسم) معروف است و به عربی لسان گویند و به ضمّ اوّل هم درست است. (برهان قاطع)

۳ ذات، یعنی دارای. جمع ذات، ذَوَات است؛ ذات مؤنث ذو و مثنای آن ذَوَاتَا (ذواتان) است؛ ذَوَاتان دائم الاضافه است و بدون نون به کار می رود. «لَقِيْتَهُ ذَاتَ يَوْمٍ أَوْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَوْ ذَاتَ مَرَّةٍ»: او را یک روز یا یک شب یا آن بار دیدم. در اینجا ذات نایب مفعولٌ فيه است؛ به این صورت (لَقِيْتَهُ لُقِيَةً ذَاتَ يَوْمٍ وَ ذَاتَ لَيْلَةٍ وَ ذَاتَ مَرَّةٍ). در کتاب المنجد لَقِيَ يَلْقَى دوازده مصدر دارد. (!)

۴ ذاك اسم اشاره به متوسط، هذا اسم اشاره به نزدیک و ذلِكَ اسم اشاره به دور است.

۵ در قافیه شعر «ذاك هو الله» وقف شده است و به هنگام وقف حرف «ة» را «ه» تلفظ می‌کنند. به دو کلمه الشجره و قمره دقت کنید. اگر الشجره و قمره تلفظ شوند قافیه مختل می‌شود.

۶ قصیده متن درس اول رایشه است چون ه می‌تواند جزء قافیه باشد.

۷ در «ذاك هو الله» ذاك مبتدا، هو مبتدای دوم و الله خبر برای مبتدای دوم است. یا هو الله خبر برای ذاك است.

۸ در «كيف نَمَتَّ مِنْ حَبَّةٍ» كيف حال است و هي ذوالحال. مِنْ حبة متعلق به نَمَتَّ است.

۹ فَدْر فَابِحَتْ فاء نتیجه است.

۱۰ مِثْلُ در (قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرِّهِ؟) حال است و (ها) ذوالحال. مفعولٌ به قُلْ جمله بعد از خودش است. «مَنْ ذَا» اسم استفهام است. «مَنْ ذَا» و «ماذا» مانند هم هستند. در جمله‌ای مانند «ماذا لَقِيْتِ؟» ذا می‌تواند اسم موصول باشد. «مَنْ ذَا: خبر مقدم» و «الَّذِي: مبتدا» است. يَخْرُجُ: صلة موصول و عائد: هو. می‌توان «مَنْ ذَا» را مبتدا و «الَّذِي» را خبر دانست.

۱۱ وزن شعر مُسْتَفْعَلُنْ مُسْتَفْعَلُنْ است. (- U - - - U - -) این وزن به صورت مَفَاعِلُنْ (U - U -) یا مُفْتَعَلُنْ (- U U -) هم امکان‌پذیر است.

۱۲ در جمله «إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ» دو وجه جایز است. وجه موجود و اینکه تُسَافِرُ مجزوم شود؛ اَمَّا چون شَاءَ ماضی است، همین وجه بهتر است.

۱۳ «لسان صدق» در ﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ از باب مجاز مُرْسَل است. علاقتُهُ الآلية. اگر برای بیان یک چیز به بخشی از آن اشاره کنیم و منظورمان کل آن چیز باشد یا به عکس، به کلیتی اشاره کنیم و منظورمان جزء باشد، از آرایه بخش‌گویی استفاده کرده‌ایم. بخش‌گویی یکی از آرایه‌های ادبی کهن است و به آن مجاز مُرْسَل هم

گفته‌اند؛ مثلاً در جمله «احمدشاه قاجار تاج و تختش را از دست داد»، منظور آن است که سلطنتش را از دست داد. (جزء به کل). یا به عکس: اگر کسی از ما پرسید: «آیا به سفر می‌روی؟» و ما در جوابش بگوییم «باید با خانه هماهنگ کنم»، منظور ما از خانه همان افراد خانه است. (اراده کل به جزء). وقتی می‌گوییم «پدر، نان‌آور خانه است»، منظورمان از نان، روزی است و نان، در واقع بخشی از آن به شمار می‌آید. یا وقتی می‌گوییم که «هزاران دیده، نگرانِ اوست»، منظورمان هزاران انسان است و «چشم» که بخشی از یک انسان است را برای اشاره به انسان به کار برده‌ایم. در «فکر نانت را بکن، که خربزه آب است» منظور از «نان» کسب‌وکار و روزی و هر چیزی است که اصل است، و «خربزه» به‌جای هر چیزی که فرعی و یا تفتنی است قرار می‌گیرد.

۱۲ ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ از خداوند تعالی می‌خواهد تا برای او در آینده فرزندی قرار دهد که یاد نیکوی او باشد؛ یعنی مانند زبان خود او خواسته‌های وی را بیان کند، و خداوند در آخر الزمان کسی را برمی‌انگیزد که به دعوت او به پا خیزد و مردم را به کیش و ملت او یعنی دین توحید دعوت نماید. برخی مفسران گفته‌اند: مراد از (لسان صدق) بعثت خاتم الانبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و از خود آن حضرت هم روایت شده که فرمود: من دعای پدرم ابراهیم هستم. بعضی دیگر نیز آن را به معنای این دانسته‌اند که خداوند ذکر جمیل و ستایش نیکوی او را تا قیامت باقی بگذارد و خداوند هم دعای او را برآورده کند و اهل ایمان همواره از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ به‌عنوان قهرمان توحید یاد می‌کنند.

۱۵ «أَبْدَأُ» در جمله «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا.» مفعولٌ فیه است.

۱۶ در جمله «إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلَ هَلَكَ الْأَفْضَالُ.» فعل‌های ملك و هلك را می‌توان به دو صورت ماضی و مضارع ترجمه کرد؛ همان‌گونه که در عربی گاهی ماضی به معنای مضارع است، در فارسی نیز این قاعده می‌تواند مصداق داشته باشد. پدر خانواده به پسرش می‌گوید: برو نان بخر. پسر فراموش می‌کند. بار دوم تکرار می‌کند، پسر نمی‌رود. بار سوم پدر با تندی دستور می‌دهد و پسر در حالی که هنوز نرفته است

می‌گوید: رفتیم. در اصطلاح می‌گویند ماضی محقق الوقوع. در ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ نیز فعل ماضی است، ولی معنای مستقبل دارد.

۱۷ «لَوْ» در «اطلبوا العلم ولو بالصین» به معنای «اگر» است و فرق آن با «إِنْ» این است که لَوْ برای گذشته است. لَوْ ذَهَبَتْ إِلَى الْحَدِيقَةِ لَوَجَدَتْ. در این جمله وَجَدَتْ معنای ماضی ساده ندارد. اگر به باغ رفته بودی، می‌یافتی.

۱۸ ذات در «مِنِ الْمَلْبَسِ النَّسَائِيَةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ» صفت است.

۱۹ سند حدیث «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ طَنَطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَلَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ». از پیامبر اسلام ﷺ عیون أخبار الرضا، جلد ۲، صفحه ۵۱، ح ۱۹۷ - امالی (صدوق) صفحه ۳۰۳

۲۰ سند حدیث «ارحم من فی الأرض یرحمک من فی السماء» از پیامبر اسلام ﷺ من لایحضره الفقیه، جلد ۴، صفحه ۳۷۹

۲۱ از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا» (مستدرک الوسائل، جلد ۱، صفحه ۱۴۶) و (من لایحضره الفقیه، جلد ۳، ۱۵۶)

۲۲ «انظر إلى ما قال و لاتنظر إلى من قال» از امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ غرر الحکم و درر الکلم، ح ۵۰۴۸

۲۳ «من زرع العدوان حصد الخسران» از امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ غرر الحکم و درر الکلم، ۴۶۱

۲۴ درباره حدیث «اطلبوا العلم ولو بالصین» اختلاف نظر وجود دارد. با اندک اندیشه‌ای می‌توان دریافت که حدیث مزبور را به دو گونه می‌توان معنا کرد:



الف) دانش را بجوید حتی اگر لازم باشد تا دورترین نقاط عالم سفر کنید. این معنا فقط حاوی این نکته است که بُعد مسافت و مشقت داشتن نباید مانع از علم آموزی شود.

دانش را بجوید حتی اگر خاستگاه تولید آن چین - که کشوری مشرک است - باشد. متن کامل این حدیث در مصباح الشریعة چنین است: «اطلبوا العلم و لو بالصین و هو علم معرفة النفس و منه معرفة الرب»؛ دانش را بیاموزید، گرچه در چین باشد. این دانش، معرفت نفس است که از او معرفت خداوند حاصل می‌شود. در صدر اسلام، کشور چین به‌عنوان نمادی از دوری راه مطرح بوده است و تعبیر «ولو بالصین» صرفاً بیانگر دوری راه است و نه نمادی از بلاد کفر؛ و مفهوم روایت «اطلبوا العلم ولو بالصین» این است که اسلام برای آموختن علم مشروع و حقیقی چنان اهمیتی قائل است که اگر برای آموختن آن طی مسافتی دوردست نیز لازم باشد، باید برای کسب آن تلاش کرد و دوری راه، چنین تکلیفی را از دوش انسان بر نخواهد داشت. آنچه تفسیر فوق را در مورد «ولو بالصین» تأیید می‌کند، روایتی از امام صادق علیه السلام است که می‌فرماید: اطلبوا العلم ولو بخوض اللجج. دانش بیاموزید، اگرچه با رفتن به اعماق دریاها باشد. بدیهی است تعبیر «ولو بخوض اللجج» هیچ خصوصیتی جز آنکه بیانگر اهمیت علم‌آموزی است، ندارد.

۲۵ «الْكَلامُ كَالدَّواءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أميرُ المؤمنین علی علیه السلام غرر

الحکم و درر الکلم، ۲۱۸۲

۲۶ إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. نهج البلاغة، حکمت ۱۱



الدَّرْسُ الثَّانِي

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست قرائت و ترجمه کند.
- ۲ معنای کلمات جدید درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۳ پیام متن را درک کند.
- ۴ برخی احادیث ساده درس را حتّی الامکان از حفظ بگوید و نمونه‌هایی در عمل کردن به مصادیق آن ذکر کند.
- ۵ عددهای یک تا صد را به صورت تنها و بدون محدود از حفظ بگوید.
- ۶ عددهای ترتیبی یکم تا بیستم را از حفظ بگوید.
- ۷ بداند که گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد.
- ۸ شبیه متن مکالمه درس (جَوَارٌ بَيْنَ زَائِرِينَ فِي مَطَارِ النَّجَفِ الْأَشْرَفِ) را در کلاس به همراه هم‌کلاسی‌هایش اجرا کند.

فرایند آموزش

متن درس دوم عربی زبان قرآن (۱) درباره المواعظ العددية است. سخنان گوهربار پیامبر اسلام ﷺ که دربرگیرنده عدد است متن درس دوم شده است. المواعظ العددية نام کتابی ارزشمند نوشته علامه عاملی است که احادیث بسیاری را گردآوری کرده که در آنها عدد به کار رفته است. موضوع قواعد درس دوم با ساختار متن درس سازگار است. اما متن درس دوم عربی تخصصی به نام «إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ» درباره احترام به وسایل عمومی و محیط‌زیست است. دبیر محترم می‌تواند گریزی کوتاه به این موضوع بزند به گونه‌ای که وقت کلاس گرفته نشود.

بلافاصله پس از همه درس‌های کتاب عربی دهم درک مطلب آمده است.

أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ: ظُلْمٌ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ، وَ ظُلْمٌ يَغْفِرُهُ، وَ ظُلْمٌ لَا يَتْرُكُهُ. فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ فَالشِّرْكَ. قَالَ اللَّهُ: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ أَنْفُسَهُمْ فِي مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ رَبِّهِمْ، وَ أَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَتْرُكُهُ اللَّهُ، فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا.

ستم سه گونه است: ستمی که خدا نمی‌آمرزد و ستمی که می‌آمرزد و ستمی که آن را رها نمی‌کند. اما ستمی که خدا آن را نمی‌آمرزد شرک است. خداوند فرموده است: قطعاً شرک ستمی بزرگ است. اما ستمی که آن را خدا می‌آمرزد ستم بندگان به خودشان میان خودشان و پروردگارشان است و اما ستمی که خدا آن را رها نمی‌کند ستم بندگان به یکدیگر است.

﴿سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ أَجْرُهُنَّ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرَى نَهْرًا، أَوْ حَفَرَ بَيْرًا، أَوْ عَرَسَ نَخْلًا، أَوْ بَنَى مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَكْدًا يَسْتَعْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

پاداش هفت [چیز] در حالی که پس از مرگش در گورش است برای بنده جاری است: هرکس دانشی را یاد داد، یا جویی را روان کرد، یا چاهی را کند، یا نخلی را کاشت، یا مسجدی ساخت، یا قرآنی به ارث گذاشت، یا فرزندی به جا نهاد که پس از مرگش برایش درخواست آمرزش کرد.

این ترجمه هم درست است: ... هرکس دانشی را یاد دهد یا جویی را روان کند یا چاهی را حفر کند یا نخلی را بکارد یا مسجدی بسازد یا قرآنی به ارث بگذارد یا فرزندی به جا نهد که پس از مرگش برایش درخواست آمرزش کند.

﴿جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِثَّةَ جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةَ وَ تِسْعِينَ جُزْءًا وَ أَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَاخَمُ الْخَلْقُ.

خدا مهربانی (رحمت) را صد بخش قرار داد و نود و نه بخش را نزد خود بگرفت

و یک بخش را در زمین فرود آورد، از همان بخش آفریدگان به هم مهربانی می‌ورزند.
 ﴿إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ، وَ طَعَامَ الْاِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَ الْأَرْبَعَةَ، كُلُوا
 جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَهَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.﴾

قطعا خوراک یک تن برای دو تن بسنده است و خوراک دو تن برای سه تن و چهار
 تن بس است، همه با هم بخورید و پراکنده نشوید؛ زیرا برکت با جماعت است.
 ﴿اِنَّانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَ ثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اِثْنَيْنِ وَ اَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ.﴾
 دو تن از یک تن بهتر و سه تن از دو تن بهتر و چهار تن از سه تن بهتر است؛ بر شما
 لازم است در جمع باشید.

﴿مَنْ اَخْلَصَ لِلَّهِ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَي لِسَانِهِ.﴾
 هرکس چهل بامداد برای خدا خالص شد. (پاکی نیت و رزید / خالص شود، پاکی نیت
 و رزد) چشمه‌های دانش (حکمت) از دلش (قلبش) بر زبانش آشکار شود. (ظاهر شود)
 ﴿اَرْبَعَةٌ قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَ الْوَجْعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ.﴾

چهار چیز اندکش بسیار است: مستمندی (فقر)، درد، دشمنی و آتش.

﴿اَلْعِبَادَةُ عَشْرَةُ اَجْزَاءٍ تَسَعَةُ اَجْزَاءٍ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.﴾

پرستش (عبادت) ده بخش است، نه بخش در جستن (طلب) حلال است.

﴿اِذَا كَانَ اِثْنَانِ يَتَنَاجِيَانِ فَلَا تَدْخُلُ بَيْنَهُمَا.﴾

هرگاه دو تن در گوشی راز می‌گفتند میانشان داخل نشو.

همه‌انگي در ترجمه متن درس دوم عربي تخصصی رشته علوم انسانی

«إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَطَعًا شَمَا مَسْئُولٌ هَسْتِيدُ.

﴿كَانَتْ سُمِّيَّةُ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ؛ سَمِيَّةُ

پس از پایان ساعت کار مدرسه برای بازگشت به خانه منتظر مادرش بود.

﴿وَ كَانَتْ حُجْرَاتُ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَ مَا بَقِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا جَمْعٌ قَلِيلٌ مِنْ زَمِيلَاتِهَا؛

و کلاس‌های (اتاق‌های) مدرسه بسته بود، و کسی جز عده کمی از هم‌کلاسی‌هایش در

مدرسه نبود. (و فقط عدّه کمی از دانش‌آموزان در مدرسه بودند. توضیح اینکه ترجمه دوم هرچند درست است، ولی باید توجه داشت که هنوز آموزش داده نشده است که این‌گونه نیز می‌توان ترجمه کرد.)

﴿ وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُعَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ؛ و مدیر مدرسه و برخی از معلّم‌ها منتظر بودند (انتظار می‌کشیدند) که مدرسه از دانش‌آموزان خالی گردد.﴾

﴿ عِنْدَيْدٍ سَمِعَتْ سُمَيَّةُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، وَ شَاهَدَتْ الْمَصَابِيحَ مِنَ النَّوَافِذِ؛ در این هنگام سمیه صدای کولر را از یکی از اتاق‌ها شنید، و چراغ‌ها را از پنجره‌ها دید.﴾

﴿ فَظَنَنْتُ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفِّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حُرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرْتُ بِدِقَّةٍ، وَجَدْتُ الْحُجْرَةَ فَارِغَةً؛ گمان کرد که دانش‌آموزان کلاسی دیگر در کلاس تقویتی‌اند، یا مشغول فعالیت آزادند؛ و آنگاه که با دقت نگاه کرد، اتاق را خالی یافت.﴾
 ﴿ حَاوَلْتُ فَتْحَ الْبَابِ، فَوَجَدْتُهُ مُغْلَقًا فَذَهَبْتُ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرْتُهَا بِمَا شَاهَدْتُ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَ طَلَبْتُ مِنَ سُمَيَّةِ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ؛ سعی کرد در را باز کند، و آن را بسته یافت و در نتیجه به سوی مدیر رفت و او را از آنچه دیده بود باخبر کرد، مدیر از او تشکر کرد و از سمیه درخواست کرد (خواست) چراغ‌ها و کولر را خاموش کند.﴾

﴿ عِنْدَيْدٍ شَاهَدَتْ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ الطَّالِبَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَفَافَةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا؛ در این هنگام مدیر دانش‌آموزی به نام فاطمه را دید؛ این دانش‌آموز [داشت] برای بستن شیر آبی که کمی باز بود می‌رفت.﴾

﴿ وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ، شَكَرْتُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِضْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سُمَيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ؛ و در صبح روز بعد، مدیر مدرسه در صف صبحگاه از سمیه و فاطمه به خاطر توجه آنها به تأسیسات عمومی سپاسگزاری کرد.﴾

﴿ وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةُ وَ سَأَلَتْ الْمُدْرَسَةَ؛ و در زنگ دانش اجتماعی سمیه برخاست و از معلّم پرسید:﴾

﴿ مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَاقِ الْعَامَّةِ الَّتِي تَكَلَّمَتِ الْمُدِيرَةُ عَنْهَا هَذَا الصَّبَاحَ؟ ﴾ منظور از

تأسیسات عمومی ای که خانم مدیر امروز صبح درباره اش صحبت کرد چیست؟

﴿ فَأَجَابَتْ: «الْمَرَاقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفَعُ بِهَا النَّاسُ

جَمِيعًا. إِذَا فَهَمْتِ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمْثَلَةً لِلْمَرَاقِ الْعَامَّةِ»؛ وی پاسخ داد: تأسیسات عمومی جاهایی است که دولت مالک آن است، و همه مردم از آن سود می‌برند. اگر

(هرگاه) معنایش را فهمیدی برایمان برای تأسیسات عمومی مثال‌هایی ذکر کن.

﴿ أَجَابَتْ رَقِيَّةُ: «الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشْفَيَاتُ وَ الْمُسْتَوْصَفَاتُ وَ

الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوْرَاتُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ ...»؛ رقیه پاسخ داد: مدرسه‌ها، تلفن‌های عمومی، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها،

موزه‌ها، کتابخانه‌ها، سرویس‌های بهداشتی، بوستان‌های عمومی، درختان کنار پیاده‌رو و تیرهای برق ...

﴿ أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ: «أَحْسَنْتِ، وَ الْحِفَاظُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَاقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ»؛

خانم مدیر پاسخ داد: آفرین بر تو و نگهداری از این تأسیسات بر هر شهروندی (هم‌میهنی) واجب است.

﴿ سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ: «لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوْلَةِ»؛ دختران دانش‌آموز

(دانش‌آموزان) با شگفتی پرسیدند: چرا و چگونه؟! این (آن) وظیفه دولت است.

﴿ قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ: «بَلْ هِيَ مَسْئُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ، فَسُمِّيَتْ الَّتِي قَامَتْ بِإِطْفَاءِ الْمَكْيِيفِ وَ

الْمَصَابِيحِ فِي حُجْرَةِ الْمَدْرَسَةِ»؛ خانم معلم گفت: البته که مسئولیتی مشترک است، سمیه که به خاموش کردن کولر و چراغ‌ها در کلاس (اتاق) مدرسه اقدام کرد؛

﴿ وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَغْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمَدْرَسَةِ فَتُحَافِظُ

عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نِظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيْبِهَا؛ و فاطمه که شیر آب را بست و دانش‌آموزی که وارد کتابخانه مدرسه می‌شود و آرامش آن و پاکیزگی کتاب‌ها و ترتیب

آنها را حفظ می‌کند؛

﴿ وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هُوَ لِإِيَّائِهِمْ يَعْْمَلْنَ

بِوَأَجَابَتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ»؛ و آن [دانش‌آموزی که] کسی را که زباله را در غیر جای مناسب می‌اندازد با زبانی خوش نصیحت می‌کند؛ اینها مانند شهروندانی

که احساس مسئولیت می‌کنند به وظیفه‌شان عمل می‌کنند.

﴿ قَامَتْ سُمَيَّةُ وَ قَالَتْ: «أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةُ لَوْحَةٍ جِدَارِيَّةٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا هَذَا الْحَدِيثُ الشَّرِيفُ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ؛ سَمِيَهُ بَرَخَاسْتِ وَ كَفْت: أَيَا مَنَاسِبِ نِيَسْتِ كِه يِك تَابَلُوي دِيوَارِي نُوَشْتِه شُود كِه رُوي آن اِين حَدِيثُ شَرِيفُ از حَضْرَتِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نُوَشْتِه بَاشَد: قَطْعاً شَمَا مَسْئُولُ هَسْتِيد حَتَّى دَر مُورِد زَمِينِهَا وَ چَارِپَايَان.

﴿ قَبِلَتْ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ: «هَذَا الْاِقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَتَتَعَاوَنُ جَمِيعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ»؛ خانم معلم پذیرفت و گفت: این پیشنهاد، خوب است و همگی برای عمل به این حدیث شریف همیاری می‌کنیم.

بخش درک مطلب

یک هدف اولیه دارد که همان‌گونه که از نامش پیداست درک معنای عبارت و متن است، اما همچنان هدف مهم قرائت مد نظر است. باید دانش آموز عبارت‌ها را با صدای بلند بخواند و پاسخ درست و نادرست را مشخص کند. پاسخ‌ها در عربی زبان قرآن به ترتیب عبارت‌اند از: درست، نادرست، درست، نادرست و نادرست. و در کتاب رشته انسانی به ترتیب عبارت است از: درست، نادرست، درست، نادرست و نادرست.

«اعلموا»

در بخش «اعلموا» مبحث عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم مطرح شده است. بحث تطابق عدد و معدود از اهداف کتاب نیست. مسلم است که دانستن این ظرایف برای مخاطب عرب ساکن در کشور عربی، یا دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب لازم و عدم رعایت قواعد عدد و معدود خطایی بزرگ است، ولی برای دانش آموز دوره دوم متوسطه آموزش اینها مطلوب نیست.

دانش آموز کم کم با خواندن عبارات و متون این قواعد را کشف می‌کند و در صورتی که نیاز داشته باشد در پی کشف قاعده آنها بر می‌آید. در صورت علاقه‌مندی می‌توان منابع سودمندی را در این زمینه در اختیار او نهاد.

عدد مِئَة به صورت مِائَة و مائة نیز نوشته می‌شود. در صدر اسلام که الفبای عربی بدون نقطه و علامت بوده برای اینکه مئه و منه با هم اشتباه نشود، مئه را مائه نوشتند و بعد از نهادن نقطه و دیگر نشانه‌ها همچنان این کلمه با الف زائد نوشته شده است. گاهی خمسمئة را خمس مئة نوشته‌اند؛ اما بهتر است که سرهم نوشته شود؛ زیرا امکان دارد خواننده تصوّر کند که خمس مئة به معنای پنج تا صد است نه پانصد، یا خُمس مئة (یک چهارم صد) بپندارد.

هرچند عدد ده را نیز در گروه عقود نوشته‌اند، ولی از آنجا که به لحاظ ساختاری فرق دارد در کتاب درسی این کار صورت نگرفته است.

فَنّ التَّرْجِمَة

در اینجا دانش آموز می‌آموزد که گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد. او در درس انگلیسی و فارسی نیز مشابه این مورد را آموخته است؛ مثلاً put یعنی گذاشتن ولی put on یعنی پوشیدن. در زبان فارسی معنای آمد و درآمد فرق دارد. مثال‌های درس از آیات قرآن برگزیده شده است تا قاعده درس در زندگی برایش بهتر نمود پیدا کند.

مکالمه

این بخش دانش آموز را با نحوه صحیح گفت‌وگو و اصطلاحات کاربردی و سودمند آشنا می‌کند. تمام مکالمات هدفمند و سودمند است و در زندگی برای یادگیرنده مفید خواهد بود.

تمرین‌ها

تمرینات این درس نیز مانند درس اول کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش آموز با حل تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند.

سعی شده است حتی‌الامکان در تمرینات کلمه جدیدی به کار نرود. تمرینات باید در کلاس به صورت گروهی پاسخ داده شود تا دانش آموز کار گروهی را یاد بگیرد؛ آنگاه دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را می‌خوانند و دبیر رفع اشکال می‌کند.

تمرین اوّل (در هر دو کتاب): هدف کاربرد اعداد در قرآن و حدیث است. جمله شماره ۵ علاوه بر اینکه مربوط به عدد است به قاعده‌ای که در بخش فنّ ترجمه آمد، نیز اشاره دارد. فراگیر اکنون در این تمرین می‌تواند آموخته خویش را ملکه ذهن کند.

تمرین دوم و سوم (در هر دو کتاب): نظر به اهمّیت مبحث عدد این تمرین‌ها طرّاحی شده است. در اینجا تنوّع در طرّاحی تمرین به کار رفته است.

تمرین چهارم (در عربی مشترک): هدف تمرینی بر اعداد یک تا صد است.

تمرین چهارم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت شناخت واژگان است.

تمرین پنجم (در هر دو کتاب): هدف تثبیت آموخته‌ها با استفاده از عباراتی در قرآن و حدیث است. این شیوه طرّاحی تمرین القاگر این هدف است که همانا هدف اصلی یادگیری زبان عربی فهم بهتر قرآن و متون دینی است.

تمرین ششم (در هر دو کتاب): هدف یادآوری آموخته‌های دانش آموز در ضمیر و فعل است. این تمرین چند بار دیگر در سه کتاب دوره اوّل متوسطه نیز طرح شده بود.

تمرین هفتم (در هر دو کتاب): هدف اصلی ایجاد علاقه به درس عربی است. هرچند عبارات‌ها اطلاعات عموم نیز هستند و دانستن آنها خالی از لطف نیست؛ امّا هدف اصلی این است که تنوّعی در تمرینات کتاب وجود داشته باشد. استفاده از جاذبه تصویر با هدف زیباسازی کتاب انجام شده است. امّا در این کار تفاوت اساسی بین دوره اوّل و دوم متوسطه وجود دارد.

تمرین هشتم (در کتاب مشترک عربی زبان قرآن): هدف تقویت مهارت شناخت عدد و ساعت خوانی است. در اصل هدف همان تمرین عدد است. امّا به منظور ایجاد تنوّع تمرین متفاوت با سایر تمرین‌هاست.

تمرین هشتم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی و درک مطلب است.

تمرین نهم (در عربی انسانی): هدف تثبیت آموخته‌های دانش آموزان

تمرین هشتم (در عربی انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی و درک مطلب

است.

أنوار القرآن: آیات برگزیده از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین آیات قرآن و دربرگیرندهٔ واژگانی هستند که دانش‌آموز تاکنون در کتاب‌های عربی مشاهده کرده است. از این آیات می‌توان به‌عنوان شاهد مثال استفاده کرد. اجرای این تمرین به‌عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می‌تواند در کلاس حل کند، اختیار اجرای این کار را دارد. این تذکر برای تمام بخش‌های کتاب درسی تحت این عنوان است.

البحث العلمی (پژوهش)

در انتهای هر درس این بخش نهاده شده است و دبیر علاقه‌مند می‌تواند در صورت داشتن زمان کافی دانش‌آموزان را به پژوهش تشویق کند. بدیهی است که در دروسی مانند عربی و انگلیسی نظر به اینکه زبان این درس‌ها فارسی نیست آزادی عمل وجود ندارد.

ارزشیابی

دبیر، جدولی در اختیار دارد و هر بار که دانش‌آموزی جمله‌ای را می‌خواند علامت می‌زند تا همه بخوانند و عدالت آموزشی در پاسخ‌ها رعایت شود. هرچند گاهی دبیر برای آسان‌بودن آموزش از برخی دانش‌آموزان مستعد استفاده می‌کند؛ اما باید توجه کرد که زیاده‌روی در این کار موجب ناراحتی سایر دانش‌آموزان و ایجاد حس ناخوشایند نسبت به دانش‌آموز فعال می‌شود.

وسایل کمک آموزشی

کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف، پاورپوینت، نماهنگ آموزشی، اسلاید، اعلان، فلش کارت

- ۱ اصطلاح «بعض ... بعض» معادل «یکدیگر» در فارسی است؛ مثال:
 لماذا يكره الزُّملاءُ بعضهم بعضاً؟ تناصر الناس بعضهم البعض، أو بعضهم بعضاً.
 نصر الناس بعضهم البعض. تَعَاوَنَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً.
- ۲ اَمْسَكَ : اِمْسَاكًا [مسك] هُ : او را گرفت.
 اَمْسَكَ به : به آن آویخت یا چنگ زد.
 اَمْسَكَ عن الكلام : از سخن باز ایستاد.
 اَمْسَكَ عن الطعام : از خوردن غذا خودداری کرد .
- ۳ امر تَأْكُلُ و تَأْخُذُ بدون همزه است. «كُلْ، خُذْ» و امر تَأْمُرُ دو حالت دارد:
 «مُرْ» و «اوْمُرْ»؛ گاهی «اوْمُرْ» آمده است مانند ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ﴾
 ۴ اَخْلَصَ معانی بسیاری دارد.
 اَخْلَصَ الطَّاعَةَ و فِي الطَّاعَةِ : در طاعت اخلاص ورزید و بی ریا شد.
 اَخْلَصَهُ اللّهُ : خداوند او را از هر بدی پاک ساخت.
 اَخْلَصَ لَهُ الحُبُّ أَوْ القَوْلُ : در دوستی و یا سخن خود با او بی ریا و پاک شد.
- ۵ یَنْبُوعُ : فواره، منبع، مخزن، یک دست حروف هم‌شکل و هم‌اندازه (درچاپخانه)
 یَنْبُوعُ جمع آن یَنْابِيعُ : چشمه آب، جوی پر آب
- ۶ وَجَعٌ به معنای درد است. وَجَعٌ، یَوْجَعُ وَجَعًا : بیمار و دردمند شد. وَجَعَ رَأْسِي: سرم
 درد گرفت. رَأْسِي یَوْجَعُنِي: سرم درد می‌کند. (رَأْسِي یُؤْلِمُنِي).
- ۷ مِضْيَافٌ بر وزن مِفْعَالِ اسم مبالغه بر وزن اسم آلت است و مذکر و مؤنث در
 آن یکسان است.
- ۸ برخی بر این باورند که «جاءَ بِ» به معنای «آورد» در محاورات به «جاب» تبدیل
 شده است.
 ماضی: جاب، مضارع: یَجِيبُ و امر: جیب) و برخی نیز آن را دگرگون شده «جَلَبَ»
 می‌دانند.

۹ جمع سَائِحِ سَيَّاحٍ و سَائِحُونَ است. سُوَّاحٍ نیز به کار رفته است.

۱۰ شَعْبٌ، یعنی مَلَّتْ. هرچند مَلَّتْ عربی است، ولی در عربی «مَلَّةٌ»، یعنی آیین.

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾ بقره، ۱۲۰

یهودیان و مسیحیان از تو خشنود نمی‌شوند، مگر اینکه از آیین آنها پیروی کنی.

۱۱ (+ زائِد) (- نَاقِص) (: تَقْسِيمٌ عَلَيَّ) (× ضَرْبٌ فِي) در کاربرد زبان معمولاً به جای

ضَرْبٌ فِي، فِي و به جای تَقْسِيمٌ عَلَيَّ، علی به کار می‌رود. طَرَحٌ نیز به معنای منهاست.

۱۲ عنكبوت مؤنث است و گاهی مذکر نیز به کار رفته است. الجمع: عَنَّاكِبٌ و

عَنَّاكِبٌ، المؤنث: العنكبوت و عنكبوة و الجمع للمؤنث: عنكبوتات و عَنَّاكِبٌ و عَنَّاكِبٌ

العَنَّاكِبُ : ذَكَرُ العنكبوت، أَوْ جَنَسُ العنكبوت. نام فارسی آن تارتَنک، تَنَنده، گرتینه و

کارتنه است.

۱۳ ة در فَمَلَةٌ تاء وحدت است. مَلَّ اسم جنس به معنای مورچه و فَمَلَةٌ به معنای

یک مورچه است.

۱۴ عِنْدَيْدٌ ظرف زمان است. إِذْ لَازِمُ الإِضَافَةِ به جمله است و وقتی که مضافٌ الیه آن

حذف می‌شود، تنوین عِوَضٌ می‌گیرد.

۱۵ در «سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ.» بتعجُّبٍ حال است.

۱۶ قَامَ بِ يَکَ فعل جدید است و در متون قدیم کاربرد نداشته است.

۱۷ در جمله «أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَةُ لَوْحَةٍ جَدَارِيَّةٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا هَذَا الْحَدِيثُ»

مکتوب نَعَتٌ سَبَبِيٌّ است. صفت سَبَبِيٌّ اگر اسم فاعل واقع شود فاعل می‌خواهد و اگر

اسم مفعول واقع گردد نائب فاعل می‌خواهد؛ مثال بیشتر:

قَرَأْتُ مَجْلَهٗ مُمَرَّقَةً جِلْدَهَا. قَرَأْتُ كِتَابًا مُمَرَّقَةً أَوْرَاقُهُ. (سبب به معنای وابستگی است.)

۱۸ نعت تابعی است که متبوع خود را با بیان صفتی از صفات آن و یا بیان صفتی

از صفات متعلق آن کامل کند. همانند «مَرَرْتُ بِرَجُلٍ كَرِيمٍ»، «مَرَرْتُ بِرَجُلٍ كَرِيمٍ أَبُوهُ».

نعت به دو قسم تقسیم می‌شود:

- نعت حقیقی: تابعی است که متبوع خود را با بیان صفتی از صفات آن کامل کند.

- نعت سببی: تابعی است که متبوع خود را با بیان صفتی از صفات متعلق آن کامل کند.

۱۹ لَمَّا ادات شرط و ظرفیه است. در متون امروزی عِنْدَمَا و حَيْثَمَا در کنار لَمَّا قرار گرفته است.

۲۰ در ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ...﴾ مَنْ مبتدا، إِلَهٌ خبر و غیرُ صفت است.

۲۱ وزن‌های فَعُول، مِفْعَال، مِفْعِيل و فَعَّالَة در مذکر و مؤنث مشترک‌اند. مانند عروس و عجز، مضياف و مقدم، مِعْطِير و مسکین (و مِکْرٌ و مِقْرٌ) و علامه.

۲۲ در آیه ﴿و لقد أرسلنا نوحاً إلى قومه فلبث فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً﴾ ألف نایب مفعولٌ فيه است.

۲۳ هر چند ترکیب شعبُ ایران نیز درست است، ولی در کتاب درسی ترکیب الشعب ایرانی که بیشتر کاربرد دارد، آمده است.

۲۴ در گویش شامی حرف ث در اثنین، ثلاثه، ثمانیه ت تلفظ می‌شود.

۲۵ زَرَّافَة در فارسی زَرَّافه با تشدید خوانده می‌شود، ولی در عربی مشدّد نیست.

۲۶ جالب است بدانیم که عامیانه اعداد در کشورهای عرب زبان با فصیح بسیار فرق دارد. این تفاوت حتی از کشوری به کشوری دیگر نیز مشاهده می‌شود.^۱

۲۷ پ در عربی به ب و ف تبدیل شده است؛ مثال:

پیروز ← فیروز، پیاده ← بیدق، اسپهان ← اصفهان یا اصبهان

۲۸ همین که حضرت موسی علیه السلام به رسالت الهی مأمور شد، چهار چیز را از خداوند خواست:

- سعه صدر. «ربّ اشرح لي صدري»

- شرایط آماده. «و یسر لي امری»

- بیان روان. «واحلل عقده من لساني»

- داشتن وزیر. «واجعل لي وزيراً»

چون حضرت موسی علیه السلام به مسائل متعدّد عبادی، سیاسی، انقلابی، اجتماعی، اخلاقی،

فردی و جمعی مأمور شده بود و طبعاً پرداختن و توجه لازم به هر کدام، انسان را از

۱- عددهای مذکور به گویش عراقی (بغداد) هستند: واحد، ثنّین، ثلاثه، اربعه، خمسیه، سته، سبعة، ثمانیه، تسعة، عشرة، دَعَش، اثنعش، ثلاثعش، اربطعش، خمسطعش، صبطعش، سبطعش، ائمنطعش، تسطعش، عشرین ... ۱۰۰ میه ۲۰۰ میتین ۱۰۰۰ ألف. یازده در عربستان «إحدَعَش» و در سوریه «إیدَعَش» خوانده می‌شود.

سایر امور غافل می‌سازد؛ لذا سعه صدر در رسیدن به همه این موارد کاملاً ضرورت دارد.

سعه صدر، هم برای خود انسان لازم است، هم برای انجام مسئولیت و کلمه «بی» رمز آن است که دریافت وحی، نیاز به ظرفیت بزرگ دارد؛ چنان‌که در سوره انشراح در مورد پیامبر ﷺ آمده است: ﴿أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ... إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ آیات ۲۵ تا ۲۸ سوره طه برای رفع لکنت زبان و به هنگام آغاز سخنرانی برای تقویت اعتماد به نفس خوانده می‌شود.

۲۹ در «مئة تقسیم علی خمسة یساوی عشرين» تقسیم تأویل به مشتق مُقَسَّم و صفت برای مئة و یساوی خبر است.

۳۰ هُنَّ در حدیث «سبع یجری للعبد أجرهن» به معدود محذوف برمی‌گردد. «سبع خصال...»

۳۱ حَتَّى در «إنکم مسؤولون حَتَّى عن البقاع و البهائم» حرف عطف و معطوفش محذوف است. تقدیرش این است:
«إنکم مسؤولون عن کل شیء حَتَّى عن البقاع و البهائم».



الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را که تفکر در آفرینش خداست درست درک کند.^۱
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و ... از وزن‌های استفعال، انفعال، افتعال و تفعّل را بشناسد، درست معنا کند و تشخیص دهد.
- ۶ در رشته علوم انسانی چند معنای مشهور باب‌های ثلاثی مزید را تشخیص دهد.
- ۷ در رشته علوم انسانی فعل لازم را از متعدی تشخیص دهد.

فرایند آموزش درس

ماهنگ باران ماهی fish raining در اینترنت و نرم افزار «بر فراز آسمان» موجود است. نمایش آن در کلاس در صورت وجود امکانات انگیزه یادگیری درس را افزایش می‌دهد. این متن در نظرخواهی از دانش‌آموزان مورد پسند گروه آزمایشی شد. هرچند ظاهراً به فرهنگ ایرانی و اسلامی ارتباطی ندارد، باید توجه کرد که یکی از راه‌های خداشناسی اندیشیدن در آفرینش خداست و این پدیده نیز جذابیت خاصی دارد.

۱- پیام درس درباره صله رحم، احترام به همسایه و تلاش برای ازبین بردن دشمنی بین همسایگان و خویشان است.

مَطَرُ السَّمَكَ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ
الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛

آیا باور می‌کنی که در روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان می‌ریزند؟! بارش باران و برف از آسمان چیزی طبیعی است.

وَلَكِنْ أَيْمُكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكَ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ
فَلَمَّا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا؛ فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.

ولی آیا ممکن است که باران ماهی ببینیم؟! آیا گمان می‌کنی که این باران حقیقت باشد (است) و فیلمی خیالی نیست؟! بسیار خوب؛ به این تصویرها نگاه کن تا باور کنی.

أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تَشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِرُ أَسْمَاكَ. يُسَمِّي
النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكَ». حَيْرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً
فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكَ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا
الْوُسْطَى.

به دقت نگاه کن؛ افتادن ماهی‌ها را از آسمان می‌بینی؛ گویی از آسمان ماهی‌ها می‌بارند. مردم این پدیده طبیعی را باران ماهی می‌نامند. این پدیده مردم را سال‌های طولانی حیران کرده است و پاسخی برایش نیافته‌اند. باران ماهی هر سال (سالانه) در آمریکای مرکزی رخ می‌دهد.

تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيُلَاحِظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ عَظِيمَةً وَ
رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً
بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.

این پدیده احياناً دو بار در سال روی می‌دهد و مردم ابر سیاه بزرگی و رعد و برق و بادهای قوی و باران شدیدی را به مدت دو ساعت، یا بیشتر ملاحظه می‌کنند سپس

زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌شود و مردم آنها را برای پختن و خوردن آنها می‌برند. (بر می‌دارند)

حَاوِلِ الْعُلَمَاءِ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا قَرِيبًا لِيَزَارَةَ الْمَكَانِ وَ التَّعَرَّفَ عَلَى الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ.

دانشمندان برای شناخت راز این پدیده شگفت تلاش کرده‌اند و برای دیدن مکان و آگاهی یافتن از ماهی‌هایی که پس از این باران‌های شدید بر زمین می‌افتند گروهی را فرستادند.

فَوَجَدُوا أَنَّ جَمِيعَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْأَرْضِ بِحَجْمٍ وَاحِدٍ وَ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ أَنَّ الْأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً مِائَتِي كِيلُومِتْرٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ.

و دریافتند که همه ماهی‌های پخش شده روی زمین از یک اندازه و یک گونه هستند، ولی شگفت این است که ماهی‌ها متعلق به آب‌های مجاور نیستند؛ بلکه متعلق به آب‌های اقیانوس اطلس هستند که مسافت دویست کیلومتر از محل افتادن ماهی‌ها دورند.

مَا هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.

دلیل تشکیل این پدیده چیست؟ گردباد شدیدی رخ می‌دهد و ماهی‌ها را با قدرت به سوی آسمان می‌کشد و به جای دوری می‌برد و هنگامی که سرعتش را از دست می‌دهد بر زمین می‌افتند.

يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ». مردم در هندوراس هر سال این پدیده را جشن می‌گیرند و آن را جشنواره باران ماهی می‌نامند.

﴿وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ، ۲۲
و از آسمان آبی را فرورفتاد و به کمک آن از ثمره‌ها روزی برایتان خارج ساخت.

اعلموا

دانش‌آموز در دورهٔ اوّل متوسّطه با فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل و معادل ماضی استمراری در قالب فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم آشنا شده، گاهی نیز با فعل‌های معتل، مهموز و مضاعف و نیز ثلاثی مزید روبه‌رو شده است. اکنون در درس سوم و چهارم اختصاصاً با فعل‌های ثلاثی مزید آشنا می‌شود. دانش‌آموز رشته‌های غیر علوم و معارف اسلامی و علوم انسانی نیازی به حفظ اصطلاحات ندارد؛ زیرا عربی درس اختصاصی او نیست. صرفاً یک درس عمومی است. نیازی نیست او مجرد را از مزید تشخیص دهد. دانستن اینکه یَخْرُجُونَ مجرد است و یُخْرَجُ مزید وقت کلاس را می‌گیرد و معلّم باید برای تفهیم این قاعده و قواعد شبیه آن بیشتر وقت کلاس را صرف کند و زمانی برای مهارت‌های زبانی خواندن، شنیدن و سخن گفتن نمی‌ماند؛ دانستن این نکات لازم است ولی با توجّه به وقت محدود کلاس بهتر است وقت دیر برای معنای کلمات صرف شود. دانش‌آموز بتواند معنای یَسْتَعْفِرُ را یاد بگیرد. بداند که یَسْتَعْفِرُ شبیه یَعْفِرُ است و تنها حروفی بیشتر از آن دارد. بتواند در فعل‌هایی مانند خَرَجْتُمْ، اسْتَخْرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ شناسهٔ «تُم» را تشخیص دهد و بداند که «تُم» به معنای «ید» در فارسی است. حتّی در قُلْتُمْ، غِبْتُمْ، مَتَّمْ، أَرَدْتُمْ، اِشْتَرَيْتُمْ، تَلَوْتُمْ و ... نیز توقع می‌رود که همین مهارت را به دست بیاورد. وقتی که فراگیر خوب بفهمد خوب یاد خواهد گرفت و حتّی بی‌آنکه هدف کتاب باشد به مهارت ساختن هم خواهد رسید. تبدیل صیغه و ساخت فعل در سایهٔ روان‌خوانی و ترجمه خودبه‌خود حاصل می‌گردد. اما در کتاب درسی جزء اهداف آموزشی نیست.

دلیل اینکه چهار باب انفعال، افتعال، استفعال و تفعّل مقدّم شده، سادگی یادگیری این ابواب به خاطر مفتوح بودن حرف مضارع در آن است؛ مثلاً باب «استفعال» برای دانش‌آموزان در مقایسه با باب افعال بسیار ساده‌تر است. لذا در درس سوم از باب‌های ساده‌تر شروع شده است تا وقتی که قاعدهٔ جدید را خوب متوجّه شدند، باب‌های دشوار مطرح شوند.

در رشتهٔ علوم انسانی علاوه بر مفاهیم مشترک معنای مشهور باب‌های ثلاثی مزید نیز توضیح داده شده است. واقعیت این است که معانی باب‌ها حتّی برای دانش‌آموز

علوم انسانی نیز آن طور که تصوّر می‌شود، سودمند نیست؛ مثلاً برای دانستن معنای اِحْتَفَرَّ، اِسْتَحَجَرَ، اَفْلَحَ و اَسْرَعَ نهایتاً باید سراغ لغت‌نامه رفت و دانستن معانی ابواب کارگشا نیست. اِسْتَحَجَرَ معنای درخواست ندارد.

اِسْتَحَجَرَ: مانند سنگ شد.

اِسْتَحَجَرَ الرَّجُلُ: آن مرد برای خود حجره ساخت.

اِسْتَحَجَرَ عَلَيْهِ: بر او سرسخت شد.

اَعْرَضَ: دوری کرد اَمَّا عَرَضَ: عرضه کرد. یعنی عَرَضَ مَتَعَدًی و اَعْرَضَ لازم است. در تَغَاوُلُ و تَجَاهُلُ اشتراک نیست.

حوارات

در بخش حوار، گفت‌وگویی در اداره گذرنامه در فرودگاه آموزش داده شده است. امتیاز بزرگ این مکالمه کاربردی بودن آن است. هرکس که به زیارت مکه مکرمه و مدینه منوره مشرف شده است، می‌داند که موضوع حوار کاملاً جالب و واقعی است. دانش‌آموز نخواهد پرسید چنین گفت‌وگویی چه کاربردی دارد؟ عبارتهای متن مهم هستند و هرکس که عربی خوانده است باید چنین پرسش و پاسخ‌هایی را مسلط باشد.

تمرین‌ها

تمرین اول (در هر دو کتاب): هدف تقویت درک مطلب است. حال نوبت این است که فراگیر بتواند خود را بیازماید. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی سخن گفتن است؛ این تمرین در این زمینه به دانش‌آموز کمک می‌کند.

در این قسمت نباید سخت‌گیری کرد؛ زیرا ساختن جمله از اهداف اصلی کتاب نیست. بنابراین، سؤال به صورت تعیین درست و نادرست است. دانش‌آموز به سادگی به این تمرین پاسخ می‌دهد. برای اینکه او از آموختن لذت ببرد، سؤال ساده طراحی شده است. تمرین دوم (در عربی علوم انسانی تمرین سوم): هدف تقویت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز در دوره اول متوسطه و تلفیق آن با آموخته‌های نوین است. باید مراقب بود که این توهّم برای دانش‌آموز پیش نیاید که تصوّر کند ضمیر و فعل لازم و ملزوم

هم هستند؛ مثلاً هم ذهبوا را درست بدانند و ذهبوا را نادرست بدانند، چون فعل ذهبوا بی‌نیاز از ضمیر است.

در اینجا تذکر معلّم لازم است.

تمرین سوم زبان قرآن (در عربی علوم انسانی تمرین چهارم): حال نوبت این است که مهم‌ترین هدف یادگیری درس عربی به منصفه ظهور برسد. دانش‌آموز آموخته‌هایش را در چند آیه و یک حدیث می‌آزماید.

تصویر سنگ‌قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل^۱ اسلام‌پژوه، خاورشناس و مولوی‌شناس آلمانی

۱- خانم پروفیسور «آنه ماری شیمیل» پژوهشگر و نویسنده توانای آلمانی را سال‌هاست که در سراسر جهان به‌عنوان یک اسلام‌شناس و ایران‌شناس برجسته می‌شناسند. ده‌ها کتاب و صدها مقاله، ثمره تلاش‌های این بانوی شرق‌شناس است. به موازات قلم توانای او، بیان شیوا و جذاب وی نیز موجب دعوت پی‌درپی و سفرهای فراوان خانم «شیمیل» به نقاط مختلف جهان برای ایراد سخنرانی در محافل علمی و دانشگاهی بوده است.

«آنه ماری شیمیل» در سال ۱۹۲۹ در شهر «ارفورت» در شرق آلمان به دنیا آمد. او پانزده ساله بود که به فراگیری زبان عربی پرداخت. شیمیل در شانزده سالگی دوره دبیرستان را به پایان رساند و در دانشگاه برلین به تحصیل زبان و ادبیات عرب و اسلام‌شناسی پرداخت و در سال ۱۹۴۱ با اخذ درجه دکترا، دانش‌آموخته شد.

خانم «شیمیل» سپس به‌عنوان مترجم و بعد به‌عنوان استاد رشته علوم اسلامی به استخدام دانشگاه «هاربورگ» در آمد. او در سال ۱۹۵۴ به دعوت دانشگاه آنکارا به ترکیه رفت و در این دانشگاه به تدریس ادبیات کلاسیک ترک پرداخت. در سال ۱۹۶۱ کرسی استادی در رشته‌های عرب‌شناسی و اسلام‌شناسی در دانشگاه بن آلمان به او واگذار شد. خانم «شیمیل» از سال ۱۹۶۷ در دانشگاه هاروارد آمریکا نیز به تدریس پرداخت. او هم‌زمان با فعالیت متناوب در این دو دانشگاه در بسیاری از سایر دانشگاه‌های جهان نیز به‌عنوان استاد میهمان فعالیت می‌کرد.

وی که یکی از پژوهشگران بزرگ در علوم و عرفان اسلامی در جهان غرب به شمار می‌آید، افزون بر کتاب‌های متعددی که در این زمینه تألیف کرده، آثار بسیاری از شعرا، عارفان و فیلسوفان مشرق زمین را به زبان آلمانی ترجمه کرده است.

در سال ۱۹۹۵ جایزه صلح ناشران آلمان که یکی از معتبرترین جوایز فرهنگی این کشور محسوب می‌شود به وی اعطا شد. بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان از جمله دانشگاه‌های سند در هندوستان، اسلام‌آباد، پشاور، اوپسلا سوئد، قونیه و تهران به وی دکترای افتخاری اعطا کرده‌اند. در اسلام‌آباد پاکستان حتی یک خیابان به نام وی نام‌گذاری شده است. خانم پروفیسور «شیمیل» علاوه بر زبان‌های عربی، ترکی، فارسی، سندی و پشتو، با زبان‌های انگلیسی، فرانسه و سوئدی به خوبی آشنا بود.

وی در مصاحبه‌ای در برنامه دوم تلویزیون آلمان گفت:

متأسفانه در آلمان اطلاعات ناقص و اغلب نادرستی در مورد اسلام، ایران و انقلاب اسلامی وجود دارد و متقابلاً در ایران نیز تقریباً هیچ‌گونه اطلاع قابل ملاحظه‌ای در مورد آلمان وجود ندارد.

شیمیل در یکی از مصاحبه‌هایش اشاره‌ای به ادعیه اسلامی داشت و گفت:

همواره دعاها، احادیث و اخبار اسلامی را از اصل عربی آن می‌خوانم و به ترجمه‌ای مراجعه نمی‌کنم. بخشی کوچک از کتاب مبارک صحیفه سجاده را به آلمانی ترجمه و منتشر کرده‌ام، نزدیک به هفت سال پیش دعای رؤیت هلال ماه مبارک رمضان و دعای وداع با آن ماه را ترجمه می‌کردم و مادرم در بیمارستان بستری بود و به او سر می‌زدم، پس از آنکه او به خواب می‌رفت در گوشه‌ای از آن اتاق به پاک‌نویس کردن ترجمه‌ها مشغول می‌شدم. اتاق مادرم دو تختی بود. در تخت دیگر خانمی بسیار فاضله بستری بود که کاتولیکی مؤمن، راسخ العقیده و متعصب بود. وقتی فهمید که من دعاها را ترجمه می‌کنم، دلگیر شد که مگر در مسیحیت و در کتب مقدسه خودمان کمبود داریم که تو به ادعیه اسلامی روی آوردی؟! وقتی کتابم چاپ شد یک نسخه برای او فرستادم. یک ماه بعد او به من تلفن زد و گفت: صمیمانه از اهدای این کتاب متشکرم؛ زیرا هر روز به جای دعا آن را می‌خوانم.

وی در یکی از مصاحبه‌هایش در مورد مسلمانان ترک گفت:

وقتی من جلوی یک مسجد آیه‌های قرآن را می‌خوانم، ترک‌ها شگفت‌زده از من می‌پرسند، شما می‌توانید این را بخوانید؟! پروفیسور «آنه ماری شیمیل» طی دوران طولانی فعالیت علمی و فرهنگی خود بیش از هفتاد کتاب تألیف و ترجمه کرده است.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه

آراسته به حدیث حضرت علی علیه السلام تأثیر روانی بسیاری بر دانش آموز دارد. شایسته است دبیر دست کم یک دقیقه درباره این بزرگ بانو برای دانش آموزان صحبت کند. عبارت *إنکم مسؤولون حتی عن البقاع و البهائم* در کلاس پرسیده شود که منظور چیست. هدف از این سخن حکیمانه حضرت علی علیه السلام این است که دانش آموز بداند چه مسئولیتی در برابر محیط زیست دارد.

تمرین چهارم زبان قرآن (معادل تمرین پنجم انسانی): هدف این تمرین تقویت مهارت واژه شناسی است.

طرح تمرین پنجم دشوار، اما حل آن برای دانش آموز آسان و لذت بخش است. تمرین پنجم زبان قرآن (معادل تمرین ششم انسانی): هدف این تمرین نیز باز هم تقویت مهارت واژه شناسی است.

تلاش شده است تمرین متضاد و مترادف هر جای کتاب که امکان داشت طراحی شود. تمرین هفتم تا نهم (در هر دو کتاب): نه تنها در این درس، بلکه در همه جای کتاب تمرین فعل تکرار شده است و در کتاب های دو سال آینده نیز این تکرار و تمرین بر انواع فعل انجام خواهد شد.

یادگیری فعل بسیار مهم است. مهم ترین قاعده در آموزش عربی آموزش انواع فعل است.

تمرین دهم عربی زبان قرآن (در عربی علوم انسانی تمرین دوم): هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. دانش آموز باید بتواند در دو گزینه ارائه شده قدرت تشخیص غلط را از درست داشته باشد. دلیل اینکه دو گزینه ارائه شده این است که مسابقه ای در کار نیست. هدف آموزش است و در آموزش دانش آموز همچون فرزند ماست که می خواهد بیاموزد. در ارزشیابی نباید به سبک آزمون سراسری سؤال طرح کرد. کارشناسان و صاحب نظران بسیاری این شیوه طرح سؤال آزمون سراسری را رد کرده اند. این سبک طرح سؤال در آزمون سراسری از سر ناچاری است و چون شیوه بهتری ارائه نشده است؛ لذا این سبک ادامه دارد و از نظر علمی مورد تأیید نیست.

أنوار القرآن

در هر هشت درس کتاب عربی زبان قرآن این بخش وجود دارد. دانش‌آموز آموخته‌هایش را در قرآن محک می‌زند. این بخش از درسی به درس دیگر در قالبی جدید طراحی شده است. هدف فقط معنای همان کلماتی است که در کتاب درسی با آن مواجه شده است. به عبارت دیگر معنای کلماتی که تاکنون در کتاب با آن روبه‌رو نشده است از اهداف آموزشی کتاب نیست و مورد ارزشیابی قرار نخواهد گرفت. پیشتر اشاره شد که حلّ این تمرین در منزل انجام خواهد شد و در صورتی که دبیر تشخیص دهد که از نظر زمان مشکلی ندارد بهتر است که در کلاس حل شود. این بخش در کتاب عربی علوم انسانی وجود ندارد.

البحث العلمي

هدف یافتن داستان‌های قرآنی به زبان عربی و ترجمه آنها به فارسی است. از آنجا که دانش‌آموز با برخی داستان‌های قرآنی آشناست، ترجمه آنها برایش ساده‌تر است. این کار می‌تواند به صورت گروهی انجام شود. طبیعی است که کاری وقت‌گیر است و نیاز به زمان ندارد و باید خارج از وقت کلاس انجام و در کلاس گزارش داده شود. پیشنهاد می‌شود یک وبلاگ برای این منظور به اسم مدرسه و برای ثبت فعالیت‌های دانش‌آموزان ساخته شود.

ارزشیابی

هرچه در دروس قبل، درباره شیوه‌های ارزشیابی نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد. متن درس را می‌توان با استفاده از کتاب گویا و نمابنگ‌های موجود در اینترنت در مورد این پدیده طبیعی در کلاس درس اجرا کرد.

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم افزار، پاورپوینت، اینفوگراف، ماهنگ آموزشی، اعلان و اسلاید توصیه می شود.

دانش افزایی برای دبیر (نه دانش آموز)

۱ ثَلَج به دو معنای برف و یخ است.

۲ مِهْرَجَان مَعْرَبْ مهرگان یادآور جشن بزرگ ایرانیان باستان به هنگام مهر است.

از آن واژه مَهْرَجْ به معنای دلچک سیرک نیز ساخته شده است.

مهرجان به معنای جشنواره (فستیوال) است. جمع آن مهرجانان و همراه با احتفالات به کار می رود.

۳ کَلِمَةٌ ثَلَاثِيّ خِلاف قِياس به کار رفته و در اصل باید ثَلَاثِيّ می بود.

۴ شَرَّفَتْ یعنی مَشْرَف فرمودی، افتخار دادی و تَشَرَّفَتْ یعنی مَشْرَف شدی؛ مثلاً به مَكَّة مَكْرَمَه مَشْرَف شدم: تَشَرَّفْتُ بِزِيَارَةِ مَكَّة الْمَكْرَمَةِ.

۵ بِطَاقَةٌ جمع بِطَاقَات و بِطَاقٍ، یعنی کارت، بلیت، برچسب، برگه.

بطاقة بَرِيدِيَّة: کارت پستال، بطاقة تَمَوِينِيَّة: کارت خواربار، بطاقة تَهْنِيَّة: کارت تبریک، بطاقة الدُّخُول: کارت ورود، بطاقة المُّعَادَرَةِ: کارت خروج، بطاقة الدَّعْوَةِ: کارت دعوت، «بِطَاقَةُ الزِّيَارَةِ»: کارت ویزیت، «بِطَاقَةُ التَّوْبِ»: نرخ فروش جامه که در گوشه آن یادداشت کنند، «بِطَاقَةُ الْهُوِيَّةِ»: کارت شناسایی، بطاقة الاشتراك في المكتبة: کارت عضویت کتابخانه. این واژه آرامی است.

۶ معمولاً سوره ممتحنة را به کسر ح تلفظ می کنند، ولی به فتح درست است.

به آیه دهم از این سوره دقت کنید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ﴾
با توجه به فعل اِمْتَحِنُوهُنَّ ممتحنة درست است.

۷ تحدث هذه الظاهرة في السنة مرتين أحياناً. در اینجا مرتین نایب مفعول مطلق

مبیّن للعدد است.

۸ اینکه گفته شد «فعل لازم» یعنی «لَزِمَ فاعله و لايحتاج إلى المفعول» و «متعدّي» یعنی «يتعدّي إلى المفعول». در دستور زبان فارسی لازم را ناگذر و متعدّي را گذرا نامیده‌اند.

۹ در ﴿و ما أرسلنا من رسولٍ إلّا بلسان قومه﴾ رسولٍ لفظاً مجرور و محلاً منصوب است.

۱۰ کلمه الله در اصل ال +اله بوده و همزه به خاطر کثرت استعمال حذف شده است.

درباره ریشه واژه الله چند نظر وجود دارد:

برخی گفته‌اند الله از اله گرفته شده است. عرب در روزگار جاهلیت خدا را می‌شناخته است، اما برایش شریک قائل می‌شده و چند اله داشته است و الإله یعنی آن خدای بزرگ و برتر از سایر خدایان.

گروهی دیگر بر این باورند که این کلمه از «وله» گرفته شده و اله بر وزن فعال به معنای مفعول است؛ مانند کتاب که به معنای مکتوب است.

و اگر از «وله» گرفته شده باشد، وله یعنی سرگشتگی و اله یعنی سرگشته (حیران) یا شیدا است و از این رو، خدا را الله گفته‌اند که خرد در برابر او سرگشته و شیدا می‌شود. سیبویه از دانشمندان صرف و نحو از طرفداران این نظر است که ریشه واژه الله «وله» است. مولوی در مثنوی نظر او را بیان کرده و می‌گوید:

معنی الله گفت آن سیبویه یولهُونَ فی الحوائجِ هُم لَدَیْهِ
گفت الهنا فی حوائجنا إلیکِ وَ التَّمَسُّنَاها وَ جَدْنَاها لَدَیْکِ

ترجمه: سیبویه درباره معنای الله گفت: الله کسی است که مردم در نیازهای خود شیداوار به سوی او می‌روند. گفت ای خدای ما در نیازهایمان به سوی تو روی می‌آوریم و از تو می‌خواهیم و آنها را نزد تو می‌یابیم.

شاید هم اله و وله دو گویش از یک زبان باشند؛ یعنی در آغاز وله بوده سپس آن را به صورت اله استعمال کرده‌اند؛ و وقتی آن را به صورت اله تلفظ نمودند معنای پرستش

هم یافته؛ بنابراین، معنای الله چنین می‌شود: آن ذاتی که همه موجودات ناآگاهانه شیدای او هستند و او تنها وجودی است که شایستگی پرستش دارد.

برخی بر این باورند که در فارسی واژه‌ای معادل کلمه الله نداریم و هیچ واژه‌ای رساننده تمام معنای الله نیست؛ زیرا اگر به جای الله «خدا» بگذاریم رسا نخواهد بود، چون خدا مخفف «خودآی» است و اگر خداوند به کار رود باز رسا نخواهد بود؛ زیرا خداوند یعنی صاحب. اما چنین نیست؛ در هر زبانی برای معادل الله واژه‌های زیبایی وجود دارد که از جنبه‌هایی بر زبان‌های دیگر برتری دارد. در فارسی نیز اهورامزدا، ایزد، یزدان، کردگار، خدا، خداوند، پروردگار واژگانی زیبایی‌مند. ولهان یعنی شیدا، عاشق

۱۱ ترجمه فارسی «أَخَذَ» می‌شود: گرفت، بُرد، برداشت آغاز کرد و ...

أَخَذْتُ هَدِيَّةً: هدیه‌ای گرفتم، خُذْنِي مَعَكَ: مرا با خودت ببر، أَخَذَ الْحَقِيبَةَ: چمدان را برداشت، أَخَذَ يَكْتُبُ: آغاز به نوشتن کرد، أَخَذَ عَلَيْهِ: او را سرزنش کرد، الْأَخْذُ وَالرَّدُّ: گفت و شنود، أَخَذَهُ النَّوْمُ: خواب بر او چیره شد، أَخَذَ الْقُلُوبَ: دلها را ربود، أَخَذَ مَجْرَاهُ: در راه عادی خود رفت، أَخَذَ رَأْيَهُ: با او مشورت کرد، أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ: از سبیلش چید، أَخَذَهُ بِذَنْبِهِ: او را به گناهی که مرتکب شده بود کیفر داد.

ترجمه فارسی أَخَذَ به جمله داده شده بستگی دارد؛ مثال بیشتر:

أَخَذَ الْخَوْفُ مِنْهُ مَأْخِذًا: ترس، او را فراگرفت.

أَخَذَتْ فِيهِ الْخَمْرُ: می در او اثر کرد.

أَخَذَ عَلَيْهِ طَرِيقَهُ: او را بر کاری که کرده بود نکوهش نمود.

أَخَذَهُ بِالشَّدَّةِ: به سختی با او رفتار کرد.

أَخَذَهُ بِالْحُسْنَى: به نیکی با او رفتار کرد.

أَخَذَ بِيَدِهِ او بِنَاصِرِهِ: او را یاری کرد.

أَخَذَ أَخْذَهُ وِ بِأَخْذِهِ: از روش و خوی او پیروی کرد.

أَخَذَهُ عَلَى حِينِ غُرَّةٍ: ناگهان بر او وارد شد یا ناگهان او را گرفت.

أَخَذَ عَلَى نَفْسِهِ: با خود عهد بست.

أَخَذَهُ عَلَى عَاتِقِهِ : مسئولیت را بر عهده گرفت.

أَخَذَ عَلَى يَدِهِ : از کاری که می‌خواست انجام دهد او را بازداشت.

أَخَذَ عَنْهُ : از او نقل قول کرد، از او آموخت؛ «أَخَذَ عَنْ كُتُبِ الْأَوَّلِينَ»: از کتاب‌های

قدیمی نقل کرد؛ «أَخَذَ عَنْهُ الْجَبْرَ وَ الْهَنْدَسَةَ»: از او علم جبر و هندسه آموخت.

أَخَذَ بِخَاطِرِهِ : با او همدردی کرد، به او تسلیت گفت، او را تسلی داد.

أَخَذَ (أَوْ أَمَسَكَ) بِخَنَاقِهِ : یقه‌اش را گرفت (چسبید)

أَخَذَ بِشِدَّةٍ : شدیداً برخورد کرد، برخورد خشن کرد، با خشونت برخورد کرد، شدیداً

مؤاخذه کرد.

أَخَذَ بِالثَّارِ : انتقام گرفت .

أَخَذَ جَانِبًا مِنْ : بخشی از ... را به خود اختصاص داد (به عهده گرفت).

أَخَذَ جَانِبًا مِنْ : بخشی از ... را به خود اختصاص داد ، قسمتی از ... را به انحصار خود

درآورد.

أَخَذَ حَذْرَهُ : احتیاط کرد، مواظبت کرد، هشیار شد، مراقبت کرد، دست به عصا راه

رفت، محتاطانه حرکت (عمل) کرد.

أَخَذَ حَذْرَهُ : هوشیار شد، حواسش را جمع کرد، احتیاط کرد، دقت کرد، مراقبت (احتیاط)

کرد، مواظبت (احتیاط) کرد.

أَخَذَ بِالْحِسْبَانِ : به حساب آورد، مراعات کرد، مدّ نظر قرار داد، رعایت نمود، منظور

داشت، توجّه کرد، در نظر گرفت، جدّی گرفت.

أَخَذَ بِالْحَسَنِ : مهربانی کرد ، ملاطفت کرد ، خوشرویی کرد ، نرمی کرد ، برخورد نیکو

کرد.

أَخَذَ حَيْطَتَهُ : احتیاط کرد، دست به عصا شد، دقت کرد، مواظب شد (مواظبت کرد)،

مراقب شد (مراقبت کرد).

أَخَذَ عَلَى عَاتِقِهِ : به عهده گرفت، پذیرفت، بردوش کشید، به گردن گرفت، گردن نهاد .

أَخَذَ عَلِمًا بـ : آگاه شد از، مطلع شد از، را ملاحظه کرد، پی برد به.

أَخَذَ عَلَى عَهْدِهِ : به عهده گرفت، متعهد شد، تعهد نمود، ملتزم شد، بر دوش گرفت.

أَخَذَ عَيْنَاتٍ : نمونه‌برداری کرد ، نمونه‌گیری کرد ، الگو گرفت (قرار داد).

أَخَذَ عَلَى (حين) غرة: غافلگیر کرد.

أَخَذَ كَرهينَة: به گروگان گرفت، گروگان گرفت.

أَخَذَ بِالنصيحة: پند گرفت، اندرز گرفت، نصیحت را گوش کرد، حرف را قبول کرد، درس گرفت (پند شنید).

أَخَذَ بِدَفَة الحکم: زمام امور (حکومت) را در دست گرفت، بر مسند قدرت نشست، قدرت را به دست گرفت، به حکومت (قدرت) رسید.

معانی مشهور باب‌های ثلاثی مزید برای معلّم نه برای دانش‌آموز: (استثنا در معانی وجود دارد).

باب إفعال (أَفْعَلَ يُفْعَلُ إِفْعَال)

۱ متعدّی کردن فعل لازم (تَعْدِيَّة):

مثال: ضَحِكَ عَلِيٌّ؛ عَلِيٌّ خَنَدِيْد. ← أَضْحَكَ عَلِيٌّ حُسَيْنًا؛ عَلِيٌّ خَنَدَانْد.

قرآن: ﴿إِنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى﴾؛ اوست که خندانید و گریانید.

۲ مفعول را دارای صفتی یافتن (وجدان الصفة):

مثال: أَعْظَمْتُ اللّٰهَ؛ خدا را با عظمت یافتم.

قرآن: ﴿فَلَمَّا رَأَيْتَهُ أَكْبَرْتَهُ﴾؛ وقتی او را دیدند بزرگ یافتند.

۳ فاعل دارای مادّه فعل شود یا مفعول را دارای مادّه فعل کنیم: (واجديّة)

مثال: أَوْرَقَ الشَّجَرُ؛ درخت دارای برگ شد.

قرآن: ﴿فَأَقْبَرَهُ﴾؛ در قبرش نهاد.

أَثْمَرَ؛ میوه دار شد.

۴ داخل شدن فاعل در زمان، مکان یا عدد:

أَعْرَقَ سَعِيْدٌ؛ سعید وارد عراق شد.

قرآن: ﴿فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾؛ داخل صبح شد درحالی که از زیانکاران بود.

۵ نسبت فعل به غیر فاعل:

مثال: أَكْسَدَ الكَاسِبُونَ؛ کاسب‌ها بازارشان کساد شد.

۶ رسیدن به وقت:

مثال: أَحْصَدَ الزَّرْعُ؛ هنگام درو کشت رسید.

۷ مبدأ فعل را از فاعل یا مفعول برطرف کردن (سلب):

مثال: أَفَزَعْتُ حَمِيداً؛ بیمنای حمید را برطرف کردم.

۸ ضد معنای ثلاثی مجرد:

مثال: تَرَبَّ حَامِدٌ؛ حامد خاک نشین (تهیدست) شد.

أَتَرَبَّ حَامِدٌ؛ مال در دست حامد چون خاک شد (ثروتمند شد).

الإمام علي عليه السلام: الدُّنْيَا تُخْلِقُ الأَبْدَانَ؛ همانا جهان پیکرها را فرسایش می‌دهد.

قرآن: ﴿وَأَمَّا أَلْفَاسُطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾؛

و اما منحرفین برای دوزخ هیزم خواهند بود.

﴿وَ أفسطوا إنَّ اللهَ یحبُّ المفسطین﴾؛

دادگری را گسترش دهید که خدا دادگستران را دوست می‌دارد.

باب تفعیل (فَعَّلَ - يُفَعِّلُ تَفَعَّلَ «تَفَعَّلَ - تَفَعَّلَ - تَفَعَّلَ - فَعَّلَ - فَعَّلَ فَعَّلَ»)

۱ متعدی کردن فعل لازم (تعدیة):

قرآن: ﴿نَزَّلَ عَلَیْكَ الْکِتَابَ﴾؛ بر تو کتاب را فرود آورد.

۲ دلالت بر زیادی فعل یا فاعل یا مفعول (تکثیر)

قرآن: ﴿عَلَقَتِ الأبوابَ﴾؛ درهای زیادی را بست.

۳ مبالغه (تفاوتش با تکثیر این است که در تکثیر بیشتر کمیت و در مبالغه بیشتر

کیفیت مد نظر است.)

مثال: صَرَّحْتُ الحَقَّ؛ حق را کاملاً آشکار کردم.

قرآن: ﴿قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤیَا﴾؛ آنچه در رؤیا دیدی کاملاً تصدیق کردی. (مأموریت را

کاملاً به انجام رساندی)

۴ تدریج:

قرآن: ﴿إِنَّا نحن نَزَّلْنَا الذِّکْرَ﴾؛ ما این قرآن را به تدریج نازل کردیم.

۵ نسبت دادن ماده فعل به مفعول (نسبت):

قرآن: ﴿وَ مَنْ یَعْظُمُ حُرْمَاتِ اللَّهِ﴾؛ و هرکس حرمت‌یافتگان خدا را بزرگ بدارد.

۶ ضَدَّ معنای باب افعال:

قرآن: ﴿إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا﴾؛ بیم داریم در آزارمان زیاده‌روی کند.
هُمُ لَا يُفْرِطُونَ؛ آنها کوتاهی نمی‌کنند.

مصدر باب تفعیل در وزن‌های دیگری هم به کار می‌رود، این کلمات نیز مصدر باب تفعیل‌اند: تَكَرَّرَ / تَجَرَّبَ / سَلَّمَ / كَذَّبَ / كَذَّبَ
باب مُفَاعَلَةٌ (فَاعَلَ - يُفَاعِلُ - مُفَاعَلَةٌ)

۱ مشارکت (معنای غالب باب مفاعلة است).

درحالی‌که هر دو طرف هم فاعل‌اند و هم مفعول، اما آغازکننده به صورت فاعل و دیگری به صورت مفعول آورده می‌شود: كَاتَبَ نَاصِرٌ مَحْمُودًا؛ ناصر و محمود با یکدیگر نامه‌نگاری کردند.

قرآن: ﴿فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ﴾ (صافات، ۱۴۱)؛

پس قرعه انداختند و او از مغلوبین شد.

۲ تَكَثَّرَ

ءَأَجَرَكَ اللَّهُ؛ خداوند پاداش بسیار به تو دهد.

۳ تعدیه (متعدی کردن فعل لازم)

بَعُدَّ: دور شد ← بَاعَدَ: دور کرد

قرآن: ﴿وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ﴾؛ ولی به نظرشان دور آمد.

رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا؛ پروردگار ما بین سفرهای ما فاصله زیاد قرار بده.

۴ همان معنی ثلاثی مجرد

معمولاً هرگاه در باب مفاعله، فعلی به خدای تعالی نسبت داده شود در معنای چهارم است.

قرآن: ﴿قَاتَلَهُمُ اللَّهُ﴾ ، ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ﴾

باب تَفَعَّلَ (تَفَعَّلَ - يَتَفَعَّلُ - تَفَعُّلٌ)

۱ مطاوعه (قبول اثر فعل) باب تَفَعَّلَ برای پذیرش اثر باب تفعیل به کار می‌رود:

عَلَّمْتُ هَاشِمًا فَتَعَلَّمَ؛ به هاشم یاد دادم پس یاد گرفت.
 قرآن: ﴿فَتَلَقَّى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾؛ (بقره/ ۳۷)؛
 و آدم از پروردگار خود سخنانی فرا گرفت و خدا او را بخشید زیرا وی توبه‌پذیر و
 مهربان است.

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ (بقره/ ۱۲۷)؛

پروردگارا، از ما بپذیر زیرا تو شنوای دانا هستی.

۲ تکلف: خود را به رنج انداختن (فاعل می‌خواهد چیزی غیر واقعی را به زحمت

به خود منسوب کند).

قرآن: ﴿وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾؛ (ص/ ۸۶)؛ و من از آنها نیستم که چیزی را که ندارند

به خود می‌بندند.

۳ تدریج

قرآن: ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ﴾ (نور/ ۶۳)؛

خدا از شما کسانی را که نهانی در می‌روند می‌شناسد (تسلل آن است که کسی خود

را از جایی آرام آرام بیرون کشد طوری که نخواهد کسی پی ببرد).

قرآن: ﴿يَتَجَرَّعُهُ﴾؛ (ابراهیم/ ۱۷)؛ به زحمت، جرعه جرعه آن را سر می‌کشد.

۴ تجنّب؛ (اجتناب فاعل از ماده فعل)

تَأْتَمَّ قَاسِمٌ؛ قاسم از گناه دوری کرد.

۵ تلبّس؛ (فاعل چیزی را که فعل از آن مشتق شده بپوشد)

تَقَمَّصَ جَوَادٌ؛ جواد پیراهن پوشید.

۶ صیوروت؛ (به حالتی در آمدن)

تَسَلَّمَ هِشَامٌ؛ هشام مسلمان شد.

باب تفاعل (تَفَاعَلَ - يَتَفَاعَلُ - تَفَاعُلٌ)

۱ مشارکت:

قرآن: ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (مائده/ ۲)؛

یکدیگر را در کار نیک و پرهیزگاری یاری کنید.

۲ تظاهر:

تَمَارَضَ كَاظِمٌ؛ کاظم خودش را به بیماری زد.

قرآن: ﴿إِنَّا قَلَّمُ إِلَى الْأَرْضِ﴾ (توبه / ۳۸)؛

به زمین سنگینی می‌کنید. (خودتان را ناتوان جلوه می‌دهید).

۳ مطاوعه (پذیرش اثر فعل):

بَاعَدْتُ مَنْصُورًا فَتَبَاعَدَ؛ منصور را دور کردم پس دور شد.

۴ تدریج:

تَرَايَدَ الْمَطَرُ؛ باران به تدریج بسیار شد.

هرگاه فاء الفعل در باب‌های تَفَعَّلَ و تفاعل یکی از دوازده حرف (ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ) باشد، جایز است حرف «ت» این دو باب را هم جنس فاء الفعل کرده در آن ادغام کنیم. برای پرهیز از ابتدا به ساکن از یک همزه وصل کمک می‌گیریم.

تَثَاقَلَ ← تَثَاقَلْ ← تَثَاقَلْ ← تَثَاقَلْ

تَتَضَارَبُونَ ← تَضَارَبُونَ

﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ﴾ فعل تَنْزَلُ در اصل تَنْزَلُ بوده است.

باب افتعال (اِفْتَعَلَ - يَفْتَعِلُ - اِفْتِعَال)

۱ مطاوعه (اثرپذیری)

جَمَعْتُ النَّاسَ فَاجْتَمَعُوا؛ مردم را گرد آوردم و آنان گرد هم آمدند.

قرآن: ﴿وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ﴾ (شعراء، ۳۹)؛ و به مردم گفتند آیا شما

گرد هم می‌آیید؟

۲ تلاش و مبالغه:

اِكْتَسَبْتُ الْمَالَ؛ با کوشش فراوان مال به دست آوردم.

قرآن: ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ (بقره، ۲۸۶)؛

نیکی‌های هر شخصی به سود خود او و بدی‌هایش نیز به زیان خودش است.

۳ اِتِّخَاذُ (فراهم آوردن ماده فعل)

اِخْتَبَرْتُ الْخَبِرَ؛ نان را پختم.

۴ طلب:

إِعْتَدَرْتُ مَاجِدًا؛ از ماجد پوزش خواستم.
 قرآن: ﴿لَا تَعْتَدِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ﴾ (توبه، ۶۶)؛
 پوزش نخواهید؛ زیرا پس از ایمانتان کافر شدید.

۵ معنای ثلاثی مجرد:

اجْتَدَبْتُ قَمِيصَ أَخِي؛ پیراهن برادرم را کشیدم.

۶ مشارکت:

اِحْتَصَمَ جَعْفَرٌ وَ سَجَادٌ؛ جعفر و سجّاد با هم دشمنی کردند.
 قرآن: ﴿هَذَانِ حَصْمَانِ احْتَصَمَا فِي رَبِّهِمْ﴾ (حج، ۱۹)؛

اینها دو دشمنند که در مورد پروردگارشان با یکدیگر دشمنی کرده‌اند.

تفاوت مشارکت در باب مفاعله با باب‌های تفاعل و افتعال این است که در باب مفاعله شروع کننده، اعراب فاعلی می‌گیرد و دیگری حالت مفعولی، ولی در باب تفاعل و افتعال هر دو به صورت فاعل می‌آیند.

در باب افتعال در حالت‌های زیر حروف تبدیل می‌شوند:

- اگر فاء‌الفعل (و) یا (ی) باشد به (ت) تبدیل سپس در (ت) باب افتعال ادغام

می‌شوند؛ مثل اِتِّحَادٍ استثناً در مورد اَخَذَ هم این حالت رخ می‌دهد؛ اِتَّخَذَ

- اگر فاء‌الفعل (ص، ض، ط، ظ) باشد، (ت) در باب تبدیل به (ط) می‌شود؛ مثال:

اضْطْرَابٌ، اضْطِرَارٌ و اضْطِهَادٌ

قرآن: ﴿وَأَصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ﴾ (مریم، ۶۵)؛ در عبادتش بردبار باش.

- اگر فاء‌الفعل (د، ذ، ز) باشد (ت) در باب تبدیل به (د) می‌شود و جایز است که (د)

و (ذ) را هم در هم ادغام کنیم:

زَجَرَ - اِزْتَجَرَ - اِزْدَجَرَ

ذَكَرَ - اِذْتَكَرَ - اِذْدَكَرَ - اِذَّكَرَ

قرآن: ﴿وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَاُزْدَجِرْ﴾ (قمر، ۹)؛ و گفتند جن زده شده و زیان دیده است.

قرآن: ﴿وَأَدَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ﴾ (یوسف، ۴۵)؛ و پس از مدتی به یاد آورد.
 - هرگاه عین الفعل فعلی در این باب یکی از ۱۲ حرف (ت، ث، ج، د، ذ، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ) باشد، جایز است حرف (ت) این دو باب را هم جنس عین الفعل کرده در آن ادغام کنیم، سپس فاء الفعل را مفتوح یا مکسور کنیم و چون از همزه باب بی‌نیاز می‌شویم آن را حذف می‌کنیم.

حَصَمَ - اِخْتَصَمَ - اِخْصَمَ - اِحْصَمَ - حَصَمَ - يَخْصُمُ

قرآن: ﴿وَهُمْ يَخْصُمُونَ﴾ (یس، ۴۹)؛ در حالی که سرگرم دشمنی باشند.

باب انفعال (انْفَعَلَ - يَنْفَعِلُ - انْفِعَال)

تنها معنای این باب مطاوعه (اثربذیری) است:

كَسَرْتُ الْعَظْمَ فَانْكَسَرَ، استخوان را شکستم پس شکسته شد.

قرآن: ﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَضْرِبْ بَعْصَاكَ الْبَحْرَ فَأَنْفَلَقَ﴾ (شعراء، ۶۳)؛

به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن، پس بشکافت.

باب افعلال (افْعَلَّ - يَفْعَلُّ - افْعِلَال)

۱ داخل شدن فعل در ماده فعل:

إِسْوَدَّ اللَّيْلُ؛ شب وارد سیاهی شد.

قرآن: ﴿ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ (زخرف، ۱۷)؛

رویش از بسیاری خشم و ناراحتی سیاه می‌شود.

۲ مبالغه:

إِنْيَصَّ الثَّوْبُ؛ لباس بسیار سفید شد.

قرآن: ﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ (آل عمران، ۱۰۶)؛

روزی که چهره‌هایی سفید و چهره‌هایی سیاه می‌شود.

باب استفعال (اسْتَفْعَلَ - يَسْتَفْعِلُ - اسْتِفْعَال)

۱ طلب (معنای غالب این باب است).

قرآن: ﴿وَإِنْ أَسْتَنْصِرُكُمْ فِي الدِّينِ﴾ (انفال، ۷۲)؛

اگر از شما در راه دین یاری بخواهند شما باید یاریشان کنید.

۲ مفعول را دارای صفتی یافتن:

اِسْتَكْرَمْتُ حَاتِمًا؛ حاتم را بخشنده یافتم.

قرآن: ﴿وَوُرِيدُ أَنْ مَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ﴾ (قصص، ۵)؛

و می‌خواهیم که بر آنان که در زمین ناتوان نگاه داشته شدند، منت نهیم.

۳ قرار دادن ماده فعل برای مفعول:

اِسْتَخَلَفْتُ زَكْرِيَّا؛ زکریا را جانشین خود کردم.

قرآن: ﴿وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ﴾ (هود، ۵۷)؛

پروردگارم قومی غیر شما جانشین می‌کند.

۴ تحوّل: (فاعل از حالتی به حالتی دیگر درآید که ماده فعل بر آن دلالت می‌کند):

اِسْتَحْجَرَ الطِّينُ؛ گل سنگ شد.

قرآن: ﴿فَاسْتَعْظَمَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ﴾ (فتح، ۲۹)؛

[آن جوانه‌ها] ستر می‌شود و راست بر پای خود می‌ایستد.

۵ مطاوعه (اثر پذیری):

اِحْكَمْتُهُ فَاسْتَحْكَمَ؛ آن را محکم کردم پس محکم شد.

از ذکر معانی باب‌های افعیلال، افعیعال، افعوال چون پرکاربرد نیست صرف نظر شد.

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست قرائت و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را درک کند.
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت، به آیات و حکم درس استشهاد کند.
- ۵ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل و معادل ماضی استمراری از باب‌های تفاعل، تفعیل، مفاعلة و افعال را درست ترجمه کند و در جمله جایگاه درست آنها را تشخیص دهد.

فرایند آموزش

متن درس چهارم دعوت به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز میان مذاهب و قومیت‌هاست. در بسیاری از کشورها از جمله ایران قومیت‌ها و گاهی مذاهب مختلفی زندگی می‌کنند. بزرگان دین و کشور همیشه همگان را دعوت به همبستگی می‌کنند. در ایران قومیت‌های بسیاری هستند؛ مانند فارس، ترک، کرد، لر، لک، بختیاری، عرب، ترکمن، بلوچ، تات، تالشی، تبری، گیلک، سیستانی، ارمنی، افغان، گرجی، قزاق، آسوری و ...

هماهنگی در ترجمه متن درس

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ؛ رسالت اسلام در گذر زمان بر پایه منطق و دوری کردن از بی‌ادبی استوار است. (بوده است) فَصَّلْتُ، ۳۴؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي

هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿﴾ زیرا خداوند می فرماید: نیکی و بدی برابر نیستند با شیوه‌ای که بهتر است [بدی] را دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد.

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهَوَ يَقُولُ: ﴿﴾ وَ لَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ... ﴿﴾ الْأَنْعَامَ، ۱۰۸؛ قطعاً قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که بت‌های (خدایان) مشرکان و کافران را دشنام ندهند و می‌فرماید: و آنهایی را که جز خدا فرا می‌خوانند دشنام ندهید که خدا را دشنام خواهند داد.

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ ﴿﴾ آلِ عِمْرَانَ، ۶۴؛ اسلام به دین‌های الهی احترام می‌گذارد؛ بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم».

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ﴿﴾ الْبَقَرَةَ، ۲۵۶؛ لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ اخْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿﴾ كُلُّ حِزْبٍ مِمَّا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿﴾ الرُّومَ، ۳۲؛

قرآن بر آزادی عقیده تأکید می‌کند: (هیچ اجباری در دین نیست). اصرار بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست؛ زیرا کسی از آن سود نمی‌برد و بر همه مردم لازم است (همه مردم باید) که با حفظ عقاید خودشان با یکدیگر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند؛ زیرا (هر حزبی به آنچه دارد دلشاد است).

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ﴿﴾ الْحُجُرَاتِ، ۱۳؛

سرزمین‌های اسلامی مجموعه‌ای از ملت‌های بسیار است که در زبان و رنگ فرق می‌کند. خدای تعالی (بلند مرتبه) فرموده است: ای مردم، ما شما را از مردی و زنی

آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.

فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ، وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى».

فرستاده خدا (ص) فرموده است: ای مردم، آگاه باشید قطعاً پروردگارتان یکی و پدرتان یکی است؛ آگاه باشید عرب بر غیر عرب و نه غیر عرب بر عرب و نه سیاه بر سرخ و نه سرخ بر سیاه هیچ برتری‌ای ندارد.

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَوَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران، ۱۰۳؛ قرآن به ما دستور به همبستگی می‌دهد. (و به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید). يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

همبستگی امت اسلامی در شکل‌های بسیاری جلوه‌گر می‌شود، از آن جمله گردهمایی مسلمانان در جای واحد در حج. مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان‌اند و در مساحتی گسترده از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَاماً يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَتَّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

امام خمینی (ره) فرموده‌اند: ... هرگاه کسی سخنی گفت که باعث تفرقه مسلمانان شود، بدانید که یا نادان است یا دانایی است که تلاش می‌کند بین صفوف مسلمانان اختلاف بگستراند.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ. و رهبرمان آیت‌الله خامنه‌ای فرموده‌اند: هرکس از شما کسی را دید که به تفرقه فرا می‌خواند، مزدور دشمن است.

درک مطلب

هدف این است که دانش‌آموز خودش را بیازماید. خوب است که دانش‌آموزان به صورت گروهی این پنج جمله را حل کنند، آنگاه از هر گروه یکی داوطلب شود و پاسخ را با دلیل ذکر کند. بهترین دلیل ترجمه عبارت است.

اعلموا

قواعد درس چهارم ادامه درس سوم است. در درس سوم، سه باب ساده‌تر انفعال، افتعال، استفعال در کنار تفعل تدریس شد و در این درس وزن‌های افعال، تفعیل، مفاعلة و تفاعل تدریس می‌شوند. تجربه نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در یادگیری سه باب انفعال، افتعال و استفعال راحت‌تر هستند و یادگیری دو باب افعال و تفعیل مشکل‌تر است. به ویژه امر باب افعال که همزه‌اش مفتوح است. نه تنها در این درس، بلکه در هر هشت درس کتاب تهریناتی تحت عنوان اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ برای تثبیت آموخته‌های این قسمت از کتاب طراحي شده است.

مانند درس سوم در این درس نیز در کتاب عربی علوم انسانی معنای مشهور چند باب ذکر شده است. باید دانست که واقعاً دانستن معانی مشهور باب‌ها آن طور که باید و شاید کمکی به معنای فعل‌ها نمی‌کنند.

جوارات

متن حوار درس چهارم مانند سایر گفت‌وگوهای دروس هشتگانه کتاب کاربردی است. گفت‌وگو در سالن بازرسی گمرک فرودگاه یک متن سودمند است. این گفت‌وگوها در سفرها معمولاً پیش می‌آید. کسی که متنی را برای مکالمه حفظ می‌کند دوست دارد متن کاربردی را حفظ کند. فرضاً متنی که راجع به آشپزی است هرچند جذاب است، ولی در سفر مگر در حالتی استثنائی کاربرد ندارد.

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی به صورت‌های گوناگونی طراحی شده است.

در اینجا دانش‌آموز عبارت‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند و پاسخ هر یک را در میان واژگان جدید درس چهارم جست‌وجو می‌کند. این کار می‌تواند بخشی از نمره شفاهی او را تشکیل دهد.

تمرین دوم و سوم در هر دو کتاب: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی و کاربرد آن است. طراحی تمرین دوم در امتحان دشوار، ولی تمرین سوم ساده است.

تمرین چهارم در هر دو کتاب: هدف، تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. هر پنج عبارت به لحاظ علمی جالب‌اند و دانش‌آموزان از خواندن آنها لذت می‌برند. هرچند این پنج عبارت با متون دینی و ادبی ارتباط ندارند، ولی در ایجاد علاقه تأثیرگذارند.

تمرین پنجم: این تمرین در دروس قبل نیز تکرار شده است. هدف تلفیق آموخته‌های دانش‌آموز در زمینه ضمائر و افعال است.

تمرین ششم و هفتم: هدف پیوند بین درس عربی با قرآن و حدیث است. آنچه را دانش‌آموز تاکنون در لغت و قواعد آموخته است در قالب چند آیه و حدیث باید مشاهده کند. در ضمن ترجمه نوع فعل‌ها را باید بتواند تشخیص دهد. منظور از نوع فعل ماضی، مضارع، امر و نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری است. باید توجه داشته باشیم که اصطلاح ماضی استمراری در صرف و نحو عربی رایج نیست. این اصطلاح برای فهم بهتر زبان عربی در کتاب درسی وضع شده است.

تمرین هشتم، نهم (و دهم در زبان قرآن): هدف، تقویت مهارت شناخت فعل است. این مهارت در همه کتاب‌های هفتم تا دهم تمرین شده است و در دو کتاب یازدهم و دوازدهم نیز مرتباً تکرار خواهد شد؛ زیرا ارزش یادگیری فعل برای یادگیری زبان عربی بسیار بالاست.

أنوار القرآن

هدف از این بخش در کتاب مشترک «عربی زبان قرآن» ارتباط درس عربی زبان قرآن با آیات قرآن است. معلّم می‌تواند از دانش‌آموزان بخواهد این بخش را با صدای خوش تلاوت کنند. پیشتر اشاره شد که حلّ این تمرین به‌عنوان کار در منزل است. هدف ایجاد ارتباط با قرآن است. در هر حال چه این تمرین در کلاس حل شود و چه در منزل در امتحانات از آن سؤال طرح می‌شود. حلّ تمرین در کلاس وقتگیر نیست. با این حال، دبیر در این کار مختار است. می‌تواند حلّ این تمرین را به‌عنوان تمرین و فعالیت منزل در نظر بگیرد.

البحث العلمي

تحقیق در هر سه پایه هفتم، هشتم و نهم مطابق با توانایی دانش‌آموز و واقعیات موجود تنظیم شده است. برای اینکه دانش‌آموز بداند در زمینه قرآن و حدیث نرم‌افزارهای خوبی تهیه شده است و شیوه کار کردن با آنها را بیاموزد این تمرین، تلنگر خوبی است تا معلّم به آن مناسبت وارد این بحث شود.

می‌توان این بخش را با استفاده از نرم‌افزارهای قرآنی، اینترنت یا کتاب الْمُعْجَمُ الْمُفْهَرَسُ انجام داد. خوب است دانش‌آموزان با نرم‌افزارهای قرآنی، سایت‌های قرآنی و کتاب الْمُعْجَمُ الْمُفْهَرَسُ آشنا شوند و نحوه استفاده از آنها را بیاموزند. اجرای این بخش در کلاس در صورت داشتن وقت از زیباترین بخش‌های کتاب است. مداری که ساعت اضافه دارند می‌توانند در این زمینه‌ها کار کنند. چنین کارهایی کلاس درس را فعّال و شاداب می‌کند.

ارزشیابی

در مورد ارزشیابی از این درس، آنچه را در دروس قبلی نوشته شد، در این درس نیز می‌توان اجرا کرد. بهترین کار تمرین شفاهی است. دانش‌آموزان را پای تخته آورد و از آنان خواست تا پاسخ دهند؛ مثلاً می‌پرسیم مضارع این فعل‌ها چیست؟ *إِنْهَدَمَ*، *إِشْتَرَكَ*، *تَقَدَّمَ*، *تَفَاخَرَ*، *اسْتَخْدَمَ* و ... البته در ارزشیابی کتبی میان نوبت و پایان نوبت اول و دوم این طور سؤال داده نمی‌شود. این صرفاً یک تمرین برای یادگیری بهتر است.

هرچه در درس پیشین در بارهٔ وسایل کمک آموزشی گفته شد در اینجا نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ یَسْتَوِي از باب افتعال و مصدر آن اِسْتَوَاء است که در فارسی به نادرست به اُسْتَوَا تبدیل شده است.

۲ عَجَم در زبان‌های فارسی، هندی، اردو، پشتو، بلوچی، ترکی و ... معنای ایرانی و زبان فارسی می‌دهد، اما در زبان عربی امروزه بیشتر به معنای غیرعرب به کار می‌رود. امروزه برخی قوم‌گرایان به صورت توهین‌آمیز عَجَمِي خطاب به ایرانیان به کار می‌برند. احتمال دارد عجم از واژهٔ «الْجَم» گرفته شده باشد؛ «جم» نام پادشاه ایرانی است. لغت‌شناسان کهن مانند فیروزآبادی در القاموس المحیط و ابن‌منصور در لسان‌العرب و فخر رازی و ابی‌الفتح موصلی بر این باورند که ریشهٔ واژهٔ عجم (ع ج م) به معنای غیرواضح و مبهم است و غیرعربی را گویند که عربی را به خوبی صحبت نمی‌کند. الزمخشری می‌نویسد که اعجمی یعنی ناروشن صحبت‌کننده ولی عجمی یعنی فارس یا ایرانی.

۳ در آیهٔ شریفهٔ

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾ (الْفُرْقَان، ۶۳)

چرا «هوناً» که «حال» است، با صاحب حال «واو» مطابقت ندارد؟

پاسخ: هون اسم جامد است و احتیاج به مطابقت با صاحب حال ندارد.

۴ در آیهٔ شریفهٔ

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ (هود، ۱۱۴)

چرا فعل به صورت مفرد مؤنث برای غیر عاقل نیامده است؟

پاسخ: دو وجه درست است. الحسنات از کارهای ارزشمند است با آن مانند ذوی‌الشعور

برخورد شده است؛ معمولاً در زبان عربی با جمع غیرعاقل مانند مفرد مؤنث برخورد می‌شود؛ «ایام معدودة» در قرآن به شکل «ایام معدودات» نیز آمده است.

۵ تَطْمِئُنُّ در آیه شریفه

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (الرَّعْدُ، ۲۸)

از باب اِفْعَال است. (اطمأَنَّ، يَطْمِئُنُّ و اِطْمِئَنَّ)

۶ کَمَا در آیه شریفه

﴿أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾ (الْقَصَصُ، ۷۷)

جار و مجرور و متعلق به مصدر محذوف است. (أَحْسِنُ إِحْسَانًا كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ)

۷ أَمَّنْ در آیه شریفه

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ﴾ (النَّمْلُ، ۶۲)

(أَمَّ مَنْ) به معنای «یا کسی‌که» و در ادامه آیات قبلی است. برخی به غلط آن را با

آهنگ دعا و ندا می‌خوانند.

۸ نَدَّمَ و أُنْدَمَ هر دو در زبان عربی کاربرد دارند. هرچند نَدَّمَ در لغت‌نامه نیامده

است؛ چون باب اِفْعَال و تَفْعِيل قیاسی‌اند.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را درک کند.^۱
- ۳ معنای واژگان جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ جمله اسمیه و فعلیه را در مثال‌های ساده از هم تشخیص دهد.
- ۶ فعل، فاعل و مفعول^۲ به را در جمله تشخیص دهد.
- ۷ مبتدا و خبر را در جمله تشخیص دهد.
- ۸ بتواند در جمله‌ای که گاهی (مبتدا و خبر) و نیز (فاعل و مفعول)، صفت یا مضاف الیه می‌گیرند و خودشان موصوف و مضاف می‌شوند این اجزاء را از هم تشخیص دهد.
- ۹ در عباراتی مانند ﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ التَّوْر، ۲۲ فعل أَنْ يَغْفِرَ را درست معنا کند. (فقط فعل سوم شخص مفرد یا در اصطلاح مفرد مذکر غایب)

فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ آفریده‌های خداوند است. دانش‌آموزان به این نوع متون علاقه‌مندند و چنین متن‌هایی آنها را دوستدار درس عربی می‌کند. برای یادگیری کلمات قرآن، حدیث و دعا یکی از شیوه‌ها آوردن چنین متونی است.

۱- پیام متن درس دربارهٔ تفرُّد در آفریده‌های خداوند است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ لِقَمَان، ۱۱؛ این آفرینش خداست.

الْعَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ
ذَاتِ أَلْوَانٍ مُتَعَدِّدَةٍ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْوُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحَوَّلَ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى
نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْعَوَاصُونَ التَّقَاطُ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ.

غواصانی که شبانه به اعماق (ژرفای) اقیانوس رفته‌اند، صدها چراغ برقی دارای
رنگ‌های متعدد را دیده‌اند که نورشان از ماهی‌های درخشان فرستاده می‌شود. (تابیده
می‌شود.) و تاریکی دریا را به روز روشن تبدیل می‌کنند که غواصان در آن می‌توانند در
نور این ماهی‌ها عکس بگیرند.

اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ
عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينَ
بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟ رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَجَدَ».

دانشمندان کشف کرده‌اند که این روشنایی‌ها از گونه‌ای باکتری درخشان که زیر
چشمان این (آن) ماهی‌ها زندگی می‌کنند ارسال می‌شود. آیا ممکن است که روزی
بشر از این (آن) معجزه دریایی استفاده کند و بتواند برای روشن کردن شهرها از
باکتری درخشان یاری بجوید؟ شاید بتواند این (آن) کار را انجام دهد؛ زیرا هرکس چیزی
بخواهد و تلاش کند می‌یابد.

إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ
جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَمِمْ.

بی‌گمان زبان گربه سلاح پزشکی همیشگی است؛ زیرا پر از غده‌هایی است که مایعی
پاک‌کننده ترشح می‌کند، در نتیجه گربه زخمش را چند بار می‌لیسد تا بهبود یابد. (التیام یابد)
إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَيْرِزَتِّهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِّيَّةَ وَ تَعَلِّمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ
الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ
عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِّيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

بی‌گمان برخی پرندگان و جانوران با غریزه خود گیاهان دارویی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه گیاه مناسب برای پیشگیری از بیماری‌های گوناگون به کار ببرند؛ این جانوران انسان را برای خاصیت‌های پزشکی بسیاری از گیاهان خشکی و غیره راهنمایی کرده‌اند.

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعُغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعاً عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.

بی‌گمان بیشتر جانوران افزون بر داشتن زبان ویژه خود زبانی عمومی دارند که با آن می‌توانند [سخن] یکدیگر را بفهمند، کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه جانوران هشدار می‌دهد تا زود (سریع) از منطقه خطر دور شوند، او به مانند جاسوسی از جاسوسان جنگل است.

لِلْبَطِّ خَزَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أذْنَابِهَا تَحْتَوِي زَيْتاً خَاصّاً يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ. اردک‌ها نزدیک دم‌هایشان انبارهای طبیعی دارند که حاوی روغنی ویژه است که روی بدنشان پخش می‌شود و تحت تأثیر آب قرار نمی‌گیرند.

تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

آفتاب‌پرست می‌تواند بی‌آنکه سرش را تکان بدهد چشمانش را در جهت‌های مختلف بچرخاند و می‌تواند در یک زمان در دو جهت ببیند.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَ لَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.

چشم جغد حرکت نمی‌کند، چشم‌ها ثابت‌اند، ولی این نقص را با حرکت دادن سرش در هر ناحیه‌ای جبران می‌کند و می‌تواند که بی‌آنکه بدنش را حرکت دهد سرش را یک دایره کامل بچرخاند.

درک مطلب

سعی شده است تا درک مطلب‌ها از درسی به درسی دیگر تنوع داشته باشند. این بخش از مهم‌ترین اهداف هر زبانی هستند.

اعلموا

هدف قواعد درس پنجم آشنایی با جمله فعلیه و اسمیه است. هدف شناخت اجزای هر دو جمله است؛ یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر. قبلاً در پایه نهم با صفت و مضاف‌الیه نیز آشنا شده‌اند؛ اما بدانیم که تمرینی برای تشخیص مضاف و مضاف‌الیه و موصوف و صفت نداشتند. در زبان عربی به لحاظ تقدیم و تأخر ترکیب اضافی و وصفی مانند هم هستند.

در انگلیسی ترکیب وصفی برعکس فارسی است؛ مثال:

پسر خوشحال؛ الولد المسرور؛ happy boy

ترکیب اضافی در عربی و فارسی نیز همانندی بسیار دارد؛ در حالی که در انگلیسی با اینکه با زبان فارسی هم‌خانواده است و هر دو از زبان‌های هند و اروپایی‌اند چنین نیست؛ مثال:

پنجره اتاق؛ نافذة الغرفة؛ room's window/ the window of the room

خانهٔ مریم؛ بیت مریم؛ Mary's home

نتیجه اینکه نباید این مبحث را برای دانش‌آموز دشوار نشان داد.

از طرفی در کتاب عربی دهم ترجمه از فارسی به عربی نداریم و هدف فهم متن است؛ لذا دبیر نگران مسائلی مانند تطابق موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف نباشد. وقتی که دانش‌آموز اینها را خوب بفهمد؛ می‌تواند به مهارت سخن گفتن برسد؛ چه هدف کتاب باشد چه نباشد. مقدمهٔ ساختن فهمیدن است.

اما بدانیم ساختن در آموزش متوسطه دوم هدف نیست. دانش‌آموز علاقه‌مند به رشتهٔ زبان و ادبیات عربی بقیهٔ مطالب را در دانشگاه بخواند.

اعراب گذاری کلمات نیز هدف نیست. در کتاب حرکت گذاری کامل است. دانش آموز باید درست بخواند و با خواندن درست متن ویژگی‌های زبانی را کشف کند. طی خواندن متون و عبارات این شناخت به دست می‌آید. برخی بر این باورند که دانستن این مطالب لازم است. تیم تألیف نیز این مدعا را قبول دارد.

دانش آموز علاقه‌مند با رفتن به دانشگاه باید با تمام این ظرافت‌های زبانی آشنا شود. بین آموزش عربی به یک ایرانی و به یک عرب ساکن کشور عربی فرق بسیاری هست. نیاز دانش آموز ایرانی فارسی زبان با نیاز دانش آموز عرب ساکن کشور عربی فرق دارد. دانش آموز ایرانی بیشتر به صرف نیاز دارد و دانش آموز عرب هم صرف و هم نحو را باید بداند و البته نحو برایش مهم‌تر است. از طرفی دانش آموز دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب نیست و این مطلب باید همواره مد نظر ما باشد.

فَنِّ التَّرْجَمَةِ

باید توجه کرد که هدف این قسمت از کتاب، تدریس مبحث مضارع منصوب نیست. از آنجاکه مضارع منصوب در بسیاری از جاهای کتاب به کار رفته و فعلی پرکاربرد است که از آوردن آن گریزی نیست؛ بنابراین، مضارع منصوب در حدّ یک صیغۀ معادل سوم شخص مفرد در فارسی در کتاب مطرح شده است.

هدف فقط شناخت آن و دانستن معنای آن در جمله است.

هدف این نیست که چنین سؤالی در امتحان طرح شود.

از فعل **يَذْهَبُ** مضارع منصوب بسازید.

این سؤال مطلوب است:

کدام فعل مضارع منصوب است؟ **يَذْهَبُ**، **أَنْ يَذْهَبَ**، **لَا يَذْهَبُ**، **لَا تَذْهَبُ**، **لَا يَذْهَبُ**

حوارات

گفت‌وگو با راننده در طول سفر یکی از موضوعات اصلی است. موضوع مکالمه این درس در فضای یک وسیله نقلیه عمومی صورت می‌گیرد.

از طرفی هدف ثانویه درس آشنا شدن دانش‌آموز با سلمان فارسی سلام‌الله‌علیه صحابی جلیل‌القدر پیامبر اسلام ﷺ و آثار تاریخی شکوهمند ایران در نزدیکی بغداد است.^۱

تمرین‌ها

دانش‌آموز همه تمرین‌های هشت درس کتاب را قرائت و پاسخ می‌دهد. پیشنهاد می‌شود دبیر یک لیست داشته باشد و هر بار که دانش‌آموزی تمرینی را می‌خواند و پاسخ می‌دهد در آن علامت بزند تا مبادا حل تمرینات توسط چند نفر صورت بگیرد و برخی فعال نباشند. می‌توان تمرینات ساده‌تر را برعهده دانش‌آموزان کم‌توان نهاد.

تمرین اول (در هر دو کتاب): هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و

نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است.

در اینجا دانش‌آموز جمله را می‌خواند و ترجمه می‌کند سپس به دنبال کلمه‌ای می‌گردد که در واژه‌نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد.

۱- گفته شده سلمان دهقان‌زاده‌ای ایرانی و زرتشتی بود به نام روزبه بود و در نوجوانی مسیحی شد و به شام سفر کرد و به شاگردی روحانیون مسیحی درآمد. به حجاز آمد؛ به دست قبیله بنی کلب اسیر و به بردگی گرفته و به مردی از بنی فُریظه فروخته شد و همراه او به مدینه آمد. در مدینه پیامبر اکرم ﷺ را دید و به او ایمان آورد. پیامبر ﷺ او را از خواجه‌اش خرید، آزاد کرد و سلمان نامید. سلمان در دوران زندگی پیامبر ﷺ از یاران بزرگ و مورد علاقه ایشان بود تا جایی که پیامبر ﷺ درباره‌اش فرمود: سلمانُ منّا أهل‌البيت. او در غزوه‌های پیامبر ﷺ حضور داشت و ماجرای پیشنهاد وی برای کندن خندق در نبرد احزاب که به شکست مشرکان انجامید، مشهور است. وی پس از درگذشت پیامبر ﷺ در شمار یاران حضرت علی علیه السلام قرار گرفت. با جریان سقیفه مخالف بود، ولی پس از انتخاب خلیفه اول و دوم با آنان همکاری کرد. در زمان حکومت خلیفه دوم، حاکم مدائن شد. با این حال زنبیل می‌بافت و از دسترنج خودش روزی می‌خورد. سلمان فارسی، پس از عمری طولانی در سال ۳۶ هجری در شهر مدائن رحلت کرد. مدفن وی در مدائن به سلمان پاک مشهور است.

طاق کسری یا ایوان مدائن برجسته‌ترین یادگار روزگار ساسانی، در تیسفون در عراق است. این اثر باستانی در ۳۷ کیلومتری جنوب بغداد در کناره خاوری رود دجله است. طاق کسرا نزدیک آرامگاه سلمان فارسی است.

طاق کسری شاید در زمان شاپور یکم در نیمه دوم سده سوم ساخته شده باشد. این بنا برای نمایش شکوه ایران ساخته شده، تا توانمندی و دارایی ایران را نمایش دهد، سفیران ملت‌های دیگر را حیران سازد. ایوان، آن چنان‌که اینک می‌بینیم تنها یک شکاف حیرت‌انگیز نبود، در اصل آن را یک پرده سنگین زربفت می‌پوشاند که ارتفاع زیاد و فضای نقش‌های گوناگونش گویای ثروت فراوان بود.

منصور خلیفه عباسی نخستین کسی بود که کوشید تا آن را ویران کند، ولی در این کار ناکام ماند. وی از مصالح آن برای ساختمان‌های شهر جدید بغداد استفاده کرد و به دلیل اینکه حمل مصالح به بغداد از ارزش خود مصالح بیشتر شد از ادامه ویران‌سازی آن خودداری کرد.

تمرین دوم زبان قرآن (تمرین سوم انسانی): هدف واژه‌شناسی است. از مشابه این تمرین در امتحان می‌توان استفاده کرد. تمرین خوبی برای یافتن ارتباط بین واژگان است. در طراحی این سؤال در امتحان باید توجه داشت که مبدا مد نظر ما گزینه‌ای باشد و دانش‌آموز طور دیگر فکر کند؛ مثلاً به این چهار کلمه توجه کنید:

(نُفَاحَة، رُمَان، عُنْب، غُرَاب) پاسخ غراب است؛ چون سه کلمه دیگر میوه‌اند. پاسخ نُفَاحَة نیز می‌تواند باشد؛ چون سه کلمه دیگر مذکّرند و نُفَاحَة از نظر دانش‌آموز مؤنث است.

(والِد، اُمّ، اَخ، رَجُل) پاسخ رجل است؛ چون والد، اُمّ و اَخ اعضای خانواده‌اند و رجل غریبه است. پاسخ می‌تواند اُمّ باشد؛ چون سه کلمه دیگر مؤنث‌اند و رجل مذکّر است.

تمرین دوم انسانی: هدف تقویت مهارت ترجمه با استفاده از کلمات و ساختارهای خوانده شده است.

تمرین سوم زبان قرآن (تمرین چهارم انسانی): هدف نخست تشخیص جمله اسمیه و فعلیه از همدیگر است. هدف دوم تشخیص نقش و حالت فاعل، مفعول، مبتدا، خبر و مضاف‌الیه است. در کتاب‌های درسی پیشین اصطلاح المحلّ الإعرابی به کار نرفته بود. منظور از المحلّ الإعرابی نقش کلمات است؛ مثلاً در جمله السکوت ذهب و الکلام فضة. در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (ویژه رشته‌های کاردانش، فنی و حرفه‌ای و ریاضی-فیزیک و علوم تجربی) فقط کافی است که دانش‌آموز بگوید السکوت مبتداست و مرفوع به ضمّه است. وقتی که دانش‌آموز خوب بخواند و بفهمد و ترجمه کند خودبه‌خود با اعراب کلمات نیز آشنا می‌شود و اگر کنجکاو و علاقه‌مند به یادگیری اینها باشد، اعراب کلمات را خواهد آموخت. در کتاب درسی همه متون کاملاً اعراب‌گذاری شده است تا فراگیر طی خواندن متون و عبارات با اعراب کلمات آشنا شود.

تمرین چهارم زبان قرآن (تمرین پنجم انسانی): تشخیص کلمات متضاد و مترادف از زیباترین تمرینات در زمینه مهارت واژه‌شناسی است.

تمرین پنجم زبان قرآن (تمرین ششم علوم انسانی): هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است. تصاویر موجود در صفحه زیبایی خاصی به کتاب می‌دهند و موجب علاقه‌مندی به کتاب درسی می‌گردد. دانش‌آموز هم‌زمان با حلّ تمرین عبارت‌ها را به فارسی ترجمه می‌کند.

تمرین ششم و دهم (از هر دو کتاب): هدف تمرین ششم تمرین بر فعل‌هایی است که معادل سوم شخص مفرد فارسی آنها در عربی بیش از سه حرف است. از قواعد این درس فاصله گرفته‌ایم؛ اما نباید تمرین آن به فراموشی سپرده شود. مشابه این تمرین در جای جای کتاب درسی دهم و نیز کتاب‌های سال بعد خواهد آمد. ارزش مبحث فعل از سایر مباحث در قواعد عربی بالاتر است.

تمرین هفتم، هشتم (از هر دو کتاب) و نهم و دهم علوم انسانی: هدف تمرین برای یافتن نقش کلمات (فاعل، مفعول، مبتدا و خبر) است. یافتن نقش کلمات در فهم متن و عبارت تأثیرگذار است. دبیر می‌تواند در صورت داشتن وقت از دانش‌آموزان بخواهد که عبارت‌ها را ترجمه کنند. عبارات گزینش شده آیات قرآن و احادیث‌اند. هدف از این کار ایجاد ارتباط با هدف اصلی آموزش عربی است.

روش‌های ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

شیوه‌ها و ابزار در این درس با درس قبلی یکسان است.

أنوار القرآن

أنوار القرآن : آیات برگزیده از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین آیات قرآن و دربرگیرنده واژگانی‌اند که دانش‌آموز تاکنون در کتاب‌های عربی مشاهده کرده است. از این آیات می‌توان به‌عنوان شاهد مثال استفاده کرد. اجرای این تمرین به‌عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می‌تواند در کلاس پاسخ دهد اختیار آن را دارد. این تذکر برای تمام بخش‌های کتاب درسی تحت این عنوان است. تدریس این بخش در کلاس در صورت داشتن وقت است. این تمرین برای کار در منزل طراحی شده است.

البحث العلمي

هدف از این بخش پیش‌تر اشاره شد. دریاچه زریبار از نقاط گردشگری و جذاب ایران است.^۱

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ گربه به عربی چند معادل دارد: قِطٌّ، هِرٌّ، سِنُّورٌ، بَسٌّ و ... در گویش عراق بَزُونَةٌ گفته می‌شود.

۲ لیسید به عربی می‌شود: لَعِقَ، لَجِسَ و لَطَعَ.

۳ دشمنی به عربی چند معادل دارد؛ از آن جمله: عَدَاوَةٌ، عُدْوَانٌ، حُصُومَةٌ، شَتَّانٌ و ...

۴ نَدَمٌ و نَدَامَةٌ هر دو به معنای پشیمانی هستند.

۵ ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ «ما» مستثناست و مستثنا منه هر دو کلمه نفعاً و ضرراً هستند.

۶ ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ وُسْعٌ مفعول دوم است.

۱- تالاب آب شیرین زریبار یا زریوار در سه کیلومتری غرب مریوان، در استان کردستان و از جاهای دیدنی و گردشگری این استان است. آب آن شیرین است و از شماری چشمه کف‌جوش و بارش تأمین می‌شود. در بیشتر زمستان‌ها سطح دریاچه یخ می‌بندد. طول دریاچه حدود پنج کیلومتر و عرض آن حدود ۱/۶ کیلومتر است. وسعت تالاب به دلیل تغییرات حجم آبی در فصول مختلف متغیر و حداکثر عمق آن ۵/۵ متر است.

این تالاب بزرگ‌ترین و زیباترین دریاچه آب شیرین باختر ایران و یکی از منحصر به‌فردترین دریاچه‌های آب شیرین در جهان به شمار می‌رود. این دریاچه صد و دومین اثر طبیعی است که توسط سازمان میراث فرهنگی در ۲۰ بهمن ۱۳۸۹ در فهرست میراث طبیعی ایران قرار گرفت.

الدَّرْسُ السَّادِسُ

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ فعل مجهول را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۶ موصوف و صفت را در جمله درست تشخیص دهد.
- ۷ صفت مؤخر را در جمله تشخیص دهد و درست ترجمه کند.^۱

فرایند آموزش

درس ششم در کتاب تخصصی رشته علوم انسانی و کتاب مشترک عربی زبان قرآن متفاوت است.

متن درس ششم از کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) یکی از داستان‌های قرآن است. داستان‌های قرآن از زیبایی خاصی برخوردارند. داستان ذوالقرنین با توجه به اینکه پادشاهی عادل بوده و بر بخش بزرگی از دنیای کهن فرمانروایی کرده مهم است. در زمان دور پادشاهی درستکار به نام ذوالقرنین زندگی می‌کرد. نام او سه بار در قرآن آمده است. خداوند به او قدرت زیادی داده بود.

۱- منظور از صفت مؤخر صفتی است که پس از مضاف و مضاف‌الیه آمده است؛ مانند الصالحین در «السلام علی عبدالله الصالحین» و العزیز در «یا أخی العزیز».

بر اساس قرآن ذوالقرنین سه لشکرکشی مهم داشت:
 نخست به باختر سپس به خاور و سرانجام منطقه‌ای که در آن یک تنگه کوهستانی بود.

ذوالقرنین کشوری بزرگ ایجاد کرد. سپس با سپاهیان‌ش به سوی مغرب حرکت کرد. مردم کشورهای دیگر وقتی عدالت او را دیدند، شیفته او شدند و از او خواستند تا فرمانروای آنها باشد.

ذوالقرنین آن قدر رفت تا به چشمه‌ای گل‌آلود رسید که هنگام غروب به نظر می‌رسید خورشید در آن غروب می‌کند. کنار برکه، مردمی ستمگر زندگی می‌کردند. خداوند به ذوالقرنین وحی کرد و گفت یا با آنها جنگ کن، یا طرح دوستی بریز و هدایتشان کن. ذوالقرنین راه دوم را برگزید. مدتی در آنجا ماند، کم‌کم مردم به کارهای شایسته عادت کردند. سرانجام ذوالقرنین و لشکرش به سوی شرق رفتند. در این مسیر هم کشورهای زیادی فرمانبر او شدند. روزی به جایی رسید که در آنجا نیز مردم بی‌تمدنی زندگی می‌کردند. ذوالقرنین آنها را نیز به پرستش خداوند دعوت کرد. مدتی کنارشان ماند و راه زندگی کردن را به آنان آموخت. اکنون دیگر نوبت شمال بود. ذوالقرنین راه شمال را در پیش گرفت و به سرزمینی رسید که دو طرفش کوه‌های بلندی بود. وقتی مردم آنجا شکوه لشکرش را دیدند، نزد وی آمدند و گفتند: ای پادشاه بزرگ، پشت این کوه‌ها دو قبیله وحشی به نام یاجوج و ماجوج زندگی می‌کنند. آنها هر چند ماه یک بار از شکاف کوه می‌گذرند. به سرزمین ما حمله می‌کنند و همه چیز را غارت می‌کنند.

سپس به ذوالقرنین گفتند: از تو خواهش می‌کنیم سر راه آنها سد بزرگی بسازید تا نتوانند به این طرف کوه بیایند. ما نیز به تو کمک می‌کنیم. آنان برای ذوالقرنین هدیه‌های بسیاری آوردند. ذوالقرنین گفت: آنچه پروردگارم به من داده از کمک‌های مالی شما بهتر است. مرا با نیروی انسانی یاری کنید. مردم خوشحال شدند. ذوالقرنین دستور داد تا مقدار زیادی آهن و مس گرد آورند و آنگاه پاره‌های آهن را در شکاف کوه ریختند. در سوی دیگر کوره‌های بزرگی برای آب کردن مس‌ها ساختند. روی آهن‌ها

زغال زیادی ریختند. مردم زغال آوردند و روی آهن‌ها ریختند. همه چیز که آماده شد، زغال‌ها را آتش زدند گرمای آتش پاره‌های آهن را نرم کرد. بدین‌سان سدی بزرگ در برابر یاجوج و ماجوج ساخته شد تا نتوانند از شکاف کوه بگذرند.

درباره تطابق شخصیت ذوالقرنین اختلاف نظر وجود دارد. مراجعه به تفاسیر قرآن پیشنهاد می‌شود.

قرن در عربی به معنای شاخ و ذوالقرنین به معنای دارای دو شاخ است. ذوالقرنین یکی از شخصیت‌های قرآن و کتاب مقدس است.

برخی بر این باورند که این نامگذاری به دلیل آن است که او به شرق و غرب جهان رسید. دارنده شرق و غرب بود که عرب از آن تعبیر قَرْنِي الشَّمْسِ (دو شاخ آفتاب) می‌کند.

داستان ذوالقرنین در قرآن در سوره کهف آمده است. در کتاب خصال روایتی از امام صادق علیه السلام هست که می‌فرمایند: شاهان روی زمین چهار تن بودند دو نفر مؤمن معتقد که عبارت‌اند از سلیمان و ذوالقرنین و دو تن کافر که عبارت‌اند از نمرود و بُوْحْتُ النَّصْر. شماری از مردم مکه و مدینه که بیشتر اهل کتاب بودند از این داستان خبر داشته‌اند و این نکته از متن چند آیه با جمله «يسألونك عن ذي القرنين» و «قلنا يا ذا القرنين» و «قالوا يا ذا القرنين» به خوبی آشکار می‌شود، این داستان پیش از اسلام مطرح بوده است، ولی برخی از مردم به دلیل کسب آگاهی بیشتر، یا برای امتحان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره‌اش از وی پرسیده‌اند.

(یهودیان چنین پرسش‌هایی را درباره ماجرای خضر پیامبر علیه السلام و اصحاب کهف نیز پرسیده‌اند.)

در تطابق شخصیت ذوالقرنین به این افراد اشاره شده است: کورُش هَخَامَنِشِ، فریدون، اسکندر مقدونی، یکی از شاهان جَمِیر در یمن مانند مُصَعَب بن عبدالله و ... ، یکی از فرعون‌های مصر و ...

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، پس از بررسی نظریه ابوالکلام آزاد وزیر پیشین فرهنگ

هند که اثبات می‌کند کورُش هخامنشی، همان ذوالقرنین قرآن است، می‌نویسد: «هر چند بعضی از موارد گفته شده خالی از اعتراض نیست، لکن از هر گفتار دیگری انطباقش با آیات قرآنی روشن‌تر و قابل قبول‌تر است.» آیت الله مکارم شیرازی نیز می‌نویسد: «درست است که در این نظریه نیز نقطه‌های ابهامی وجود دارد، ولی فعلاً می‌توان از آن به عنوان بهترین نظر دربارهٔ تطبیق ذوالقرنین بر رجال معروف تاریخی نام برد.»

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس ششم عربی زبان قرآن (۱)

ذوالقرنین

كَانَ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ مَلِكٌ عَادِلٌ مَوْحِدٌ يُسَمَّى بِذِي الْقَرْنَيْنِ قَدْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُوَّةَ وَ الْعِظْمَةَ؛ كَانَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ يَحْكُمُ مَنَاطِقَ وَاسِعَةً مِنَ الْأَرْضِ شَرْقًا وَ غَرْبًا وَ شَمَالًا. ذَكَرَ اسْمُهُ وَ أَعْمَالُهُ الصَّالِحَةَ بَعْدَهُ آيَاتٍ فِي الْقُرْآنِ.

در گذشته پادشاهی دادگر و یکتاپرست بود که ذوالقرنین نامیده می‌شد و خداوند به او نیرو و شکوه داده بود. ذوالقرنین بر مناطق گسترده‌ای از زمین در شرق و غرب و شمال حکومت می‌کرد. نام او و کارهای شایسته‌اش در چند آیه قرآن ذکر شده است.

لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجَيْوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ الْمَنَاطِقِ الْغَرْبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَ الْفُسَادِ.

وقتی اوضاع برای ذوالقرنین در کشورش استقرار یافت، با ارتش‌های بزرگش به سوی مناطق غربی زمین رفت درحالی که مردم را به توحید و جنگ با ستم و تباهی فرا می‌خواند.

فَكَانَ النَّاسُ يُرْحَبُونَ بِهِ فِي مَسِيرِهِ بِسَبَبِ عَدْلَتِهِ، وَ يَطْلُبُونَ مِنْهُ أَنْ يَحْكُمَ وَ يُدِيرَ شُؤْنَهُمْ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى مَنَاطِقٍ فِيهَا مُسْتَنْقَعَاتٌ مِيَاهُهَا ذَاتُ رَائِحَةٍ كَرِيمَةٍ.

و مردم به دلیل دادگری‌اش در راهش به او خوش آمد می‌گفتند و از وی می‌خواستند که بر ایشان فرمانروایی کند و کارهایشان را اداره کند، تا اینکه به مناطقی رسید که در آن تالاب‌هایی بود که آب‌هایش دارای بوی بدی بود.

وَ وَجَدَ قُرْبَ هَذِهِ الْمُسْتَنْفَعَاتِ قَوْمًا مِنْهُمْ فَاسِدُونَ وَ مِنْهُمْ صَالِحُونَ، فَخَاطَبَهُ اللَّهُ فِي شَأْنِهِمْ وَ خَيْرُهُ فِي مُحَارَبَةِ الْمُشْرِكِينَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ أَوْ إِصْلَاحِهِمْ وَ هِدَايَتِهِمْ.

و نزدیک این تالاب‌ها مردمانی را یافت که بخشی از آنها تباهاکار و بخشی درستکار بودند، و خداوند ایشان را در مورد کارشان خطاب کرد و او را در جنگ با مشرکان تباهاکارشان، یا اصلاح و هدایتشان اختیار داد.

فَاخْتَارَ ذَوِ الْقُرْنَيْنِ هِدَايَتَهُمْ وَ دَعَوْتَهُمْ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ. فَحَكَمَهُمْ بِالْعَدَالَةِ وَ أَصْلَحَ الْفَاسِدِينَ مِنْهُمْ وَ دَبَّرَ شُؤْنَهُمْ. ثُمَّ سَارَ بِجُيُوشِهِ نَحْوَ الشَّرْقِ. فَأَطَاعَهُ كَثِيرٌ مِنَ الْأُمَمِ وَ اسْتَقْبَلُوهُ لِعَدَالَتِهِ وَ هَيْبَتِهِ.

و ذوالقرنین هدایت و دعوت آنها به توحید و ایمان به خدا را برگزید. پس با دادگری بر آنان فرمانروایی کرد و تباهاکارانشان را اصلاح کرد و کارهایشان را سامان بخشید. سپس با ارتش‌هایش به سوی شرق رفت و بسیاری از امت‌ها از او پیروی کردند و به خاطر دادگری و هيبتش به پیشواز وی رفتند.

حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ غَيْرِ مُتَمَدِّنِينَ يَعِيشُونَ عَيْشَةً بِدَائِيَّةً، فَدَعَاهُمْ لِلْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ حَكَمَهُمْ حَتَّى هَدَاهُمْ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ أَصْلَحَ حَيَاتَهُمْ وَ عَلَّمَهُمْ كَيْفَ يَعِيشُونَ. تا اینکه به قومی غیر متمدن رسید که بدوی زندگی می‌کردند و آنها را به ایمان به خدا دعوت کرد و بر آنان حکومت کرد تا به راه راست هدایت و زندگی‌شان را اصلاح کرد و به آنها آموخت چگونه زندگی کنند.

وَ بَعْدَ ذَلِكَ سَارَ نَحْوَ الشَّمَالِ، حَتَّى وَصَلَ إِلَى قَوْمٍ يَسْكُنُونَ قُرْبَ مَضِيقِ بَيْنَ جَبَلَيْنِ مُرْتَفِعَيْنِ، فَرَأَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ عَظْمَةَ جَيْشِهِ وَ أَعْمَالَهُ الصَّالِحَةَ فَاعْتَمَمُوا الْفُرْصَةَ مِنْ وَصُولِهِ؛ لِكِنَّهُمْ كَانُوا فِي عَذَابٍ شَدِيدٍ مِنْ قَبِيلَتَيْنِ وَحَشِيَّتَيْنِ تَسْكُنَانِ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ.

و پس از آن به سوی شمال رفت تا به مردمانی رسید که نزدیک تنگ‌های میان دو کوه زندگی می‌کردند، آن مردمان بزرگی ارتش و کارهای شایسته‌اش را دیدند و با رسیدن او فرصت را غنیمت شمردند؛ ولی آنها از دو قبیله وحشی که پشت آن کوه‌ها زندگی می‌کردند در عذاب شدیدی بودند.

فَقَالُوا لَهُ: إِنَّ رِجَالَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ مُفْسِدُونَ يَهْجُمُونَ عَلَيْنَا بَيْنَ الْحَيْنِ وَ الْآخِرِ مِنْ هَذَا

الْمَضِيقِ؛ فَيَخْرَبُونَ بُيُوتَنَا وَ يَنْهَبُونَ أَمْوَالَنَا، وَ هَاتَانِ الْقَبِيلَتَانِ هُمَا يَأْجُوجُ وَ مَا جُوجُ.
 پس به او گفتند: مردان این دو قبیله تباهاکارند؛ هر از چندی از این تنگه به ما حمله
 و خانه‌هایمان را ویران و دارایی‌مان را غارت می‌کنند. این دو قبیله یأجوج و مأجوج‌اند.
 لَذَا طَلَبُوا مِنْهُ الْمُسَاعَدَةَ وَ قَالُوا لَهُ: تَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمَضِيقِ بِسَدِّ عَظِيمٍ، حَتَّى
 لَا يَسْتَطِيعَ الْعَدُوُّ أَنْ يَهْجَمَ عَلَيْنَا مِنْهُ؛ وَ نَحْنُ نُسَاعِدُكَ فِي عَمَلِكَ هَذَا.
 بنابراین، از او کمک خواستند و به وی گفتند: از تو خواهش می‌کنیم این تنگه را به
 کمک سدی بزرگ ببندی تا دشمن نتواند که از آن به ما حمله کند و ما در این کارت
 به تو کمک می‌کنیم.

بَعْدَ ذَلِكَ جَاؤُوا لَهُ بِهَدَايَا كَثِيرَةٍ، فَرَفَضَهَا ذَوَالْقَرْنَيْنِ وَ قَالَ: عَطَاءُ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ عَطَاءِ
 غَيْرِهِ، وَ أَطْلُبُ مِنْكُمْ أَنْ تُسَاعِدُونِي فِي بِنَاءِ هَذَا السَّدِّ. فَرِحَ النَّاسُ لِذَلِكَ كَثِيرًا.
 پس از آن هدیه‌های بسیاری برایش آوردند و ذوالقرنین آنها را نپذیرفت و گفت:
 بخشش خدا از بخشش دیگری بهتر است و از شما درخواست می‌کنم که در ساختن این
 سد به من کمک کنید. مردم از این کار خوشحال شدند.

أَمَرَهُمْ ذَوَالْقَرْنَيْنِ بِأَنْ يَأْتُوا بِالْحَدِيدِ وَ النُّحَاسِ، فَوَضَعَهُ فِي ذَلِكَ الْمَضِيقِ وَ أَشْعَلُوا النَّارَ
 حَتَّى ذَابَ النُّحَاسُ وَ دَخَلَ بَيْنَ الْحَدِيدِ، فَأَصْبَحَ سَدًّا قَوِيًّا أَمَامَ هَاتَيْنِ الْقَبِيلَتَيْنِ.
 ذوالقرنین به آنها دستور داد تا آهن و مس بیاورند و در آن تنگه گذاشت و آتش
 روشن کردند تا مس ذوب شد و میان آهن رفت و سدی قوی مقابل این دو قبیله شد.
 فَشَكَرَ الْقَوْمُ الْمَلِكَ الصَّالِحَ عَلَى عَمَلِهِ هَذَا، وَ تَخَلَّصُوا مِنْ قَبِيلَتِي يَأْجُوجُ وَ مَا جُوجُ وَ
 شَكَرَ ذَوَالْقَرْنَيْنِ رَبَّهُ عَلَى نَجَاحِهِ فِي فُتُوحَاتِهِ.

و مردمان از پادشاه درستکار به خاطر این کارش سپاسگزاری کردند و از دو قبیله
 یأجوج و مأجوج رها شدند و ذوالقرنین از پروردگارش به خاطر پیروزی در کشورگشایی‌اش
 سپاسگزاری کرد.

نَفَهُمْ مِنْ هَذِهِ الْقِصَّةِ أَنَّ الْحُكَّامَ الصَّالِحِينَ الْعَادِلِينَ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ.
 از این داستان می‌فهمیم که فرمانروایان درستکار دادگر نزد خدا و مردم دوست‌داشتنی

اعلموا

هدف قواعد درس ششم آموزش شناخت و ترجمه فعل مجهول در جملات عربی است. **الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فاعِلُهُ**، یعنی فعلی که فاعلش مجهول است. لفظ **فاعِلُهُ** بنا بر اختصار حذف شده است؛ مانند **الْصَّفَةُ الْمَشْبَهَةُ بِاسْمِ الْفَاعِلِ** که «باسم الفاعل» حذف شده است.

نام دیگر این فعل **الفعل المبنی للمجهول** است که نیازی به ذکر نام آن در تدریس نیست. از آنجا که در زبان فارسی نیز اصطلاح فعل مجهول به کار میرود؛ لذا اصطلاح **الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ** بهتر از **الفعل المبنی للمجهول** است.

هدف این است که دانش‌آموز فعل مجهول را در عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

تذکر مهم: در تمرین‌های کتاب خواسته شده است که فعل‌های گوناگون از جمله فعل مجهول به تنهایی ترجمه شود. این صرفاً یک تمرین است و در ارزشیابی میان نوبت و پایانی باید در جمله باشد.

نیازی به ذکر اصطلاحات نایب فاعل و انواع آن در کتاب عربی غیر رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نیست؛ اما در دو رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی آموزش و ارزشیابی این اصطلاحات از اهداف کتاب است.

در جدول موجود در بخش «اعلموا» حرکت فاء الفعل و عین الفعل با قرمز نمایش داده شده است تا کار معلم در تدریس و کار دانش‌آموز در یادگیری راحت‌تر شود و نوشته‌های کتاب نیز طولانی نشود. به یاد داشته باشیم که اغلب دانش‌آموز درس را یاد می‌گیرد، ولی با گذشت زمان فراموش می‌کند؛ لذا تکرار و تمرین است که موجب تثبیت آموخته‌ها می‌شود. مشکل اصلی در یادگیری بر سر تفهیم مطالب نیست.

تذکر بسیار مهم: به یاد داشته باشیم که در مبحث اعراب کلمات مبنی مانند کتاب‌های گذشته عمل نکنیم؛ مثلاً در اعراب **هو سعید**. این طور عمل کنیم. **هو مبتدا** و مبنی است. نیازی نیست که گفته شود **هو مبتدا** و محلاً مرفوع است.

دانش‌آموز در درس هفتم کتاب عربی پایه نهم با مبحث ترکیب وصفی و اضافی آشنایی مختصری پیدا کرده است. هدف از این آشنایی صرفاً توانایی فهم و ترجمه ترکیب‌هایی مانند أُخْتِي الْكَبِيرَةُ، أَخِي الْأَصْغَرُ، خَاتَمُهَا الدَّهَبِيُّ، مَزْرَعَتُنَا الْجَمِيلَةُ و عَمَلُكَ الصَّالِحُ بود. توجه داشته باشیم که ترکیب وصفی و اضافی در دو زبان فارسی بسیار شبیه هم‌اند. در فارسی گفته می‌شود، پنجره خانه و در عربی، نافذة البيت؛ در فارسی گفته می‌شود: پنجره زیبا و در عربی: النافذة الجميلة.

پس تقدیم و تأخری وجود ندارد؛ اما در فارسی گفته می‌شود پنجره زیبای خانه و در عربی نافذة البيت الجميلة. هدف این درس تفهیم همین مطلب است که دانش‌آموز تشخیص دهد الجميلة صفت برای نافذة است. در ارزشیابی و آزمون سراسری و مسابقات علمی طرح سؤال باید در جمله باشد.

طبیعی است که از آنجا که هنوز دانش‌آموزان با مطابقت موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف و مضاف‌الیه آشنا نشده‌اند، لذا طرح سؤال باید با توجه به آموخته‌های آنان باشد. هدف آموزش تطابق موصوف و صفت از نظر جنس، عدد، معرفه و نکره بودن و اعراب نیست. هرچند خود به خود این اتفاق می‌افتد و در خلال قرائت جمله‌ها دانش‌آموز پی‌می‌برد که تطابقی وجود دارد، اما آموزش مطابقت موصوف و صفت از اهداف آموزشی نیست.

همچنین آموزش اینکه مضاف ال و تنوین و نون مثنی و جمع نمی‌گیرد و مضاف‌الیه مجرور است از اهداف کتاب نیست.

برای فهم ترکیب وصفی و اضافی ابتدا باید دانش‌آموزان را به آموخته‌هایشان در ادبیات فارسی ارجاع داد.

برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی باید به نوع کلمات هر ترکیب توجه داشت.

ترکیب اسم + اسم یک «ترکیب اضافی» و ترکیب اسم + صفت «ترکیب وصفی» است.

شیوه اصلی تشخیص ترکیب وصفی از اضافی تشخیص نوع کلمات ترکیب (از نظر اسم یا صفت بودن) است؛ اما معمولاً شیوه‌های زیر برای تفهیم دانش آموز به کار برده می‌شوند.

با افزودن چیزهایی می‌توان ترکیب وصفی را شناخت.

- ۱ افزودن «تر» یا «ترین» به آخر ترکیب؛ مثال: پسرِ زرنگ، پسرِ زرنگ تر
 - ۲ افزودن فعل ربطی به آخر ترکیب‌ها؛ مثال: پسرِ زرنگ است. پسرِ زرنگ بود.
 - ۳ افزودن «ی» یا «بسیار» بین دو کلمه؛ مثال: پسری زرنگ، پسری بسیار زرنگ
- اگر با افزودن موارد فوق ترکیب‌ها از نظر معنا صحیح باشند، نوع ترکیب وصفی و در غیر این صورت، اضافی است.

نکته: برای تشخیص اسم و صفت، بیشترین مشکل دانش‌آموزان در شناخت اسم معنی است، یعنی اسمی که وجود ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیزی دیگر است؛ مثل هوش.

حوارات

گفت‌وگو با مسئول پذیرش هتل از موضوعات پرکاربرد در آموزش مکالمه است و در این درس به این موضوع پرداخته شده است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. تذکر مهم اینکه نباید در

امتحانات معنای فعل را به تنهایی و بیرون از جمله خواست. این بخش از کتاب صرفاً به منظور تقویت آموخته‌هاست. درجهٔ دشواری این تمرین بالاست.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن، واژه‌شناسی و ترجمه است. در همهٔ تمرینات کتاب درست خواندن و درست ترجمه کردن مدّ نظر است.

تمرین چهارم تا هفتم: هدف تشخیص انواع فعل است. هرچند تبدیل و ساختن ساخت‌های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمهٔ درست فعل مدّ نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمهٔ درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوهٔ درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلّم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود.

تمرین هشتم: هدف این تمرین نیز مانند چهار تمرین پیشین تقویت مهارت تشخیص انواع فعل است. این تمرین مانند تمرین سوم از آیات قرآن گلچین شده است؛ زیرا یک هدف مهم آموزش عربی فهم قرآن است.

أنوار القرآن

آیات برگزیده از معروف‌ترین و کاربردی‌ترین آیات قرآن و دربرگیرندهٔ واژگانی‌اند که دانش‌آموز تاکنون در کتاب‌های عربی مشاهده کرده است. از این آیات می‌توان به‌عنوان شاهد مثال استفاده کرد.

اجرای این تمرین به‌عنوان کار در منزل است و اگر دبیر تشخیص دهد که وقت کافی دارد و می‌تواند در کلاس انجام دهد اختیار آن را دارد.

این تذکّر برای تمام بخش‌های کتاب درسی تحت این عنوان است.

البحث العلمي: هدف تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است.

یافتن آیه، حدیث، بیت یا سخنی نغز و دلنشین دربارهٔ نعمت‌های خداوند است.

به یاد داشته باشیم درس عربی با همهٔ دروس دیگر فرق اساسی دارد.

زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود.

حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی: می‌توان در این مورد پاورپوینت یا ماهنگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد. می‌توان برای آموزش قواعد از شیوه‌نمایشی بهره گرفت.

برای مثال، معلّم به نوشته‌ای روی تخته اشاره می‌کند و می‌گوید: چون من نمی‌دانم چه کسی این را نوشته است می‌گویم «كَتَبَ عَلَيَّ اللّٰوْحَ». بعد می‌پرسد چه کسی نوشته است و وقتی مطلع شد برای مثال، می‌گوید «كَتَبَ ناصِرٌ عَلَيَّ اللّٰوْحَ». می‌توان دانش‌آموزان را پای تخته آورد و از آنها ترجمه فعل خواست.

مثلاً معنای این فعل‌ها خواسته شود:

كَتَبَ، كَتَبَ، يَكْتُبُ، يُكْتُبُ، غَسَلَ، غَسَلَ، يَغْسِلُ، يُغْسِلُ و ...

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ معادل فعل «داد» به عربی می‌شود: أَعْطَى، آتَى، سَلَّمَ؛ مثال:

گذرنامه‌ام را به او دادم. أَعْطَيْتُ آتَيْتُ أَوْ سَلَّمْتُ جَوَازِي إِيَّاهِ.

۲ یاجوج و ماجوج نام دو قبیله وحشی مغول، در اصل چیزی شبیه «یاگوگ و ماگوگ»، «یاهونگ و ماهونگ» یا «یاگوگ و ماگوگ» بوده است.

زاد و ولد قبایل مغول در گذشته بسیار بود و مغولان، دنیا را طی چند مرحله در تاریخ به خاک و خون کشیدند.

۲ فعل مجهول در محاورات روزمره عربی و گویش‌های محلی بر وزن انفعال، ینفعل بسیار آمده است؛ مثال: انقتل: کشته شد، انغلق: بسته شد، انفتح: باز شد، انظلم: ستم شد، انکتب: نوشته شد، انطبخ: پخته شد، انشرب: نوشیده شد و ... جالب اینکه در زبان فارسی گفتاری نیز فعل مجهول مانند فارسی نوشتاری نیست.

۴ اِبِل به معنای شتران و جمع آن اَبال است. این کلمه مفرد از جنس خودش ندارد.

۵ رَزُّ به معنای برنج همان الأرز و برگرفته از یونانی است. در گویش عراقی تَمَن

گفته می‌شود.

۶ در آیه شریفه زیر:

﴿إِذْ قَالَ لِأَيُّه و قومه ما هذه التماثيل﴾

إِذْ را می‌توان مفعولاً به برای فعل محذوف اذْكَر دانست.

حين قال لأَيُّه وقومه: ما هذه الأصنام التي صنعتوها، ثم أقمتم على عبادتها

ملازمین لها؟

۷ در آیه شریفه زیر:

﴿جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس﴾

البيت الحرام بدل از الكعبة و قياماً مفعولاً به دوم است.

۸ «يوم لك و يوم عليك» در «الدهر يومان يوم لك و يوم عليك» بدل تفصیل از

يومان هستند.



الدَّرْسُ السَّادِسُ

درس ششم عربی تخصصی رشته ادبیات و علوم انسانی (۱)

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ معنای اعراب (نقش و حالت کلمه^۱) را درست تشخیص دهد.
- ۶ کلمات معرب و مبنی را در حد آموزش کتاب از هم تشخیص دهد. (بیان نوع بناء لازم نیست).
- ۷ چهار حالت رفع، نصب، جر و جزم کلمات و علامت‌های آنها را در حد آموخته‌های کتاب بشناسد.
- ۸ نقش و اعراب فاعل، مفعول، مبتدا و خبر و مضاف‌الیه را درست تشخیص دهد.
- ۹ در بیان اعراب کلمات مبنی نقش آنها را بیان کند. (مثال: فاعل و مبنی)
- ۱۰ در اعراب صفت تشخیص دهد که تابع موصوفش است.

فرایند آموزش

تمام درس ششم در کتاب «عربی تخصصی رشته ادبیات و علوم انسانی» و کتاب مشترک «عربی زبان قرآن» متفاوت است.

۱ - نقش و حالت = المحل الإعرابی

متن درس ششم از کتاب «عربی تخصصی ادبیات و علوم انسانی» دربارهٔ جاذبه‌های جهانگردی در ایران است. از هر استان یکی از جاذبه‌هایش ذکر شده است. جاذبه‌های تاریخی برخی استان‌ها مانند فارس و کرمانشاه بسیار است و برخی استان‌ها کمتر اهمیت دارند. جاذبه‌های گردشگری طبیعی در برخی استان‌ها مانند مازندران، گلستان و گیلان معروف و در برخی استان‌ها مانند ایلام و لرستان با وجود زیبایی بسیار کمتر شهرت دارد.

از آنجا که هدف این بود که از هر استانی یک مورد جاذبهٔ گردشگری ذکر شود؛ لذا چند سطر از متن طولانی‌تر شده است. حذف چند سطر متن را کوتاه می‌کرد، اما موجب رنجش دانش‌آموزانی می‌شد که در این استان‌ها زندگی می‌کنند. در تصویر متن درس این اماکن آمده است:

مشهد، کوه دماوند، شاه چراغ، حافظیه و سعدیه در شیراز، پاسارگاد، کتیبهٔ بیستون، قلعهٔ فلک الافلاک خرم‌آباد، قلعهٔ والی ایلام، آرامگاه ابن سینا در همدان، آبشارهای شوشتر، بادگیرهای یزد

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس ششم عربی زبان قرآن رشتهٔ ادبیات و

علوم انسانی (۱)

الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ: آثار جَدَاب

إِنَّ إِيْرَانَ مِنْ الدُّوَلِ الْجَمِيْلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشْهُوْرَةِ بِالْكَثِيْرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ وَ التَّنَاقِيَّةِ؛ وَ فِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تَجْدِبُ السَّائِحِيْنَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ. إِيْرَانِ از كِشُوْرَهَائِ زَبِيْأَيِ جِهَانِ وَ مَشْهُوْرٌ بِهٖ بَسِيْأَرِيْ از مَنَاطِقِ جَدَّأَبِ وَ آثَارِ تَارِيْخِي وَ فَرْهَنْغِيْ اسْتِ وَ دَرِ اَنْ صِنَائِعِ دَسْتِيْ وَجُوْدِ دَارِدُ كِهْ گَرْدِشْگَرَانِ رَا از هَمِّهٔ جِهَانِ جَذَبِ مِيْ كَنْدِ. شَهِيْدَتْ إِيْرَانَ فِي السَّنَوَاتِ الْآخِيْرَةِ نُمُوًّا مَلْحُوْظًا فِي السِّيَاحَةِ، فَهِيْ تَسْتَطِيْعُ أَنْ تَحْصُلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلٰى ثَرْوَةٍ عَظِيْمَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ. يَرِيْ بَعْضُ السَّائِحِيْنَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُّمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَّلَاتِ.

ایران در سال‌های اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای را در گردشگری شاهد بوده است. ایران می‌تواند از گردشگری ثروت عظیمی را پس از نفت به دست بیاورد. برخی گردشگران، ایران را سرزمینی عالی برای گذراندن تعطیلات می‌بینند.

قَامَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو بِتَسْجِيلِ مُدُنٍ وَ مَنَاطِقٍ ثَقَافِيَّةٍ وَ تَارِيخِيَّةٍ إِيرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؛ لِأَنَّهَا تَجَذِبُ كَثِيرًا مِنَ السَّائِحِينَ إِلَيْهَا.

سازمان یونسکو به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی اقدام کرده است؛ زیرا ایران بسیاری از گردشگران را به سوی خود جذب می‌کند.

مِنَ الْأَثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيخِيَّةِ فِي إِيرَانَ:

از آثار و نشانه‌های تاریخی ایران:

آثَارُ بَرَسَبُولِيسَ وَ مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيِّ فِي مُحَافِظَةِ فَارِسَ، (آثار پرسپولیس و دو آرامگاه حافظ و سعدی در استان فارس) و «طَاقِ بُسْتَانَ» وَ «كَنْيَةِ بَيْسْتُونَ» فِي مُحَافِظَةِ كِرْمَانِشَاهِ، (و طاق بستان و کتیبه بیستون در استان کرمانشاه) وَ مَرَقْدُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَرَقْدُ الْفِرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدِ، (و مرقد امام رضا علیه السلام و فردوسی در مشهد) وَ مَرَقْدُ السَّيِّدَةِ مَعْصُومَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَدِينَةِ قُمْ، (و مرقد بانو معصومه علیه السلام در شهر قم) وَ قَلْعَةُ «فَلَكِ الْأَفْلَاقِ» فِي خُرَّمِ أَبَادِ، (و قلعه فلک الافلاک در خرم‌آباد) وَ قَلْعَةُ الْوَالِي وَ غَابَاتُ الْبَلُوطِ فِي إِيْلَامِ (و قلعه والی و جنگل‌های بلوط در ایلام) وَ «حَمَامِ كَنْجَعَلِيِّ خَانَ» فِي مُحَافِظَةِ كِرْمَانَ الْمَشْهُورَةِ بِإِنْتَاكِ الْفُسْتُقِ وَ السَّجَادِ، (و حمام گنجعلی‌خان در استان کرمان مشهور به تولید پسته و قالی) وَ سَلَالَاتُ شَوْشْتَرِ وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيَالِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَوْزِسْتَانَ، (و آبشارهای شوشتر و آرامگاه دانیال پیامبر علیه السلام در خوزستان)، وَ مَرَقْدُ ابْنِ سَيْنَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي الْعَالَمِ، وَ كَهْفُ عَلِيِّ صَدْرٍ وَ هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي هَمْدَانَ، (و مرقد ابن سینا دانشمند نامدار در جهان و غار علی‌صدر از بزرگ‌ترین غارهای آبی جهان در همدان) وَ الْعِمَارَاتُ الْأَثَرِيَّةُ فِي إِصْفَهَانَ وَ قَدْ سَجَلَتْهَا مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو الدُّوَلِيَّةُ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ، (و ساختمان‌های تاریخی در اصفهان که سازمان جهانی یونسکو آن را در لیست میراث جهانی ثبت کرده است). أَمَّا الْمُحَافِظَاتُ

الشَّمَالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينَ (Caspian) فَرَائِعُهُ بِمَنَازِرِهَا الْجَمِيلَةِ، فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلْبِطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ، وَكَأَنَّهَا قِطْعَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ. (اما استان‌های شمالی سه‌گانه بر ساحل دریای مازندران به خاطر چشم‌اندازهای زیبایشان جالب‌اند. آنها مناسب برای کارت پستال‌ها و گویی تکه‌ای از بهشت‌اند).

لَابُدُّ مِنْ تَأْلِيفِ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذَبِ السِّيَاحِيِّ فِي إِيرَانَ، نَذَكُرُ قِسْمًا آخَرَ مِنْهَا: برای برشمردن مناطق دارای جاذبه گردشگری در ایران ناگزیر به نوشتن کتابی بزرگ هستیم، بخش دیگری از آنها را ذکر می‌کنیم:

يَزِدُ وَ حَلَوِيَّاتُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ، (يزد و شیرینیجات و مناطق صحرایی‌اش) وَ تَبْرِيزُ وَ سَوْقُهَا الْمَشْهُورُ بِأَنَّهُ أَكْبَرُ سَوْقٍ مُسَقَّفٍ فِي الْعَالَمِ، فِيهِ مَكَانٌ وَاسِعٌ لِبَيْعِ السَّجَاجِيدِ وَ الدَّهَبِ. (تبریز و بازار مشهورش که بزرگ‌ترین بازار سقف‌دار جهان است و در آن جایی وسیع برای فروش فرش و طلا وجود دارد.) وَ مَدِينَةُ قَائِنِ بَلَدِ الدَّهَبِ الْأَحْمَرِ الزَّعْفَرَانِ، (و شهر قائن شهر طلای سرخ زعفران) وَ غَابَةُ حَرَاءَ فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ، (و جنگل حرّا در جزیره قشم) وَ الشَّاطِئُ الصَّخْرِيّ لِمِينَاءِ شَابَهَارِ، (و ساحل صخره‌ای بندر چاه‌بهار) وَ كَهْفُ سَهُولَانِ فِي مَهَابَادِ، وَ بَحِيرَةُ زَرَبِيَارِ فِي مَرِيوَانِ، وَ قُبَّةُ سُلْطَانِيَّةِ فِي زَنْجَانِ، وَ مُتَحَفُ الثَّرَاثِ الرَّيْفِيِّ قُرْبَ رَشْتِ، وَ بُرْجُ مِيلَادِ فِي طَهْرَانَ، (و غار سهولان در مهاباد، دریاچه زریبار در مریوان، گنبد سلطانیه در زنجان، موزه روستایی نزدیک رشت و برج میلاد در تهران) وَ الْأَنْهَارُ وَ الشَّلَالَاتُ وَ الْغَابَاتُ وَ الْعُيُونُ فِي يَاسُوجِ وَ شَهْرِكُرْدِ، (و رودها، آبشارها، جنگل‌ها و چشمه‌ها در یاسوج و شهرکرد)، وَ الطَّرِيقُ السِّيَاحِيُّ بَيْنَ مَدِينَتَيْ أَسَالِمِ وَ خَلْخَالِ، (و راه گردشگری میان دو شهر اسالم و خلخال) وَ حَدِيقَةُ بَشِ قَارْدَاشِ فِي مَدِينَةِ بُجْنُورِ، (و جنگل بش قارداش^۱ در شهر بجنورد) وَ غَابَةُ أَبْرِ (السَّحَابِ) فِي شَاهِرُودِ، وَ سَوْقُ أَرَاكِ، وَ قَلْعَةُ أَلْمُوتِ، وَ مُتَحَفُ دِلَوَارِي فِي بُوْشَهْرِ وَ أَلْفِ الْمَنَاطِقِ الْأُخْرَى.

۱- بش قارداش به ترکی به معنای پنج برادر است.

(و جنگل ابر در شاهرود، بازار اراک، قلعه الموت، موزه دلواری در بوشهر و هزاران منطقه دیگر.)

فَتَنُّوعُ مَعَالِمِ إِيْرَانِ وَ اسْتِقْرَارُ الْوَضْعِ الْأَمْنِيِّ فِيهَا يُشْجِعُ السَّائِحِينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْهَا لِرُؤْيَةِ جَمَالِ آثَارِهَا وَ طَبِيعَتِهَا الْخَلَابَةِ. (تنوع آثار ایران و استقرار وضعیت ایمن، گردشگران را به سفر به ایران برای دیدن زیبایی آثار و طبیعت جذاب تشویق می‌کند).

اعلموا

در عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی معرب و مبنی و انواع چهارگانه اعراب نیز تدریس شده است که در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) نیست. در مبحث بناء لازم نیست که دانش آموز نوع بناء را در کلماتی مانند ذهبا، یدهبُن، لا، فی و علی ذکر کند.

تطابق موصوف و صفت از اهداف این کتاب نیست.

تذکر بسیار مهم: به یاد داشته باشیم که در مبحث اعراب کلمات مبنی مانند کتاب‌های گذشته عمل نکنیم؛ مثلاً در اعراب هو سعید. این طور عمل کنیم: هو مبتدا و مبنی است. نیازی نیست که گفته شود هو مبتدا و محلاً مرفوع است.

حوارات

گفت و گو در داروخانه موضوعی پرکاربرد در آموزش مکالمه است و در این درس به این موضوع پرداخته شده است. در این بخش نام چند داروی مهم ذکر شده است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس برمی‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد. این تمرین مهارت واژه‌شناسی فراگیر را تقویت می‌کند.

تمرین دوم و چهارم: هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. تذکر مهم اینکه نباید در امتحانات معنای فعل را به تنهایی و بیرون از جمله خواست. این بخش از کتاب صرفاً به منظور تقویت آموخته‌هاست. درجه دشواری این تمرین بالاست.

در تمرین چهارم هدف تشخیص انواع فعل است. هرچند تبدیل و ساختن ساخت‌های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل مد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلّم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن، واژه‌شناسی و ترجمه است. در همه تمرینات کتاب درست خواندن و درست ترجمه کردن مد نظر است. از این تمرین در نگاشت پرسش‌های امتحانی می‌توان بهره برد.

تمرین پنجم: هدف این تمرین، تشخیص اعراب درست کلمات است. باید توجه داشت که چنین سؤالی طرح نشود: رأینا (دو گردشگر را) من آمریکا الوسطی فی المتحف. فراگیر فقط باید بتواند اعراب درست را بشناسد و تشخیص دهد. سؤال نیز در امتحان دو گزینه‌ای طرح می‌شود. مسئله آزمون سراسری یک مسابقه است و نباید آموزش ساده در مدرسه فدای آزمون سراسری شود. برخی از دبیران به بهانه آزمون سراسری سؤالات امتحانی را پر از معما می‌کنند.

اینان به پندار خود در حال خدمت هستند، ولی در اصل بدی می‌کنند؛ زیرا دانش‌آموز را از درس عربی بیزار می‌کنند. وقت دو ساعت در هفته برای تدریس این کتاب است، نه برای کار اضافه بر سازمان آن هم کاری مانند آزمون سراسری که شرایطی مجزاً برای تدریس می‌طلبد.

تمرین ششم: این تمرین یادآور درس اول عربی هفتم است. هرچند در آن کتاب تدریس شده است، ولی اگر تکرار و تمرین نباشد، از حافظه پاک خواهد شد. تمرین هفتم: هدف شناخت صیغه‌های فعل‌هاست.

تمرین هشتم: هدف شناخت کلمات معرب و مبنی است. تشخیص نوع بناء از اهداف نیست؛ مثلاً در اِشْهَدُوا لازم نیست دانش‌آموز بگوید مبنی بر حذف نون است. در یجذبُن ذکر اینکه مبنی بر سکون است از اهداف آموزشی نیست.

تمرین نهم: علاوه بر تقویت مهارت خوانش و ترجمه تشخیص اِعراب کلمات نیز هدف است. از آنجا که دانش‌آموز هنوز در آغاز راه است؛ لذا کلماتی که با ساختار آموزش داده شده مطابقت دارد رنگی شده است تا مشکل و چالش آموزشی ایجاد نشود. نمی‌توان توقع داشت که دانش‌آموز آغاز راه همانند دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب اِعراب کلمات را بگوید.

البحث العلمي

هدف تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. در بسیاری از مناطق ایران جاذبه‌های گردشگری و تاریخی وجود دارد که گاهی اهالی همان استان نیز بی‌خبرند. موضوع پژوهش در صورت داشتن وقت موضوع جالبی است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همهٔ دروس دیگر فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پاورپوینت یا نماهنگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- معالم: نشانه‌ها، علائم، آثار [باستانی]، بقایا / معالم عامة؛ خطوط کلی، سیمای کلی
مَعْلَم جمع مَعَالِم، علامت را؛ «خَفِيَتْ مَعَالِمُ الطَّرِيقِ»؛ نشان راه گم شده است

«مَعْلَمُ الشَّيْءِ»؛ جای چیزی. مَحَدُّ الْمَعَالِمِ؛ مشخص، آشکار، دارای چارچوب روشن معالِم الجَرِیمَةِ؛ آثار جنایت / عُدْوَان مَحَدُّ الْمَعَالِمِ؛ تجاوز آشکار، تجاوز صریح - قَضَاء از جمله کلماتی است که معانی گوناگون دارد:

شهرستان، قضاوت، نابود کردن، انجام دادن، تکمیل، از بین بردن، اجرای عدالت، صادر کردن حکم، حکم، تحمیل کردن، اجابت کردن، پاسخ مثبت دادن به نیاز، پرداخت کردن (دین، وام و ...)، رأی دادگاه در اصطلاح برخی کشورها یکی از تقسیمات اداری شهرستان‌هاست که تابع استانداری می‌باشد به معنای فرمانداری.

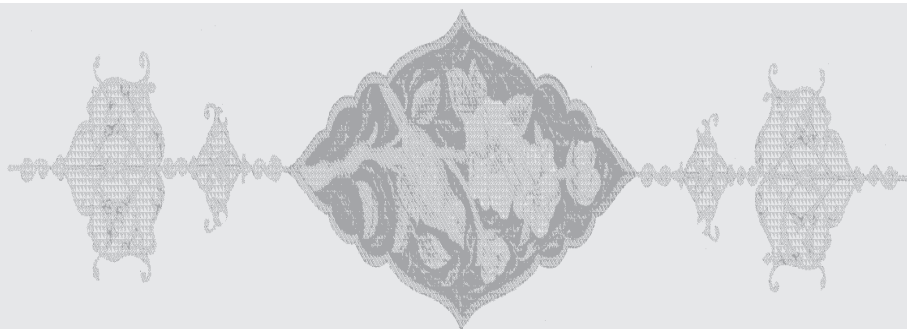
- بلوط در عربی گَسْتَنَاءَة و بَلُوط گفته می‌شود.

- دریای مازندران در عربی و نیز در بیشتر کشورهای مسلمان دریای قزوین و در غرب دریای کاسپین گفته می‌شود. نام قزوین مَعْرَب کاسپین است. کاسپین یادآور نام دو گروه از ایرانیان باستان کاسی‌ها و پین‌هاست. تبدیل کاف به قاف در زبان فارسی تحت تأثیر عربی رایج است؛ مثال:

کوهستان: قُهَسْتَان، کومه: قُم، کرماشان (کرمانشاه): قِرْمَاسَان و قَرْمَسِین، ابرکوه: اِبْرَقُو، گند: قَنْد، کارمان یا کهرمان: قَهْرْمَان، کندک: خَنْدَق و ... - بَرِید در عربی برگرفته از نام فارسی بُرِید است.

گفته شده است که دم اسبان را می‌بریدند تا تندتر بدونند و بُریده به بُرید تبدیل شده است.

بعید نیست واژهٔ POST در انگلیسی نیز همان پوست باشد؛ زیرا بنیانگذار صنعت پست در جهان ایرانیان دورهٔ هخامنشی بودند.



الدَّرْسُ السَّابِعُ مِنْ كِتَابِ «الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْقُرْآنِ»
و الدَّرْسُ الثَّامِنُ مِنْ كِتَابِ «الْعَرَبِيَّةُ لِلْعُلُومِ الْإِنْسَانِيَّةِ»

درس هفتم کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) و درس هشتم عربی زبان
قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی (۱)

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام آموزشی درس را درک کند.^۱
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ معانی حروف جر را بشناسد.
- ۶ جار و مجرور را در متن و عبارت تشخیص دهد.
- ۷ در کتاب عربی رشته علوم انسانی (نه عربی مشترک) علامت جر را در اسم مجرور به جر تشخیص دهد.
- ۸ نون وقایه را تشخیص دهد و فعل‌هایی را که نون وقایه دارند درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس متنی جذاب است که موجب علاقه‌مندی دانش‌آموز به یادگیری عربی می‌گردد. تفکر در آفریده‌های خداوند توصیه بزرگان دین است. متن درس هفتم درباره دلفین است. دانش‌آموز با خواندن این متن در آفریده‌های خداوند می‌اندیشد. خواندن چنین متن‌هایی برای دانش‌آموزان بسیار جذاب است. در پایان حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ زینت بخش متن درس شده است. این حدیث درباره دریا و در پیوند با موضوع درس است.

۱- پیام درس درباره تفکر در عجائب آفریده‌های خداوند است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

﴿يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ﴾؛ ای آنکه شگفتی‌هایش در دریاست.
يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعاً عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَاناً مِنَ الْغُرْقِ، وَ أَوْصَلَهُ
إِلَى الشَّاطِئِ.

اعضای خانواده فیلمی جالب را دربارهٔ دلفینی که انسانی را از غرق شدن نجات داده
و به ساحل رسانده است، می‌بینند.

حامد: لا أَصَدِّقُ؛ هذا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا.

حامد: باور نمی‌کنم؛ این چیزی شگفت‌انگیز است. خیلی مرا به حیرت می‌اندازد.

الأب: يا وُلْدِي، لَيْسَ عَجِيباً؛ لِأَنَّ الدُّلْفَيْنَ صَدِيقَ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

پدر: ای پسر، عجیب نیست؛ زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست.

صَادِقٌ: تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَّفْنَا عَلَيَّ هَذَا الصَّدِيقِ.

صادق: ای پدر، باور کردنش سخت است، ما را با این دوست آشنا کن.

الأب: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ ضِعْفِي

وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تُرْضِعُ صِغَارَهَا.

پدر: حافظه‌ای قوی دارد و شنوایی‌اش ده بار بر شنوایی انسان برتری دارد و وزنش تقریباً

دو برابر وزن انسان است و از جانداران پستانداری است که به بچه‌هایش شیر می‌دهد.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

نورا: او جاندار باهوش است که کمک به انسان را دوست دارد! آیا این‌طور نیست؟

الأب: نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدُّلْفَيْنُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ مَكَانِ

غُرْقِ سَفِينَةٍ.

پدر: بله؛ البته، دلفین‌ها می‌توانند ما را به جای سقوط هواپیمایی، یا جای غرق شدن

کشتی‌ای راهنمایی کنند.

الأمُّ: تُؤَدِّي الدُّلْفَيْنُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ مِنْ

عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجْمَعُ الْأَسْمَاكِ.

مادر: دلفین‌ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کنند و آنچه را زیر آب است از شگفتی‌ها و رازها کشف می‌کنند و به انسان در یافتن جاهای گرد هم آمدن ماهیان کمک می‌کنند.

صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعَا؟

صادق: دلفین‌ها را دیده‌ام که حرکت‌های گروهی انجام می‌دهند، آیا با هم سخن می‌گویند؟

الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُعْنِي كَالطُّيُورِ، وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

مادر: بله؛ در دانشنامه‌ای علمی خواندم که دانشمندان تأکید می‌کنند که او می‌تواند با به کار گرفتن صداهایی مشخص سخن بگوید و مانند کودکان گریه کند و مانند انسان سوت بزند و بخندد.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

نورا: آیا دلفین‌ها دشمن دارند؟

الْأَبُّ: بِالتَّأَكُّدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينُ سَمَكَ الْقِرْشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظْرُهَا عَلَى سَمَكَةِ الْقِرْشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنْوْفِهَا الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا.

پدر: البته، دلفین‌ها کوسه‌ماهی را دشمن خودشان به شمار می‌آورند و هرگاه نگاهشان به کوسه‌ماهی بیفتد، به سرعت دورش جمع می‌شوند و آن را با بینی‌های تیزشان می‌زنند و می‌کشند.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

نورا: و آیا به راستی دلفین انسان را دوست دارد؟

الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرِنْتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى الْأَعْمَاقِ بِسِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَعْتَهُ إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دَلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ

قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

پدر: بله؛ بیا این خبر را در اینترنت بخوانیم: ... جریان آب مردی را به شدت به اعماق کشید و آن مرد پس از نجاتش گفت: ناگهان چیزی مرا با زور به بالا برد سپس مرا به ساحل برد و وقتی که تصمیم گرفتم که از نجات دهنده‌ام سپاسگزاری کنم کسی را نیافتم، ولی دلفین بزرگی را نزدیکم دیدم که با شادمانی در آب می‌جهید.

الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحْرَ وَالْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

مادر: بی‌گمان دریا و ماهی‌ها نعمتی بزرگ از خداوندند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: النَّظْرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةً: النَّظْرُ فِي الْمُصْحَفِ وَالنَّظْرُ فِي وَجْهِ

الْوَالِدَيْنِ وَالنَّظْرُ فِي الْبَحْرِ.

فرستاده خداوند فرموده است:

نگاه کردن به سه چیز عبادت است: نگاه کردن به قرآن، به چهره پدر و مادر و به دریا.

در انتهای هر یک از متون کتاب عربی دهم درک مطلبی تنظیم شده تا دانش‌آموز

آموخته‌های خود را در خلال این تمرین بیازماید.

اعلموا

هدف آموزش معنای حروف جرّ و تشخیص جرّ و مجرور در متن و عبارت است. در کتاب مشترک عربی زبان قرآن و حتی عربی زبان قرآن رشته ادبیات و علوم انسانی نهادن اعراب جر هدف نیست. در کتاب مشترک عربی زبان قرآن (۱) لازم نیست دانش‌آموز بیاموزد اعراب صحیح اسم‌های پس از حرف جر چیست.

دانش‌آموز علاقه‌مند در دانشگاه و در رشته زبان و ادبیات عرب ادامه تحصیل خواهد داد و این ظرایف را خواهد آموخت و عقل حکم می‌کند چنین دانش‌آموزی در رشته علوم و معارف اسلامی یا ادبیات و علوم انسانی ادامه تحصیل دهد. اما در عربی رشته ادبیات و علوم انسانی لازم است که دانش‌آموز بتواند علائم جر را بشناسد و در پاسخ به چنین سؤالاتی بتواند درست پاسخ دهد:

صَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- اَلْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي اَلْأَمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

مُنَظَّمَةٌ

مُنَظَّمَةٌ

اَللَّهِ

اَللَّهُ

- أَحَبُّ عِبَادِ اَللَّهِ إِلَى أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

هَجْرٍ

هَجْرٍ

- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ كِ اَلْقِيَامَةِ.

اَلشَّجَرِ

اَلشَّجَرِ

- اَلْعَالَمِ بِلا عَمَلٍ كَ بِلا تَمَرٍ.

نِصْفَانِ

نِصْفَيْنِ

- سَعِيدٌ قَسَمَ اَلْمَزْرَعَةَ إِلَى

اَلْمُسْلِمُونَ

اَلْمُسْلِمِينَ

- رُبُعُ سُكَّانِ اَلْعَالَمِ مِنْ

تَرْجِمِ اَلْآيَتَيْنِ وَ اَلْأَحَادِيثَ، ثُمَّ صَعُ خَطًّا تَحْتَ اَلْجَارِّ وَ اَلْمَجْرورِ، وَ اذْكُرْ عِلْمَةَ اَلْجَرِّ.

۱ ﴿وَ اذْخُلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ اَلنَّمَلُ / ۱۹

۲ ﴿وَ اَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ / ۱۴۷

۳ اَدَّبَ اَلْمَرْءُ خَيْرًا مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُوْلُ اَللَّهِ ﷺ

حروف جر، معانی بسیاری دارند. در این کتاب فقط معانی مشهور و پرکاربرد آموزش داده شده است.

در مبحث نون وقایه نیز هدف فقط تقویت توانایی ترجمه صحیح فعل‌هایی است که نون وقایه دارد. نون وقایه در کتاب درسی فقط به فعل وصل شده است و مثالی از نون وقایه در کلماتی مانند عَنِّي و مِنِّي نیامده است. از طرح سؤالاتی که از دانش‌آموز می‌خواهد نون وقایه را در جای صحیح به کار ببرد خودداری شود؛ مثال:

تَعْرِفُ+ي= ... اِسْأَلُ+ي= ...

سؤال باید این گونه باشد: ترجمه کنید. اَأَنْتَ تَعْرِفُنِي؟، اِسْأَلْنِي مَا تُرِيدُ.

در تمرینات کتاب چند فعل به تنهایی آمده است؛ در امتحان این گونه سؤال طرح نشود. همه کلمات باید در دل جمله باشند. تمرینات کتاب صرفاً برای تقویت مهارت شناخت فعل این گونه به کار رفته‌اند.

تمرین سوم (در عربی علوم انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی با تکیه بر یادگیری کلمات مترادف و متضاد است.

تمرین چهارم (در عربی مشترک): هدف شناخت و تشخیص جارّ و مجرور در جمله است. گزینش آیات و احادیث برای این است که فراگیر بداند یک دلیل اصلی یادگیری زبان عربی فهم بهتر قرآن و متون دینی است.

تمرین چهارم (در علوم انسانی): هدف تقویت توانایی ترجمه انواع فعل است.

تمرین پنجم (در علوم انسانی): هدف تقویت توانایی تشخیص جار و مجرور و نیز علامت جر (ـِ، ـَ، ـِ، ی در ین و ین) است.

نیازی به ذکر اصطلاحات اعراب اصلی و فرعی نیست.

تمرین ششم و هفتم (در عربی مشترک): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است و در دروس قبل، درباره اهمیت آن گفته شد.

تمرین ششم (در عربی علوم انسانی): هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی با تکیه بر انواع فعل است.

از طرح چنین سؤالاتی در امتحانات و مسابقات خودداری شود.

در امتحان کلمات در جمله قرار داده میشوند.

تمرین هشتم (در عربی مشترک) یا تمرین هفتم (در عربی علوم انسانی): هدف تقویت اندوخته واژگانی دانش‌آموز است. از آنجا که ترجمه از فارسی به عربی از اهداف کتاب نیست؛ لذا ۲۳ پاسخ روبه‌روی دانش‌آموز قرار دارد. دانش‌آموزان حلّ جدول رمزدار را دوست دارند. رمز جدول «الدهر یومان یوم لك و یوم علیك» این روایت از حضرت علی علیه السلام است.

در این تمرین کلماتی که به هر دلیل کمتر تکرار شده است جا داده شده‌اند.

تمرین نهم و دهم (در عربی مشترک): آیات قرآن و سخنان حکیمانه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

و حضرت علی علیه السلام زینت بخش این دو تمرین است.

سعی شده است جملات در عین حال که از نظر ساختاری دقیقاً مطابق با اهداف

آموزشی کتاب هستند از نظر مفهومی به روز و قابل فهم برای دانش آموز باشد. در تمرین نهم هدف تعیین نقش کلمات رنگی است. دانش آموز رشته غیر انسانی و معارف در «ذکر الله شفاء القلوب» کافی است بگوید القلوب مضاف الیه است و نیازی نیست بگوید مضاف الیه و مجرور به کسره است.

تمرین هشتم (در عربی علوم انسانی): هدف قرائت صحیح و ترجمه احادیث است. همچنین باید فراگیر اعراب کلمات رنگی را ذکر کند؛ مثلاً در بیان اعراب ذکر در ذکر الله شفاء القلوب. همین که بگوید ذکر مبتدا و مرفوع به ضمّه است کفایت می کند. اما نباید تشکیل یا اعراب گذاری را از دانش آموزان خواست.

چنین مهارتی در دانشگاه به دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب و مترجمی زبان عربی آموزش داده خواهد شد.

تمرین نهم (در عربی علوم انسانی): هدف این تمرین همان هدف مطرح شده در تمرین هشتم است. فقط تنوعی در طرح سؤال صورت گرفته است.

انوار القرآن

به توضیحات درس قبل مراجعه شود.

ارزشیابی

روش نمایشی شیوه‌ای مناسب برای آموزش ساختار این درس است. چند دانش آموز عهده دار نقشی ارائه شده در درس می شوند. می توان از روش رادیویی و یا نمایشی هر کدام به اختیار خود استفاده کرد.

در روش رادیویی نیازی به هیچ تدارکاتی نیست و تنها شنیدن صدای بازیگران کافی است. در روش نمایشی بینندگان شاهد اجرای زنده متن درس خواهند بود و طبیعی است که تدارکاتی باید تهیه شود.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ معادل نجات داد به عربی: أَنْقَذَ، أَنْجَى، نَجَّى، خَلَّصَ، اسْتَنْقَذَ و ...
- ۲ شاطِئٌ از ریشه «ش ط ء» است.
- شَطَاءٌ (شَطَاءٌ و شُطُوءًا)؛ کنار دریا راه رفت، در ساحل راهپیمایی کرد.
- شَطَاءٌ: جمع أَشْطَاءٍ: برگ کشت، شاخه تازه نخل
مِنَ الشَّجَرِ؛ آنچه که اطراف ریشه درخت روید.
- ۳ ضِعْفٌ یعنی دو برابر. ضَعَّفَهُ؛ او را ناتوان کرد، او را ناتوان شمرد، آن را دو برابر کرد.
- ضِعْفٌ: جمع أَضْعَافٍ: «ضِعْفُ الشَّيْءِ»؛ دو برابر هر چیزی یا مانند آن.
- ۴ أَدَّى، یعنی دست به ... زد، را انجام داد، اقدام به ... کرد، را عملی کرد، را تمام کرد (انجام داد). أَدَّى إِلَى: منجر شد به. أَدَّى مَهْمَةً؛ مأموریتی را انجام داد. أَدَّى إِلَى الْعُنْفِ؛ به خشونت گرایید. أَدَّى إِلَى إِجْرَاءِ تَحْقِيقٍ؛ منجر به انجام يك تحقیقات شد، منتهی به یک رسیدگی شد.
- ۵ کلمه «دَوْر» در درس هفتم به معنای «نقش» است و علاوه بر آن به این معانی نیز به کار می‌رود: تأثیر، نوبت، وظیفه، بار (دفعه)، مدت، دوره، مرحله و ... بِالذَّوْرِ: به نوبت، دور الوسیط: نقش میانجی، دور حاسم: نقش حسّاس، دور فاعل: نقش مؤثر
- ۶ سُبْحَانَ در سُبْحَانَ اللَّهِ (سبحان: مفعول مطلق منصوب بالفتحة و هو مضاف. اللّهِ: لفظ الجلالة، مضاف الیه مجرور بالكسره)
- ۷ دِمَشِقٌ تَلْفُظٌ عربی و دِمَشِقٌ تَلْفُظٌ فارسی آن است.
- ۸ شَرَشَفٌ به معنای ملافه ریشه فارسی دارد. شَرَشَفٌ از چادرشَب گرفته شده است. چادرشَب یعنی چادری که شب هنگام استفاده می‌شود. در گویش عراقی چَرَجَفٌ گفته می‌شود.
- ۹ اِنْتَصَلَ بِهِ، یعنی به او زنگ زد و در گویش عراقی خَابَرَهُ و در حجازی دَقَّ عَلَيْهِ به کار می‌رود.

الدَّرْسُ السَّابِعُ

درس هفتم عربی تخصصی علوم انسانی (۱)

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ فعل مجهول را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۶ نایب فاعل و اعراب آن را درست تشخیص دهد.
- ۷ انواع فاعل و نایب فاعل را بشناسد.
- ۸ موصوف و صفت را در جمله درست تشخیص دهد.
- ۹ صفت مؤخَّر را در جمله تشخیص دهد و درست ترجمه کند.^۱

فرایند آموزش

نفت از مهم‌ترین منابع درآمد ایران است. دانستن اطلاعات علمی در این باره برای دانش‌آموز سودمند خواهد بود. همانند سفره‌ای که جز غذای اصلی خوردنی‌های متنوع دیگری نیز بر سر آن است، متن این درس تنوعی جذاب خواهد بود.

۱- منظور از صفت مؤخَّر صفتی است که پس از مضاف و مضاف‌الیه آمده است؛ مانند الصالحین در «السلام علی عبادِ اللَّهِ الصالحین» و العزیز در «یا أخی العزیز».

هماهنگی در ترجمه متن درس هفتم عربی تخصصی علوم انسانی (۱)

﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ هود / ۶۱
 او شما را از زمین پدید آورد و خواستار آباد کردنش از شما شد.

صِنَاعَةُ النَّفْطِ: صِنْعَتُ نَفْتٍ

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟ يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ الْحَفَرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.
 چگونه نفت را به دست می آوریم؟ انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند و گاهی این استخراج وقت بسیاری می گیرد؛ زیرا حفر در طبقات صخره هاست.
 فِي إِيرَانَ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَالْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ.

در ایران ثروت های بسیاری درون زمین وجود دارد. کشور ما سرشار از نفت و گاز است و بخشی از آنها را به کشورهای صنعتی صادر می کند.
 عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ.

انسان نفت را از دیرباز شناخته است و آن را از سطح زمین جمع می کرد و به عنوان سوخت و برای درمان بیماری های پوستی از آن استفاده می کرد.
 يَحْفَرُ الْإِنْسَانُ بِرَاءً وَ يَضَعُ أَنْبُوبًا فِيهَا. يَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَسِطَةِ الْأَنْبُوبِ. يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِمِفْتَاحٍ.

انسان چاهی را حفر می کند و در آن لوله ای می گذارد. نفت به وسیله لوله بالا می رود. لوله با کلیدهایی باز و بسته می شود.

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبِيبِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ عَبْرَ نَاقِلَاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَسِطَةِ الْأَنْبِيبِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَعْمَدُ أَجْهَزَةٌ تُقَلِّلُ الصَّغْطَ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبِيبُ سَالِمَةً.

انتقال نفت از راه لوله‌ها کم خطرتر و کم هزینه‌تر از انتقال آن از راه نفت‌کش‌هاست و برای آسان‌سازی انتقال نفت به وسیله لوله‌ها از سرازیری‌ها دستگاه‌های کاهش فشار استفاده می‌شود تا لوله‌ها سالم بمانند.

لِإِيرَانَ تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبِيَبِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحَهَا فِي مَدِّ حُطُوطِ الْأَنْبِيَبِ وَ صِيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِنِ الْإِنْتِاجِ إِلَى أَمَاكِنِ الْإِسْتِهْلَاكِ. ایران تجربه‌های بسیاری در صنعت انتقال نفت از راه لوله دارد و از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده نفت و موفق‌ترین آنها در کشیدن خطوط لوله و نگهداری آنها از مکان‌های تولید تا مکان‌های مصرف است.

عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبِيَبِ تَوْجَدُ أَعْمِدَةٌ اتِّصَالَاتٍ كَمَحَطَاتِ إِنْذَارٍ، وَ لَوْحَاتٍ تَحْذِيرِيَّةٌ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ تَحْذُرُ الْمُوَطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرْعَةِ؛ وَ تَجِبُ عَلَى كُلِّ مُوَطِنٍ صِيَانَةُ هَذِهِ الْأَنْبِيَبِ وَ الْإِتِّصَالَ بِالشَّرِكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطَرِ.

در امتداد لوله‌ها دکل‌های مخابراتی به‌عنوان ایستگاه‌های هشدار وجود دارند و تابلوهای هشدار به رنگ زرد هم‌میهنان را از کندن زمین برای ساخت ساختمان یا کشاورزی بر حذر می‌دارد و بر هر هم‌میهنی واجب است که از این لوله‌ها نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت [خطوط لوله و مخابرات شرکت نفت] تماس بگیرد. نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُشْتَقَّاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ الزُّيُوتِ؛ وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرَ فِي الصَّنَاعَةِ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ وَ مُبِيدَاتُ الْحَشْرَاتِ، وَ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمِيَاوِيُّ وَ غَيْرُهَا.

از نفت فراورده‌های بسیاری مانند بنزین و روغن به‌دست می‌آوریم و نفت در صنعت استفاده دیگری دارد، از آن پلاستیک، عطر، دارو، حشره‌کش، مواد آرایشی، خمیردندان، کود شیمیایی و غیره ساخته می‌شود.

كَيْفَ يُنْقَلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟ يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْأَبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى الْمَصَافِي عَبْرَ الْأَنْبِيَبِ. نفت چگونه و به کجا انتقال داده می‌شود؟ نفت از چاه‌ها یا بندرها به پالایشگاه‌ها از راه لوله‌ها منتقل می‌شود.

ثُمَّ تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ مُشْتَقَاتِ النَّفْطِ مِنَ الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوُقُودِ فِي الْبِلَادِ.
سپس نفت‌کش‌ها مشتقات نفت را از پالایشگاه‌ها به ایستگاه‌های سوخت در کشور
انتقال می‌دهند.

اعلموا

هدف قواعد درس هفتم عربی علوم انسانی آموزش شناخت و ترجمه فعل مجهول در جملات عربی است. اَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فاعِلُهُ یعنی فعلی که فاعلش مجهول است. لفظ فاعِلُهُ بنابر اختصار حذف شده است؛ مانند اَلصَّفَةُ الْمُشَبَّهَةُ بِاسْمِ الْفَاعِلِ که «باسم الفاعل» حذف شده است.

نام دیگر این فعل اَلْمَبْنِيُّ لِلْمَجْهُولِ است که نیازی به ذکر نام آن در تدریس نیست. از آنجا که در زبان فارسی نیز اصطلاح فعل مجهول به کار می‌رود؛ لذا اصطلاح اَلْفِعْلُ الْمَجْهُولُ بهتر از اَلْفِعْلُ الْمَبْنِيُّ لِلْمَجْهُولِ است.

هدف این است که دانش‌آموز فعل مجهول را در عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

تذکر مهم: در تمرین‌های کتاب، خواسته شده است که فعل‌های گوناگون از جمله فعل مجهول به تنهایی ترجمه شود. این موضوع صرفاً یک تمرین است و در ارزشیابی میان نوبت و پایانی باید در جمله باشد.

نیازی به ذکر اصطلاحات نایب فاعل و انواع آن در کتاب عربی غیر رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نیست. اما در دو رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی آموزش و ارزشیابی این اصطلاحات از اهداف کتاب است.

در جدول موجود در بخش «اعلموا» حرکت فاء الفعل و عین الفعل با قرمز نمایش داده شده است تا کار معلّم در تدریس و کار دانش‌آموز در یادگیری راحت‌تر شود و نوشته‌های کتاب نیز طولانی نشود.

به یاد داشته باشیم که اغلب دانش‌آموز درس را یاد می‌گیرد، ولی با گذشت زمان فراموش می‌کند؛ لذا تکرار و تمرین است که موجب تثبیت آموخته‌ها می‌شود. مشکل اصلی در یادگیری بر سر تفهیم مطالب نیست. تذکر بسیار مهم: به یاد داشته باشیم که در مبحث اعراب کلمات مبنی، مانند کتاب‌های گذشته عمل نکنیم؛ مثلاً در اعراب هَوَ سَعِيدٌ این طور عمل کنیم. هَوَ مبتدا و مبنی است. نیازی نیست که گفته شود هَوَ مبتدا و محلاً مرفوع است. دانستن ضمیر مستتر کمکی به فهم زبان نمی‌کند. در واقع وجود این نوع فاعل از نظر منطق لازم نبوده است و به همین دلیل مذکور نیست. در جملات اذهبِ اِلی بیتی. و اِذْهَبْ اِلی بیتی. اگر وجود فاعل لازم بود ذکر می‌شد و گفتن اینکه فاعل ضمیر مستتر انا و اَنْتَ است، ارزشی در فهم زبان ندارند. از دبیان گرامی درخواست داریم به همین اندازه بسنده کنند که در جمله اذهبِ اِلی بیتی. فاعل ضمیر مستتر است و به ذکر اینکه فاعل ضمیر مستتر انا است نیازی نیست؛ برای مثال، در جمله «ما جاءَ اِلاّ انا» اگر بخواهیم بگوییم فاعل ضمیر مستتر هُوَ است، غیر منطقی می‌باشد.

فَنِّ التَّرْجَمَةِ

دانش‌آموز در درس هفتم کتاب عربی پایه نهم با مبحث ترکیب وصفی و اضافی آشنایی مختصری پیدا کرده است. هدف از این آشنایی صرفاً توانایی فهم و ترجمه ترکیب‌هایی مانند اُخْتِ الْكَبِيرَةِ، اَخِي الْاَصْغَرُ، خَائِمَةُ الدَّهَبِي، مَزْرَعَتُنَا الْجَمِيلَةُ و عَمَلُكَ الصَّالِحُ بود.

توجه داشته باشیم که ترکیب وصفی و اضافی در دو زبان فارسی بسیار شبیه هم هستند. در فارسی گفته می‌شود پنجره خانه و در عربی نافذة البيت؛ در فارسی گفته می‌شود «پنجره زیبا» و در عربی «النافذة الجميلة» پس تقدم و تأخری وجود ندارد؛ اما در فارسی گفته می‌شود «پنجره زیبای خانه» و در عربی «نافذة البيت الجميلة» هدف این درس تفهیم همین مطلب است که دانش‌آموز تشخیص دهد «الجميلة» صفت

برای «نافذۀ» است. در ارزشیابی و آزمون سراسری و مسابقات علمی طرح سؤال باید در جمله باشد. طبیعی است که از آنجا که هنوز دانش‌آموزان با مطابقت موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف و مضاف‌الیه آشنا نشده‌اند، لذا طرح سؤال باید با توجه به آموخته‌های آنان باشد. هدف آموزش تطابق موصوف و صفت از نظر جنس، عدد، معرفه و نکره بودن و اعراب نیست. هرچند خود به خود این اتفاق می‌افتد و در خلال قرائت جمله‌ها دانش‌آموز پی می‌برد که تطابقی وجود دارد، اما آموزش مطابقت موصوف و صفت از اهداف آموزشی نیست. همچنین آموزش اینکه مضاف ال و تنوین و نون مثنوی و جمع نمی‌گیرد و مضاف‌الیه مجرور است از اهداف کتاب نیست.

برای فهم ترکیب وصفی و اضافی ابتدا باید دانش‌آموزان را به آموخته‌هایشان در ادبیات فارسی ارجاع داد.

برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی باید به نوع کلمات هر ترکیب توجه داشت.

ترکیب اسم + اسم یک «ترکیب اضافی» و ترکیب اسم + صفت «ترکیب وصفی» است. شیوه اصلی تشخیص ترکیب وصفی از اضافی تشخیص نوع کلمات ترکیب (از نظر اسم یا صفت بودن) است؛ اما معمولاً شیوه‌های زیر برای تفهیم دانش‌آموز به کار برده می‌شوند. با افزودن چیزهایی می‌توان ترکیب وصفی را شناخت.

۱ افزودن «تر» یا «ترین» به آخر ترکیب؛ مثال: پسرِ زرنگ، پسرِ زرنگِ تر

۲ افزودن فعل ربطی به آخر ترکیب‌ها؛ مثال: پسرِ زرنگ است. پسرِ زرنگ بود.

۳ افزودن «ی» یا «بسیار» بین دو کلمه؛ مثال: پسری زرنگ، پسری بسیار زرنگ

اگر با افزودن موارد فوق ترکیب‌ها از نظر معنا صحیح باشند، نوع ترکیب وصفی و در غیر این صورت اضافی است.

نکته: برای تشخیص اسم و صفت، بیشترین مشکل دانش‌آموزان در شناخت اسم معنی است، یعنی اسمی که وجود ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیزی دیگر است؛ مثل هوش.

حوارات

گفت‌وگو با مسئول پذیرش هتل از موضوعات پرکاربرد در آموزش مکالمه است و در این درس به این موضوع پرداخته شده است.

در متن مکالمه عدد مئتان و عشرون به کار رفته است.

هدف توسعه آموزش عدد نیست. همین یک مثال، کافی است که دانش‌آموز بداند عددهای صد به بالا نیز ساده است و همین که تا صد را می‌داند، نشانگر دانستن بقیه اعداد است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. تذکر مهم اینکه نباید در امتحانات معنای فعل را به تنهایی و بیرون از جمله خواست. این بخش از کتاب صرفاً به منظور تقویت آموخته‌هاست. درجه دشواری این تمرین بالاست.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن، واژه‌شناسی و ترجمه است. در همه تمرینات کتاب درست خواندن و درست ترجمه کردن مد نظر است. طرح این سؤال در امتحانات توصیه می‌شود.

تمرین چهارم، پنجم، هشتم، نهم و دهم: هدف تشخیص انواع فعل است؛ هرچند توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل هم مد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد

و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلّم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود. به خاطر ارزش بالای یادگیری فعل مدام مشابه این تمرینات در کتاب تکرار می‌شود. این تکرار در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت.

البحث العلمي

هدف تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. یافتن آیه، حدیث، بیت یا سخنی نغز و دلنشین دربارهٔ نعمت‌های خداوند است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همهٔ دروس دیگر، فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. حجم پژوهش چندان مدّ نظر نیست. شاید چند سطر پژوهش از چند صفحه بالاتر باشد. اجرای این بخش در کلاس در صورت داشتن فرصت زمانی است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پاورپوینت یا نم‌هاگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد. می‌توان برای آموزش قواعد از شیوهٔ نمایشی بهره گرفت. برای مثال، معلّم به نوشته‌ای روی تخته اشاره می‌کند و می‌گوید چون من نمی‌دانم چه کسی این را نوشته است می‌گویم «كُتِبَ عَلَى اللّٰوْحِ». بعد می‌پرسد چه کسی نوشته است و وقتی مطلع شد برای نمونه، می‌گوید «كَتَبَ ناصِرٌ عَلَى اللّٰوْحِ». می‌توان دانش‌آموزان را پای تخته آورد و از آنها ترجمهٔ فعل خواست؛ مثلاً معنای این فعل‌ها خواسته شود:

كُتِبَ، كَتَبَ، يَكْتُبُ، يُكْتُبُ، عَسَلَ، عَسَلَ، يُعَسِلُ، يُعَسِلُ و ...

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی

است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ فعل مجهول در محاورات روزمرهٔ عربی و گویش‌های محلی بر وزن انفعال، ینفعل بسیار آمده است؛ مثال: انقتل (انکتل): کشته شد، انغلق: بسته شد، انفتح: باز شد، انظلم: ستم شد، انکتب: نوشته شد، انطبخ: پخته شد، انشرب: نوشیده شد، انسَمَع: شنیده شد، انخرب: خراب شد، انصنع: ساخته شد، انجرح: زخمی شد و ...

۲ اِپِل به معنای شتران و جمع آن آبال است. این کلمه مفرد از جنس خودش ندارد.

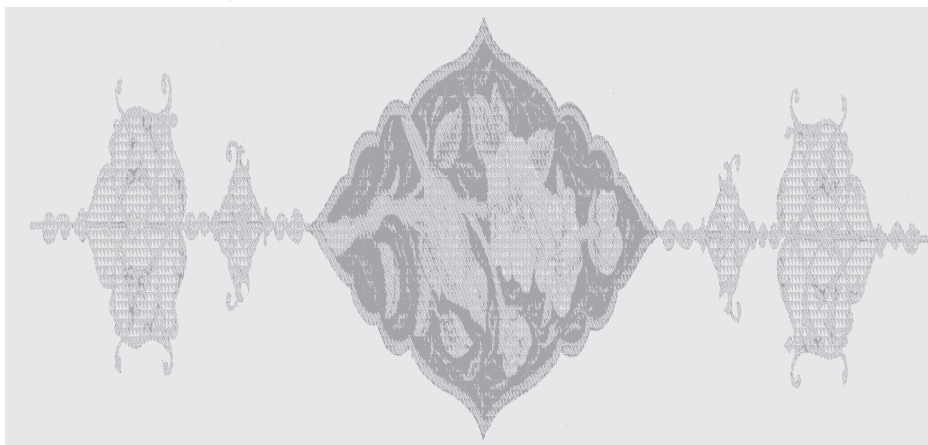
۳ رُزَّ به معنای برنج همان الأرز و برگرفته از یونانی است. در گویش عراقی تَمَن گفته می‌شود.

۴ نَفَط و نَفَط هر دو درست هستند. نفت واژه‌ای فارسی است که وارد عربی شده است. در اوستا نپته آمده است.

۵ معادل روغن در عربی عبارت است از: زَیْت، دُهْن و سَمَن

۶ معنای کلمه «انتقال» در فارسی و عربی فرق دارد. در فارسی معنای متعدی و در عربی معنای لازم دارد.

۷ آبار جمع بئر است. آبار در اصل آبئار و خلاف قاعده، آبار گفته شده است. در گویش عربی حجازی آبیار می‌گویند.



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

درس هشتم عربی زبان قرآن (۱)

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.^۱
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۵ اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه را در متن و عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ ملامت ادب فارسی است. نقش این درس در تبیین یکی از اهداف اصلی آموزش عربی در ایران بسیار ارزنده است. دانش‌آموز با خواندن ملامت شیخ اجل سعدی و لسان‌الغیب حافظ پی می‌برد که زبان و ادبیات فارسی با زبان و ادبیات عربی پیوندی ژرف دارد. هدف این درس، در اصل این است که فراگیر متوجه ارتباط میان دو زبان فارسی و عربی شود. مطابق اصل ۱۶ قانون اساسی یکی از اهداف آموزش عربی کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی است.

دو اثر هنری به کار رفته در درس «نقّاشی خط» نام دارند.

پس از پایان متن درس، به روال دروس پیشین درک مطلب طرّاحی شده است که باید درستی، یا نادرستی هر عبارت با توجه به متن درس طرّاحی شود.

۱- پیام متن اول و دوم درس دوستی و عشق به محبوب و ارزش آن است.

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

إِنَّ اللَّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لَعُذَةُ الْقُرْآنِ وَالْأَحَادِيثِ وَالْأَدْعِيَّةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ
وَأَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَبْيَانًا مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ سَمَّوْهَا بِالْمَلْمَعِ؛ لِكَثِيرٍ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ
مُلَمَّعَاتٌ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ وَ جَلَّالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ
بِالْمَوْلَوِيِّ.

آرایه تلمیع در ادبیات فارسی

زبان عربی زبان قرآن، احادیث و دعاهاست که شاعران ایرانی از آن استفاده کرده‌اند
و برخی از آنان ابیاتی آمیخته به عربی سروده‌اند که آن را ملّمع نامیده‌اند؛ بسیاری از
شاعران ایرانی ملّمعات دارند، از آن جمله حافظ شیرازی، سعدی شیرازی و جلال‌الدین
رومی معروف به مولوی.

مُلَمَّعُ حَافِظِ الشِّيرَازِيِّ لِسَانِ الْعَيْبِ

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
... من روزگار را از دوری تو همچون قیامت دیدم. یا ...
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
... آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟
هر چند کازمودم از وی نبود سودم
... هرکس آزموده را بیازماید پشیمان می‌شود.
پرسیدم از طیبی احوالِ دوست گفتم
... در دوری‌اش عذاب و در نزدیکی‌اش سلامت هست.
گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم
... به خدا عشقی را بدون سرزنش ندیده‌ایم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
... تا جامی از بزرگواری را از آن بچشد.



سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْبًا تَهِيمٌ فِي الْفَلَوَاتِ تو قدرِ آبِ چه دانی که در کنارِ فُرَاتی
از آب‌انبارها دربارهٔ سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس ... (الْمَصَانِعُ آب‌انبارهایی بودند که مزهٔ
گواری نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.)

شبم به روی تو روزست و دیده‌ام به تو روشن وَ إِن هَجَرْتَ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ عَدَاتِي
... و اگر [از من] جدایی‌گزینی (جدا شوی) شب و روزم برابر می‌شود.

اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي
... زمان گذشت و دلم می‌گوید قطعاً تو می‌آیی.

من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم اگر گلی به حقیقت عَجِينِ آبِ حَيَاتِي
شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد وَ قَدْ نَفَقْتُشْ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ
... و گاهی چشمهٔ زندگی در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود.

فَكَمْ تَمَرَّرُ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهِيدٍ جواب تلخِ بدیع است از آن دهانِ نباتی
چه بسیار زندگی‌ام را تلخ می‌کنی در حالی که حاملِ عسل هستی! ...

نه پنج‌روزهٔ عمرست عشق روی تو ما را وَ جَدَّتْ رَائِحَةُ الْوُدِّ إِذْ شَمَمْتَ رُفَاتِي
... اگر خاکِ قبرم (استخوانِ پوسیده‌ام) را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی
هر بانمکی را همان‌گونه که دوست داری و می‌پسندی وصف کردم. ...

أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَعِيثُ وَ أَدْنُو که هم کمند بلایی و هم کلیدِ نجاتی
از تو می‌ترسم و به تو امید دارم و از تو کمک می‌خواهم و به تو نزدیک می‌شوم. ...

ز چشمِ دوست فتادم به کامهٔ دل دشمن أَحَبَّتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عَدَاتِي
... یارانم از من جدایی‌گزیدند همان‌طور که دشمنانم می‌خواهند.

فراق‌نامهٔ سعدی عجب که در تو نگیرد وَ إِن شَكَّوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ
... و اگر به پرندگان شکایت برم در لانه‌هایشان با صدای بلند بگریند و شیون کنند.

اعلموا

هدف قواعد این درس آشنایی با اسم فاعل و اسم مفعول به دو شکل ناظر، منظور و مُنتظر، مُنتظر است. اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید در رشته‌های غیر انسانی و معارف نیاز به ذکر ندارد. طرح این قواعد از آنجاکه در زبان فارسی بسیار کاربرد دارد ارزش فراوانی دارد. ساختن این مشتقات مدّ نظر نیست. فقط شناختن آنها و درست معنا کردن هدف است. در زبان فارسی این سه مشتق پربسامد هستند؛ لذا آموزش آن چندان دشوار نیست.

الجوارات

خرید سیم‌کارت در سفرهای زیارتی نیاز بسیاری از زائران است. این مکالمه نحوه صحیح گفت‌وگو را آموزش می‌دهد.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف این تمرین، تقویت توانایی درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. حلّ همه تمرینات بر عهده دانش‌آموز است و معلّم فقط نظارت می‌کند. هدف تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید با توجه به متن درس درستی، یا نادرستی عبارت‌ها را معلوم کند.

طراحی این تمرین عمده‌اً ساده صورت گرفته است، شایسته است در امتحان نیز این تسهیل صورت بگیرد.

تمرین دوم تا پنجم: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. تمرین سوم افزون بر جنبه واژه‌شناسی ناظر به قواعد درس نیز می‌باشد.

در تمرین پنجم هر جمله علاوه بر اینکه خوانده می‌شود، خواهی نخواهی باید ترجمه نیز شود، هرچند در صورت سؤال ترجمه خواسته نشده است؛ برای اینکه دانش‌آموز بتواند هر کلمه را در جای خالی مناسب قرار دهد، ناگزیر است که معنای عبارت را درک کند. طرح سؤال از این تمرین در امتحانات نیز مناسب است.

تمرین ششم: هدف تثبیت آموخته‌های درس در زمینه قواعد است. گزینش احادیث نشانگر هدف اصلی آموزش عربی در ایران است. سخنان برگزیده می‌تواند در باور و نگرش دانش‌آموز تغییر حاصل کند.

تمرین هفتم، هشتم و نهم: هدف تقویت قدرت ترجمه انواع فعل است. این تمرینات برای تقویت شناخت و ترجمه فعل طرّاحی شده است. در امتحان لازم است که ترجمه فعل در داخل جمله خواسته شود. مشابه این تمرینات در کتاب بسیار تکرار شده است و این یکی از امتیازات حُسن تألیف کتاب است. ارزش یادگیری فعل در هر زبانی از جمله عربی بسیار بالاست و در حقیقت مهم‌ترین مبحث در آموزش هر زبانی فعل است.

تمرین نهم: هدف تشخیص نقش کلمات است؛ مثلاً در آیه

﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾

کافی است دانش‌آموز پاسخ دهد کلمه «مَنْ» فاعل است و نیازی نیست بگوید فاعل و محلاً مرفوع است.

یا در مورد کلمه «الغیب» کافی است بگوید مفعول است و ذکر اینکه مفعول به و منصوب به فتحه است از اهداف کتاب‌های غیر انسانی و معارف نیست.

أنوار القرآن، ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

توصیه‌هایی که در دروس پیشین نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد.

البحث العلمي

موضوع پژوهش درس هشتم آرایه ادبی تلمیح است.

المُعْجَم

تمام واژگان سه سال گذشته در کنار واژگان پایه دهم در انتهای کتاب ذکر شده است. از آنجا که نقش اصلی ترجمه متون و عبارات برعهده دانش‌آموز است، بنابراین،

لغت‌نامهٔ پایان کتاب کامل است تا از این نظر مشکلی برای دانش‌آموز پیش نیاید. نظر به اهمیت فعل در یادگیری هر زبانی تمام فعل‌ها با رنگ قرمز متمایز شده‌اند. این بخش از کتاب برای تدریس نیست.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ تلمیع در لغت، یعنی درخشان کردن. مُلَمَّع یا تَلَمِّع یا دوزبانگی یکی از آرایه‌های ادبی در علم بدیع است. مَلَمَّع در اصل به معنای اسب و جز آن است که پوست بدنش دارای لکه‌ها و خال‌هایی غیر از رنگ اصلی باشد.

تلمیع آن است که یک شعر یا سروده در دو زبان یا گاه بیشتر سروده شده باشد. به شعری که به این روش سروده شده باشد شعر مُلَمَّع گفته می‌شود.

روش سخنوران در بهره‌گیری از این آرایهٔ ادبی این است که پاره‌ای یا بیتی از شعر را به زبانی دیگر می‌سرایند. در ادبیات فارسی این زبان دیگر، بیشتر عربی بوده است. نمونه‌ای از این آرایه با بیش از دو زبان، «سه‌گانه‌های» سعدی است که در آنها بیتی به عربی، بیتی به فارسی و بیتی دیگر به گویش بومی شیرازی سروده شده است.

۲ رَكْب: جمع اَرْكَب و رُكُوب: شترسواران یا اسب‌سواران، این واژه اسم جمع است و گفته‌اند جمع است.

۳ «قَدْ» حرف است که اختصاص به فعل داده می‌شود به شرط اینکه فعل متصرف، خبری و مثبت و خالی از عامل جزم و نصب باشد. این حرف از فعل جدا نمی‌شود، مگر با قسم که میان آن و فعل فاصله می‌افتد و مضمون آن را تأکید می‌کند. عبارت «قَدْ لَا يَفْعَلُ»: صحیح نیست، صحیح آن «رُبَّمَا لَا يَفْعَلُ»، یا «لَنْ يَفْعَلَ» است؛ گاهی «قَدْ» با فعل مضارع معنای توقع دارد؛ مانند: «قَدْ يَقُومُ الغَائِبُ الْيَوْمَ» و نیز به معنای تقلیل می‌آید؛ مانند: «قَدْ يَصْدُقُ الكذوبُ»؛ یعنی دروغگو کمتر راست می‌گوید و گاهی به معنای تحقیق با فعل ماضی می‌آید؛ مانند: «قَدْ افْلَحَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ» و گاهی برای وصل گذشته به حال می‌آید؛ مانند: «قَدْ قَامَ فُلَانٌ» و گاهی معنای بسیار را با فعل مضارع می‌دهد؛ مانند: «قَدْ أَشْهَدُ

الْعَارَةَ الشَّعْوَاءَ تَحْمَلْنِي»؛ یعنی چه بسیار حمله‌های سخت را می‌بینم.

پاسخ پرسش‌های دبیران

مواردی دربارهٔ جواز مذکر و مؤنث آمدن فعل

۱ کقولك: قام رجال، وقامت رجال. و جاءت الفواطم، و جاء الفواطم ... و الأفضل التذكير مع المذكر، و التأنيث مع المؤنث، إلا أن يفصل بينهما بفواصل فحينئذ يكون التأنيث أفضل.

۲ أن يكون الفاعل مؤنثاً حقيقياً مفصلاً بينه، و بين فعله بفواصل، غير (إلا)؛ كقولك: حضرت المجلس امرأة، و حضر المجلس امرأة ... و التأنيث أفصح. فإن كان الفاصل (إلا)، و جب تذكير الفعل؛ كقولك: ما قام إلا فاطمة.

۳ أن يكون الفاعل مؤنثاً مجازياً ظاهراً. أي: ليس بضمير؛ كقولك: طلعت الشمس، و طلع الشمس ... و التأنيث أفصح.

۴ أن يكون الفاعل مؤنثاً ظاهراً، والفعل (نعم)، أو (بئس)، أو (ساء) التي للذم؛ كقولك: نعمت هند، و نعم هند. و بئست هند، و بئس هند. و ساءت هند، و ساء هند .. و التذكير في ذلك كله أجود.

۵ أن يكون الفاعل ضميراً منفصلاً لمؤنث؛ كقولك: إنما قام هي، و إنما قامت هي. و الأحسن ترك التأنيث.

۶ أن يكون الفاعل مذكراً مجموعاً بالألف والتاء؛ كقولك: قام الطلحات، و قامت الطلحات ... و التذكير أحسن.

۷ أن يكون الفاعل ضميراً يعود إلى جمع تكسير لمذكر عاقل؛ كقولك: الرجال جاؤوا، و الرجال جاءت .. و التذكير بضمير الجمع العاقل أفصح.

۸ أن يكون الفاعل ملحقاً بجمع المذكر السالم؛ كقولك:

قام بنو فلان، و قامت بنو فلان. و من الثاني قوله تعالى:

﴿قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ﴾ يونس، ٩٠

۹ أن يكون الفاعل اسم جنس جمعِيّ، أو اسم جمع. فالأول كقولك: قال، و قالت العرب، أو الروم، أو الفُرس، أو التُّرك. وأورق الشجر، و أورقت الشجر ... و الثاني كقولك: جاء، و جاءت النسوة، أو النساء، أو القوم، أو الرهط، أو الإبل. و على الثاني جاء قوله تعالى:

﴿ وَ قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ ﴾ يوسف، ۳۰ ...

فإن تقدم الفاعل على الفعل، و جب تأنيث الفعل؛ كما في قوله تعالى:

﴿ مَا بَالَ النَّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ ﴾ يوسف، ۵۰

نقد و بررسی نحو سنتی و نحو جدید

پيچیدگی‌های نحو و آرای گوناگون نحویان از نخستین سده‌های انتشار زبان عربی، آموزش نحو را با دشواری‌هایی روبه‌رو ساخته است؛ به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران با طراحي الگوهای نو و تأليف آثار نوین، تلاش کرده‌اند مشکلات آن را برطرف کنند، یکی از این آثار، کتاب «احياء النحو» است که در سال ۱۹۳۷ به دست ابراهيم مصطفی در مصر نوشته شد. با انتشار کتاب در آغاز جنجالی به پا ساخت و مورد نقدِ موافقان و مخالفان قرار گرفت. در سال ۱۹۳۸ وزارت فرهنگ مصر به مشاورت طه حسين و گروهی از زبان‌شناسان انجمنی تشکیل داد تا آسان‌سازی نحو و آرای ابراهيم مصطفی مورد بررسی قرار گیرد، پس از اینکه انجمن، آرای ابراهيم مصطفی یعنی کتاب احياء النحو را تصدیق نمود، وزارت در صددِ تعميم و توزيع آن در بين کشورهای عربی برآمد تا در این باره از نظر علمای نحوی آن دیار آگاه گردد. دولت عراق، نقد و بررسی این طرح را به شیخ محمدجواد جزائری سپرد، ولی گرایش‌های حوزوی جزائری به نحوِ قدیم، موجب شد تا طرح جدید را تماماً به دیدهٔ عیب و نقص بنگرد و به دلایل مختلف در برابر هریک از بندهای آن جواب ردّی ارائه کند و در نتیجه نحوِ قدیم را بر نحو جدید ترجیح دهد. در حال حاضر بسیاری از بزرگان صرف و نحو در جهان اسلام خواستار آسان‌سازی و اصلاح در ارائهٔ مباحث دستور زبان عربی شده‌اند.

چهل حدیث با
ترجمه شعری از
حضرت علی علیه السلام

برای کار در کلاس (تمرین روان‌خوانی و ترجمهٔ احادیث و پیوند با ادبیات فارسی)

۱ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْسَنُ إِلَى الْمُسِيِّ تَسُدُّهُ. (تَسُدُّهُ)

هر که بد کرد با خود کرد تو نکویی کن و از آن بگذر
نیکویی کن به بد کنندهٔ خویش کز نکویی شوی بر او مهم‌تر

۲ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

ادب آموز و مال را بگذار زینت مرد باشد از ادبش
نزد ارباب دین و دانش هست ادب مرد بهتر از ذهبش

۳ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِخْوَانُ هَذَا الزَّمَانِ جَوَاسِيسُ الْعُيُوبِ.

دوست مشمار آن جماعت را که به تو یار و آشنا باشند.
دوستان و برادران زمان جمله جاسوس عیب‌ها باشند.

۴ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَشَّرَ نَفْسَكَ بِالظَّفَرِ بَعْدَ الصَّبْرِ.

در همه کار صبر باید کرد که بود صبر از همه بهتر
مژده ده نفس خویش را آخر که پس از صبر می‌رسی به ظفر

۵ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ يَكْفِيكَ.

تکیه بر کار روزگار مکن تا نسازد ز عمر بیزارت
رو توکل به حضرت حق کن تا کفایت کند همه کارت



۶ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَأْكِيدُ الْمَوَدَّةِ فِي الْحُرْمَةِ.

با همه مردان به حرمت باش
حرمت دوست را نگه می‌دار
تا بدارند جمله حرمت تو
تا مؤکد شود محبت تو

۷ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَبَاتُ الْمَلِكِ بِالْعَدْلِ.

ملک اگر بایدت عدالت کن
ملک ویران شود ز بی عدلی
هست وابسته ذات ملک به عدل
بود آری ثبات ملک به عدل

۸ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَوَابُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ مِنْ نَعِيمِ الدُّنْيَا.

در جهان کار آخرت می‌کن
زان که باشد ثواب آن دنیوی
بایدت گر ثواب روز جزا
بهتر از جمله نعمت دنیا

۹ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَمَالُ الْمَرْءِ فِي الْحِلْمِ.

بردباری خوش است مردم را
خواری آمد نتیجه سبکی
کارها را مدار بر حلب است
زینت و زیب مرد در حلب است

۱۰ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَلِيسُ السُّوءِ شَيْطَانٌ.

در جهان همنشین نیک طلب
دور از همنشین بد می‌باش
بهره ور شو ز صحبت نیکان
که بود همنشین بد شیطان

۱۱ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَلِيُّ الرَّجَالِ الْأَدَبِ.

به حلی ادب محلی شو
سرور اولیا چنین فرمود
از لباس ادب مشو عریان
که ادب هست زیور مردان

۱۲ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حُرْمَ الْوَفَاءِ عَلَى مَنْ لَا أَضْلَ لَهُ.

در وفا اصل را بسی دخل است بشنو این را که دارد اصل تمام
هر که بد اصل و بد نهاد بود هست بر وی وفای اصل حرام

۱۳ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَفِيَ اللَّهُ تَأْمَنُ مِنْ غَيْرِهِ.

هر که او از خدای می ترسد می نترسد ز کافر و مؤمن
از خداوند ذو الجلال بترس تا از غیر خدا شوی ایمن

۱۴ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَيْرُ الْأَصْحَابِ مَنْ يَدُلُّكَ عَلَى الْخَيْرِ.

ببر از دوستان بی ایمان که تو را می برند جانب دیر
بهترین مصاحبان آن است که دلالت کند تو را بر خیر

۱۵ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَالَفَ نَفْسَكَ تَسْرَحُ.

تابع نفس هر که شد به یقین می کشد در جهان بسی محنت
کار جز بر خلاف نفس مکن تا بیایی فراغت و راحت

۱۶ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَلِيلُ الْمَرْءِ دَلِيلُ عَقْلِهِ.

خرد و عقل هر کسی به جهان شود از دوستار او معلوم
یار نیکو گزین که می گردد عقل هر کس زیار او معلوم

۱۷ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَوَاءُ الْقَلْبِ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ.

هر که دارد ز دهر درد دلی چاره اش صبر و انقیاد و رضاست
سخن مرتضی علی این است درد دل را دوا، رضا به قضاست

۱۸ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَارِ مَنْ جَفَاكَ تَخْجِيلًا.

تا توانی به کس جفا نکنی
 کز جفا نیست جز جفا حاصل
 با جفا کار خود مدارا کن
 تا شود از جفای خویش خجل

۱۹ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ، وَ أَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ.

تا توانی دلا به طاعت کوش
 طاعت کردگار مغتتم است
 يك گنه مرد را بود بسیار
 طاعت ار باشدش هزار کم است

۲۰ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رُؤْيَةُ الْحَبِيبِ جَلَاءُ الْعَيْنِ.

چون ز نادیدن رخ یار است
 موجب ضعف و بی‌جلایی چشم
 از رخش دیده بر مدار که هست
 دیدن دوست روشنایی چشم

۲۱ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَبَهُ الْعِلْمُ أَعْلَى الرَّتَبِ.

صاحب علم راست مرتبه‌ای
 که به تعریف می‌نیاید راست
 رتبه علم را شه مردان
 گفت بالاترین مرتبه‌هاست

۲۲ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ زِيَارَةُ الْحَبِيبِ إِطْرَاءُ الْمَحَبَّةِ.

پرستش دوستان کند همه وقت
 هر که او قدر دوستان داند
 رفتن دوستان به دیدن دوست
 دوستی را زیاده گرداند

۲۳ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ.

باطن خویش را مزین ساز
 ظاهر خود چه می‌کنی ظاهر
 زینت باطن از سر تحقیق
 بهتر از زیب و زینت ظاهر

۲۴ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سِيرَةَ الْمَرْءِ تُنْبِئُ عَنْ سَرِيرَتِهِ.

آنچه در باطن کسی مخفیست زود ظاهر شود ز سیرت او
چون خبر می‌دهد به قول امیر سیرت مرد از سیرت او

۲۵ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرَطُ الْأَلْفَةِ تَرْكُ الْكُلْفَةِ.

گر تو را میل الفت است به کس تابعش باش تا شود الفت
بگذر از کلفت گذشته که هست شرط الفت گذشتن از کلفت

۲۶ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صُمْتُ الْجَاهِلِ سِتْرُهُ.

جاهلان را خموش باید بود تا نگردد عیوبشان ظاهر
خامشی در زمانه جاهل را پوشش عیب او شود آخر

۲۷ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبِ الْأَخْيَارِ، تَأْمَنُ مِنَ الْأَشْرَارِ.

هر که خواهد در امان باشد نیکوان را کند مُصاحب و یار
با کسان نکو مصاحب شو تا شوی ایمن از همه اشرار

۲۸ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضِيَاءُ الْقَلْبِ مِنْ أَكْلِ الْحَلَالِ.

گر تو روشندلی حرام مخور باشد از خوردن حرام، وبال
دائماً لقمه حلال طلب هست روشندلی ز اکل حلال

۲۹ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَالَ عُمْرٌ مَنْ قَصَرَ تَعَبُهُ.

در زمانه چه عمر خواهد داشت؟ بر دل آن را که صد علم باشد
عمر آن کس دراز خواهد بود که و را رنج و غصه کم باشد

۳۰ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَاعَةُ الْعَدُوِّ هَلَاكٌ.

هر که فرمان خصم خویش برد
آدمی را اطاعت دشمن

حال او در جهان چه سان باشد
بی تکلف هلاک جان باشد

۳۱ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ظِلُّ عُمَرِ الظَّالِمِ قَصِيرٌ.

ظِلُّ ظالِمِ بسی نخواهد بود
سایه اش را مکن پناه که هست

ور بود خود به جای ظلّ الله
پایه عمر ظالمان کوتاه

۳۲ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَسْرُ الْمَرْءِ مَقْدَمَةُ الْيُسْرِ.

هر که را حال او پریشان است
مرد را در جهان پر غم و درد

رفع خواهد شد آن پریشانی
بعد دشواری است آسانی

۳۳ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَدْرَكَ مَنْ دَلَّكَ عَلَى الْإِسَاءَةِ.

از فریب کسان مشو غافل
می فریبد تو را یقین آن کس

گر تو مرد بهوش و با خردی
که دلالت همی کند به بدی

۳۴ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِطْنَةُ الْمَرْءِ يَدُّ عَلَى أَضْلِهِ.

هرکه را نیست طبع و ذات و خرد
مرد را زیرکی و خوش طبعی

هست گویا قصور در قصرش
شاهد است و دلیل بر اصلش

۳۵ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَوْلُ الْمَرْءِ يُخْبِرُ عَمَّا فِي قَلْبِهِ.

می توان فهم کرد در انسان
زان که قول و حدیث هر مردی

از بد و نیک آنچه حاصل اوست
هست مْخبر از آنچه در دل اوست

۳۶ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْنُ الْكَلَامِ قَيْدُ الْقُلُوبِ.

تا توانی سخن درشت مگو
تا نمایی به چشم مردم خوب
سخن نرم گو با مردم
سخن نرم هست قید قلوب

۳۷ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَوَّرَ قَبْرَكَ بِالصَّلَاةِ فِي الظُّلَمِ.

تا به کی خفته‌ای؟ شبی برخیز
از گناهان خویشتن یاد آر
قبر خود را ز نور روشن ساز
به نماز و نیاز در شب تار

۳۸ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيْلٌ لِمَنْ سَاءَ خُلُقُهُ وَ قَبِيحَ خَلْقُهُ.

خلق نیکو و خلقت نیکو
ز آتش آن جهان کند دورت
وای آن کس که در جهان بودش
بدی خُلق و زشتی صورت

۳۹ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَيْهَاتَ مِنْ نَصِيحَةِ الْعَدُوِّ.

نیک‌خواهی نیاید از اعدا
بشنو این نکته را به وجه حسن
دشمنت گر نصیحتی بکند
دور باش از نصیحت دشمن

۴۰ وَ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا تُبَيْكُ مَا قَدَّرَ لَكَ.

کرم و لطف حضرت حق بین
که نگیرد تو را به تقصیرت
به تو خواهد رسید آخر کار
آنچه حق کرده است تقدیرت

معرفی منابع تخصصی زبان و ادبیات عربی

۱- آموزش زبان عربی				
ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	تعلیم اللغة العامیة	حبیب تقوایی	مشعر - قم	۱۳۹۳
۲	دانشنامه نام‌ها و واژه‌ها	عادل اشکبوس	مدرسه (برهان) در دست چاپ	۱۳۹۵
۳	آموزش زبان عربی از راه بازی و سرگرمی	قاسم کریمی	مدرسه (برهان)	۱۳۸۰
۴	مثل‌های رایج در زبان عربی	هادی صاحبی	مدرسه (برهان)	۱۳۸۱
۵	مضامین مشترک در فارسی و عربی	سیدمحمد دامادی	دانشگاه تهران	۱۳۷۹
۶	اللغة العربية الحديثة	محمدعلی آذرشب	سمت	۱۳۷۶
۷	الفوائد (دانستنی‌های عربی)	عادل اشکبوس	مؤسسه توسعه روستایی	۱۳۸۷
۸	الأيام	طه حسین	دار المعارف مصر	
۹	قرائت مطبوعات و استفاده از رادیو و تلویزیون	حامد صدقی	پیام نور	
۱۰	روزنامه و مجلات	رضا ناظمیان	پیام نور	۱۳۸۶
۱۱	المصطلحات المتداولة في الصحافة العربية	محمدرضا عزیزی‌پور	سمت	۱۳۸۲
۱۲	کتابة الرسائل باللغة العربية و فن التلخیص	سید فضل الله میرقادی	سمت	۱۳۸۵

۲- صرف و نحو				
ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	النحو الوافی (۴ جلد)	عبّاس حسن	دار المعارف مصر	۱۹۱۶
۲	صرف و نحو کاربردی	اباذر عباچی	زوّار	۱۳۸۷
۳	صرف و نحو مصوّر	عادل اشکبوس	مشعر - قم	۱۳۹۱
۴	ترجمه و توضیح الفیه	اباذر عباچی و علی چراغی	پایا	۱۳۷۶
۵	اعداد در زبان عربی	عادل اشکبوس	مدرسه (برهان)	۱۳۸۱
۶	صحيح و معتل	عادل اشکبوس	مدرسه (برهان)	۱۳۸۱
۷	اعراب و بناء	حبیب تقوایی	مدرسه (برهان)	۱۳۸۲
۸	مذکر و مؤنث	مهدی ستاریان	مدرسه (برهان)	۱۳۸۴
۹	ضمیر و کاربرد آن	مهرعلی کاظمی نیا	مدرسه (برهان)	۱۳۸۷
۱۰	انواع مفاعیل	فربیا صادقی مرشد	مدرسه (برهان)	۱۳۸۹
۱۱	حال و تمییز	هادی اخلاقی	مدرسه (برهان)	۱۳۹۱
۱۲	مبادئ العربية (۴ جلد)	رشید شرتونی	اساطیر	۱۳۷۱
۱۳	جامع الدروس العربية	مصطفی غلابینی	ناصرخسرو	۱۳۶۲
۱۴	الجدید فی الصرف و النحو	سیّد ابراهیم دیباجی	سمت	۱۳۷۷
۱۵	القواعد الأساسية	سیّد احمد هاشمی	هجرت	۱۳۷۰
۱۶	النحو الواضح	علی الجارم و ...	الهام تهران	۱۳۷۷
۱۷	دروس دار العلوم العربية	سعید نجفی اسداللهی	گلشن	۱۳۷۱
۱۸	تحفه احمدیه شرح الفیه	احمد بهمنیار	مرتضوی تهران	۱۳۷۲
۱۹	الجدول فی إعراب قرآن و صرفه و بیانه	محمود صافی	مدین قم	۱۳۶۸
۲۰	اعراب القرآن الکریم	محمّد الدین درویش	کمال الملک	۱۴۲۸
۲۱	آموزش زبان عربی	آذرتاش آذرنوش	مرکز نشر دانشگاهی	۱۳۷۶

۱۳۷۱	آستان قدس رضوی	سید محمد رادمنش	نحو برای دانشجو	۲۲
۱۳۵۸	محمدی تهران	رضا روزبه و سیدکاظم موسوی	عربی آسان (۳ جلد)	۲۳
۱۳۶۴	ناصر خسرو	محمد محی الدین عبد الحمید	شرح ابن عقیل (۲ جلد)	۲۴
۱۳۸۴	اخلاق قم	سید هاشم حسینی تهرانی	علوم العربیة	۲۵
۱۳۸۳	فیروزآبادی قم	محمد محی الدین عبد الحمید	قطر الندی و بلّ الصدی ابن هشام	۲۶
۱۳۸۵	دانشگاه تهران	علی اکبر شهابی	اصول صرف و نحو	۲۷
۱۹۹۱	دار العلم للملایین / استقلال	امیل بدیع یعقوب	موسوعة الصرف و النحو و الإعراب	۲۸
۱۳۷۷	دانشگاه امام خمینی قزوین	مترجم عبدالعلی آل بویه لنگرودی	معجم قواعد اللغة العربیة ، انطوان دحداح	۲۹
۱۳۸۶	تأمین - قم	محمد رضا رضوانی خراسانی	اعراب قرآن کریم	۳۰
۱۳۷۰	مکتبه القیام - قم	عبدالغنی الدقر	معجم النحو	۳۱
۱۳۸۹	هخامنش - کرج	علی جان بزرگی	صرف و نحو	۳۲
۱۳۷۵	رهنمای اندیشه	صفا بخش شیرزاد	آموزش عربی آسان	۳۳
۱۳۸۰	مدرسه (برهان)	عیسی متقی زاده	راهنمای تجزیه و ترکیب	۳۴
۱۳۸۷	دانشگاه فردوسی	سید حسین سیدی	رویکرد زبان شناختی به نحو عربی	۳۵
۲۰۰۷	مکتبه لبنان ناشرون	جورج متری عبد المسیح	معجم تصریف الأفعال العربیة	۳۶
	دارالکوخ للطباعة والنشر	ابن هشام الانصاری صاحب کتاب مغنی اللیب	شرح شذور الذهب فی معرفة کلام العرب	۳۷
۱۳۹۵	انتشارات نظری	مینا جیگاره	شرحی مختصر بر صرف و نحو منظوم (سید حسین کهنمویی)	۳۸
۱۳۹۵	انتشارات نظری	فاضل صاح سارابی ترجمه: مینا جیگاره و زهرا فرید	الگوهای ساختاری و معانی آنها در زبان قرآن	۳۹
۱۳۹۵	انتشارات نظری	فاضل صاح سارابی ترجمه: مینا جیگاره	تفاوت‌های معنایی در نحو کاربردی	۴۰

۳- لغت نامه				
ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	المنجد في اللغة و الأعلام	لویس معلوف	اسماعیلیان	
۲	فرهنگ فارسی، عربی	عادل اشکبوس و صالح عامری	مدرسه (برهان)	۱۳۸۹
۳	فرهنگ معاصر عربی، فارسی	آذرتاش آذرنوش	نی	۱۳۸۱
۴	فرهنگ لاروس عربی، فارسی	سید حمید طیبیان	امیرکبیر	۱۳۶۳
۵	المعجم الوسیط عربی، عربی	ابراهیم مصطفی و ...	المکتبة الإسلامية	۲۰۰۲
۶	الوجیز للمترجم عربی، فارسی و بالعکس	محمد حیدری	تبلیغات اسلامی قم	۱۳۷۱
۷	فرهنگ بزرگ جامع نوین ترجمه المنجد	احمد سیاح	اسلام	
۸	فرهنگ فرزانه فارسی، عربی	سید حمید طیبیان	فرزان	۱۳۷۸
۹	فرهنگ اصطلاحات معاصر	نجفقلی میرزایی	فرهنگ معاصر	
۱۰	القاموس الشامل فارسی، عربی	محمد حسن بوذرجمهر	نوفل لبنان	۲۰۰۲
۱۱	فرهنگ اصطلاحات روز	غفرانی و شیرازی	امیرکبیر	۱۳۶۴
۱۲	القاموس المبسط	سهیل سماحة	مکتبة سمیر	۲۰۰۷
۱۳	المصطلحات المتداولة في الصحافة العربية	محمد رضا عزیز پور	سمت	۱۳۹۰
۱۴	فرهنگ دانش آموزی عربی به فارسی	اباذر عباچی و علی چراغی	استادی	
۱۵	فرهنگ معاصر عربی فارسی	عبدالنبی قیّم	فرهنگ معاصر	۱۳۸۴
۱۶	فرهنگ فارسی عربی	عنایت الله فاتحی نژاد	فرهنگ معاصر	
۱۷	فرهنگ نوین ترجمه القاموس العصری	إلیاس أنطوان إلیاس باهتّماس سیدمصطفی طباطبایی	اسلامیه	۱۳۷۰
۱۸	فرهنگ امثال و تعابیر عربی فارسی	رضا ناظمیان	فرهنگ معاصر	۱۳۹۳

۴- مکالمه

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	الحوارات (جلد ۴)	عادل اشکبوس، علی چراغی و...	مشعر - قم	۱۳۸۸
۲	المختبر (۱)	عادل اشکبوس، حبیب تقوایی و سید مهدی حسینی کمال آبادی	مشعر - قم	۱۳۹۳
۳	المدخل إلى تعلم اللغة العربية (جلد ۴)	محمد و علی حیدری	دفتر تبلیغات اسلامی، قم	۱۳۷۱
۴	مکالمه و محاضرة	ابراهیم فتح الهی	دانشگاه پیام نور	۱۳۸۳
۵	صدی الحیاة	مسعود فکری و ...	کانون زبان ایران	۱۳۸۴
۶	گفت و گو	ناصر علی عبدالله	مجمع علمی فرهنگی مجد	۱۳۸۳
۷	تعلیم اللغة العربية	حوزه علمیه قم	پیک فرهنگ	۱۳۸۴
۸	گفت و شنود عربی	سعید شیبانی	پایا	۱۳۸۴
۹	همراه شما در عراق	شاکر عامری و ...	شادرنگ	۱۳۸۶
۱۰	العربية للناشئين ۱۲ جلد	محمود اسماعیل صینی و...	مدین	۱۳۷۰
۱۱	مکالمه عربی ویژه سفرهای زیارتی	یحیی معروف	مشعر - قم	۱۳۸۷



۵- بلاغت				
ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	علوم البلاغة	اباذر عباچی	سمت	۱۳۷۷
۲	علم البيان	اباذر عباچی	سخن	۱۳۹۱
۳	گلچینی از جلوه‌های جمال در قرآن	علی چراغی	نسل نواندیش / برادری	۱۳۹۳
۴	جواهر البلاغة	سید احمد هاشمی		۱۳۶۵
۵	معالم البلاغة	محمد خلیل رجایی	دانشگاه شیراز	۱۳۷۲
۶	مختصر المعانی	سعدالدین تفتازانی	دار الفکر قم	۱۳۷۰
۷	اسرار البلاغة	عبدالقاهر جرجانی	دانشگاه تهران	۱۳۷۰
۸	تهذیب البلاغة	عبدالهادی الفضلی	المجمع العلمی الإسلامی	۱۳۶۴
۹	بداية البلاغة	سید ابراهیم دیباجی	سمت	۱۳۶۷
۱۰	معانی و بیان	جلیل تجلیل	مرکز نشر دانشگاهی	۱۳۷۴
۱۱	مختصر المعانی	صدرالدین تفتازانی	دارالفکر ایران قم	۱۳۸۸

۶- تاریخ ادبیات				
ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	تاریخ الأدب العربي	حنا الفاخوري	توس	
۲	الوجيز في تاريخ الأدب العربي	ابوالفضل رضایی و علی ضیغمی	جهاد دانشگاهی	
۷- متون				
ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	المجاني الحديثة	الأب شیخو	ذوی القربی، قم	
۲	شذرات من النصوص العربية ۴ جلد	نادر نظام طهرانی	دانشگاه علامه طباطبایی	۱۳۸۱
۳	ترجمه و شرح گزیده المجانی الحديثة	علی اکبر نورسیده و علی ضیغمی	فقهی. مشهد	۱۳۹۲
۴	ترجمه اشعار المجاني الحديثة	سیدمحمد موسوی بفرویی	دانشگاه سمنان	۱۳۹۱
۸- فنّ ترجمه				
ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	سال چاپ
۱	فنّ ترجمه	یحیی معروف	سمت	۱۳۸۱
۲	آیین ترجمه	منصوره زرکوب	مانی اصفهان	
۳	آموزش ترجمه عربی	حمیدرضا حیدری	فاطمی	۱۳۸۷
۴	فنّ ترجمه	رضا ناظمیان	دانشگاه پیام نور	۱۳۸۰
۵	ورشة التعريب	عدنان طهماسبی، علانقیزاده	دانشگاه تهران	۱۳۹۰
۶	درآمدی بر مبانی ترجمه فارسی به عربی و عربی به فارسی	عنایت الله فاتحی نژاد، سیدبابک فرزانه	مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آیه	۱۳۸۰

طرح پشت جلد

تصویر مرقد صحابی بزرگ اسلام سلمان فارسی سلام الله علیه و طاق کسرا زینت بخش پشت جلد کتاب درسی شده است.

مقام سلمان فارسی آن قدر بالاست که پیامبر اسلام ﷺ درباره ایشان فرمودند: سلمان منّا أهل البيت.

زادگاهش روستای جی در اصفهان و بنابر روایاتی، رامهرمز بوده است. مرقد سلمان فارسی سلام الله علیه نزدیک طاق کسراست.

سلمان فارسی پیش از تشرف به اسلام از زرتشتی، روزبه نام داشت. از صحابه ایرانی مشهور پیامبر اسلام ﷺ بود که حضرت محمد ﷺ او را از اهل بیت و سلمان محمدی خواند. او سالها در پی حقیقت به سرزمینهای گوناگون سفر کرد و در همین سفرها در سرزمینی به بردگی درآمد و سپس با کمک حضرت محمد ﷺ آزاد شد. سلمان فارسی حکیمی که خرد و دانشهای ایرانیان و مسیحیان را می دانست از مشاوران حضرت محمد ﷺ، از جمله طراح اصلی حفر خندق در جنگ خندق بود. در زمان حکومت خلیفه دوم و در سالهای پاپانی زندگی خود استاندار مدائن شد. با این حال، زنبیل می بافت و از دسترنج خویش روزی می خورد. سلمان فارسی، پس از عمری طولانی در سال ۳۶ هجری در شهر مدائن درگذشت. آرامگاه وی در مدائن به بقعه سلمان پاک مشهور است. سلمان روی کفن خود این شعر را نوشته بود:

وفدت علی الکریم بغیر زادٍ من الحسنات و القلب السلیم
و حمل الزادِ أقبح کُلِّ شیءٍ إذا کان الوفود علی الکریم

و بی هیچ توشه‌ای از نیکی‌ها و قلب سلیم بر [خدای] کریم در آمدم.
و توشه آوردن زشت‌ترین کار است هنگامی که بر کریم وارد شوی.

تصویر دوم طاق کسرا در نزدیکی مرقد سلمان است. طاق کسرا از آثار تاریخی ایران باستان است. بُحترّی شاعر نامدار سوری معروف به ستایش تمدن ایرانیان است. قصیده معروف او می‌تواند در تغییر نگرش افراد در تصوّر عرب از ایران تأثیرگذار باشد.

طاق کسری یا ایوان مدائن برجسته‌ترین یادگار ایران باستان روزگار ساسانیان، در تیسفون واقع در عراق کنونی است. این اثر باستانی در ۳۷ کیلومتری جنوب بغداد در کناره خاوری رود دجله است. طاق کسرا همچنین نزدیک به آرامگاه سلمان فارسی است.

این ویرانه که احتمالاً در زمان شاپور یکم در نیمه دوم سده سوم ساخته شده، نمونه‌ای از ایوان ساسانی است. ایوان آن قطر ۲۵ متر، بلندی ۳۰ متر و عمق نزدیک به ۵۰ متر دارد.

این بنا برای نمایش شکوه و توانمندی ایران ساخته شد تا سفیران ملت‌های دیگر را شیفته کند و به بیگانه هشدار دهد که این زنجیره توان شکستن هر پیکارجویی را دارد. ایوان، تنها یک شکاف حیرت‌انگیز نبود، در اصل آن را یک پرده سنگین زربفت می‌پوشاند که بلندای بسیار و فضای نقش‌های گوناگونش گویای دارایی فراوان بود.

ابوجعفر منصور خلیفه عباسی نخستین کسی بود که کوشید تا آن را ویران کند، ولی در این کار ناکام ماند. وی از مصالح آن برای بناهای شهر جدید بغداد بهره برد؛ اما از آنجا که در نظر وی حمل مصالح به بغداد از ارزش خود مصالح بیشتر شد از ادامه ویران‌سازی آن خودداری کرد.

ایوان مدائن یا طاق کسری دستمایه سروده‌های فراوانی در ادبیات پارسی به طور عمده با مضمون عبرت است که مشهورترین قصیده از خاقانی شروانی است.

بخشی از قصیده ایوان مدائن خاقانی شروانی:

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان ایوان مدائن را آینه عبرت دان
 معنای بیت: (آگاه باش، ای دل عبرت بیننده، از آنچه که می‌بینی عبرت‌ها بگیر، ایوان مداین را آینه عبرت بدان.)

یک ره ز ره دجله منزل به مدائن کن وز دیده دوم دجله بر خاک مدائن ران
 خود دجله چنان گرید صد دجله خون گویی کز گرمی خونابش آتش چکد از مژگان
 خاقانی ازین درگه، دریوزه عبرت کن تا از در تو زین پس، دریوزه کند خاقان
 معنای بیت: (ای خاقانی، از این درگاه عبرت‌گدایی کن (عبرت بگیر) تا از این پس، بزرگان نیز با دیدن این کاخ به جای مانده عبرت گیرند.)

خیام:

آن قصر که با چرخ همی زد پهلو بر درگه آن، شهان نهادندی رو
 دیدیم که بر کنگره‌اش فاخته‌ای بنشسته همی گفت که کوکوکو
 ملک الشعراى بهار:

عرصه ایوان کسری آشیان بوم شد دیرگاهی کشور از امن و امان محروم شد
 تا پس از چندی برون شد یزدگرد شهریار هم مر او را بخت بد، با تازیان انداخت کار
 انوری:

از آسمانه ایوان کسری اندر قدر تو را رفیع‌ترست آستانه درگاه
 زمان نیابد جز در عدم تو را بدگوی زمین ندارد جز در شکم تو را بدخواه